



انتشارات دانشگاه شیراز

۱۳۰

واژه‌نامه

شایسته‌شایسته

چاپ دوم با تجدیدنظر

تألیف

دکتر محمود طاهری

۱۳۷۲



Shiraz University Publication

130

A GLOSSARY OF
ŠĀYIST NĒ ŠĀYIST

A pahlavi - persian Glossary
and Six indexes

By

Mahmood Tavoossi

Second Edition

Nov. 1993

SHIRAZ, IRAN



۱۳۰

تاریخ کتابت

داردخانه

کتابخانه ملی
تهران

۱۳۷۲

۸	۰۲۵
۸	۹

11/10/19

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



انتشارات دانشگاه شیراز

۱۳۰

واژه نامه

شایسته شایسته

چاپ دوم با تجدیدنظر

تألیف

دکتر محمود طاهری



واژه نامه شایسته نشانیست

مؤلف: دکتر محمود طاووسی

حروفچینی و صفحه آرایی: هما افراسیابی

ناظر چاپ: محمود قنبرزاده

چاپ اول: تابستان ۱۳۶۵

چاپ دوم: پاییز ۱۳۷۲

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مرکز نشر دانشگاه شیراز

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

بها: ۳۵۰۰ ریال

حق چاپ برای مرکز نشر دانشگاه شیراز محفوظ است.

شورای انتشارات دانشگاه شیراز

دکتر جلال	جمالیان (معاون پژوهشی و رئیس شورای انتشارات)
دکتر فرید	مُر (رئیس مرکز نشر دانشگاه شیراز)
دکتر بهمن	خلد برین
دکتر حبیب الله	دادرس
دکتر نجفعلی	کریمیان
دکتر محمود	مشفقیان
دکتر علینقی	مصلح شیرازی

تقديم به استاد م جناب آفای دکتر ماهیار نوابی

م- طاووسی

فهرست مطالب کتاب

یک	پیشگفتار
ده	نشانه‌ها
یازده	کوتاه نوشت‌های فارسی
دوازده	کوتاه نوشت‌های خارجی
پانزده	منابع و مآخذ به زبان فارسی
هیجده تا بیست و چهار	منابع و مآخذ به زبانهای خارجی

متن واژه نامه

از ص ۱ تا	۳۴۲
د	۱ تا ۹۵
ر	۹۶ تا ۱۱۳
ز	۱۱۴ تا ۱۴۴
س	۱۴۵ تا ۱۵۴
ع	۱۵۵ تا ۱۶۱
ک	۱۶۲ تا ۱۷۱
و/و	۱۷۲ تا ۱۹۴
ط	۱۹۵ تا ۲۰۶
ه	۲۰۷ تا —
و	۲۰۸ تا ۲۲۰
ذ	۲۲۱ تا ۲۳۵
ځ	۲۳۶ تا ۲۵۵
ا	۲۵۶ تا ۲۹۱
د/و	۲۹۲ تا ۳۴۲
فهرست واژگان فارسی	۲۴۳ تا ۳۷۵

Index

2-44	فهرست واژه های پهلوی کتاب
45-52	فهرست واژه های فارسی میانه ترفانی
53-65	فهرست واژه های اوستایی
66-68	فهرست واژه های فارسی باستان
69-74	فهرست واژه های سنسکریت

به نام خدا پیشگفتار چاپ دوم

نسخه های چاپ اول این کتاب در سال گذشته پایان پذیرفت و چون واژه نامه دیگری در دسترس نبود که دانشجویان فرهنگ و زبانهای باستانی و دیگر دوستداران زبان فارسی از آن بهره جویند، در پی پیشنهاد آنان بر آن شدم که دوباره به چاپ دیگری از این کتاب روی آورم. دریغ آمدم که نادرستیهای حروفچینی و یا بازیافته های خود را در این چاپ نیاورم. همچنین نکاتی را که استاد و همکار ارجمندم جناب آقای دکتر علی اشرف صادقی، سر دبیر محترم مجله زبان شناسی، در شماره دوم، سال سوم (پاییز و زمستان ۱۳۶۵) آن نشریه ارزنده گوشزد کرده بودند، در این چاپ درست کردم. امید است که این فراهم آورده بی ارزش - اکنون که کتاب دیگری ازین دست در بازار نیست - برای دانش پژوهان و دانشجویان زبانهای کهن ایران سودمند افتد.

تشکر و سپاسگزاری از دوست دانشمند و همکار عزیزم جناب آقای دکتر مر، رئیس محترم مرکز نشر دانشگاه شیراز که دستور انجام کارهای این چاپ را دادند نیز بایسته ای است که بر عهده دارم.

پانزدهم مهر ماه ۱۳۷۲
شیراز - باغ نارنجستان
دکتر محمود طاووسی

بنام ایزد بخشایشگر

پیشگفتار

کتاب فارسی میانه که امروز با نام "شایست نه شایست" معروف شده، در اصل و چنانکه در دستنویسهای موجود از آن دیده می شود دارای این نام نیست و تنها در دستنویسی که با نشانه M (۱) معروف است کتاب چنین آغاز شده است :

rivāyat dar pahlavī az avistā ud zand.

یعنی . این کتاب روایت در پهلوی از اوستا و زند [است] . و نیز در آغاز فصل یازدهم همان دستنویس (که گروهی آن را جزو اصل کتاب نمی دانند و شرح آن در دنبال گفته خواهد شد) باز می خوانیم :

ēn rivāyat ast az avistā ud zand

و به سبب نقل قول ها و روایت هایی که از طرف موبدان بزرگ زردشتی در این کتاب شده، گروهی از دانشمندان اروپائی آن را "روایت پهلوی" می خوانند . (۲) لکن دستوران پارسی از سده پیش، این متن را شایست لا شایست، یا شایست نا شایست نامیده اند (۳) که این نام

-
1. The MS. 51 of the Iranian collection in the State Library at Munich.
 2. M. Hauge E. West: *Essays on the Sacred Language. Writings and Religion of the Parsis.* Bombay 1878. p. 106.
 3. *The Sacred Books of the East.* V. India 1965, p. 17.

با توجه به محتویات کتاب که معمولاً "در پاسخ سوالات گفته می‌شود که این کار شاید و آن یک شاید می‌تواند نامی گویا برای آن باشد.

کتاب دیگر که مشابه این متن است و به نام "صدر در نشر" نامیده می‌شود (۱) و به زبان فارسی است این چنین آغاز می‌شود. "این کتاب صد در شایست و نه شایست که از دین به مزدیستان بیرون آورده شده است" و Dhabhar ناشر کتاب، در مقدمه آن عقیده دارد (اگرچه نه بایقین) که این اشاره به همین متن (شایست نه شایست) و ترجمه گونه‌ای است به فارسی از آن. در هر صورت چون از صد سال پیش تا کنون این کتاب راجعاً از ایران شناسان و پژوهشگران زبان پهلوی و دین زردشتی، "شایست نا شایست" نامیده‌اند و به همین نام هم معرفی شده باید آن را پذیرفت.

در کتاب "زبان و ادبیات پهلوی، فارسی میانه (۲)، تاوادی نوشته است. این کتاب که به روایت معروف است... از نظر زبان بسیار عالی است و از نظر موضوع هم بسیار مهم است. متنی که اساس کار ما برای فراهم آوردن این واژه نامه قرار گرفته کتابی است که M.B. Davar با نام : Šāyast la Šāyast در سال ۱۹۱۲ در بمبئی از روی چند دستنویس موجود در کتابخانه‌های زرتشتیان هند فراهم آورده که کلاً "دارای ۲۳ فصل می‌باشد. لکن گروهی از محققین معتقدند که اصل کتاب فقط ۱۰ فصل است و ۱۳ فصل دنبال آن، متمم یا مکمل این کتاب بوده است، ۱۰ فصل اول کتاب رانخت پروفوروست در مجموعه کتابهای مقدس شرق (۳) به عنوان اصل کتاب ترجمه و آوانویسی و چاپ کرده است و بعد از وی، تاوادی (J.C. Tavādia) همان کار را به نحو کامل‌تری انجام داده است و سپس ۱۳ فصل بعدی را هم کوتوال (Firoz M.P. Kotwal) به چاپ رسانیده است (شرح هر یک بعداً می‌آید). ما در تنظیم این واژه نامه هر دو قسمت کتاب یعنی تمام ۲۳ فصل را که "دور" به چاپ رسانیده اساس کار قرار داده‌ایم.

1. B.N.Dhabhar, *Sad dar Nasr, Sad dar Bundaresh*, Bombay 1909.

۲- تاوادی، ج، زبان و ادبیات پهلوی، ترجمه س. نجم آبادی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۸، تهران ص ۲۵ - ۱۸.

3. *The Sacred Books of the East* Vol. V.

مطالب کتاب

این کتاب بیشتر درباره گناهان و کیفرهای هم‌ارز آن‌ها، نساوریمن (مردارو ناپاکی) روش برداشتن مردگان از زمین و دستورهای ویژه در این باره، پایه‌های گناه (براساس و با توجه به مطالب ویدوات)، سگ دید و مراسم آن، انواع سگ‌ها و پرندگانی که از آن‌ها در این آئین می‌توان استفاده کرد، ریمنی که از نسا باقی میماند و روش پاک‌سازی و تطهیر آن (بخش ۲ کتاب)، مراسم نشوه یا نه‌شبه، پاک‌نگاهداشتن آتش و جامه و آب و زمین از نسا، انواع آلودگی‌هایی که در اثر تماس مستقیم یا غیر مستقیم با نسا حاصل می‌شود، گناه کسانی که برخلاف شریعت، مرده را یک تنه حمل می‌کنند از نظر دستوران بزرگ زردشتی، زن‌دشتان و پرهیز از او و تکلیف وی در زمان دشتان (حیض) بودن، پاک‌شدن وی، همبستری با او و گناه و کیفر این کار و سرانجام آئین برش‌نوم و مراسم پیخک، ناپاک‌شدن حیوان لاشه‌خوار، تطهیر انواع فلزات و جامدات، رفع آلودگی آب، برسم، و گیاه و زمین، روش قربانی‌کردن و اینکه هر بخش از حیوان قربانی باید به نام‌ویاد چه ایزدی داده شود، تقسیم‌بندی گاهان و آغاز و انجام هر یک، مختصری در باره گاه‌شناسی و نجوم و بسیاری از باورهای غیردینی و دینی نیاکان زردشتی ما است که کم و بیش مقداری از آن‌ها هم اکنون در فرهنگ عامه و اعتقادات بومی جای‌جای این سرزمین دیده می‌شود، که چنانکه فهرست مطالب کتاب دقیقاً "نوشته شود خود چندین صفحه خواهد شد (امید است که در چاپ متن و ترجمه کتاب این کار انجام گیرد).

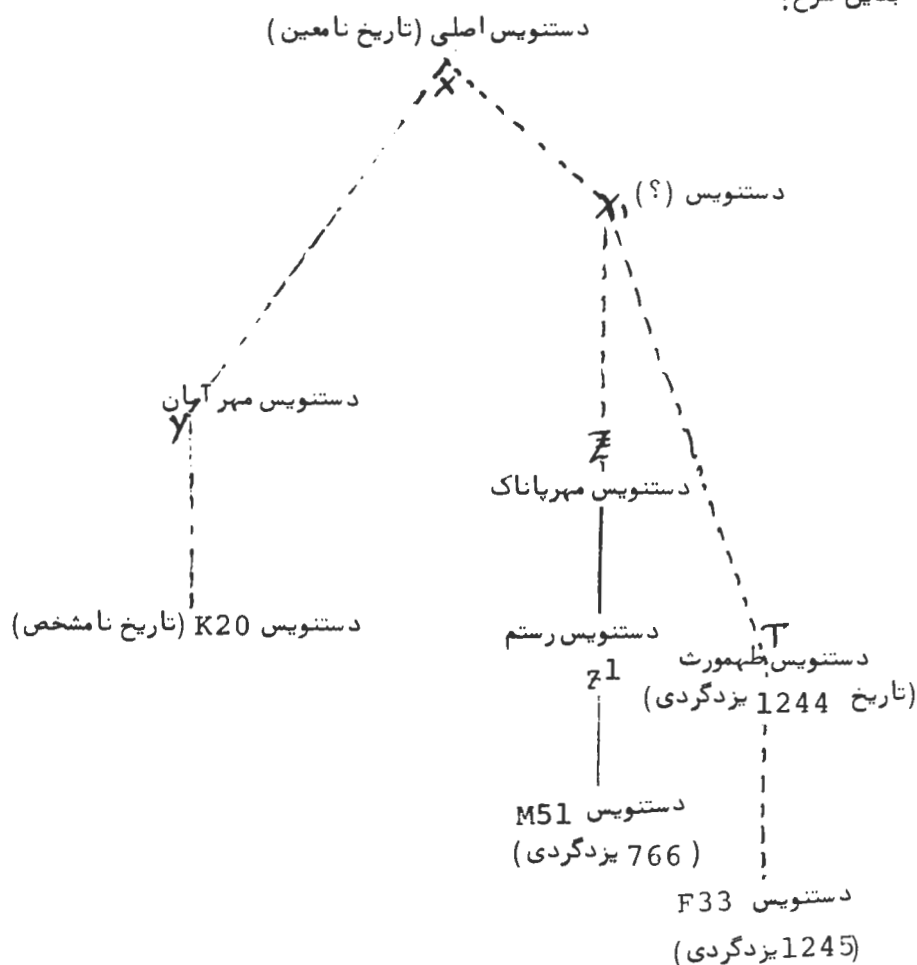
نویسنده کتاب و تاریخ نگارش آن

در هیچ یک از دست‌نویس‌های باقیمانده این کتاب نامی از نویسنده آن دیده نمی‌شود و تنها در بخش دوم بند ۴۴ نویسنده از خود با نام دبیر یاد می‌کند که نشان‌دهنده این است که کاتب (نویسنده) نیز خود کسی است که می‌تواند در امور شرعی و فقهی اظهار نظر کند و دیگر به صراحت نام خود را نمی‌برد.

تاریخ نگارش آن نیز روشن نیست. گنستان‌تین، اینوستران‌تسف نویسنده کتاب "تحقیقاتی در باره ساسانیان" تاریخ نگارش این کتاب را بین قرن هفتم تا نهم میلادی میداند. (۱)

۱- گنستان‌تین اینوستران‌تسف، تحقیقاتی در باره ساسانیان، ترجمه کاظم کاظم زاده -

گوتوال قدیمترین دستنویس این کتاب را که ظاهراً " از روی نسخه اصلی با چهار دستنویس فاصله نوشته شده و تاریخ دارد دستنویس M51 (۱) می‌داند که تاریخ ۷۶۶ یزدگردی را دارد ، بدین شرح :



و از آنجا که در متن کتاب نه به صراحت و نه به اشاره هیچ گفتگویی از اسلام نمی‌شود می‌توان احتمال داد که متن در دوران متاخر ساسانیان (پیش از اسلام) فراهم آمده باشد .

→ ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۱ تهران .

۱- نک . زیرنویس شماره ۱ ص ۱ ، این گفتار .

چاپ های کتاب

این متن با توجه به اهمیتی که از نظر باورهای کهن دارد، همواره مورد توجه دانشمندان زردشتی و ایران شناسان و پژوهشگران غیرزردشتی بوده است، چه افزون بر ارزش واژگانی کتاب که نوشته اند بین ده تا سیزده هزار و هشتصد واژه (۱) است در بردارنده، باورها و آئین ها و مراسم مذهبی گوناگونی است که پیش از ظهور دین مبین اسلام پدران ما به آن ایمان داشته اند و بدان رفتاری کرده اند، که هم از نظر مطالعه در روحیات و اعتقادات مردم ایران زمین یک هزار و چند صد سال پیش شایان توجه است و هم برای پژوهشگران در فرهنگ عامه و تاریخ فرهنگ ایران.

چاپهای کتاب به ترتیب تاریخ چاپ عبارتست از:

۱- چاپ پروفیسور وست در سال ۱۸۸۱ با نام: E.W.West: *Šāyast lā Šāyast. The Proper and Improper. An Old Pahlavi Rivayat.* که در بخش دوم کتاب پنجم از مجموعه کتابهای مقدس شرق: (Sacred books of the East. Vol. V) نخست در سال ۱۸۸۱ و سپس در دهلی به سال ۱۹۶۲ چاپ شده است.

پروفیسور وست آن را با توجه به ۷ دستنویس به انگلیسی ترجمه کرده است (نک. ص ۲۳۸ همان کتاب) لکن وی، متن یا آوانویسی از آن را به دست نداده و چنانچه بخواهیم بحثی انتقادی در باره آن در اینجا بکنیم به درازا می کشد، لکن جای مواردی از اشتباهات او را در این واژه نامه یاد کرده ایم.

۲- در سال ۱۹۱۲ داور متن پهلوی کتاب را با نام:

M.B.Davar: *ŠĀYAST LA ŠĀYAST*. Bombay 1912.

با توجه به دستنویس های موجود در هند و اروپا فراهم آورده و موارد اختلاف آن ها را در پانویس کتاب نشان داده، که اساس کار ما نیز کلاً "همین متن بوده است". کتاب مقدمه ندارد و نگارنده عکسی از این کتاب را از اروپا بوسیله استاد بزرگوارم آقای دکتر ماهیارنوبی دریافت داشته ام.

1. M.Hauge. *Essays on the Sacred language Writing & Religion of the Parsis.*

و و تفکیک صداها از یکدیگر در هنگام نوشتن واژه ها درواژه نامه بعداً" برای مراجعه کننده به کتاب تولید اشکال فراوان می کند و نیز چنانکه بین اغلب دانشمندان پهلوی دان رسم است روش کار دنبال هم آوردن واژگان تنها با شکل ظاهری هرنشانه (حرف) بدون توجه به صدای آنها می باشد، یعنی مثلاً " این واژه: 𐭠𐭣𐭥𐭩 = خ + ش + ت. xišt : خشت، پیش از این واژه 𐭠𐭣𐭥𐭩 : ه + ش + ت. hašt = هشت (۸) نوشته شده که در اینصورت تنها با توجه به شکل واژه، مراجعه کننده به کتاب به آسانی (تنها با توجه به شکل) میتواند واژه مورد نیاز را پیدا کند.

۳- پژوهشگران و آشنایان به خط و زبان پهلوی می دانند که این خط دارای دو نوع واژه است یکی واژه های اصلی (ایرانی) که آنچه نوشته می شود خوانده می شود مانند 𐭠𐭣 = ab : آب یا 𐭠𐭣𐭥𐭩 = āz : آ. ز. طمع. و دیگر واژه هایی که عاریتی به زبان پهلوی آمده و آنچه خوانده می شود جز آن است که نوشته شده مانند 𐭠𐭣𐭥𐭩 = nē : نه، خوانده می شود که این قبیل واژه ها را هزوارش می گویند. لذا برای مشخص شدن این قبیل واژگان (هزوارش ها) حرف نویسی: (transliteration) آن را با حروف بزرگ جلوهر واژه نوشته ایم (علاوه بر آنکه در جلوا این قبیل واژه ها نشانهء هز (هزوارش) آورده شده تا مراجعه کننده به آسانی این نوع واژه ها را بشناسد در حالیکه واژه های معمولی را تنها آوانویسی (transcription) کرده ایم مثلاً 𐭠𐭣𐭥𐭩 : hāduxt : که چون اغلب هر حرف در آوانویسی، مقابل نشانهای که درواژه به کار رفته است قرار میگیرد از حرف نویسی برای این قبیل واژه ها اجتناب کرده ایم.

۴- آنان که با خط پهلوی آشنایی دارند میدانند که گاهی در دنبال بعضی واژه ها یک (۱) زاید می آید و خوانده نمی شود مانند همان واژه بالا که گاهی ممکن است به شکل 𐭠𐭣𐭥𐭩𐭠𐭣 هم بیاید و این قبیل (۱) زاید، بویژه در دنبال هزوارش ها و مصدرهای افعال دیده می شود. ۵- از آنجاکه صورت ملفوظ واژه پهلوی در زمان نوشتن و کاربرد آن برای محققین امروز روشن نیست و زبان همواره در تحول بوده است و نوشتار واژه فقط صورت کتابت تاریخی آن را نشان می دهد نه صورت ملفوظ آن را، ناچار در آوانویسی، به متون فارسی میانه مانوی ترفانی توجه شده که در آن تقریباً "صورت ملفوظ واژه نوشته می شده و سپس صورت فارسی دری آن را (چنانچه امروز وجود داشته باشد) مقابلش نوشته ایم و گرنه معنی کنونی آن قید شده است. مثلاً " برای مورد اول: 𐭠𐭣𐭥𐭩𐭠𐭣 : $\text{x}^v\text{ēškarīh}$: خویشکاری، وظیفه شناسی. یا. 𐭠𐭣𐭥𐭩𐭠𐭣

:xēm: خیم، خوی، سرشت یا. 𐭮𐭥𐭥𐭥: anbān: انبان
و برای مورد دوم: 𐭮𐭥𐭥𐭥: hāmīn: تابستان یا: 𐭮𐭥𐭥𐭥: hūdāg:
مفید، سودمند.

۶- چنانچه واژه‌های در کتاب به صورتهای گوناگون آمده باشد تمام آن صورتهای در جای خود (در واژه نامه) آمده است.

۷- واژه‌هایی که یا به سبب دگرگونی به وسیله کاتب یا غلط نوشتن او و یا آب دیدگی متن و یا به هر صورت دیگر، دگرگون شده و به درست قابل خواندن نبوده و مشکوک بوده است عیناً "به همان شکل نوشته شده و در جای آن و انویسی آن یک نشانه؟ قرار داده شده و توضیحات بعد از آن آمده است.

۸- چنانچه فعلی که در کتاب بکاررفته باشد مصدر آن نیز مورد استفاده مؤلف بوده باشد در آن صورت کلیه اشکال فعل در زیر آن مصدر آمده است و گرنه هر یک بصورت واژه‌ای مستقل نوشته شده است. و نیز چنانچه اسم یا صفتی هم به صورت مفرد و هم شکل جمع آن آمده باشد، جمع آن در زیر صورت مفرد آن آمده است.

۹- از آنجا که شماره و عدد در خط پهلوی مانند نویسه‌ها نوشته می‌شود، ناچار آنها نیز در ردیف واژه‌ها آمده است.

۱۰- کوشش شده است که با توجه به مهمترین کتابهایی که ریشه و صورتهای تاریخی واژگان فارسی را بررسی کرده‌اند، شکل کهن واژه را از کهنترین زمان تا زبان فارسی میانه (پهلوی) و بعد از آن داده شود و ترتیب آوردن صورتهای کهن از قدیم به جدید بدین شکل است که نخست صورت واژه پهلوی، پس آن نوشت، بعد معنی یا شکل تحول یافته آن در فارسی دری داده شود و بعد شکل سنسکریت (هندی کهن) و فارسی باستان، اوستا، مانوی، و گاهی پازند و ارمنی آن و یا در بعضی موارد صورتهای ختنی و استی و ... آورده شود که مراجعه‌کننده در عین حال بتواند تحول تاریخی واژه را نیز دریابد. و یاد کردن این صورتهای همراه با ذکر مآخذ مستند هر یک از آنها می‌باشد.

۱۱- در مقابل هر واژه پس از یادکردن صورتهای کهن آن و توضیحات لازم جای واژه در متن کتاب مشخص شده است و ترتیب این کار اینست که تنها به یادکردن بخش و بندی از کتاب که واژه در آن بکاررفته اکتفا شده است و ک نشانه کرده (بخش، فصل) است که بلافاصله بعد از ک شماره فصل مورد نظر آمده و سپس، بعد از نشانه/شماره بندی که واژه در آن آمده است مشخص گردیده است مثلاً": 𐭮𐭥𐭥𐭥: artēštār: ارتشتار، جنگجو، نظامی،

..... ک ۵۶/۲ ک ۷/۱۳ .

یعنی این واژه در کرده (فصل) دوم بند ۵۶ کتاب آمده است و همچنین در فصل سیزدهم بند ۷. ضمناً سعی شده است که تعداد دفعاتی که هر واژه در کتاب آمده با ذکر جای هر بخش (ک) و بند (/) یاد شود. لکن تعدادی از واژه‌ها که به دفعات و بطور مکرر و به صورت فراوان به کار رفته است از این وضع مستثنی شده‌اند مانند، و، که، از، و مانند اینها که باز سعی شد گفته شود که مثلاً "واژه" "از" هفتاد بار در کتاب آمده است.

۱۲- فهرست تمامی واژه‌های یاد شده در این واژه‌نامه در پایان کتاب به ترتیب الفبایی لاتین آمده است، که برای مراجعه کننده به کتاب سبب آسانی یافتن واژه‌های مورد نیاز خواهد شد و در کنار هر واژه شماره صفحه این واژه نامه و سطرهایی که واژه در آنها آمده داده شده است شماره سمت چپ (س/ص) نمایانگر صفحه و شماره سمت راست نمودار سطر است (س/ص).

ضمناً چنانکه ملاحظه مینمایید سطرهای هر صفحه تمام کتاب به ترتیب ۱-۵-۱۰. . . الخ شماره گذاری شده که یافتن واژه احتیاج به شمردن سطرها نداشته باشد.

۱۳- ویژگیهای نگارشی کتاب پهلوی شایست ناشایست خود بحثی تمام می‌خواهد که از حوصله مقدمه این واژه نامه خارج است و امیدوارم که در جلد دوم این کتاب که آوانویسی و ترجمه و ارائه متن مصحح پهلوی آن است این کار انجام پذیرد.

با یاری یزدان - ایدون باد

شیراز اردیبهشت ماه ۱۳۶۵

محمود طاووسی

نشانه ها

د	:	الف	در حرف نویسی واژگان فارسی میانه ترفانی
د	:	ا	در حرف نویسی واژگان فارسی میانه ترفانی و هزوارشها
c	:	ع	در حرف نویسی واژگان فارسی میانه ترفانی و هزوارشها
a	:	ا	
ā	:	ا	
ā	:	ا	در واژه های پازند و قبل ، از ، ن
u	:	ُ	ضمه
ū	:	او	واو معروف
ū	:	ا	واو مجهول
i	:	ح	کسره
ī	:	ای	یاء معروف
ē	:	ا	کسره کشیده . یاء مجهول (و e یاء مجهول کوتاه شده)
ē	:	ا	کسره در واژه های پازند
ē	:	ا	کسره کشیده در واژه های پازند
h	:	ه	
č	:	چ	
g	:	گ	
ǰ	:	غ	
ḥ	:	ح	در برابر ک (هزوارشی)
ǰ/ǰ	:	ج	
n/n	:	ن غنه	در واژه های اوستائی
s	:	ص	در هزوارشها
š	:	ش	
t	:	نوعی ت	در پازند
θ	:	ث	بیشتر در واژه های اوستایی و فارسی باستان
x	:	خ	

ژ : z̃
خ + واو مجهول : x^v

کوتاه نوشتہای فارسی

پا : پازند
پاتر : پارتی ترفانی
رک : رجوع کنید
سا : سانسکریت (هندی کهن)
ستا : اوستایی
سنج : سنجید با
فاتر : فارسی میانه ترفانی
فب : فارسی باستان
فن : فارسی نو
نک : نگاه کنید

کوتہ نوشتہای خارجی

- AiWb.: C. Bartholomae, *Altiranisches Wörterbuch*, Strassburg. 1904 new ed., Berlin 1961.
- Armen. Gram.: H. Hubschmann, *Armenische Grammatik*, Germany 1962.
- BBB.: W.B. Henning, *Ein Manichaisches Bet-und Beichtbuch*, APAW. 1937.
- BSL.: *Bulletin de la Société de Linguistique du Paris*.
- BSOS.: *Bulletin of School of Oriental Studies, University of London (1917-1939)*.
- DKM.: D.M. Madan, *The Complete text of the Pahlavi Dinkard...* Bombay 1911.
- Essays: M. Hauge & W. West, *Essays on the Sacred Language writings & Religion of the parsis* Bombay 1878.
- Essays: B.N. Dhabhar, *Essays on Iranian Subjects*, Bombay 1955 (2 vols).
- FrO.: H. Reichelt, *Der Frahang*; Öim. Wien 1900.
- FrP.: H.F.J. Junker, *The Farhang i Pahlavik*, Heidelberg 1912. new ed., Leipzig, 1955.
- GMS.: I. Gershevitch, *A Grammar of Manichean Sogdian*, Publications of the Philological Society, Oxford 1954.
- GNPE.: P. Horn, *Grundriss der neu-persischen*

- Etymologie*. Strassburg 1893 new ed., New-York 1974.
- Hymn.: M. Boyce, *The Manichaen Hymn Cycles in Parthian*, London Oriental Series Oxford 1954.
- JA.: *Journal Asiatique*.
- JRAS.: *Journal of the Royal Asiatic Society*.
- List.: W.B. Henning, "A List of Middle-Persian and Parthian Words", BSOS. 9-1937-39-79-92.
- Man. Stud.: C. Saleman, *Manichaeische Studien*, Saint-Petersburg 1908.
- Mir.Man.: Andreas-Henning, *Mitteliranische Manichaica sus Chinesisch-Turkestan*. 1-3. Berlin 1932-34.
- Mir. Mund.: (See: ZKMM.).
- MX.: F.C. Andreas, *The Books of the Mainyo-i Khard Kiel*. 1882. and: T.D. Anklesaria, *Danak-u Mainyo-i Khard*, Bombay 1913.
- Nyb. (Nyberg): H.S. Nyberg, *A Manual of Pahlavi* 2 parts, Wiesbaden, 1964.
- Pers. Stud.: H. Hübschmann, *Parsische Studien* Strassburg, 1895.
- Pahl. V.-Glos.: D.D. Kapadia, *Glossary of Pahlavi Vendidad*, Bombay 1953.
- Pahl. V.: Dastoor Hoshang Jamasp, *Pahlavi Vendidad... with... Glossarial Index..* Bombay, 1907.
- Pahl. y. Vr.: B.N. Dhabhar, *Pahlavi Yasna and Visperad*. Bombay 1949. (vol. 1).

- Pahl. y. Vr. Glos.: *ibid.* (vol. 2).
- PRivDd.: B.N. Dhabhar, *The Pahlavi Rivayat accompanying The Dadistan i Dinik*. Bombay 1913.
- Ps.: F.C. Andreas and K. Barr., *Bruchstücke einer Pehlevi Übersetzung der Psalmen* SPAW 1933.
- P.V. Gl.: (See: Pahl. y. Vr. Glos.).
- SBE. V.: E.W. West. *The Sacred Books of the East*. vol. V India 1965.
- ŠGV.: Dastoor Hoshang Jamaspji and E.W. West, *Shikand Gumanik Vigar*. Bombay 1887.
- ŠnŠ.: J.C. Tavadia. *Šāyat nē-Šāyast edited, transliterated and translated with introduction and Notes*. Hamburg 1930.
- ŠnŠ.: F.M. Kotwal. *The Supplementary Texts of the Šāyast Nē-Šāyast* København 1969.
- TD2.: *The Bundahishn*, being a Facsimile of the TD Manuscript No. 2, Bombay 1908.
- TPS.: W.B. Henning, *Transactions of the Philological Society* 1944.
- TRCCP.: J.J. Modi, *The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees*. Bombay 1937.
- Verbum.: See: VMT.
- VMT.: W.B. Henning, *Das Verbum des Mittelpersischen der Turfanfragments*. Göttingen 1933.
- WZKM.: *Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes*.
- ZA.: J. Darmesteter, *Le Zend-Avesta* I, II, III,

Paris 1960.

ZDMG.: *Zeitschrift der Deutschen morgenländischen Gesellschaft.*

ZKMM.: C. Bartholomae, *Zur Kenntnis der Mitteliranischen Mundarten I-VI* SHAW, Heidelberg 1916-25.

ZSR.: C. Bartholomae, *Zum Sasanidischen Recht.* Heidelberg 1918-1928.

منابع و مأخذ به زبان فارسی

- آنندراج : محمد پادشاه متخلص به شاد ، فرهنگ آنندراج ، کتابفروشی خیام ۱۳۳۵ تهران .
- اسدی طوسی : لغت فرس ، از روی چاپ پاول هرن به کوشش محمد دبیرسیاقی ، کتابفروشی طه‌وری ۱۳۳۶ تهران .
- انگلساریا : پهلوی و نبدیداد نک . Pahl. V. Anklesaria
- ابوالقاسمی ، دکتر محسن : دربارهٔ زبان آسی ، بنیاد فرهنگ ایران ، ۱۳۴۸ تهران .
- اینوستران‌تسلف ، کنستانتین : تحقیقاتی دربارهٔ ساسانیان ، ترجمه کاظم زاده ایرانشهر ، نگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۱ تهران .
- برهان : محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان ، برهان قاطع به تصحیح دکتر محمد معین ، ابن سینا ۱۳۴۲ تهران .
- بن ونیست : دین ایرانی بر پایه متن‌های کهن یونانی ، ترجمه بهمن سرکاراتی ، انتشارات دانشگاه تبریز ۱۳۵۰ تبریز .
- بویس ، مری : دیانت زردشتی (سه مقاله از) ترجمه فریدون وهمن . بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۸ تهران .
- بهار ، دکتر مهرداد : واژه نامه بندهش ، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۵ تهران .
- بهار ، دکتر مهرداد : واژه نامه گزیده‌های زاداسپریم ، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۱ تهران .
- پور دآود : فرهنگ ایران باستان ، بخش نخست انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۶ تهران .
- پور دآود : گاتها انجمن زرتشتیان بمبئی ۱۹۲۷ برلن .
- پور دآود : یادداشتهای گاتها ، انجمن ایران شناسی ۱۳۳۶ تهران .
- پور دآود : خرده اوستا ، نشریه انجمن زردشتیان ۱۲۴۲ یزدگردی ، بمبئی .
- پور دآود : یسنا ج ۱ چاپ سوم انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۶ ج ۲ .
- پور دآود : یشتها ۲ جلد ، کتابخانه طه‌وری ۱۳۴۷ تهران .
- تاوادی ، جهانگیر : زبان و ادبیات پهلوی ، ترجمه س نجم‌آبادی ، انتشارات دانشگاه تهران .

۱۳۴۸ تهران.

تفضلی، دکتر احمد: واژه نامه مینوی خرد، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۸ تهران.
جاروتی، ابوالعلاء عبدالمؤمن معروف به صفی کحال: فرهنگ مجموعه الفرس، به کوشش عزیزالله جویینی، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۶ تهران.

جهانگیری: میرجمال الدین حسین فخرالدین حسن انجو شیرازی، فرهنگ جهانگیری، ویراسته دکتر رحیم عفیفی، انتشارات دانشگاه مشهد، ۵۱-۱۳۴۹ مشهد.
خالقی مطلق، جلال: اساس اشتقاق فارسی (ترجمه و تلفیق دواثر هرن و هوپشمان) ج ۱ انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۶ تهران.

دابار: صد در نثر صد در بندهش، چاپ بمبئی ۱۹۰۹.
دابار: واژه نامه یسنا پهلوی و ویسپرد (نک. Pahl. Y. Vr.)
راستارگویا، و.س: دستور زبان فارسی میانه، ترجمه دکتر ولی الله شادان، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۷ تهران.

رجایی، دکتر احمدعلی: پلی میان شعره جایی و عروضی فارسی در قرن اول هجری، ترجمه های آهنگین از دو جزو قرآن مجید، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۴ تهران.
ژول مول: شاهنامه ۷-۱ پاریس ۱۸۳۸ و چاپ افست جیبی، تهران انتشارات جیبی ۱۳۴۵ تهران.

سروشیان، جمشید: فرهنگ بهدینان، به کوشش منوچهر ستوده ۱۳۳۵ تهران.
سورآبادی، ابوبکر عتیق: قصص قرآن برگرفته از تفسیر قرآن سورآبادی، به کوشش دکتر یحیی مهدوی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۷ تهران.
طاووسی، محمود: بایک موزه راه رفتن و بی موزه راه رفتن، پژوهشنامه موزه آسیائی سال ۳ شماره ۳-۲ سال ۱۳۵۶ شیراز.

فره وشی، دکتر بهرام: فرهنگ پهلوی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۲ تهران.
قواس: فخرالدین مبارک شاه قواس غزنوی. فرهنگ قواس، به اهتمام نذیر احمد، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۳ تهران.

کوتوال: (نک. Kotwal. Šnš.)
کیا، دکتر صادق: واژه های معرب درصراح، فرهنگستان زبان ایران ۱۳۵۲ تهران.
مشکور، دکتر جواد: فرهنگ هزوارش های پهلوی، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۶ تهران.
معین، دکتر محمد: مزدیسنا و ادب فارسی ج ۱ انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۸ تهران.

- نسفی: ابو حفص نجم الدین عمر نسفی، تفسیر نسفی، تصحیح دکتر عزیزالله جوینی، بنیاد فرهنگ ایران ۲ جلد، ۱۳۵۳ تهران.
- نفیسی (ناظم الاطباء)، دکتر علی اکبر، فرهنگ نفیسی، انتشارات خیام ۱۳۴۳ تهران.
- نوابی، دکتر ماهیار: عمایه شیر و شکری، مجموعه مقالات ج ۱ به کوشش محمود طاووسی، مؤسسه آسیائی دانشگاه تهران ۱۳۵۵ شیراز.
- نوابی، دکتر ماهیار: منظومه درخت آسوریک. متن پهلوی، آوانوشت و ترجمه فارسی، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۶ تهران.
- نیبرگ : در حواشی برهان چاپ دکتر محمد معین (نک. برهان).
- هوبشمان : اساس اشتقاق فارسی، جلال خالقی مطلق.
- هورن : اساس اشتقاق فارسی، جلال خالقی مطلق.

منابع و مآخذ به زبانهای اروپائی

- Andreas, F.C.-Barr, K.: *Bruchstücke einer Pahlavi Übersetzung der Psalmen*. SPAW 1933.
- Andreas, F.C.-Henning, W.B.: *Mitteliranische Manichäica aus Chinesisch-Turkestan*. 1-3. Berlin 1932-34. (Mir. Man.).
- Anklesaria, B.T.: *Zand-ī Vohūman Yasn and two Pahlavi Fragments with text, transliteration and translation in English*, Bombay, 1957.
- : *Pahlavi Vendidad*, Bombay 1949.
- Anklesaria, T.D.: *Danak-u Mainyo-i Khard...* Bombay 1913.
- Asana, D.J.M.: *A short treatise on the Navjote Ceremony. Compild in the English...*Bombay 1887.
- : *The Pahlavi texts*, vols I, II Bom- bay 1898.
- Bailey, H.W.; *Zoroastrian Problems in IX Century Books*, Oxford 1971.
BSOAS. VII, 1934.
BSOAS. X, 1940.

- BSOAS. XXIV,
BSOAS. XXVI, 1963.
Opera Minora, ed. by, Y.M. Nawabi. vol. 1.
Froozangah Publishers. Shiraz-Iran 1982.
TPS. 1956.
- Bartholomae, c.: *Altiranisches Worterbuch*, Strass-
burg 1904 new ed., Berlin 1961.
: *Zum Sasanidchen Recht*, Heidelberg
1918-28.
: *Zur Kenntnis der Mitteliranischen
Mundarten I-VI* SHAW, Heidelberg 1916-25.
(Mir.Mund).
- Benveniste, E.: BSL, LII-1956.
- Boyce, M.: *The Manichaean Hymn Cycles in Parthi-
an*, London Oriental Series Oxford 1954.
: JRAS. 1966.
- Darmesteter, J.: *Le Zend-Avesta I, II, III*, Paris
1892-93 new ed., 1960.
- Dhabhar, B.N.: *Essays on Iranian Subjects*, (2 vols).
Bombay 1955.
: *The Pahlavi Rivāyat accompanying
the Vadistan i Vinik...* Bombay, 1913.
: *Pahlavi Yasna and Visperad*, Bom-
bay 1949.
: *The Persian Rivāyats of Hormazyar
Framarz and others, Their Version with In-
troduction and Notes*. Bombay 1932.

- : *Translation of Zand-i Khūrtak Avis-tāk*. Bombay 1936.
- Gershevitch, i.: *A Grammar of Manichean Sogdian*, Publications of the Philological Society, Oxford 1954 (GMS).
- : *Unvala Memorial Volume*. Bombay, 1964.
- Ghilain, A.: *Essai sur la langue Parthe*, Louvain 1939.
- Hauge, M.-West, E.: *Essays on the Sacred Language Writings & Religion of the Parsis*. Bombay, 1878.
- Henning, W.B.: *Das Verbum des Mittel Persischen der Turfanfragmente*. Göttingen 1933 (VMT).
- : *Ein Manichäisches Bet-und Beichtbuch*, APAW, 1937 (BBB.).
- :BSOS. IX, 1937.
- :BSOS. XI, 1943.
- :BSOS. XII, 1948.
- :JRAS. 1942.
- :*Jackson Mem. vol.* Bombay 1954.
- :*Sir J.J. Zarthoshti Madressa Centenary volume*. Bombay 1967.
- :*"Sogdica, James G. Forlong Fund"* vol. XXI Royal Asiatic Society, London 1940.
- :TPS. 1944.
- Herzfeld, E.: *Khareghat Memorial volume*, Bombay, 1953.

- Horn, p.: *Grundriss der neupersischen Etymologie*, Strassburg 1893. new ed., 1974 (GNPE).
- Hoshang, D.J.J.: *Pahlavi Vendidad with Glossarial Index*. Bombay 1907 (Pahl. V.).
- Hoshang, D.J.J.-West, E.: *Shikand Gumanik Vijar*. Bombay 1887. (SGV).
- Hübschmann, H.: *Armenische Grammatik*, Leipzig, 1897. new ed., Germany 1962. (Arm. Gram).
: *Persische Studien*. Strassburg, 1895.
- Jackson, A.V.W.: *An Avesta grammar in Comparison with Sanskrit*, Stuttgart 1892.
- Junker, H.F.J.: *The Frahang i Pahlavik*, Heidelberg 1912 new ed., Leipzig 1955.
- Kanga, M.F.: *Vicīdag Handarz ī Pōryōtkēšān*, Bombay, 1960.
: *K.R. Cama Oriental Institute. Golden Jubilee Volume*. Bombay 1969.
: *Bulletin of the Asia Institute of Shiraz University*, No. 2, 1978.
- Kapadia, D.D.: *A Glossary of Pahlavi Vīdēvdāt*. Bombay, 1953.
- Kent, R.G.: *Old Persian*. 2nd ed. American Oriental Society 1953.
- Kotwal, F.M.: *The Supplementary Texts to the Šāyast Nē-Šāyast*, København 1969. (ŠnŠ).
- Madan, D.M.: *The Denkart*, in 2 volumes, Bombay, 1911.

- Mirza, H.K.: *Jackson memorial volume*, Bombay, 1954.
- Modi, J.J.: *The Religious Ceremonies and Customs of the Persees*, 2nd. ed., Bombay 1937. (TRCCP.).
- Morgenstierne, G.: *An Etymological Vocabulary of Pashto*. Oslo 1927.
- Müller, F.M. (editor): *The Sacred Books of the East*. V new ed., India 1965.
- Nyberg, H.S.: *A Manual of Pahlavi*, Part II Germany, 1964 (Nyb. II Glos.).
: *Texte Zum Mazdayasnischen Kalender*, Uppsala, 1934.
: JA. 1929.
- Pagliaro, A.: *Prof Jackson Memorial Volume*, in honour of the late Prof. A.V.W. Jackson, Bombay, 1954.
- Reichelt, H.: *Der Frahang i Ōim*, Wien, 1900.
- Rückert, Fr.: ZDMG. 10 (1856) p. 152.
- Saleman, C.: *Manichaeische Studien*, Saint-Petersburg 1908.
- schwartz, M.: JRAS. 1966.
- Steingass, F.: *A Comprehensive Persian-English Dictionary*, London 1930.
- Tavadia, J.C.: "Sur Saxvan or a dinner Speech in Middle Persian" *Jurnal of the K.R. Cama Orien. Institute* 29, pp. 1-99.
: *Šāyast nē Šāyast*, edited, transli-

terated and translated with Introduction and Notes. Hamburg, 1930.

Unvala, M.R.: *Darab Hormazyar's Rivayat, with an introduction by Shams-ul-Ulma Jivanji Jamshedji Modi, 2 vols, Bombay, 1922.*

Wadia, H.P.: *Haurvatat & Ameretat, Bombay 1888.*

Zaehner, R.C.: *Zurvan, A Zoroastrian Dilemma, Oxford, 1955.*

: BSOAS. IX, 1938.

*

د (۱) a . نویسه اول الفباء فارسی میانه (پهلوی) است، این نشانه صداهاى (فتحه) ā (ā) x (خ) h (ه) را دارد، گاهی هم ترکیب دو نویسه g ، y ، z : و یا d با یکدیگر است. این شکل برابر نویسه‌های د یا دد یا دد یا دد یا دد یا دد /وستایی است. (گاهی در آغاز واژه، پیشوند است. آرایش، آمدن و.....).

د (۲) ā-a پس، آنگاه، در آن صورت. (قید). ۵

بنا āat: (گاه به طور منفصل و گاه به شکل متصل به ضمائر و جز آن می‌آید).

ک ۳/۳-۵-۶-۷-۹-۱۲-۱۴-۱۶-۲۱- ک ۲/۲-۳۰-۳۴-۶۷-۷۲-۹۰-۹۲-۹۳-۱۱۶.

ک ۲۴-۲۸-۳۴. ک ۴/۴-۷-۱۴. ک ۵/۵-۷. ک ۷/۷-۱-۲-۷-۹. ک ۸/۸-۵-۸-۹-۱۵.

ک ۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰. ک ۹/۹-۸-۱۳. ک ۱۰/۱۰-۳-۵-۱۱-۱۳-۲۳. ک ۱۱/۱۱-

۲-۶ و ۱۰

نویسه ā-s: آنگاهش (ک ۱/۲ و)-س ā-iz: در آن صورت.

(ک ۱۰/۲۳).

د (۳) -ā- می‌نویسند و در ترکیب معنی تا و به می‌دهد : sar ā sar

سراسر، سرتاسر. ک ۲/۴.

د (۴)-a . نشانه نفی است ، در سر واژه آید و آنرا منفی سازد ، (چون بر سر واژه‌های آید که با واکه آغاز شود یک n زاید پس از آن افزوده شود و شکل-an شود) . ک ۹۱/۲ . ک ۵-۱/۶ . ک ۲/۷ . ک ۲۳-۹/۸ . ک ۱۴-۲/۹ . ک ۲۹-۸/۱۰ . ک ۱۷/۱۲-۲۲ . ک ۲۶-۲/۱۵ . ک ۱۰/۲۰ . ک ۲۱/۲۲

ه هāt . هات یا ها نام هر بخش از یسنا می باشد .
ستا hāti سنسکریت sāti . در پهلوی ، ها ، اصلا " به معنی بریده ، قطعه ، کرده و بخش است . نک: *The Religious Ceremonies and Customs of the Persees*, by Modi P.266 . ک ۶/۱۰ . ک ۱۳/۱-۵-۶-۴۲-۳۴-۳۱

۱۰ haxt ران ، پورداود . پاره زیرین ران . نک . یادداشت‌های پنج گانه ص ۳۷۶ .
ستا -haxt . هندی کهن . sakthi- آسی . ayd (AiWb. 1745)
ه ه haxt ī dašn: ران راست . ک ۴/۱۱

ه ه hāduxt . هادخت (نسک) .
" هادخت نسک بیستمین نسک اوستای اردست رفته است و ظاهرا " هاع ۵ یسنا ، سروش هادخت ، بازمانده آن نسک است " . (پورداود یسنا ج ۲ ص ۵۵ و نیز نک: TRCCP مدی ص ۲۳۷) .
ستا . -haḥaoxta (از- ha + uxta) (AiWb. 1756) ک ۳۰/۱۲ .
ک ۶/۱۳ . ک ۶/۱۶

ه ه ه haduxtīg . هادختی ، منسوب به هادخت (نسک) .
ه ه hāduxt . (نک: واژه بالا) +ig (پسوند نسبت ، فن: بی - ی) . ک ۱۰/۱۳

ه ه axtar . اختر ، ستاره های ثابت .
پازند . axtar (مینوی خرد) . ک ۷/۱۲-۸

ستاره‌ها *axtarig*. اختریک، ستارگان ۱۲ گانه منطقه اللبروج و در بندهش ستاره های
ثابت منظور است. (واژه نامه بندهش - بهار) ک ۵/۱۴ - ۶.

هاسر *hāsar/hāsr*. هاسر، واحد اندازه گیری زمان.
مطابق بند ۱ کرده ۹ شایست نشایست درازای شبانروز به ۱۲ هاسر (بلند) یا ۱۸ هاسر
(کوتاه) تقسیم می شود. (هر هاسر ۲ ساعت یا ۱/۵ ساعت امروز بوده است).
ستا *(hāgra- 1802) (AizWb)* ک ۱/۹. ک ۲۹/۱۳.

اخریمنی *axš/aš*. چشم، این واژه ای است اهریمنی که در مورد موجودات اهریمنی
بکار میرود (برای آگاهی از واژه های اهریمنی نک. یسنا پورداود ج ۱ ص ۲۳۴ تا ۲۳۸).
ستا *āxš-* (دیدن). *310. (AizWb)* واژه چشم فارسی از *Čašman-*
(*AizWb*. 583) اوستائی آمده است. ک ۲۹/۳.

هز *pas, ²HR*. پس، آنگاه، بعد. این واژه تنهابه شکل هزوارش بکار رفته
است.

ستا *-Pasāva- Pasā (AizWb. 880)*.
شکل دیگر هزوارشی آن. *هز* است (نک. همین واژه).
ک ۱/۲-۱۰-۳۸-۶۵-۹۰-۹۸-۱۱۸. ک ۴/۳-۵-۸-۱۴-۱۶-۱۸-۱۹-۲۲. ک ۴/۱۵
ک ۵-۹-۱۲. ک ۲/۶-۲-۱/۷. ک ۱۱-۱۰/۸. ک ۸/۹. ک ۵/۱۰-۱۰. ک ۱۲/۱۵
ک ۵. ک ۳/۱۴. ک ۴-۵-۶.

هز *pas-iz: HR-yz*. سپس، وبعد، نیز پس (نک. واژه بالا). ک ۲/۱
ک ۱-۱۰-۳۸-۶۵-۹۰-۱۱۸. ک ۳/۱۶-۸-۵. ک ۲/۶.

هز *pas, ²HR*. پس، نک. واژه بالا.
شکل دیگر هزوارشی آن *هز* است (یونگر 103 FrP). ک ۲/۹۲.

سپاس *pas-iz, ²HR, yz* . سپس، سرانجام، عاقبت . نک: سپاس
ک ۹۲/۲

سپاس *ahrāgīh/ahlāyīh/ahrāyīh* : اهرایی، پارسایی ،
پاک، تقدس .

۵ *arəta- / aša- : ستا؛ (Kent. 170) rtá- : سا؛ arta-*
ašahī . (A*iWb*. 238) . پا .
این واژه به شکل سپاس هم آمده است . ک ۳/۱۱ . ک ۳۲/۱۲ . ک ۲۳/۱۳ .
ک ۱۷-۱/۲۰

سپاس *ahrmōg* . اهرموگ، بیدین، لامذهب، کافر، پیرو اهریمن، بدعت گزار .
(*ahramōg* یا) ۱۰

ستا: *aša-maōya-* ، پا: *āšmōy* ، فن: آشموغ (*Kapadia* 257)
در فرهنگهای فارسی، آشموغ . ک ۳/۹

سپاس *ahramōgīh* . اهرموگی، بیدینی، برخلاف رفتن، بدعت گزاری
در دین .
۱۵ *ahrmōg* . اهرموگ (نک. واژه بالا) + *īh* فن: بی (نشانه اسم مصدر) پا: *āšmōī*
ک ۷/۱۷

سپاس *ahrmōg-ē* ، یک آشموغ، یک بیدین، کافری . ک ۳/۹

سپاس *ahriman, ahrman* . اهرمن، اهریمن، روح خبیث .
معادل اوستائی . *aprō-mainyava-* (A*iWb*. 105) . انگره مینو،
ارمنی: *arhmn* پا: *āharman* . ک ۶/۱۵ . ک ۴-۲-۱/۱۸ ۲۰

سپاس *ahravān* . اهروان، پارسایان ج . *ahrav* (نک. همین واژه) + *-ān*

نشانه جمع در فارسی میانه. ک ۱۱/۹-۱۲. ک ۸/۱۳.

س-ک-ر-ا-ه : ahrav/ahlav : اهرو، پارسا، مقدس، اشو.

صفت است، بجای این واژه در متون پهلوی متأخر واژه ašōg یا ašavay آمده (نامگیهای منوچهر، زاتسپرم).

۵ ستا : ašāvan- فب : artāvan هندو/ایرانی ; rtavan (M.F. (Mir.Man.II, 45) Kent. 170-171), Kanga, 32) فاطر. hlv (۳/۲۹-۳۳. ک ۴/۸-۶-۱۶. ک ۱۱/۹-۱۲. ک ۱۱/۱۰. ک ۱۲/۱۲-۲۲. ک ۳/۳-۳/۳-۸. ک ۱۹-۴۱. ک ۱۵-۷-۸. ک ۲۰-۶-۷-۱۴. ک ۲۲/۱۷.

س-ک-ر-ا-ه : ahravēn/ahlavēn : پارسا [زن]

۱۰ ahrav : (نک همین واژه) + ēn پسوند نسبت. (این واژه به تنهایی خود معنی زن پارسا، دارد. نک : Kapadia: 255) ک ۴۱/۱۳.

س-ک-ر-ا-ه : ahravtar/ahlavtar : اهروتر، پارسا تر، مقدس تر. ahrav + -tar پسوند صفت تفضیلی (نک. همین واژه) ک ۲۲/۱۲.

س-ک-ر-ا-ه : ahravīh/ahlavīh : اهروی، پارسایی، تقدس، پارسا بودن، پرهیزگار بودن. : ahrav+īh (نشانه اسم مصدر) ک ۲۳/۱۲.

س-ک-ر-ا-ه : ahravdād-ahlavdād : اهروداد، اشوداد.

ahrav : (اهرو) + dād ← dā / (دادن)، کلا "اهرو داد: دهش پارسا، هدیه مؤمن، بخشش پارسا، صدقه، احسان. ašō-dāt ک ۱۱/۱۰.

س-ک-ر-ا-ه : ham, hām : هام، هم، همان.

درفارسی به هردو شکل آمده. هام پشت، هامراهان، هامراه، هام زانو (نک :

قصص قرآن مجید برگرفته از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری ص ۱۲-۱۳-۴۴-۱۷۵-۳۲۲-۳۳۹.

ستا، فب: ham- سا : sam (Aiw. 1773) پ: ham ک ۱۲/۲-۶۱.

سپړون ham-bun-iz : حتی کمی، کمترین اندازه‌ای.

۵ (نک. هریک از اجزاء سه گانه واژه) ک ۱۲/۲-۲۸-۳۱-۳۲-۳۴-۳۵-۷۰. ک ۲/۶-۱۳/۸ ک ۳۴-۵/۱۰.

سپړون درمن سپړون : amōn : آمون، پر، مملو، لبالب (برهان) در فرهنگ

جهانگیری آمده. "آمو (و آمون) بمعنی پر کرده بود". و آمود و آموده نیز بهمین معنی است. سنایی: هم زبانشان زفحش آموده. هم درونشان به خبث آلوده.

۱۰ همه با پایهای آلوده. همه با مغزهای آلوده. و ترکیب : abr-amōn یعنی: پرابر، ابری. ک ۱۰/۲

سپړون hamīn : هامین، تابستان.

ستا: hami-, hamina- (Aiw. 1809) فاطر: h²myn

(Mir. Man. I. 39) پ: hāmīn (مینو خرد) ک ۱۵/۱۰.

۱۵ س: ax^v/ah^v : هستی، حیات، زندگی. و نیز نام یکی از مینوهای تن است که باتن پدید می‌آید و باهم او از بین می‌رود.

ستا : -aphu-.ahu- (Aiw. 106.) ک ۳/۶-۴-۵. ک ۲۶/۱۰-۴۳-۴/۱۳ ک ۱۱/۱۵.

س: ax^v ī astōmand : جهان مادی، وجود

۲۰ جسمانی: ax^v : زندگی، حیات + astōmand : مادی (نک. همین واژه). ک ۴۳/۱۳.

س: ax^vān/ahvān : هستی‌ها، زندگی‌ها، جهان‌ها،

(هستی، جهان) + -ān - (نشانه جمع) . ک ۴-۳/۶ . ک ۲/۱۲ . ک ۱۱/۱۵ .

س ۱۴۵۹۴ : āhanjišn ؛ (اسم مصدر) کشیدن، بیرون آوردن .
 ستا : ā-hapč ۴ : āhanžā, āhanjīdan ماضی آن -āhēxt
 آهیخت (Pers. Stud. 10) -isnt (نشانه اسم مصدر) . ک ۱۷/۱۲ .
 س ۱۴۵۹۴ : nē āhanjišn : نکشیدن، نباید کشیدن .
 ک ۱۷/۱۲ .

س ۱۴۵۹۴ : hāvišt هاویشت، مرید، شاگرد .
 ستا : havišta- (AiWb. 1806) ک ۱۰/۸ . ک ۵/۱۰ .
 س ۱۴۵۹۴ : hāvištān : مریدان، شاگردان ک ۵/۱۰ .

س ۱۹۴۴ : xānag : خانه، جا، محل زندگی .
 ستا . از- /khan (GNPE. 103.) ک ۱۰/۲-۱۸-۳۸-۴۱-۴۵-۵۰ . ک ۳/
 ۱۱-۳۰ . ک ۶/۱۰ . ک ۵-۳/۱۲ . ک ۲/۱۷ .

س ۱۴۴ : āhēn/āhan : آهن .
 ستا : -ayaph (AiWb. 156) فارسی میانه، سعوپ یا سعوپ ۱۴۴ :
 آهن . کردی : hesin, hāsin (GirPh. 14) ک ۱۶/۱۵-۱۷ .
 س ۱۴۴ (کریم) : (+ هز) āhandil : آهن دل . (برای جزء دوم
 نک . همین واژه) که منظور سختی و تاثیر ناپذیری دل است . ک ۱۶/۱۵-۱۷ .

س ۱۴۴ : ahunavar-ahuvar : اهور، اهورنور .
 نماز معروف زردشتیان (که سرودی از گاهان است) . ک ۲۵/۱۰-۲۶ . ک ۱۹/۱۲-
 ۳۲ . ک ۵/۱۹ .

س ۱۴۴ : hāvind/hāvand : شبیه، مانند .

ستا : hvanta- (وندید/د ۱۵ بند ۱۴) و hvns- (وندید/د ۸ بند
(۳۱) (نک. ص ۲۵۱. Kapadia) ۴ : havand (مینو خرد) ک ۹/۸.
ک ۳۰/۱۲

سپاسدود : hāvandīh: برابری، همانندی، شباهت، یکی و یکسان بودن. (نک.
واژه بالا). ک ۹/۸ ۵

سپاسدود: ahunvad/ahuvēd-gāh : اهنودگاه. نام نخستین بخش
از گاهان است.
این گاه شامل ۷ ها (از های ۲۸ تا ۳۴) یسنا است، که رو بهم این ۷ ها دارای ۱۰۰ بند
است.

ستا : ahunavaitī-gāha- (AiWb. 284) ک ۱۵/۳-۵۱ ۱۰

سپاسدود : xānīg : خانی، چشمه، خان. (نک. فرهنگ قواس و.....).

ستا : xanya- از ریشه : xan : (AiWb. 532) سا : khan
(مؤنث آن : khā-) فب : kan : کن (کندن) (Kent. 178) در فارسی
قنات، خندق، کان، کندن از همین ریشه است. ک ۳/۲۰

سپاسدود : xānīgān : خانی‌ها، چشمه‌ها. (نک. واژه بالا) ک ۴۱/۱۳ ۱۵

سپاسدود: xānīg ī rōšn : خانی روشن، چشمه درخشان، در فارسی
رخشنده خانی. زتاب آب آن رخشنده خانی شده از غیرت آب زندگانی
(خاقانی - فرهنگ قواس) ک ۳/۲۰

سپاسدود: axvēškarān : ناخویشکاران، ناپارسایان، وظیفه شناسان.
(a نشانه نفی + xvēškar : خویشکار، وظیفه شناس + ān نشانه جمع ۲۰
نک. هریک از این اجزاء). ک ۲۶-۹/۱۵

سپهوسوسلک: ax^vēškārīh: . ناپرهیزکاری، وظیفه شناسی.
ک ۶۳/۲

سپهوسوسلک: ax^vēškārīhā: (قید) از روی وظیفه شناسی، به ناسپاسی،
ناپرهیزکارانه. (īha - نشانه قید ساز در فارسی میانه) . ک ۵۳/۲

۵ سپهوسوسلک: āxēzēnēnd: برخیزانند، برانگیزانند.
ستا: از ریشه (GNPE. 102) xaēzañuha-haēz فاطر: xēz
ماده ماضی آن: xist (VMT. 178) پā āxēz: ک ۱۳/۱۷

سپهوسوسلک: abāz-āxēzēnēnd: بازخیزانند، برانگیزانند.
ک ۱۳/۱۷

۱۰ سپهوسوسلک: ahyās: اهياس، اولین واژه یسنا ی ۲۸.
ستا: ahyā yāsā- ک ۴/۱۳

سپهوسوسلک: xāyag: خایه، تخم مرغ. این واژه به شکل سپهوسوسلک هم آمده است.
کردی: hēk, hī, hāik: افغانی: hā⁷سی: aik: (GNPE.103)
پā xāea: ک ۸/۱۲ ک ۲/۱۷

۱۵ س (۱) ēy/ē: یعنی.
ک ۶۳-۳۴/۲
(۲) بجای ēd/ē: این.
ک ۴/۱۴ ک ۱۱/۸
(۳) ē بجای ē/hē: شناسه دوم شخص.

۲۰ سپهوسوسلک: guft-ē: گفته، گفته است.
ک ۴/۶ ک ۱۰۷-۷۴/۲

(۴) بجای: ۵ = I: به معنی: که
ک ۲۴-۲۳/۳ . ک ۶/۷ . ک ۱۱-۹/۸

سر: 3/sā: سه/۳.

شکل هزوارش آن 𐭪𐭫𐭮𐭲 (نک: همین واژه).

ستا: θri- ، هندی کهن: tistrāh, trāyah (AiWb. 802.)
پا: sē (مینو خرد) فاتر: shē (Mir.Man. II, 62.) این شماره ۵۵ بار
در جاهای گوناگون کتاب آمده است.

سر: 3 ēvak : سه یک، ثلث. ک ۸/۹.

سر: 3 gānag : سه گانه. ک ۱۲/۹.

سر: 3 yak-ē : سه یکی، یک سوم. ک ۸-۶/۲۱.

سر: 5/panj: پنج/۵.

شکل هزوارش آن 𐭪𐭫𐭮𐭲 ۵ (نک: همین)، نوشتار غیر عددی آن 𐭪𐭫𐭮𐭲
است.

ستا: -panča (AiWb. 844) فاتر: pnz (Mir.Man. II, 65)
ک ۲/۱۳-۱۱-۱۸-۱۹-۲۰-۲۹-۳۱-۳۴-۴۴-۵۱. ک ۱۶/۱. ک ۱۹/۰۵. ک ۲۱/۲.

سر: 𐭪𐭫𐭮𐭲 𐭪𐭫𐭮𐭲 𐭪𐭫𐭮𐭲 𐭪𐭫𐭮𐭲 𐭪𐭫𐭮𐭲 𐭪𐭫𐭮𐭲 𐭪𐭫𐭮𐭲 : 5567 . پنجهزار و پانصد و شصت و هفت.
۵۵۶۷ ک ۵۰/۱۳.

سر: 6/sāš: شش/۶.

شکل هزوارش آن 𐭪𐭫𐭮𐭲 𐭪𐭫𐭮𐭲 (نک. همین)، و نوشتار غیر عددی آن 𐭪𐭫𐭮𐭲
است.

ستا: -xšvaš (AiWb. 561) پا: šaš . ک ۲/۲-۷۲-۹۹-۱۱۴. ک ۱۲/۱
ک ۱۳/۱۷-۲۲-۲۹-۳۳. ک ۱۹/۰۶. ک ۲۱/۵-۸.

سر: 𐭪𐭫𐭮𐭲 𐭪𐭫𐭮𐭲 𐭪𐭫𐭮𐭲 𐭪𐭫𐭮𐭲 𐭪𐭫𐭮𐭲 : 6 pāy ud 2 bahr: شش پا و دو بهر.

۵

۱۰

۱۵

۲۰

پا، (واحد طول) نک. همین واژه. ک ۵/۲۱.

سرسرسر : 9/nuh : نه/ ۹.

ستا: -nava : هندی کهن : nāva (AiWb. 1043) پا : nuh
(مینو خرد). ک ۷۷-۴۱/۲ ک ۵۱-۴۱-۱۶/۱۳ ک ۹/۱۹ ک ۲/۲۱.

سرسرسر لای سرسرسر لای سرسرسر : 9999 : نه هزار و نه صد ۵
و نود و نود و نه/ ۹۹۹۹ ک ۵۰/۱۳.

سرد : avr/abr : ابر.

ستا: -awar-/awra- سا : abhrā- پا : awar (مینو خرد).
این واژه به شکل مرلا هم آمده است. ک ۱۰/۲ ک ۵/۷ ک ۱۸/۱۰.

سردسرسر : abramōn : ابرآمون، برابر، ابری. ۱۰
(نک: āmōn) ک ۱۰/۲.

سرد B' ۳ : pid: پد، پدر شکل غیر هزوارشی آن: ۱۳۵. Junker. 96.
چاپ جدید ص ۱۵). ستا: pitar: سا: pilār- فب: pitar-
(Kent. 197) پا: pit (مینو خرد). ک ۱۰۶/۲ ک ۱/۵ ک ۱۰/۱۰
۲۲ ک ۱۵/۱۲.

۱۵

سردسرد : pidar: پدر. (نک. واژه بالا).

ستا: pitar : هندی کهن : pitār- (AiWb. 905-906) فاطر
(Mir.Man. II, 64) pydr شکل دیگر پهلوی آن سردسرد
است. این واژه در فرهنگ پهلوی یونگر جزو هزوارشها آمده است.
(Junker 96. چاپ جدید ص ۱۵). ک ۱/۵.

۲۰

سز : az : از، حرف اضافه (در این کتاب به شکل ترکیب با وید ضمیر متصل سوم شخص مفرد حالت مفعولی آمده است. نک: سز وید.)

ستا : hača- : hačā- (Aiwb. 1746.) در نوشته های پهلوی برای "از"، شکل هزوارش آن به کم معمولاً "بکار رفته است. (نک: همین واژه) ۰۳/۱۲ ک ۰۷/۲۰ ک

۵

سز : ā-iz : در آن صورت.

ā : آنگاه (نک. همین واژه) + z : نیز، و. ۰۲۳/۱۰ ک

سز : āp/āb : آب.

ستا : āp- : āpi- (Aiwb. 325-329) : سا. در حالت فاعلی āpas

در حالت مفعولی āpās (Kent. 168) فاطر : b (Mir. Man. II, 43)

۱۰

پا : aw : (مینو خرد). این واژه به شکل سز هم آمده است. ۰۴/۱۱ ک

۰۴۱-۴۰/۱۳ ک

سز : abāxtar : باختر، شمال.

ستا : apāxtara, apāxtara- (Aiwb. 79) : از apa+

axtara : در دیگر نوشته های پهلوی (بند هشت، مینو خرد و از این واژه

۱۵

معنی سیاره، ستارگان غیر ثابت اراده شده). و در فارسی نو معنی اصلی آن. شمال،

فراموش و باختر معنی مغرب پیدا کرده است. پا : awāxtar (مینو خرد).

۰۷/۱۰ ک ۰۱۸/۱۲ ک ۰۲/۱۴ ک

سز : ābād : آباد.

ستا : ā-pāta- : از ریشه : /pā (Nyb. II glos. 16) : از واژه نامه

۲۰

پهلوی یستا و ویسپرد، دابارص (۸). پا : āwād (مینو خرد) ۰۲/ م ۰۵/۱۳ ک

سز : ābādānīh : آبادانی، (نک. واژه بالا). پا : āwādānī :

پا: awagi (مینو خرد) ک ۱/۱۹ ک ۱۲/۲۲.

اپار: apār/appār: دزدیده، ربوده شده، از دست رفته.
 از اپار: appar: دزدی. فاطر: ʔpr (Mir. Man. II. 47)
 و نیز نک: BSOAS. XII. 46 (از مینو خرد، دکتر تفضلی) و نیز (Zum
 apar: Sasanidischen Recht. Bartholomae 5.8) ۵
 شکل هزوارشی دزدیدن 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥 است. نک: همین واژه، ک ۸/۹.
 اپار باوید: appār bavēd: دزدیده بود/ شود. ک ۸/۹.

اوام: avām: قرض.
 ستا: ʔap: بدست آوردن (Nyb. II. gls. 13) فاطر: ʔbʔmyh
 awām: (Henning. List, 80) واژه نامه مینو خرد تفضلی). پا: ۱۰
 (مینو خرد) ک ۱۴/۸.

اوامینا: avāmīhā: بوام، بطور وام، وام مانند (قید).
 (نک. واژه بالا) ک ۱۴/۸.

آبان: ābān: روز دهم هرماه و ماه هشتم هر سال و نیز ایزدنگهبان آب و موکل
 آن است. در یشت ها، یشتی بنام این ایزد است. ۱۵
 فاطر: ʔbʔn: (Mir. Man. I, 32) ک ۱۰/۲۲ ک ۲/۲۳.

آبان-یت: ābān-it: آبانیت، آبان ترا، ایزد آبان تورا... (نک. واژه بالا).
 -t ضمیر دوم شخص مفرد (حالت مفعولی) نک: همان ک ۱۰/۲۲.

آبها: ābān: جمع آب (نک: آب: آب).
 ک ۴/۱۱ ک ۴۱-۴۰/۱۳ ۲۰

ابآریغ : abārīg : دیگر، بعد.

ستا، فب، سا : apa- + ra- از (Kent. 168) awarē : پ (Mir. Man. I 32, II, 43) ʔbʔryg : فاتر :
(مینو خرد).

۵ ک ۱۹-۳ ک ۵/۹ ک ۱۰-۲/۱۰ ک ۴/۱۱ ک ۸-۳/۱۲ ک ۰۸-۴/۱۳ ک ۰۲۹-۴/۱۴ ک ۰۲ ک ۲۶/۱۵

ابآریغ-یز : abārīg-iz : دیگر نیز و دیگر. ک ۲۰/۳ ک ۴/۱۳ ک ۲۶/۱۵

ابآیئد : abāyēd : باید.

۱۰

فاتر : ʔbʔyēd (Mir. Man. II, 43) : پ awāyat (مینو خرد).
ک ۱۳-۲ ک ۵۰-۴۴-۴۱/۲ ک ۲۵/۳ ک ۲/۴ ک ۴/۶ ک ۱/۷ ک ۰۲۳-۲۱/۸ ک ۰۲۳-۳/۹ ک ۰۱۳ ک ۱۰-۱۵-۲۸-۳۰ ک ۶/۱۵-۷-۹-۱۰-۱۲-۱۴-۲۵-۳/۱۷-۳ ک ۰۶ ک ۱۳/۲۰

بباید : bē abāyēd : لازم است. ک ۲۱/۸ ک ۱۳/۹
بباید، چنین باید. ک ۲/۴

اندر باید : andar abāyēd : لازمست
ک ۴۱/۲ ک ۱۰/۱۰

نباید : nē abāyēd... : ک ۴/۶ ک ۱۰/۱۵
ک ۱/۱۲

۲۰

باید شدن، باید رفتن (در معنی مردن). ک ۱۳/۹

باید دادن. ک ۲۱/۸

باید کردن، باید انجام دادن. ک ۶-۳/۱۲

۲۵

بایست، بایسته است، لازم است. abāyist :

پا: awāyast (مینو خرد) ک ۳۰/۱۵.

ابایسته: abāyišnīg: بایسته، لازم، شایسته.

ک ۱۴/۱۲.

ازابار: azabar: زبر، بالا.

پا: aẓwar (مینو خرد). ک ۱۱/۲-۱۶-۳۹-۷۷. ک ۱۱/۳. ک ۰۸/۴-۰۵/۶. ۵

ک ۲۶/۱۲. ک ۳۷/۱۳.

هفت: haft: شکل عددی آن سرسره است.

ستا: hapta- هندی کهن: -saptá (AiWb. 1765) فاطر: hpt

(Mir. Man. II, 56.) پاتر: hpt (Mir. Man. III, 55)

آسی: aud: پا: hapt (مینو خرد). ک ۱/۵. ک ۳/۵-۳۰. ک ۱۳/۲۲. ۱۰

هفت امشاسپند: haft amšāspand: هفت امشاسپند. (نک

ک ۳۰-۳/۱۵)

هفت کیسوار: haft kišvar: هفت کشور، اقلیم سبعة.

ستا: hafta būmi: هفت بوم، هفت اقلیم، برابر اعتقاد ایرانیان کهن، زمین

به هفت اقلیم یا کشور تقسیم شده بود. arezah: ارزه. savah: سوه. ۱۵

fradadafš: فرد دفش. vīdadafš: وید دفش. vōuru-

jarašn: وروجرشن. vōuru-baršn: وروبرشن و xvaniraθ

خونیث، که خونیث در مرکز شش سرزمین دیگر قرار میگرفت و ایرانزمین یا ایرانویج

در آن قرار داشت. (نک: پورد/ود، یشتها ج ۱ ص ۳۳-۴۳۱. حاشیه) ک ۱۳/۲۲.

۲۰. ناتوان: a-patūg.

در مینوی خرد ۴۴/۱۰ به شکل ۴۱۴۵۵ آمده به معنی ناتوانی. و نیز در

۱۵/۵۳ آن ۴۱۴۵۵: pattūgīh/patūgīh: استقامت و توانایی،

قدرت (از : pattāy و pattaw نک: واژه نامه مینو خرد ص ۱۱ و ۹۳).
ک ۳۰/۱۰.

هفتاورنگ: haftōyrang: هفتاورنگ، هفت ستاره‌ای که به عربی بنات-
النعش خوانند و آن صورت دب اکبر است از جمله چهل و هشت صورت فلکی (برهان).
در اصل به معنی دارای هفت نشان (بهار: پژوهشی در اساطیر ص ۳۳ شماره ۳۷).
ستا: haptō-iringa- (AiWb. 1767) پ: haptōirang
(مینو خرد). ک ۴/۱۱.

هفت‌مرد: a-patētīh: توبه ناکردن، پتیت نکردن. (نک: هفت‌مرد).
ک ۲۳/۸.

هفت‌ساز: afzār/abzār: افزار، ابزار، اسباب کار.
ستا: api-zāvar: (M.F. Kanga-57, 58) پ: api-čāra-?
پ: awazār (مینو خرد). ک ۹۱/۲.

هفت‌ساز: afzāyīšn: افزایش (اسم مصدر).
پ: awazāišn: (مینو خرد). ک ۸/۲۱.

هفت‌ساز: abzūdan/afzūdan: افزودن (مصدر).
ستا: aiwizāvāyēiti: (هزن) و نیز: savayat- aivi+ √sav-
(هوبشمان، برای هر دو وجه نک: اساس اشتقاق فارسی، جلال خالقی مطلق ص ۱۳۰)
پ: awzūdan (مینوی خرد). ک ۳/۱۴. ک ۹/۱۵-۱۲-۱۴-۲۰.
هفت‌ساز: abzūn / afzūr: افزون (بن مضارع).

هفت‌ساز: bzwn (Mir.Man. II, 44). ک ۵/۲۱.
هفت‌ساز: pad afzūn bavēd: روبه فزونی باشد.
ک ۵/۲۱.

افزاید، بیافزاید، اضافه کند. afzāyēd:
 سنج. فاطر: $^2bz^2y$ (Mir.Man. II, 44) پا: awazāet
 (مینوی خرد). ک ۲۵/۱۵. ک ۶/۲۱.

افزونیدن: afzōnīgihā: سودبخشی، تقدس.
 سنج. پا: awazūnyan (مینو خرد) ک ۴/۲۳. ۵

افزودیدن: ōzanīhēd: کشته شود، (فعل، شکل و ساخت مجهولی دارد لکن در
 متن معنی: بکشد یا بمیراند می دهد). (سنج: شیراژن).
 ستا: $\sqrt{Jan}$ aiwi "کشتن" پا: awazadan (GNPE. 31)
 فاطر: $^2wzn-$, 2wzdn (Mir.Man. II. 45) پاتر: $^2wj d$
 $^2wj n-$ (Hymn Cycles, 183) واژه نامه مینو خرد، دکترتفضلی ص ۱۰
 (۵۶). شکل هزارش کشتن ۱۱۳۱۲ و ۱۱۳۱۴ است. (نک: همین واژه)
 ک ۸/۱۰.

افزودیدن: aždahāg: ازدها، مار بزرگ. اینجا منظور ضحاک است.
 ستا: $ažišdahākō$ (AiWb. 266) ارمنی: āzdahak (GNPE. 19)
 ک ۱۸/۲۰. ۱۵

افزودیدن: abē-dād: بیداد. (داد، عدل، قانون، نک: همین واژه).
 بیعدالتی، ستم.
 پا: dāt: سنج. فاطر: d^2dyst^2n (Mir.Man. II, 49) ک ۱۷/۲۲

افسان: afsān: افسان، فسان. "... سنگی باشد که کارد و شمشیر و خنجر و امثال
 آن را به آن تیز کنند، حکیم خاقانی: خنجر فتنه چو گشت کند در ایام * خنجر خصم تو
 گشت او را افسان، جهانگیری، عفیفی".
 سا: -āna + abhi و ساریکی: pasān: "سنگ تیز کن".

(GNPE. 23) ک ۲۸/۱۰

سوم سوم ظاهر " بجای سوم سوم و afsāyēnd: فسایند، تیز کنند.

در مورد ناخن: ناخن چیدن، ناخن گرفتن. ک ۶/۱۲

لد سوم سوم و nē afsāyēnd: ناخن نگیرند. ک ۶/۱۲

۵ سوم سوم سوم سوم: afsihēnīdārtar: نابودکننده تر، از بین برنده تر.

" بارتولومه آنرا از ریشه وستایی: saēd: ماده و bisōyāt: و سانسگریته: chēd:

گسستن و شکستن میداند." (دبا ۱۳. P. V. GL. پ: awasihīnīdan

نابود کردن، تباہ کردن. (مینوی خرد). ک ۳۰/۱۳

سوم سوم سوم سوم: abispārdan: سپردن، سپاردن.

۱۰ ستا: -spar- /vispara- هندی کهن: sphurāti (GirPh. 155)

sphur-: (سوم سوم سوم سوم) be abispārdan: بسپردن،

سفارش کردن. ک ۲/۸

سوم سوم سوم سوم: abispārd: سپرد، سپارد. ک ۵/۸

سوم سوم سوم سوم: abispārēnd: سپارند، بسپارند.

۱۵ پاتر: bysp²r: (Ghilain. 75) پ: awaspārēnd

(مینو خرد). ک ۸/۱۷

لد سوم سوم سوم سوم و nē abispārēnd: نسپارند. ک ۸/۱۷

سوم سوم سوم سوم: avistāg/abistāg: اوستا، (ستا، ابستا، وستا) کتاب مقدس

بهامبر کهن ایران، زرتشت. پ: awastā.

۲۰ ک ۱/۱ ک ۵۵/۲-۹۷-۱۱۸ ک ۹/۹-۱۰ ک ۵/۱۰-۱۹-۲۵-۲۹ ک ۲/۱۴-

۳ ک ۱/۱۵ ک ۸/۱۷-۹ ک ۱۴/۱۹

سوم سوم سوم سوم: avistāg zand: زند اوستا. ک ۲۵/۱۰

سوم سوم سوم سوم: abistān/avistān: استان، استام، معتمد.

"اوستان بر وزن دوستان، مردم امین و معتمد باشد" برهان.
پا: awastam (مینو خرد). ک ۱۳/۹.

سوم: afsard: افسرد، افسرده شد، خاموش شد، سرد شد. (در مورد آتش)
معادل اوستایی آن: sarəta: پا sard: (Kapadia. 278)
ک ۳/۱۲ ۵

سوم: ābustan/ābistan: آبستن، حمله.
ستا: apuθra-, tanu- [تن] بچهدار، زن حمله. (AiWb. 85-86)
ک ۵/۲-۱۰۵-۱۰۹. ک ۱۸/۸. ک ۴/۱۰-۱۰-۲۰.
سوم: ābustanih: آبستنی، حاملگی.
فاتر: bystnyy (Mir. Man. II, 44) ک ۵/۲-۱۱۵. ک ۲۲/۳ ۱۰

سوم: ābgēnag: آبگینه، آینه. ک ۵/۲-۱۱۵.

سوم: abē-gumān: بی گمان، بی شک.
ستا: *apaiy: (هوبشمان) + *vī-manah- هندی کهن: vīmanas-
(AiWb. 1449) این واژه بشکل سوم: نیز آمده است. (نک: گانگا،
اندرز پوریوگیشان ص ۵۵). ک ۸/۳. ک ۳/۱۱ ۱۵

سوم: u-š: ʔpš: او را، آن را. u: او، آن + ید: š ضمیر متصل
سوم شخص مفرد. فاطر: wš: (Mir. Man. I, 33) پا: vaš: ک ۳۲/۲-
۸۹-۹۲-۱۰۰ (و در متجاوز از ۷۰ جای دیگر کتاب).
سوم: ʔp-šʔn: u-šān: آنها، ایشان. که: šān- ضمیر متصل سوم
شخص جمع است. پا: vašān (مینو خرد). ک ۶۵/۲. ک ۳۴/۳. ک ۱۳/۱۳
ک ۲۹. ک ۲۲/۱۵-۳۰ ۲۰

سزید: az-iš: ازش، از او. س: az: از (حرف اضافه) + س: š: ش: (ضمیر متصل سوم شخص مفرد). پا: ažaš: زبور پهلوی: šy (PS. 35) تفصیلی، مینو خرد. ک ۴/۱. ک ۴/۴. ک ۱/۱۱. ک ۳/۱۲-۹-۱۴. ک ۳/۱۵. ک ۷/۲۰-۹-۱۰.

سزید: afsēd/apšēd: پاشید، پاشیده (ظاهرا "این شکل لازم فعل است و صورت متعدی آن "افشاند" می باشد). ک ۱۱۹/۲. سزید: afsēd ēstēd: پاشیده (شده) است. ک ۱۱۹/۲.

سو: xafag/xapag: خفه (فشرده گلو)، خبه، خبه، خبک، خبک. (فرهنگهای فارسی). ک ۲۳/۲.

سوسر بجای سوزد: xapagih: خفگی. ک ۲۳/۲. ۱۰

سز: abar/apar: بر. شکل هزوارش آن ک: . بیشتر صورت هزوارشی آن در نوشته های پهلوی بکار رفته است.

فاتر: br (Mir. Man. II, 44). ک ۳۴/۱۰.

سز: abar nē yazišn: نباید بریشتن، نباید تقدیس کردن ک ۳۴/۱۰. ۱۵

سز: PR² هز، یونکر: سز: xāk, pRY²: خاک (FrPh. 17) نوشتار غیر هزوارشی آن سز: پا: xaki (مینو خرد). ک ۱۱۳-۱۱۲-۹۸-۹۲-۳۶/۲.

سز: a-zarmān: بی پیری، بدون پیری. پا: azarman (از a نفی + zarmān: پیری. نک: همین واژه). ک ۲۱/۲۲. ۲۰

سز: afrōxtan: افروختن.

فاتر: ²brwc, ²brwxt (VMT. 182) ک ۵۰/۲.

سپسرو: aburnāyag/-īg: ابرنا، برنا، کودک، بچه.
ستا: a-pərənāyu- (AīWb. 81) پ awarnāe و apurnāe
(مینو خرد) ک ۱/۵ ک ۱۸-۱۶/۱۰.

۵ سپسرو: aburnāyagān: ابرنایان، جوانان، بچه ها. ک ۱/۵.
سپسرو: afrōzišn: (اسم مصدر) افروزش، افروختن.
نک: سپسرو. ک ۳۰/۳.
سپسرو: nē afrōzišn: نباید افروختن. ک ۳۰/۳.

سپسرو: afrōzēnd: افروزند، روشن کنند. پ: awarōzēnd (مینو
خرد) نک: سپسرو. ک ۲/۲۰ ۱۰

سپسرو: HPRWN, d: kanēd: بجای: سپسرو و kanēnd: کند (از-
کندن) ک ۱۵-۱۴/۲.
سپسرو: bē kanēnd: بکنند. ک ۱۵-۱۴/۲.

سپسرو و HRRWN, nd: kanēnd: کنند سپسرو و be kanēnd:
بکنند. ک ۱۶/۲ ۱۵

سپسرو: (نک. واژه بالا): kanēd و bē kaneḏ ک ۱۸/۸ و نیز بجای.
سپسرو: kanēnd: ک ۲۲/۲.

سپسرو: afarg/aparg: افرگ، افری، اسم خاص است و چنانکه از این متن و سایر
نوشته های دینی پهلوی برمیآید، وی یکی از موبدان صاحب نظر بوده است. "نام
یکی از مفسران اوستا است که گویا پیش از ساسانیان میزیسته است". فرهنگ فرهوشی. ۲۰

این واژه را می توان āzarak : آذرک، هم خواند.

ک ۳/۱ ک ۲/۲-۶۴-۷۳-۸۸-۱۱۵ ک ۵/۵-۶.

ابریشم : aprēšam : (نک: واژه زیرین) . ک ۴/۴.

ابریشمین : aprēšamēn : (صفت نسبی) . ابریشمین . ک ۴/۴.

۵ ابریشم : aprēšum : ابریشم، بریشم، معرب آن Ibrīsam : ابریشم
(واژه های معرب در صراح ص ۱) در ارضی : apršum : سا : kšāuma-
ابریشم بافته. از : *upara kšāuma (اساس اشتقاق فارسی ص ۸۶) ک ۹۹/۲.

آفرین : āfrīn : ستایش، نیایش.

ستا : afri-vana- (AiWb. 331) پهلوی کتیبه ای : ³plyny پاتر.

۱۰ ³frywn (Mir. Man. III, 49) فاطر : ³fryn (Mir. Man. III, 49)
āfrīn : ۴ II, 47) (مینو خرد) . ک ۳/۱۹-۴-۱۲-۱۳-۱۴ ک ۲۱/۲۲.

آفرین کنید، بستانید. āfrīn kunēd : آفرین کنید، بستانید.

ک ۱۴-۱۳-۱۲/۱۹.

آفرین ترا، ستایش ترا، نیایش را. āfrīn-t : آفرین ترا، ستایش ترا، نیایش را. ک ۲۱/۲۲.

۱۵ آفرین بیشتر، مستجاب تر؟. āfrīn-tar : آفرین بیشتر، مستجاب تر؟. ک ۴/۱۹.

۲p-m : u-m : مرا، بمن. و + م (ضمیر متصل اول شخص مفرد حالت مفعولی)

ک ۱/۱۵

۳۶ : u-mān : ما را، بها و + مان (ضمیر متصل اول شخص جمع) . ک ۱۳/۹.

ابی آ، ناشسته (بی وضو). aba- : گونه دیگری است از abē

بی، بدون + آب. ک ۸/۹.

آبستن، زنی که بچه در شکم دارد. این واژه به شکل

ābist و ābistan و ābustan هم آمده به معنی بچه دار. ستا.

apugra: tanu- (Aiwb. 86). ک ۷/۱۰ ک ۱۸/۱۲.

آبستن بود، آبستن شود. ک ۱۰/۱۰

ک ۷/۱۸/۱۲.

آبستن. (نک: واژه بالا).

ک ۱۱/۱۲-۱۳ سنج فاطر: bystnyy^۲ آبستنی (Mir. Man. II, 44)

دزدیده، دزدیده شده.

فاطر: pwrđ^۲ برد، دزدید. (Mir. Man. II, 47) ک ۱۲/۱۵.

دزدیده شده است. ک ۱۲/۱۵.

دزدیده شده. ک ۱۲/۱۵.

ابرنای: aburnāy: برنا، نوزاد، بچه. (نک: س ۲۰۰۰) ک ۲/۱۳.

ابرنایگ: aburnāyīg: برنا، بچه، نوزاد (نک واژه بالا) ک ۸۵/۲-۱۰۵-۱۰۶.

ک ۱/۵ ک ۱۲/۱۲.

ابرنایگ: aburnāyīg: نک: واژه بالا. ک ۸/۲.

آفرین، نیایش، ستایش، دعا. نک: س ۱۴۰ ک ۳۲/۲۲.

ابی، بی، پیشوند و نشانه نفی.

ستا: apa+id فب: *apaiy پا (Pers. Stud. 33) aw:

ک ۸/۳ . ک ۱۰/۱۲-۱۷-۲۴-۳۱ . ک ۳/۱۱ . ک ۲۰/۱۲ . ک ۱۷/۲۲ .

سورق abēbīm: بی بیم، بی ترس، بی (نک: واژه بالا) + bīm ستا-bay
هندی کهن: -bhāy bhēman- س bhīma : پ bīm (GNPE. 59)

سوزو abēzag/avēzag: اویژه، ویژه، پاک. (صفت بهدین، آئین زردشتی).
فاتر: ³bycg (Man. Stud. 44) پ awīža: (هردواز مینوخرد
تفضلی). ک ۷-۱/۶ . ک ۱۵/۱۵-۱۶ .

سوزو و سوزو avēzag dād: پاک آفریده، بهدین، زردشتی.
ک ۷-۱/۶ .

سوزو (۱) azēr: (۱). زیر، پائین. ستا: aḥairi- (AiWb. 58)
پ azēr: . ک ۱۱/۲-۳۹-۸۹-۹۵-۱۱/۳ . ک ۵/۶ .
(۲) نشیمگاه. ک ۱۴/۱۰ .

سوزو (۳) abēr: بسیار، زیاد. فاطر: ³pyr پ awīr: (Nyberg.,
II, 18.) ک ۵/۳ . ک ۱۳/۸ . ک ۲۲/۱۰-۲۳-۲۹ . ک ۱۲/۱۵-۱۶-۱۹ .
۲۶-۲۹-۳۰ . ک ۳۰/۱۳ . ک ۸/۲۰ .
سوزو abērtar: زیادتر، بیشتر. پ: awīr-tar (مینوخرد).
ک ۱۲/۱۹-۲۹ . ک ۳۰/۱۳ . ک ۸/۲۰ .

سوزو و سوزو abērāhīh: بیراهه، راه نا آشنا. ک ۱۴/۱۹ .

سوزو و سوزو abēmōzag: بی موزه، بدون کفش، پابرهنه، abē + mōzag
موزه (نک: هر یک از دو جزء). ک ۱۲/۱۰ .

۶۴۷ abduṃ/afduṃ: اقدم، آخر، سرانجام.
 ستا: *apatōma, apōma (80-81) (*AiWb.*) (ونیز نک: *GN PE.*)
 9-10 فاطر. bdwm: (*Mir. Man.* II, 44) پا: awadum
 (مینو خرد) فارسی: اقدم (لغت فرس). ک ۰۸۹/۲ ک ۰۷/۸

۵ ۶۴۸ abēvināh: بی گناه، abē بی + vināh گناه (نک: هریک از
 دو جزء). ک ۰۱۷/۱۰
 ۶۴۹ abēvināhīh: بی گناهی. ک ۰۲۴/۱۰

۶ ۶۵۰ HT: هز: agar اگر، فاطر: ʔgr (*Mir. Man.* II, 44) پا:
 agar (مینو خرد). ک ۰۱۸-۳۱-۳۸-۴۵ و ۰۰۰۰
 ۶۵۱ agar-iz: اگر نیز، واگر. ک ۰۲۸/۲ ک ۰۱۱/۳ ک ۰۲/۵
 ک ۰۴/۱۲

۶۵۲ agar-š: اگرش، اگر او را. agar اگر + š (ضمیر متصل اول شخص
 مفرد مفعولی). ک ۰۳۱/۲ ک ۰۷/۵ ک ۰۴/۱۶
 ۶۵۳ agar-šan: اگرشان، اگر آنها را، agar اگر + šan
 (ضمیر متصل اول شخص جمع، مفعولی). ک ۰۲۷-۸/۱۲

۶۵۴ ātaxš/ataš: آتش. آتش، آفریده ای هرمزدی است و بنا بر بندهای
 ۲ و ۳ یسنا ۳۶ داوری روز واپسین راعهده داراست و در اوستای متاخر نیایشی به نام
 اوست. (توضیح بیشتر را، نک: مهرداد بهار. پژوهشی در اساطیر ایران ص ۴۶.
 شماره ۱۳) ستا: ātar, ātarš: (*AiWb.* 312) پا: ātaš
 (شکل هزوارش آن اول). یونگر: ۷۵. ک ۰۳۸/۲ و متجاوز از ۳۰ جای
 دیگر کتاب.

۶۵۵ ātašān: آتش ها، آتشان.

هر سال و ایزد موکل آنها . ک ۲/۲۳ .

𐬰𐬀𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀𐬎𐬀: Ādur Ōhrmazd: آذرهرمزد، اسم خاص، یکی از مفسران و پیشوایان زردشتی . ک ۳/۱ .

𐬰𐬀𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀𐬎𐬀: Ādurbād ī Mārispandān: آذرباد ماریسپندان/ یا مهر سپندان . آذرباد پسر مهراسپند، بزرگ موبد دوران شاپورد دوم ساسانی (۳۱۰-۳۷۹ م) . تدوین کننده اوستای متأخر و خرده اوستا . ک ۲۳/۸ . ک ۱۶/۱۵ .
𐬰𐬀𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀𐬎𐬀: Ādurbād ī Māraispad: همو .
ک ۴۰-۲۳/۱۰

𐬰𐬀𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀𐬎𐬀: Ādurbād ī Zarduštān: آذرباد زردشتان
آذرباد پسر زردشت یکی از موبدان و مفسرین عهد ساسانی . ک ۱۰/۸ .

𐬰𐬀𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀𐬎𐬀: Ādur Farnbay Narsē: آذر فرنبلغ نرسه (نام خاص) یکی از موبدان و دانشمندان زردشتی و مفسران اوستا . ک ۳/۱ .

𐬰𐬀𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀𐬎𐬀: āduristar: خاکستر، ātur: آذر، آتش (نک: همین واژه) +
star از star / گسترده، پاشیدن . ک ۳۷-۱۷/۲ .

𐬰𐬀𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀𐬎𐬀: Ādur farnbay: آذر فرنبلغ (= آتش فره ایزد) یکی از آتشهای مقدس دوره ساسانیان است و ظاهراً "این آتش نگهبان پیشه آتوربانی بوده، مطابق با مندرجات بندهش این آتش در کوه rōšn در کابلستان قرار داشته . لکن این آتش در شمار ۵ آتش مقدسی که در گاهان (پسنا ۱۷ بند ۱۱) بدانها اشاره شده نیست . (تک: مزدیسنا و ادب فارسی، دگتر معین ص ۳۳۸) .

استادپور دادود نوشته: آذر فرنبلغ نگهبان همه پیشوایان و دانایان و دبیران شمرده میشد و جای آن در کاریان بود، در لارستان کنونی در سرزمین فارس،

هنوز کاخ فروریخته آن بنزدیکی لار نمودار است. (نک: یسنا پورد/ود ج ۲ ص ۱۷۴).
ک ۲۶/۱۳.

سک: āz: (دیواز)، در دیگر نوشته های پهلوی به شکل: 𐬀𐬵𐬰 آمده است. (نک: مینو خرد ۷/۱۴ و ۱۰۰). ستا: āzi- (AiWb. 383) فاطر: z[»]
پا: āž: (Mir. Man. II, 43) (مینو خرد). ک ۱۷/۲۲.

۵

سک: azān: دخمه، این واژه به نظر پروفیسور هنینگ مرکب است از ast/azd به معنی استخوان + دان (پسوند اسم مکان، سنج: گلدان، نمکدان) در حالیکه سایرین آنرا هزوارش: daxmag دانسته اند. نک: و. ب. هنینگ:
Sir J. J. Zarthoshti Madressa Centenary Volume.
daxmag Bombay 1967 pp. 42-67. گوتوال نیز این واژه را:
خوانده است. ک ۷۵-۶/۲. ک ۷/۹. ک ۱۹/۱۳.

۱۰

سک: HZWRV^۲ هز: xūk: خوک، خنزیر، خوک ماده، گراز.
ستا: hū: سا: -1817ysūkara (AiWb. 1817) این هزوارش در فرهنگ پهلوی
مرکب: آمده است. (Junker. 17). ک ۵۸/۲.

*

سک: HS: هز: may: می، شراب. ستا: mada-mada: سا: madā: از:
✓mad (AiWb. 1113) فاطر: my (Mir. Man. II, 60)
پا: mae: (مینو خرد). ک ۳۲-۳۱-۳۰/۲. ک ۷/۱۰.

۱۵

سک: YŠ^۲ هز: kas: کسی. ایرانی کهن: kaš[čiy] ستا: kas[čit]:
هندی کهن: kās: پا: kasiča, kas (GNPE. 190). ک ۷۶/۲.
ک ۲۵-۱۳/۳. ک ۶/۵. ک ۱۱-۳/۸. ک ۷/۹. ک ۱۰-۱۶-۱۷-۳۹-۴۰. ک
۰۳/۱۱. ک ۲۵-۲۷-۲۸-۲۹-۳۲. ک ۳۰/۱۳. ک ۳/۱۵. ک ۵/۱۹.

۲۰

سعو 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥: kasān, yš'n: کسان، اشخاص. پا : kasān (مینو خرد).

ک ۲۹/۱۳

سعو 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥: kas-iz: کسی نیز. ک ۲۸/۱۲

سعو 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: avēšān/ē-šān: ایشان. در نوشته های پهلوی بیشتر به شکل

𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 (نک: همین). ک ۳۳/۱۰ ۵

سعو 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥: āsān: آسان، راحت. که ۴۰/۱۰ ک ۳/۱۱

سعو 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: āsānīh: آسانی، راحتی، آسایش (اسم مصدر). پا : āsānī

(مینو خرد). ک ۳/۱۲ ک ۱۹/۱۳

سعو 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: āsāntar: آسان تر (نک. واژه بالا tar+، نشانه صفت تفضیلی).

ک ۴۰/۱۰ ک ۳/۱۱ ۱۰

سعو 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: ? ? : این واژه را کوتوال تصحیفی از sarīh=s²lyh- (از. سرو

برو برتری و بالا بودن) دانسته و احتمال داده که a آغازی واژه، مربوط به واژه پیش

از آن mazdāsčā باشد و در واژه نامه خود هم آنرا نیاورده، لکن در ترجمه

ظاهرا "معنی فوق و بالای را از آن اراده کرده است. (نک: Kotwal.p.16

(No. 102) ک ۹/۱۳ ۱۵

سعو 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: aspur: کامل، پر. این واژه در دیگر نوشته های پهلوی به شکل 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥

آمده است. (نک: واژه نامه گزیده های زادسپرم ص ۴۸). فاطر: spwr^c

(Mir.Man. II, 63.) پاتر: spwr^c (Mir.Man. III, 51)

ک ۲۱/۲۲

سعو 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: ast-ōmand: استومند، مادی. ast: استه، هسته، جسم، استخوان

(نک: واژه زیر) + ōmand: پسوند دارندگی (نک. همو). ستا: -astvat,
astvant (AiWb. 215). ک ۴۳/۱۳.

سجده: astag: هسته، استه، استخوان. اسم است از ast: استخوان
ستا -: ast- هندی کهن: asthi, asthan (GNPE. 20) stag: ستا
و (AiWb. 211) فاطر: stast (Mir. Man. II, 47) پا: ast: ۵
(مینو خرد) سنج فا: پیلسته. عاج (استخوان فیل، دندان فیل).
چو بر روی ساعد نهید سر بخواب سمن راز پیلسته سازد ستون. ؟
ک ۱۲۲/۲.

سجده: ast: استخوان. نک: واژه بالا. ک ۱۴/۱۷.

سجده: āstvān: استوان، خستوان، خستو، معترف، معتقد. ۱۰
ستا: ststav+a: (گنگا، پوریو تگیشان ۵۵). فاطر: ststst (Mir. Man. II, 43)
xustuwān: پا: āstvan: (مینو خرد). ارمنی: ۱۱
ک ۶/۵. ک ۷/۷. ک ۴-۳/۹. ک ۵-۴/۲۰.
سجده: āstvān būdan: استوان بودن، خستو بودن،
معترف بودن، مؤمن بودن. ک ۳/۹. ک ۵-۴/۲۰. ۱۵

سجده: āstvānīh: (اسم مصدر) خستو بودن، معترف بودن، مؤمن بودن.
ک ۶/۵. ک ۷/۷.

سجده: HZyTWN, t: دید: did: فاطر: dydn (Mir. Man. II, 50)
پا تر: dydn (Mir. Man. III, 54) پا: dit (مینو خرد).
ک ۱۰/۲-۶۳-۶۵-۶۸-۶۹. ک ۱۰/۸. ک ۳۳/۱۰. ۲۰
دید: nē did: ندید، ندیده. ک ۶۸-۶۵-۶۳/۲.

- سعد ۶۱۱۱: $v\bar{e}n\bar{e}m: H\bar{z}yTWN'm$: بینم. ک ۳/۱۵.
 لک سعد ۶۱۱۱: $n\bar{e} v\bar{e}n\bar{e}m: L^3 H\bar{z}yTWNm$: نبینم. ک ۳/۱۵.
- سعد ۱۱۱۱: $v\bar{e}n\bar{i}h\bar{e}d: H\bar{z}yTWN, yhyd$: دیده شود. (نک: واژه های بالا)
 ک ۲/۲۰.
- ۵ سعد ۱۱۱۱: $v\bar{e}n\bar{e}d: H\bar{z}yTWNyt'$: بیند. شکل غیر هزوارشی آن ۲۱۱۱
 می باشد. این هزوارش بدین سان نیز در نوشته های پهلوی دیده شده سعد ۱۱۱۱
 پا: $vin\bar{a}t$ (مینو خرد). ک ۲/۵-۳. ک ۳/۱۰-۲۲-۱۵-۱۰/۳. ک ۳۱/۱۰.
 ک ۳/۱۴.
 لک سعد ۱۱۱۱: $n\bar{e} v\bar{e}n\bar{e}d$: نبیند. ک ۱۰/۳. ک ۳۷/۱۰.
- ۱۰ سعد ۱۱۱۱: $asr\bar{o}šd\bar{a}r$: نافرمان، $asr\bar{o}št$: کسی که در امور دینی نافرمانی
 میکند. (فره وشی) $\bar{a}r+$ - پسوند صفت فاعلی ساز. یا از a نشانه نفی + $sr\bar{o}š$
 ستا: $sra\bar{o}ša$ (کا پادیا، ص. ۲۳۶). ک ۲/۱۲.
- سعد ۱۱۱۱: $\bar{a}sr\bar{o}g$: آثرون، پیشوای دینی. شکل دیگر آن سعد ۱۱۱۱ است. (نک: واژه
 زیر). ک ۱/۹.
- ۱۵ سعد ۱۱۱۱: $\bar{a}sarvan/\bar{a}sr\bar{o}n$: آثرون، آذربان، آتوربان، مؤبد نگاهبان آتش،
 پیشوای دینی زردشتی. ستا: $\bar{a}gravan$ (323) $\bar{a}iwb$. پا: $\bar{a}sr\bar{u}n$
 (مینو خرد). ک ۵۶/۲.
 سعد ۱۱۱۱: $\bar{a}sarvan\bar{a}n/\bar{a}sr\bar{o}n\bar{a}n$: آتوربانان، پیشوایان دینی.
 ک ۴/۱۱.
- ۲۰ سعد ۱۱۱۱: $SLWN\bar{s}n$: بزم: $bandi\bar{s}n$: بستن (اسم مصدر) نوشتار غیر هزوارشی آن
 روستی است. نظر: $bny\bar{s}n, bnn$: بند و بندش. بستن. $Mir. Man$.

(II, 48. ک ۱۳/۱۰.

فرآز بستن. ک ۱۳/۱۰. frāz bandiṣn: سوزان

سوزان: SLWN: ۳: هز: band: + سوزان نشانه ای برای فعل دوم شخص (معمولا)
 جمع) نک: دستور زبان فارسی میانه د. س. راستارگوییوا ص ۱۳۹. bandēnd
 بندند. ک ۱۱-۸/۴.

۵

سوزان: هز: bandēd (نک. واژه بالا). بندد.
 ک ۱۱/۲. ۳/۲۰. پا: bandāt (مینو خرد).

سوزان: همان واژه بالاست. ک ۳/۴. ک ۱۳/۱۰.

سوزان: be bandēd: به بندد. ک ۱۳/۱۰.

۱۰

سوزان: abāz bandēd: بازبندد. ک ۳/۴.

نور ۹۰: navad ستا: navaiti-: سا: navati- (Jackson. 106. پا: navat (مینو خرد).
 ۱۰۶.)

سوزان: ēzm: هیثم، هیمه و نیز نک: سوزان. ک ۱۲/۱۵.

سوزان: āsmān: آسمان، نام روز ۲۷ همراه و ایزد نگهبان آن روز. نک:
 سوزان. ک ۴/۲۳.

۱۵

سوزان: āsmām: آسمان، ایزد موکل و نگهبان سپهر و روز بیست و هفتم همراه
 شکل هزوارشی آن سوزان یا سوزان است. (کاپادیا ۲۳۶).

ستا: asman هندی کهن: açman- (GNPE. 8) دراصل به

معنی سنگ است. پا: āsman (مینو خرد). ک ۲۷/۲۲.

۲۰

سوزان: asmānt: ایزد آسمان ترا، آسمانت. (āsmān: آسمان +

t ضمیر متصل اول شخص مفعولی) ک ۲۲/۲۷.

دو...: بجای: *ēzmdān*: همیشه دان، انبار هیزم.
 مع... *ēzm*: (نک: همین واژه) + *-dān*: پسوند، مکان و جای
 سنج. نمکدان، گلدان و... ک ۲/۷۳.

۵ مع... *asēj*: بی رنج، بیدرد. *a*، نشانه نفی + *sēj*: درد، رنج (نک:
 همین واژه) فارسی. "سیج به کسر اول بمعنی رنج و محنت و مشقت" برهان.
 ک ۵/۶.

دو... *asēm*: سیم، نقره.
 ستا: *simā--*. *simōiθrā-* (یشت ۱۰ بند ۱۲۵. *AiWb*. 1581.)
 ۱۰ هندی کهن: *-čāmyā* (GNPE. 168) *²sym*: فاطر (*Mir.Man*.
 II, 47). ک ۲/۱۱۳. ک ۱۵/۱۸.

دو... *āsnīt*: ذاتی، فطری. نوشتار دیگر این واژه در متنهای پهلوی و پهلوی
 یسنا دو... است. ستا: *-ā-sna-* (*AiWb*. 341). ک ۸/۹.

دو... *āsnīt xrad*: آسین خرد، خرد فطری، خرد ذاتی.
 ۱۵ ستا: *-ā-snahe xraθwō-* (*AiWb*. 341-Y. 22.25) *āsn-*:
xard (مینو خرد). ک ۸/۹.

دو... *āhān/āhēn*: آهن. در پهلوی یسنا: *āhān* آمده است.
 ستا: *-āyāha* (156, *AiWb*.). ک ۲/۱۱۴-۱۱۵. ک ۱۵/۱۴-۱۵-
 ۱۶-۱۹.

۲۰ دو... *āhēn ī dil*: آهن دل. ک ۱۵/۱۵.
 دو... *āhēn ī vidāxtag*: آهن گداخته.

(نک: هر یک از اجزاء) ک ۱۵-۱۴-۱۵-۱۶-۱۹.

سجده ۱۴: āhēn: آه‌نین. صفت نسبی: āhēn + ēn-ēn) -
نشانه صفت نسبی) ستا: -ayaphaēna (AiWb. ,156) ک ۳۴/۳.

سجده ۱۵: ēzm/ēsm: هیزم، هیمه. ستا: -aēsma (AiWb. 26-27)
پا: hēzam: شکل هزوارشی آن سجده (نک: همین واژه) است. ک ۷۳/۲-
۱۱۸. ک ۱۸/۸.

*

سجده ۱۶: a-š/ā-š: آنگاهش، پس آن را، آنگاه او را (a: آنگاه، پس + š
ضمیر متصل اول شخص مفعولی. نک. هر یک از اینها). ک ۱/۲-۶۷-۷۲ و ۷۳.

سجده ۱۷: Hy: هز: jān/gyān: جان. فاطر: gyy³n: (Mir. Man.
II, 54) پاطر: gyy³n: (Mir. Man. III, 55) پا: jān: (مینو خرد).
ک ۵۱/۲-۵۶. ک ۱۲/۱۷.

سجده ۱۸: aštād: اشتاد. به معنی. راستی و درستی است. و نام روز ۲۶ همراه
و نام فرشته یا ایزد ناظر بر راستی و عدالت است که همکار رشن راست می‌باشد و موکل
روز بیست و ششم هر ماه نیز می‌باشد.
ستا: -arštāt (AiWb. 204) ک ۱۹/۱۲. ک ۲۶/۲۲. ک ۴/۲۳.
سجده ۱۹: aštād, it: اشتاد ترا، ایزد اشتاد ترا. ک ۲۶/۲۲.

سجده ۲۰: aštar/aštr: اَستَر، تازیانه، شلاق.
ستا: -aštrā (AiWb. 263) ک ۲۹-۲/۱۳.
سجده ۲۱: aštar burdan: حدّ شرعی را تحمل کردن،
شلاق خوردن. ک ۲۹/۱۳.

سرخس: xišt: خشت، آجر نیخته. ستا: ištya-: s ištakā (AiWb. 378.) ک ۳۶/۲.

سرخس: āškārag: آشکار، آشکاره. ستا: *aviškāra-: s āviškāra- (GNPE. 8.) پ: āškārā (مینو خرد). ک ۸/۸.

سرخس: āškāragihā: به آشکاری، آشکارا. ک ۸/۸. ۵

سرخس: HŠKHWN, yh: هر: vindēh: یابی (از: =vindādan یافتن) نوشتار پهلوی آن ۱۱۱۱۱۱ ستا: viñdeñti از ریشه: vaēd هندی کهن: vindāti از ریشه: vēd (GNPE. 300.) ونیز نک: (AiWb. 1449). فاطر: wndyh (Mir. Man. II, 52) ک ۳۰/۲۲.

سرخس: āškōb: اشکوب، آشکوب، "آشکوب به معنی آسمانه و سقف خانه باشد. ۱۰
و هر مرتبه از پوشش خانه را نیز گویند" برهان. ک ۶۲/۲.

سرخس: āškumb: اشکم، اشکمب (سج: شکمه).
این واژه در دیگر نوشته های پهلوی سرخس آمده است. (نک: مینو خرد ۳۳/۲۶ و ۱۱/۵۶) معادل اوستایی این واژه uruθwasča است. فاطر: škmb (Mir. Man. II, 63) پ: āškum (مینو خرد). ک ۵۸/۲. ک ۱۰/۱۰
۱۵
۱۳-۱۸. ک ۴/۱۱.

سرخس: ašem: اشم [وهو] نک. واژه زیر: ک ۷/۵.

سرخس: ašemvohūg: اشم وهو، نماز معروف زردشتیان.
ستا: ašəmvohū (AiWb. 257) برای معنی و تفسیر این نماز نک:
M.F. Kanga: A Pahlavi Commentary on the ۲۰

Aṣṣamvohu . در پژوهشنامه مؤسسه آسیائی شماره ۲ سال ۱۳۵۴ شیراز. ۵/۵.

دسپرو: *aṣemvohūg*: اشم و هو، نک. واژه بالا.
ک ۵/۵-۷. ک ۲۴/۱۰-۳۵. ک ۲۱/۱۲-۳۲. ک ۱/۱۳.

دسپرو: *xšmaibya*: واژه آغازین یسنا ۲۹ می باشد. ک ۴/۱۳.

۵ دسپرو: *aṣavahišt*: اشاو هیشت نوشتار پهلوی شکل اوستائی است برای
اردیبهشت، نام دومین امشاسپند و نام دومین ماه سال و ایزد نگهبان آتش. ستا:
aṣavahišta- نک: ۳۳ دسپرو ک ۴/۱۱.

دسپرو: *xšvašmāngug*: شش ماه. واژه نخستین به شکل اوستائی
آمده است. ستا: *(AiWb. 562) xšvaš. māhya-* ک ۹۵/۲.

۱۰ دسپرو: *xšvašmānghug*: همان واژه بالاست، و سبب
نوشته شدن آن بدین دو صورت (بجای: *خشد* یا *رشد* که شکل هزوارش
آنست و معمول بوده) روشن نیست. ک ۹۷/۲.

دسپرو: *ašnavēd*: اشنود، شنود.

فاتر: *šnw* (Mir. Man. II, 47) پاتر: *šnw* (Mir. Man.

۱۵ III, 51). شکل هزوارشی آن: *اشنود* (Junker 1.) است.
ک ۳۲/۱۲.

*

دسپرو: *ayryak*: دراز، طولانی، درازترین، طولانی ترین. (نک: تاو دیا،

شایست نشایست ص ۱۲ شماره ۱۵). ستا: *ayrya-* (AiWb. 50)

هندی کهن: *ayriyā-* ک ۱/۹.

*

سَو : āk / āk : اک، اک، بد، بدی، زشت، آسیب، آفت.
 (فرهنگهای فارسی). ستا : aḡā- هندی کهن : aghā (AiWb. 48.)
 سَو ۱۴۳ : āk-dēn: بددین، مرتد، کافر، ملحد، غیر زردشتی (از نظر
 بهدینان). (AiWb. 48.) ک ۶/۶.

۵ سَو ۵۵۵ : āgāh: آگاه.
 ستا. پیشوند ā + ریشه kas: (= دیدن). سا : ākāśya- kāsate-
 (AiWb. 459) فاتر: g'g' (Man. Stud. 45) پاتر: g's (Mir Man. 48)
 III, 48) پا : āgāh (مینو خرد، تفضلی). ک ۲۹/۱۰ ک ۲/۱۲-
 ۰۲۸ ک ۵/۱۷-۰۸

۱۰ سَو ۵۵۵ : āgāh-tar: آگاه تر، داناتر. āgāh (نک: واژه بالا + -tar
 نشانه صفت تفضیلی. ک ۲/۱۲).

سَو ۵۵۵ : āgāhīh: آگاهی، باخبری. āgāh (نک: واژه بالا + īh نشانه
 اسم مصدر. ک ۶/۱۷).

سَو ۵۵۵ : akār: آگار، بی فایده، بی مصرف (a نشانه نفی) پا : agār
 ک ۹۵-۷۳-۴۷-۴۱-۳۳/۲ ک ۱۵

سَو ۵۵۵ : akārēnīdan: (مصدر جعلی) بیهوده کردن، از کار انداختن.
 ک ۴/۱۲

سَو ۵۵۵ : akāmāy: ناخواسته، بی میل.
 a نشانه نفی + kām میل، خواست، کام (نک: Henning BSOS. XI, 84)
 (Mir. Man. III, 48.) g'm'y : پاتر. 1937, p. 84 ک ۲۸/۱۲-۰۲۸

رادی: ārayēd: آراید، پدید آید، بوجود آید.
 رادی: rād-: راد-: مصدر: rādaiti. (AiWb. 1520).
 رادی: āraet (مینو خرد). ک ۳۲/۱۲.
 رادی: šnōšag ārayēd: عطسه آید. ک ۳۲/۱۲.

۵ رادی: 'LB' هز: čahār: چهار، نوشتار پهلوی آن رادی (نک: همین واژه)
 رادی: čaθwar-: هندی کهن: cātasrah, catúrah, čatvārah.
 رادی: čihār: (AiWb. 577) ک ۲/۱. ک ۲۴/۲-۴۷-۱۱۴.
 ک ۱۲-۵/۴. ک ۹/۹. ک ۱۰/۱۰.

۱۰ رادی: xrafstar: خرفستر، خستر، جانوران موزی، حشرات موزی.
 رادی: xrafstra-: (AiWb. 538) فاطر: frystr. (Mir. Man.)
 رادی: I, 45) xarwastar (مینو خرد). ک ۲۱/۳. ک ۱۹/۸. ک ۱۳/۱۳.
 ک ۱۹. ک ۱۸-۵/۲۰.

رادی: xrafstarān: خرفستران (نک: واژه بالا). ک ۱۹/۱۳.
 رادی: xrafstar ī ābīg: خرفستر آبی،
 ۱۵ جانور زیانکار آبی (چون قورباغه). ک ۱۹/۸.

رادی: xrad: خرد، عقل.
 رادی: xratu-: هندی کهن: krátav- / رمنی کهن: xrat. (AiWb. 535)
 رادی: gira-, grata: فتنی (Kanga: cit. Han. p. 50.)
 رادی: xrd: فاطر (Mir. Man. II, 59) پاتر: xrd. (Mir. Man. III, 64)
 رادی: xard (مینو خرد) (ونیز نک: Bailey, BSOAS, X. 901).
 ک ۸/۹. ک ۲۹/۱۰. ک ۳-۲/۲۰. ک ۲/۲۲.
 رادی: xradgōhr: گوهر خرد. ک ۲/۲۰.

مدی: arzūr: ارزور، در اینجا نام کوهی است بر در دوزخ. نک: ونید/دپهلوی
 ۲۰ ۳ بند ۷). ست: arəzūra (AiWb. 202) پ: ārzūr و ضمنا "در اساطیر

سکرو arm: بازو، دست، از آرنج تا شانه (شتنگاس. ۳۸). ک ۴/۱۱.
 سکرو arm I dašn: بازوی راست. dašn + arm
 راست (نک: همین واژه). ک ۴/۱۱.

سکروو هز: x^vābēnd, HLMWN, nd: خوابند. (تفضلی، مینو خرد).

سکروو ۵ x^vafseṇd: (Junker. 16): خسبند. نوشتار پهلوی آن سکروو
 است. ست: x^vafseṇd, x^vap (GNPE. 107) پا: x^vafseṇd
 (مینو خرد). ک ۱۴-۱۲/۴.

سکروو ۳۲۵ frōd x^vafseṇd: فرو خسبند. ک ۱۴/۴.
 سکروو be x^vafseṇd: بخسبند، بخوابند. ک ۱۳/۴.

سکروو ۱۰ x^vafseṇd, HLMWN yt: خسبند. (نک. واژه بالا).
 ک ۲۸-۲۴/۱۰
 سکروو be x^vafseṇd: بخسبند، بخوابد. ک ۳۸/۱۰.

سکروو ۳۳۳ armišt: ارمشت، علیل، ناتوان، بی حرکت. غیر فعال. مردی که
 توانایی جنسی ندارد. ست: armaē-štā- (AiWb. 197).
 پا: arməšt (مینو خرد). ک ۹۸/۲. ک ۱/۶. ۱۵

سکروو و سکروو بجای سکروو xrafstarān: (نک: همین واژه).
 خرفستاران، جانوران موزی. ک ۹/۱۹.

سکروو ۳۳۳ xrōs: خروس، خروس پرندۀ خانگی که در گذشته مورد احترام فراوان نیاکان
 ما بوده و یکی از همکاران سروش دانسته میشد. (برای آگاهی کامل نک: پورداود،
 فرهنگ ایران باستان، ص ۲۱۵ و نیز همو، یشتها، ج ۱، ص ۲۴ و ۵۱۶).
 ست: xraosya- (AiWb. 533) از همین است خروش، به معنی فریاد و آواز ۲۰

وصدا. ک ۳۰-۹/۱۰.

سکرو: harvisp: همه.

از. har: هر. ستا: -haurva فب: -haruva سا: -sarva (AiWb.

1790). visp / vist + همه. ستا: -vaēsaēpañ-

۵ (Mir.Man. II, 56) hrwysp: فاتر: (AiWb. 1328)

پا: harvisp (مینو خرد). ک ۲۹/۱۰. ک ۱۴/۱۹.

سکرو: harvisp āgāh: آگاه به همه چیز، صفت هر مزد

خدای بزرگ است. harvisp همه، هر، + āgāh آگاه (نک: همین واژه).

ک ۲۹/۱۰.

۱۰ سکرو: harvist: همه، (نک. واژه بالا) دکتر تفضلی این واژه را همان

سکرو می‌داند که و در آخر واژه بهم چسبیده و به شکل R در

آمده (نک: واژه نامه مینو خرد، ص ۲۵۳). ک ۲۵/۱۰.

سکرو: ظاهرا "جای سکرو و (نک: همین واژه)، هر: HLLWN, nd

sōyēnd: شویند. ک ۷/۷. ک ۲۷/۱۲.

۱۵ سکرو: harvēn: همگی. نک: سکرو

سکرو-it: harvēn: همگی ترا، همه ترا. ک ۳۱/۲۲.

سکرو: arduš: اردوش، نام طبقه چهارم از گناهان است بنا بر تقسیم بندی نویسنده

کتاب، که کفاره آن برابر با ۳۰ استر (هر استر ۴ درم سنگ) می‌باشد. (ظاهرا "این

گناه صدمه وار کردن به اشخاص است با ضرب و جرح). ستا: arduš

۲۰ (AiWb. 194). ک ۲-۱/۱. ک ۲-۱/۱۱. ک ۵-۴/۱۶.

سکرو: xargōš: خرگوش.

از xar: خر. ستا: -xara: sa: (AiWb. 532) gōš +
 گوش. ستا: gaoš: هندی کهن: ghōsati: شنیدن، دریافت.
 (AiWb. 485) سنج: بنوش و نیغوش، نیوشیدن، پا: xargōš (مینو خرد)
 ک ۹/۱۰.

۵ اردویسور: ardvīsūr: اردویسور ایزد، اردویسورانا هید، ایزدبانوی
 آنها و نیز نام رودی اساطیری است. آبان یشت، یکی از بلندترین یشت ها (یشت
 پنجم) که دارای ۱۳۳ بند است و نیز یسنای ۶۵ بنام این ایزد می باشد. شکل دیگر
 نوشتار این واژه اردویسور است.
 ستا: -arədvī sūra (AiWb. 194). ک ۴/۱۱.

۱۰ am: من، ظاهراً "بجای" از: man=L: من. یا ۱۶۳: an: NH
 (حالت فاعلی) بکاررفته. (نک: راستارگویوا، ص ۷۴، و واژه نامه مینو خرد،
 ص ۷۰). فاطر: ۲n (Mir. Man. II, 46) پاتر: ۲z: من.
 (Mir. Man. III, 50). ک ۶/۵.

۱۵ ham: هم. پیشوندی است که معنی مجاورت و همکاری را میرساند.
 (راستارگویوا ص ۴۰). ستا و فب: -sa ham: (Kent. 213) san-
 در فارسی میانه و نو: hēm/hān/hām/ham (AiWb. 1772) فاطر. hm.
 (Mir. Man. II, 55.) پا: ham (مینو خرد). ک ۶۱/۲-۶۲.
 ک ۴/۳-۱۵-۳۱. ک ۴/۵. ک ۱۰/۱۰-۱۹-۲۲. ک ۱۵/۱۲-۲۶. ک ۹/۱۳-
 ۳۰. ک ۳/۱۴.

۲۰ ko: همان: ān ham: همان. ک ۱۵/۳. ک ۲۶/۱۲.
 ترکیبات آن خواهد آمد.

۳۱ ham: همان. (نک. واژه بالا). ک ۱۲/۳-۱۸-۳۰. ک ۴/۱۶. ک ۱۴/۱۹.
 ۳۲ ham giyāg: همانجا. ک ۱۴/۱۹.

𐭥𐭥 ham: همچنان، مانند. ک ۱۲/۴.

𐭥𐭥 ham: یکدیگر. ک ۱۰۴/۲.

𐭥𐭥 pad ham: به یکدیگر، به همدیگر. ک ۱۰۴/۲.

𐭥𐭥 ham: بجای 𐭥𐭥 hamē: همی. ک ۳/۱۵.

𐭥𐭥 ham: م: māḍ: مادر، ماد، نوشتار دیگر آن 𐭥𐭥 māḍ: است. (نک: ۵ همین). ک ۵۸-۱۰۶. ک ۴/۱۰. ک ۱۱/۱۲-۱۵. ک ۲۳/۱۵.

𐭥𐭥 hamē: همی، شکل درست آن 𐭥𐭥 hamē: است. (نک: همین واژه). ک ۲۷-۲۴/۱۲. ک ۲/۱۶.

𐭥𐭥 hamāg: همه.

- ۱۰ ستا، فب: sama hama: سا (Mir., hm²g فاتر: *AiWb.* 1773) *Man.* II, 55.) hmg: پاتر (Mir. Man. III. 55)
 پا: hamā (مینو خرد). ک ۴/۱. ک ۹/۲-۱۶-۱۸-۳۷-۴۱-۴۷-۵۲-۵۴-۶۶-۶۸-۷۱-۹۰-۹۵-۹۹-۱۰۰-۱۰۴-۱۱۵-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۲. ک ۶/۳. ک ۲۲/۸-۲۳.
 ک ۱۱/۹-۱۲. ک ۱۰-۳۳-۳۹. ک ۲۹/۱۲. ک ۲/۱۳. ک ۶/۱۵-۹-۱۲-۱۴-۲۰-۲۷. ک ۸-۳/۱۷. ک ۱۴/۱۹. ک ۳۲/۲۲.

𐭥𐭥 hamāg hannām: تمام بدن، سراسر اندام. ک ۲۹/۱۲.

𐭥𐭥 hamāg dēn: همادین، در اصطلاح فقهی زردشتی یعنی، همه آئین—

- های مذهبی که در سه روز اول پس از درگذشت کسی اجرا می شود، که عبارتست از یک
 پسنای سروش که هر صبح درها و نگاه اجراء می شود و یک درون سروش در هرگاه و خورشید
 ۲۰ نبایش و ماه نبایش بدنبال آن و پتیت در هنگام طلوع خورشید و اجرای سروش پشت

با پتیت اثیوی سروثرم گاه و اجرای ماه نیایش و سروش پشت و بعد پتیت در او شهین گاه، و اجرای یک وندیداد. (و حتی در گذشته گاهی تا سه وندیداد) که در طی این سه روز برای آسایش و شادی روان در گذشته اجراء میشده (نک: 109: Kotwal).
ک ۳/۱۷

۵. **آمار: āmar:** شمار. **ست:** $\sqrt{\text{mar-}}$ $\sqrt{\text{smar}}$: ā+ (GNPE.11) (AiWb. 1144)
پ: āmar ک ۳۹/۲-۵۴-۵۵-۵۷-۶۳-۶۴ ک ۲/۶-۴-۶
کند **nē-āmar:** حساب نیست، آمار نیست.
ک ۳۹/۲ ک ۴/۶

۱۰. **آمار کند: āmarēnēd:** آمار کند، حساب کند. ک ۱۱/۱۰

a-mān: آنگاه همان، آنگاه مارا.
a: آنگاه (نک: همین) mān + مارا، ضمیر اول شخص جمع (حالت مفعولی).
ک ۱۳/۹

amahraspand: امهرسپند، امشاسپند.
۱۵. **ست:** aməša-spaṇta- (AiWb. 146) در لغت یعنی مقدسان بیمرگ
"امشاسپندان عبارتند از شش مہین فرشته بنام های بہمن، اردی بہشت، شہریور، سپندارمذ، خرداد، امرداد کہ باخود اہورامزدا یک واحد ہفتگانہ ہوجود مہیا ورنند."
فرہنگ فرہ وشی. و منظور از ہفت امشاسپند شش ایزد یا شش فرشتہ بالا و خود ہرمزد مہباشد. (نک: 3. 53. p. *Tavadiā, Sur Saxvan*). فاطر:
۲۰. $\text{mhr}^{\text{2}}\text{spnd}$ (Mir. Man. I, 34)

amahraspandān: امشاسپندان. ک ۴/۱۱
ک ۸/۱۳-۲۴-۲۶ ک ۶/۱۵

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥 hamzōrihā: (قید) با کمک هم ، با نیروی یکدیگر .
ک ۱۰/۱۰

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥 amšāspand: امشاسپند .
نک: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥 (۸/۱۳ ک)

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 نک: واژه بالا . ک ۳/۱۵

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 amihraspand: نک. واژه بالا . ک ۱۰/۹ . ک ۳۰/۱۵
ک ۴/۱۸ . ک ۷/۱۹ . ک ۱/۲۰ . ک ۳۱-۱۴/۲۲

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 amihraspandān: امشاسپندان . ج
نک: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 . ک ۱۰/۹ . ک ۴/۱۸ . ک ۷/۱۹

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 ham-kār: همان کار . ک ۹۶-۷۴/۲

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 ham karzaq: همکرزه ، در تماس ، پیوسته ، چسبیده .
ک ۳۱/۳ . ک ۶۷-۶۰/۲

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 ham karzagih: در تماس بودن ، پیوستگی ، چسبیدگی ،
آمیختگی . ک ۷۰-۶۲-۶۰-۵۵-۵۴/۲

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥 a-marg: بهمرگ . a (نشانه نفی) + marg: مرگ (نک هر یک از دو
بخش) . پ: amarg (مینو خرد) . ک ۲۱/۲۲

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥 hamrēt: همريت ، آلودگی در اثر تماس مستقیم .
ست: ham-raēgwa- (AizWb. 1811) واژه مقابل آن patrēt

ترجمه انگلیسی کتاب دارمستر. *Haurvatat & Ameretat by Hirji P. Wadia. Bombay. 1888.*

ستام: amardāt (AiWb. 143-4) amardātāt, -amardātāt: پا

(مینو خرد). ک ۰۸/۹ ک ۰۱۴/۱۳ ک ۰۳/۱۵-۵-۲۵-۲۹ ک ۰۷/۲۲ ک ۰۱/۲۳

متصل دوم شخص مفعولی). ک ۰۷/۲۲. amurdād-it: امرداد ترا، ایزد امردادت. (امرداد + -ضمیر

hamdādistān: همدادستان، متفق، هم عقیده.

ham: هم + dādistān (نک. هر یک از دو جزء). این واژه بیشتر باین

شکل: در نوشته های پهلوی آمده است. (نک: بند هشت TD2

۴۷/۶). ک ۰۷۴/۲-۱۰۲-۱۱۹ ک ۰۱۳/۸ ک ۰۳/۱۱

مادر: mādar, My-tl: هر

ستا، فب: mātar: هندی کهن (AiWb. 1167) mātar: فاطر m^d:

(Mir. Man. III, 57) m^ddr, m^d: پاتر (Mir. Man. II, 59)

پا: māt (مینو خرد). ک ۰۱۰۹/۲ ک ۰۱۸-۱۳/۱۰ ک ۰۱۲-۱۱/۱۷

مادران: mādarān, My, tlⁿ: ک ۰۱۲-۱۱/۱۷

hamēstārīh: همستاری، مقابله کردن، دشمنی، مقابله.

(اسم مصدر) از hamēstār: رقیب، دشمن، حریف.

ستا: hamaēstār- (AiWb. 1774) hamēstārī: (مینو خرد).

ک ۰۱۱/۲۰

hamēstagān: همیستان، برزخ، عالم بین بهشت و دوزخ، اعراف،

جای آنان که نواب و گناهشان برابر است. پا: hamēstagān (مینو خرد).

ک ۰۲/۶

𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 hamēšag: همیشه.

𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 hamēša (مینو خرد). ک ۲۲-۸-۱۵-۲۳.

𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 hamēmāl: همیال، رقیب، دشمن.

ستا ham-erəθa-: hamēmār: (AiWb. 1776) 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 hamēmāl :
(مینو خرد).

در کتاب صد در نثر، صد در بندهش در چهل و دوم آمده "... هیمالان آن بود که
کسی دروغ و بهتانی بر کسی نهد یا کسی با زن کسی خیانتی کند تا زنی از شوهر خویش
بستر جدا کند....." (نک: همین کتاب ص ۳۳).

𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 hamēmālān: هیمالان، گناهکاران، فاسقین؟

ک ۸-۱۴-۱۵-۱۷.

𐭠𐭥𐭥𐭥 ham-zamān: همان زمان، همانگاه، فوراً.

ham : ham + zamān : زمان (نک: هر یک از دو جزء). ک ۲-۶۲.

𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 hamgumēzišnīh: هم آمیزشی، هم بستری، آمیزش،

جماع. ک ۱۰-۱۹.

𐭠𐭥𐭥𐭥 hamgōnag: همچنین، همانگون. ۱۵

ستا : hamō-gaona-/hama-gaona- (AiWb. 1774) فاطر :

hamgwng (Mir. Man. II, 56) 𐭠𐭥𐭥𐭥 ham-gūna (مینو خرد).

ک ۲-۱۲-۴۲-۶۰-۶۲-۷۸. ک ۳-۱۰-۲۷. ک ۷-۴. ک ۱۰-۲۴. ک ۱۲-۳۲.

ک ۱۳-۳۲. ک ۲۱-۷-۸.

𐭠𐭥𐭥𐭥 ham-giyāg: همانجا. ۲۰

ham : ham + giyāg : جا (نک: هر یک از این دو). ک ۱۹-۱۴.

۱۳ / ۱۳: ān : آن . ک ۳۹-۳۴/۱۰ . ک ۱۹/۱۲ .
 ۱۳ : ān i : آنچه، آن را که . ک ۳۹/۱۰

۱۴ / ۱۴: ān : پسوند است و نشانه جمع و چسبیده به اسم آید . ک ۱۰۹/۲ .
 و بیش از ۷۰ بار در این کتاب آمده است، که ترکیبات آن بیاید .

۱۵ - hu- : هو، خو، خوب، نیک، به (پیشوندی است که بر سر واژه آید و آنها را با
 صفت خوب، زیبا و نیکو، موصوف سازد) .
 ستا .: su : sa hū, hu (AīWb. 1817) ک ۲۲/۱۲ . ک ۱۱-۳/۱۹
 ک ۹-۸/۲۰ . ک ۲۰/۲۲ . ک ۴-۳/۲۳

۱۰ - ۱۱: aita: فب aeta- : ستا . این: ēd / ē, HN^{۱۱} هز: ۱۲ (AīWb. 12)
 فب ای=این . ای جای: این جای . (قصص قرآن برگرفته از
 تفسیر ابوبکر عتیق ص ۱۵۳) . فبتر: yd^{۱۲} (Mir. Man. II, 46)
 ک ۳۲/۲-۳۶-۳۷ و حدود ۱۷ جای دیگر کتاب .
 ۱۲: ēd-iz : این نیز . ک ۳۲/۲ .
 ۱۳: pad ēd dārišn : باین دارد، چنین انگارد .
 ک ۷۲/۲
 ۱۵: ēd rāy : از این رو . ک ۳۲/۲ و
 ۱۵

۲۰ - ۲۱: ē, HN^{۱۲} ی (= یک) ظاهراً "به جای" یا ر بکاررفته
 است . این شکل در اصل هزوارش است برای ēd = این (نک: واژه بالا) .
 پا . ۵ (مینو خرد) . ک ۱۰/۲-۳۷-۷۶-۱۱۸ . ک ۱۶/۳-۱۸ . ک ۱۲/۴
 ک ۵/۵ . ک ۱۰/۸ و چندین جای دیگر .
 ۲۱: ē vidast ud dō angust :
 یک وجب و دو انگشت (نک: هر یک از اجزاء ترکیب) . ک ۱۱۸/۲

هه/ēd: به، پیشوازه فعلی است که معمولاً "معنی تاکید در انجام کار را میدهد". امروز نیز در گویشهای گوناگون ایران چنین پیشوازه هایی داریم. فا، ها و به، و در فارسی میانه ترفانی. hēb : hyb چنین نقشی را دارد. و ظاهراً "بجای 31 : 8: به، آمده است. ک ۲۸/۱۲. ک ۱۵-۷-۹-۱۰-۱۲-۱۴-۱۸-۲۰-۲۵-۲۶. ک ۴/۲۰. ۵

هه kunēd: بهکنند. ک ۹-۷/۱۵
هه šnāyēnēd: بهشنود بسازد. ک ۱۰/۱۵ و ...

ان-āhōg: بی عیب، بدون نقص. a (نشانه نفی نک. همین). +
āhōg آهو، عیب، نقص. ست: aṇhu-, ahū- (GN PE. 264) ک ۳/۲۰. ۱۰

خو-ābar/xvāpar: بخشنده، مهربان، نیکوکار.
ستا: xvāpara- (مونت آن -rā) از: hvāpah? (AiWb. 1877)
فاتر: xw³br (Mir. Man. II, 58) پ: x^vāwarī: نیکوکاری.
(مینو خرد). ک ۳۲-۲۶-۲۱-۱۲/۲۲
خو-ābar ōhrmazd: هر مزد مهربان، خدای-
بخشایشگر. ک ۳۲/۲۲. ۱۵

هو-āfrīn-tar: دعا، مستجاب تر، پذیراتر. از hu = نیک،
خوب + āfrīn: نیایش، ستایش، دعا + tar- نشان صفت تفضیلی.
(نک: هر یک از سه جزه). ک ۳/۱۹.

ان-afsūdag: ناسوده، تراشیده. (نک: موه):
afsān). ک ۶/۱۲. ۲۰

هو-āfrīn: هخت، گفتار نیک.

ستا: -huxta سا suktá : (Aiwb. 1819) ۴ hūxt :
(مینو خرد). ک ۱۳/۱۳.

نیهادان: HNH̄TWN, tñ: (مصدر). نهادن.
ستا. ۳ ni+√ā (VMT, 194) ک ۹۴-۸۶/۲.

۵ نیهاد: HNH̄TWN, t: نهاد. ک ۲/۳. ک ۶/۹.
نیهاد ēstēd: نهاد است، نهاده شده
است. ک ۲/۳. ک ۶/۹.

نیهایش: HNH̄TWN šñ: (اسم مصدر) نهادن،
گذارن، هشتن. ک ۱۱۸-۹۸-۸۳/۲. ک ۴/۳. ک ۴-۲/۱۷.
۱۰ نهد: HNH̄TWN, t: نهادن. ک ۲/۱۷.
نهد: HNH̄TWN, t: نهادن. ک ۲/۱۷.
ک ۱۱۸-۹۸-۸۳/۲. ک ۴/۳.

نیهایش: HNH̄TWN, t: نهادن. ک ۲/۱۷.
نهد: HNH̄TWN, t: نهادن. ک ۲/۱۷.

۱۵ نیهد: HNH̄TWN, yt: نهاد، گذارد، هلد.
ک ۸۵-۱۱-۱۰-۴/۲. ک ۲۷-۲/۳. ک ۱۲/۱۰-۲۰-۳۵-۳۷. ک ۱۳/۱۲.
ک ۱۲/۱۵.
نیهد: HNH̄TWN, yt: نهاد، گذارد.
ک ۸۵-۱۰-۲/۳. ک ۳۲/۳.

۲۰ نیهد: HNH̄TWN, yt: نهاد، گذارد.
ک ۸۵-۱۰-۲/۳. ک ۳۲/۳.
نیهد: HNH̄TWN, yt: نهاد، گذارد.
ک ۸۵-۱۰-۲/۳. ک ۳۲/۳.

نیهاد: HNH̄TWN, tg: نهاد، باقیمانده و اصطلاحاً "موقوفه"
و چیز وقف است. اما در بند ۲ کرده ۱۰ در ترکیب:
۲۵ نیهاد: HNH̄TWN, tg: نهاد، باقیمانده و اصطلاحاً "موقوفه"

ک ۲/۳ . ۶۹-۳۲/۲ . (Mir. Man. II, 46) 'ydr'y
ک ۱۳/۲۰ . ۹-۳/۱۹ . ۸-۷-۳/۱۷ . ۴۴-۴۳-۹/۱۳

انار : anār : نار (میوه) .
ک ۱۲۳-۱۲۱/۲

۵ خوار (= آسان، راحت) . نرم، خوب، سبک .
ستا : x^vār : (Mir. Man. II, 58) xw^rra- (AiWb. 1876) فاتر .
ک ۳۲/۲۲ . ۵/۵ . ۱۰۷-۷۵/۲
xvārtar : آسان تر، خوب تر، راحت تر، بهتر .
ک ۵/۵ . ۱۰۷-۷۵/۲

۱۰ اندام : han(n)ām :
ستا : ḥandāma- : (AiWb. 1772) sandhāy : فاتر . hn³m
(Mir. Man. III, 55) hnd³m : پاتر (Mir. Man. I, 40)
پا : aṇdām . ک ۲۹/۲

۱۵ اورمزد، هرمزد .
ستا : ahura- : āsura- : فب : aura- و ahura-
hōrməzd : پ (Kent. 164) mazdāh . ک ۱۳/۸ و ۴۸ باردیگر .
هرمزد خدای . ک ۸/۱۵ : ōhrmazd x^vadāy :
ک ۱/۱۸
هرمزد آفریده، مخلوق هرمزد .
ک ۴/۱۴ : ōhrmazd dād :
۲۰

۱۳۳ x^vān : خوان، سفره .
ستا : x^vaini : (GNPE. 110) . ک ۳۱/۳

𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 an-ērān: انیران، غیرایرانی، بیگانه.

α (نفی) n+ زاید ērān + ایران. ستا ārya-: 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥.

ariya- از ریشه √ar: (Kent. 170) 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 (مینو خرد).

این واژه دردیگرمتون پهلوی، 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 آمده است (نک: مینو خرد. ۵۶/۱۶).

ک ۰۲/۹ ک ۰۹/۱۳

۵

𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 hu xēmē: به جای 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 huxēmīh: خوش خیمی، خوبی،

خوش اخلاقی. (نک: 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 xēm: خیم). 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 hū hīmī/hū xīmī:

(مینو خرد ۱۳/۱۲). ک ۰۲۲/۱۲

𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 an-ēmēd: نا امید، مایوس (نک: 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 ēmēd: امید).

ک ۰۲۸/۱۲

۱۰

𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 ōbaxt: ظاهراً "𐭠𐭥𐭥𐭥: 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥: زاید است و واژه 𐭠𐭥𐭥𐭥 baxt: بخت،

سهم، نصیب و قسمت، سرنوشت است. (به درستی این واژه تاوادی نیز تردید کرده

است. نک: (Tavadiā p. 118). ک ۰۸/۹

𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 havāsišn: پاک کردن، تطهیر کردن، خشک کردن. ک ۰۵/۱۰.

𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 havāsīdag: پاک شده، تطهیر شده، خشک شده. ک ۰۱۰/۳

۱۵

𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 havāsēnd: پاک کنند. ک ۰۵/۱۰.

𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 anbār: انبار.

ستا √par+hām: مصدر آن : ambāštan (GNPE. 26)

فاتر: hmb³r: (Mir. Man. II, 56) 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 aṇbārišn: 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥

(مینو خرد). ک ۰۱۰/۱۵

۲۰

𐭠𐭣𐭥𐭥: anbān: انبان، انبانه ".... آن پوستی باشد دباغت کرده که درست از
گوسفند بر می آورند". برهان. ک ۱۱۱/۲.

𐭠𐭣𐭥𐭥 (۱) aviš: بهش، بدو، بآن. 𐭠𐭣𐭥𐭥 / 𐭠𐭣𐭥𐭥 (بجای: 𐭠𐭣𐭥𐭥):
به + 𐭠𐭣𐭥𐭥 ضمیر متصل سوم شخص مفرد حالت مفعولی. ک ۷۷/۲. ک ۷/۱۲-۲۲-۲۴.

𐭠𐭣𐭥𐭥 (۲) aviš: به "حرف اضافه مؤخر" (دکتر تفضلی. مینو خرد، واژه نامه ص ۵۴).
فاتر: 𐭠𐭣𐭥𐭥 (Mir. Man. II, 44) زیورپهلوی: 𐭠𐭣𐭥𐭥 (E.S. 29)
𐭠𐭣𐭥𐭥: havaš (مینو خرد). ک ۵۳/۲. ک ۵/۱۲.

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥: anbrōt/d: امرود، نوعی گلابی. نوشتار دیگر آن 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥 است.
ک ۱۲۳/۲.

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥: hubōy: خوشبو.
ستا: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥 (بوی خوش). سا: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥 (AiWb. 918) 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥:
hübōi (مینو خرد). ک ۳/۲۳.
𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥: hubōytar: خوشبوتر. ک ۳/۲۳.

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥: hu-bōyišn: بویایی (اسم مصدر). بوئیدن، بوکردن.
فاتر: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥 (Mir. Man. II, 55) 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥 (Mir. xwmbwy)
Man. III, 64) ک ۴/۱۳.

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥: xūb/xvab: خوب.
ستا: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥 (AiWb. 1833) 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥 (Man. Stud. 91) 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥:
xūb (مینو خرد). ک ۱۸/۳. ک ۵-۴/۴ و ۲۳ بار دیگر.
𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥: nē xūb: خوب نیست، شایسته نیست. ک ۵/۹. ک ۲۹/۱۳.
𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥: xūb kardan: خوبی کردن، کار خوب انجام دادن.
ک ۲۹/۱۳.

خوبتر: xūb-tar: پ (مینو خرد).

ک ۲/۷. ک ۱۲/۱۰. ک ۲۴-۲۵/۱۲.

خوبی: xūbīh: ک ۱۰/۱۷.

خوبی بجا آوردن، کار خوب: xūbīh hištan: ۱۱۳/۱۱۳

ک ۱۰/۱۷. با لمد کار خوب نکردن (همانجا).

بخوبی، بوضوح (قید): xūbīhā: پ (مینو خرد).

ک ۳۲/۱۰.

افتد: ōftēd: ستا: pat. + ava (GNPE. 22)

(برای توجیهاتی که در باره ریشه و شکل های کهن این واژه شده نک: اساس اشتقاق

فارسی ج ۱ ص ۱۲۳). ک ۶/۹. ک ۳/۱۰. ک ۱۲-۱۱/۱۷-۱۴.

بیفتد: be ōftēd: ک ۶/۹. ک ۱۱/۱۷.

اندرافتد: andar ōftēd: ک ۳/۱۰.

xvaftišn: (اسم مصدر). خوابیدن، خفتن.

xvaft+išn. ستا: xvaft, xvafta, xvaftišn.

xvafsta (GMPE. 107). واژه خفتن بیشتر به شکل هزارش در نوشته-

های پهلوی آمده و هزارش آن مد ۱۱۳/۱۱۳ است. (نک: همین واژه).

ک ۲۴/۱۰.

رو، چهره، صورت: rōy. (Junker 12) rō.

نوشتار پهلوی آن (غیر هزارش) ۱۱۳/۱۱۳: čihr: (نک: همین واژه) است.

ک ۲۱/۱۲.

xvadāy: خدای، خداوند.

xva-ōāta- (AiWb. 1862) فاتر: xwd³y (Mir.Man. II, 58).

xvadāe: (مینو خرد). ک ۸/۱۲. ک ۴۲/۱۳. ک ۸/۱۵.

ک ۱/۱۸ . ک ۲۱/۲۲

ardavahišt: اردابهشت نام دومین امشاسپند و سومین روز ماه و دومین ماه هر سال، معنی آن "بهترین راستی" است، این امشاسپند ایزد، فرشته نگاهبان آتش است. "اردابهشت در عالم روحانی نماینده صفت راستی و پاکی و تقدس اهورامزداست و در عالم مادی نگهبانی کلیه آتشیهای روی زمین بدو سپرده شده است. سومین یشت مخصوص باین فرشته است و بقول بندهش، گل مرزنگوش مخصوص باوست." یشت ها، پور دادو. ج ۱۰ ص ۹۲. در بند ۲۲ یشت ۱، وی زیباترین امشاسپند خوانده شده است (نک: بهار، پژوهشی در اساطیر ص ۴۶ شماره ۱۲).
ستا: aša.vahišta- (AiWb. 229) ک ۱۴/۱۳ ک ۳/۱۵-۵-۱۲.
ک ۳/۲۲ ک ۱/۲۳

ardavahišt ī hučīhr: اردابهشت خوب چهر، اردابهشت زیبا، هوچهر، خوب چهر و زیبا صفتی است که برای اردابهشت آمده است. ک ۳/۲۲

*

hanjaman: انجمن.

ایرانی کهن: *hanjamana- (GNPE. 26-27) فاطر: (Mān. hnzmn) ۱۵ Stud. 85) پاطر: ³njmn (Mir. Man. III, 49) زبور پهلوی. ³ncwmnyh³y (PS. 34) پاطر: hafjaman (مینوخرد، مأخذ از واژه - نامه مینوخرد، دکتر تفضلی). ک ۲/۱۹ ک ۱/۲۰

ōz: نیرو، توان، زور، قدرت.

ستا: aojah- (AiWb. 40) پاطر: aōž: و aōžī (GNPE. 286) ۲۰ ک ۳۰/۱۳

ān-iz: آن نیز (نک ب و ع). ک ۳۴/۱۰

هـ ۳۴۴۳ hu čihr: هُزیر، خوب چهر، زیبا.
 ستا: hu-čihra- (AīWb. 1821) hu-čihar: پ (مینو خرد).
 ک ۲۵-۳/۲۲. ک ۴/۲۳.
 هـ ۳۴۴۳ hu-čihrtar: خوب چهر تر، زیبا تر. ک ۴/۲۳.

هـ ۳۴۴۳ uzdēhīgih: تبعید؟ سرزمین بیگانه.
 تاوادی این واژه را چنین خوانده و معنی: banishment: تبعید را برای آن
 آورده نک: (Tavadia. p. 116). و باید واژه مرکب باشد از uz:
 دور، بعید + dih/dēh: ده، سرزمین (سج. دهد و).
 + ĩh (پسوند اسم مصدر) نک: (GNPE. p.131, No.588). ک ۳-۲/۹.

هـ ۳۴۴۳ hanjēd: کشد، مصدر آن: āhanjīdan: آهنجیدن، کشیدن.
 است. ماضی آن hēxt و āhēxt: آهیخت، کشید. ایرانی گهن: ✓hanj:
 هندی گهن: ✓sañj: (GNPE. 14-15). ک ۱۱۸/۲.

هـ ۳۴۴۳ avizīdār: ناگزیدار، نامردد، بی تصمیم، تمیز نادهنده، سهل-
 انگار. a (نفی) + vizīd (+گزید) + ār (پسوند صفت فاعلی).
 vizīd ستا: vi-čira- تصمیم، اراده. (AīWb. 1438)
 فاتر: wcydn, wcyd- (Mir.Man. 53) vañin و vañīdar:
 (مینو خرد). ک ۲۹/۱۰.
 هـ ۳۴۴۳ avizīdār dahišnān: کسانیکه از روی تردید
 بخشش کنند. سهل انگاران در بخشایش، یا در صدقه دادن. ک ۲۹/۱۰.

هـ ۳۴۴۳ hučihr: هُزیر، زیبا. (نک. همین واژه) ک ۲۵/۲۲.

هـ ۳۴۴۳ uzēnag: هزینه، خرج.
 پ: xuzina/xvazīna (مینو خرد). ک ۳۶/۱۰.

𐭮𐭥𐭥𐭥 hu-zahāg: بارور، زایا، زاینده.

hu- خوب، به zahāg+ (نک: همین واژه).

𐭮𐭥𐭥𐭥 hu-zahāgtar: بارورتر، زایاتر، زاینده تر.

ک ۱۱/۱۹

𐭮𐭥𐭥𐭥 uzērin: اوزرین [گاه]، غروب، سومین گاه روز وایزد همین گاه.

(بهان: uzayrin: واژه نامه بندهش). ستا: (AiWb. uzayeirina-)

(409. ک ۵-۴/۲۱)

𐭮𐭥𐭥𐭥 uzērin gāh: هنگام غروب، غروب. ک ۵/۲۱.

𐭮𐭥𐭥𐭥 uzvān/huzvān: زبان.

۱۰ ایرانی کهن: izāvam- (GNPE. 144) ستا: hizū- هندی کهن.

(Mir.Man. II, 62) jihvā- (AiWb. 1815) فاطر: zw'n-

زبور پهلوی: zw'n- (PS. 30) پا: hizvan- (مینو خرد) ک ۶-۴/۱۱.

ک ۱/۱۵

𐭮𐭥𐭥𐭥 husānēd: خشک کند، بخشکاند.

۱۵ از xušk ایرانی کهن: usk- ستا: huška- (GNPE. 108)

در فارسی خوشیدن نیز از همین است.

𐭮𐭥𐭥𐭥 bē husānēd: بخشکاند. ک ۱۵/۸.

𐭮𐭥𐭥𐭥 huspāram: هوسپارم [نسک]. این واژه که در نوشته های بازمانده

پهلوی به شکل aspāram و uspārum... آمده، کتاب هفدهم یا نسک

۲۰ هفدهم اوستا بوده. (نک: هوگی. Essays. p. 133). "نام یکی از نسکهای

اوستای قدیم است که بنا بر دینگریز شامل هیریدستان و نیرنگستان بوده و در آن از

موضوعاتی مانند خانواده و ازدواج و مالکیت سخن میرفته و دارای ۶۴ کرده یا فصل

بوده است". فرهنگ فره وشی. ک ۲۱/۱۰. ک ۱۲/۱-۷-۱۴-۳۱. ک ۱۷/۱۳.

خوشه (منظور برج سنبله است). :xōšag: فاتر. hwšg: (Mir.

(Man. I, 40.) ک ۲/۲۱.

خشک: xušk: 𐭮𐭥𐭥𐭥

ستا: -huška- فب: uška: 𐭮𐭥𐭥𐭥 (Kent. 178) *AiWb.* (Mir. Man. III, 57) hwšg: پاتر: 1840.)

ک ۱۱۸-۱۱۳-۱۱۲-۹۸-۲۸-۲۶-۲۱-۱۱/۲ ۵

𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥: xuškar: چیزهای خشک (تاوادیآ . ۱۶۲) . آرد؟

هَرَن اصلاً "این واژه را کوتاه نوشت xuškārd (به نقل از ولرس ۷۵۶) میداند و استناد هم به همین واژه و این کتاب می‌کند. (نک: GNPE. p. 108. No. 489) در برهان قاطع هم آمده: "خشکار، بر وزن هشبار، آردی باشد که نخاله آنرا جدا نکرده باشند. ک ۱۱۸-۳۵-۳۲/۲ ۱۰

𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: ušmār: شمار، حساب.

ستا: ✓mar: 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥 aiwi+ هندی کهن: smrtāh-, smāratī-

شمارد، شمرد. (*AiWb.* 1144) . ک ۸-۶/۲۱

𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: ušmurēnd: شمارند، شمارند. (نک واژه بالا) . ک ۵/۱۳

𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: ušmurišnih: شمارش، برآورد کردن، سنجیدن. ک ۲/۱۲ ۱۵

𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: ušōfrīd: هدیه، پیشکش نذری، فدیة و قربانی کردن توام با

نیایش. (نک: 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥) . در باره این واژه نک: *Tavadia.*

pp. 92-93. ک ۱۰/۱۲ . ک ۳۰/۱۳

𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: mardōm: مردم.

ستا: -mašya-/marəta- 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥: -martiya-/mārta- فب: ۲۰

(*Mir. Man.* mrdwhm: فاطر (*Kent.* 203) martiya-

(*Mir. Man.* III, 58.) mrdwhm: پاتر II, 60.)

mardōmān: مردمان. ۱۴۵۳۳۳۳۳

mardumān: پا (مینو خرد). ک ۰۵/۱۲ ک ۰۴/۱۳ ک ۰۳۰/۱۵ ک ۰۴/۲۰-۰۶

۵ ۱۴۵۱۱۱۱۱۱۱ hu-kunišn: نیک کنش، کنش نیک، رفتار نیکو. ۳ + ۱۱۱۱۱۱۱۱

(نک: هر یک از دو جزء). ک ۰۲/۲۲

۱۴۵۱۱۱۱۱۱۱ xVar: خور. نام طبقه پنجم گناهان است بنا بر تقسیم بندی و نامگذاری نویسنده

کتاب، که برابر با ۶۰ استر (هر استر ۴ درم سنگ) می باشد. و اصطلاحاً "این نام گناه زدن توام با ایجاد جرح و زخم است. (نک: وندیداد ۴ بند ۳۰).

۱۰ ک ۰۲-۱/۱ ک ۰۷۰/۲ ک ۰۲-۱/۱۱ ک ۰۵/۱۶

۱۴۵۱۱۱۱۱۱۱ xVar: خور، خورشید، هور. نام روز یازدهم هر ماه است و نام ایزد موکل

این روز است که پشت ششم بنام اوست. ستا: - hvarə هندی کهن: - svar

(*Mir. Man.* II, 59) xwr: فاطر (*AiWb.* 1848-9.)

ک ۰۱۱/۲۲ ک ۰۲/۲۳

۱۵ ۱۴۵۱۱۱۱۱۱ xVar-it: خورترا. ک ۰۱۱/۲۲

۱۴۵۱۱۱۱۱۱ xVarg/xVar: اخگر، شراره، جرقه.

پا: xūrg (*Kapadia. P.V. Glos.*) ک ۰۵۰/۲

۱۴۵۱۱۱۱۱۱ xVardag: خرد، خرده، ناچیز، کوچک.

پا: xūrdak (مینو خرد). ک ۰۱۶. مقدمه فصل.

۲۰ ۱۴۵۱۱۱۱۱۱ xVardag: خرده، حرف (حرفی از الفباء). نویسه. ک ۰۵۰/۱۳

𐭮𐭥𐭥𐭥: x^vardīg: خوردنی. فرهنگهای فارسی: خوردی.

ستا: x^var: خوردن (GNPE. 112, AiWb. 1866) ک ۱۶/۲۰.

𐭮𐭥𐭥𐭥. و𐭮𐭥𐭥: x^vardīg ī kardag: خوردی کرده، خوراک آماده.

(Pahlavi Text p. 30.) . پرفسور وست آنرا به معنی: broth

آورده است. نک: Dahbhar. PRivDd. No. 7 ک ۴۸/۲. ۵

𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: hu-rastagīhātar: مطابق اصول دین تر، مقبول تر،

خداپسندانه تر. ک ۱۹/۱۲.

𐭮𐭥𐭥𐭥: x^varišn: خورش، خوردنی.

ستا: x^var: مصدر آن: x^varaiti: پهلوی: x^vardan: پ: x^varišn:

ک ۴۸-۴۷-۴۱/۲ ک ۱۲/۳-۱۲-۳۰-۳۴ ک ۸/۹ ک ۱۰-۷/۱۰-۱۶-۲۳ ک ۸/۱۲- ۱۰

۱۹-۱۸-۱۶-۹

𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: x^varišn andāzišn: باندازه یک خوراک.

ک ۱۶/۱۲

𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥: x^varišnīg: خوردنی (نک: واژه های بالا). پ: x^varišnī:

ک ۱۸/۱۲ ۱۵

𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥: x^varsēd: خورشید. "خور یا خورشید یا خیر نام روز یازدهم هرماه

است (پورداود: یشتها ج ۱ ص ۳۰۷). در اوستا یشتی به این نام موجود است که

دارای ۷ بند است. (نک: همو ص ۳۱۰-۳۰۴).

ستا: -x^var-xšaēta که جزء دوم آن از ریشه: xšay (AiWb. 451)

یعنی حکومت کردن، پادشاهی کردن و کلا "در اصل به معنی خور پادشاه یا خورشاه

است. در فارسی میانه و نو به معنی خورد درخشان آمده که با توجه به نور افشان بودن

آن این معنی اتخاذ شده است. ک ۹۸/۲ ک ۲۹/۳ ک ۱۰-۷/۱۰-۱۶-۲۳ ک ۸/۱۲- ۲۰

ک ۵/۱۲ ک ۵/۲۰ ک ۷-۶-۵-۲/۲۱

خورشید برآمد. ک ۵/۲۰. $x^{Varšēd} ul mad$: خورشید طلوع کرد،

خورشید را نیایش کردن. ک ۵/۲۰. $x^{Varšēd} yašt$: خورشید یشت. یشت ششم یشتها.
(نک: واژه بالا) ک ۳۱/۱۲ و $x^{Varšēd} yaštan$: خورشید یستن،

۵

خورشید نگیریش. ک ۵/۲۰. $x^{Varšēd} nigirišn$: خورشید نگرش، محل رو
به آفتاب. ک ۹۸/۲.

خورشید ماه. $x^{Varšēdar} māh$: هورشیدر ماه، اوشیدر ماه. نام یکی از
سه موعود زردشتی است که عبارتند از: هوشیدر (نک: همین واژه). هوشیدر ماه و
سوشیانت، که اینان سه برادرند از تخمه زردشت پیامبر. (نک: پورد/اود یشتها.
ج ۲ ص ۱۰۰). که نطفه ایشان در بن دریای کیانسه است و به هر هزار سالی پس
از زردشت، دوشیزه‌ای برای شستن خویش به دریای کیانسه می‌رود و به نطفه‌ای بار-
دار می‌شود. (بهار، پژوهشی در اساطیر ص ۱۶۱ شماره ۴۷).
ستا: $uxšyāt-namah$ (384) (AiWb).

۱۵

خورشیدر ماه. $x^{Varšēdar}$: هوشیدر، اورشیدر.
"یعنی پروراننده قانون مقدس، امروزه اوشیدر یا هوشیدر گویند. در کتب پهلوی
خورشیدر یا اوشیدر آمده است، گاهی کلمه بامی را بآن افزوده و هوشیدر بامی می‌گویند.
(پورد/اود: یشتها ج ۲ ص ۱۰۰ زیر نویس شماره ۲).
ستا: $uxšyāt-ərta$ (384) (AiWb).

خورشید. $urvāhm$: خوشی، راحتی، آسایش.

۲۰

ستا: $urvāsmān$ (1544) (AiWb) $^2wrw^2hmyy$ (Mir. $^2wrw^2hmyy$ $^2wlw^2hmy$: پهلوی کتبهای
(Kotwal. 175) $^2wlw^2hmy$ Man. II, 45)
پ: $hurvāhm$ (ibid.) (برای این واژه نک: Henning. TPS. 1944. p. 109) ک ۲۹/۱۲.

urvar: اورور. گیاه.

ستا: -urvarā urvarā هندی کهن : (401-403) *AiWb.*

فاتر: ²wrwr (Mir. Man. I, 33.) urvar: ۴ (مینو خرد).

ک ۲۹/۳. ک ۸/۹. ک ۱۶/۱۰. ک ۲۱-۱۴/۱۳. ک ۲/۱۴. ک ۲۵-۵/۱۵-

۲۶-۲۷-۲۸-۲۹.

۵

urvarān: گیاهان. ک ۲/۱۲. ک ۴۰/۱۳.

örön: بسوی، بطرف، به جهت. (سج: وارون: برگشته، سرنگون).

نک: *GNPE. p. 241. No. 1074.* ک ۶/۲.

höm: هوم، گیاه مقدسی که افشرد آن در آئین های دینی زردشتی بکار میرفته و

ظاهرا "سکرآور بوده، در بندهش رد گیاهان شمرده شده و نیز هوم ایزد، نام یکی از

۱۰

فرشتگان شریعت زردشت است. هوم پشت (پسنا ها ۹) بنام این ایزد است.

(برای آگاهی بیشتر نک: فره.وشی، فرهنگ پهلوی و پورداود، پسنا ج ۱ ص ۱۵۸ و

همو: پشتها ج ۲ ص ۳۵۱).

ستا: -hāoma فب: -sahāuma somā: (1732) *AiWb.* ۴ hūm :

(مینو خرد) ک ۴-۱۱.

۱۵

hōmāst: هوماست، آئین اجرای تعدادی از پسنا وندیداد است، که

برای زندگان یا در گذشتگان اجرا می شده، امروزه دو نوع هوماست اجرا می شود:

۱- هوماست کوچک یا هوماست که، که مراسم اجرای ۱۴۴ پسنا و ۱۲ وندیداد است.

۲- هوماست بزرگ یا هوماست مه، که مراسم اجرای ۱۴۴ پسنا و ۱۴۴ وندیداد است.

(نک: *Kotwal. p.149, No.486*) ک ۶/۱۶.

۲۰

humānāg: همانا، مانند.

از ham + mādā. مانند: شبه بودن از همین است. *GNPE. 247*

و نیز نک: *ZDMG. 10, 152/3* Rückert ۴ humānā :

داده می شود: ک ۲/۱۰.

𐭯𐭮𐭥𐭥 hu-mēnišn: نیک منش. (نک: 𐭯𐭮𐭥𐭥) ک ۲/۲۲.

𐭯𐭮𐭥𐭥 hōmyazad: هوم ایزد (نک: 𐭯𐭮𐭥𐭥) ک ۶-۴/۱۱.

𐭯𐭮𐭥𐭥 -ān: نشانه جمع است که به اسامی افزوده شده است.

ک ۸/۷ ک ۱/۸-۲-۳-۴-۵-۱۴-۱۵-۱۷ ک ۱/۹-۴-۵-۱۰-۱۱-۱۲ ۵

𐭯𐭮𐭥𐭥 -ān: پسوند نشانه پدر فرزندی است. ک ۲۲-۱۰/۸.

𐭯𐭮𐭥𐭥 𐭯𐭮𐭥𐭥: به، در (نک: 𐭯𐭮𐭥𐭥) ک ۳۱/۲۲.

𐭯𐭮𐭥𐭥 avināh: بی گناه (a نشانه نفی + vināh: گناه.

(نک: هر دو جزء). 𐭯𐭮𐭥𐭥 awigunāh/a-gunāh (مینو خرد).

ک ۱/۵-۲ ک ۲/۷ ک ۳/۱۰ ک ۲۲/۱۲ ۱۰

𐭯𐭮𐭥𐭥 avināhīh: بیگناهی. ک ۳/۱۰ ک ۲۲/۱۲.

𐭯𐭮𐭥𐭥 hunsandīh: خرسندی، قناعت.

ستا: sadayanha 𐭯𐭮𐭥𐭥 𐭯𐭮𐭥𐭥 hwnsndyft (هر دواز گوتوال ص ۱۵۰

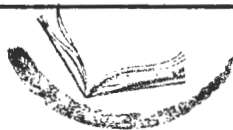
شماره ۵۰۳) 𐭯𐭮𐭥𐭥 hwnsnd (Man. Stud. 83) 𐭯𐭮𐭥𐭥 xVarsand: 𐭯𐭮𐭥𐭥

(مینو خرد). ک ۳/۱۱ ۱۵

𐭯𐭮𐭥𐭥 anōšag: انوشه، بیمرگ، جاوید.

a (نشانه نفی) + n زاید + ōš: مرگ + ag پسوند اسم ساز.

ستا: anaōšagh 𐭯𐭮𐭥𐭥 𐭯𐭮𐭥𐭥 (هر دواز گوتوال ص ۱۲۴ شماره ۷۶).



کتابخانه تخصصی ادبیست

ک ۳۰/۲۲

۱۴۳ هنر: hunar:

ستا: -hunara هندی کهن: sūnāra (AiWb. 1831) پ: xunar

(مینو خرد). ک ۲۷/۲۲

۱۴۳ هوارشت: hvaršt: هُورِشت، کردار نیک.

ستا: -hu+varšta-, hvarəšta-, hvaršta- (AiWb.

. (1850-51) پ: hvaršt (مینو خرد). ک ۱۳/۱۳

۱۴۳ اویریشت: ōyrišt/ōvrišt: نام طبقه سوم گناهان است که کفاره

آن برابر با ۲۰ تا ۳۰ درم سنگ می باشد. کوتوال این گناه را حمله یا تهدید با شلاق میداند (نک: Kotwal. p. 16).

ستا: -avaoirišta (AiWb. 168) ک ۲-۱/۱. ک ۵-۳/۱۶

۱۴۳ خرداد: xōrdād/xurdad: نام روز ششم هر ماه و نام ماه سوم هر

سال و ایزد موکل آب ها است.

ستا: -haurvāt-, haurvatāti (AiWb. 1791) (در باره این

ایزد نک: Haurvatāt and Ameretāt. by J. Darmesteter)

ترجمه به انگلیسی بوسیله Hirji P. Wadia. بمبئی ۱۸۸۸).

ک ۸/۹. ک ۱۴/۱۳. ک ۵-۳/۱۵-۲۹. ک ۶/۲۲. ک ۱/۲۳

۱۴۳ خرداد-یت: xōrdād-it: خرداد، خرداد ترا. ک ۶/۲۲

۱۴۳ هوی: hōy: چپ.

ستا: -haoya-, hāvōya (AiWb. 1806) ک ۱۵/۱۰. ک ۶-۴/۱۱

۱۴۳ هندی: hēnd: اند، هستند (نک: همین واژه). ک ۱/۱۱

and: ۳۳ (۱) مقدار، اندازه. ک. ۱۶/۲-۲۳-۹۵. ک. ۱۳/۳. ک. ۸/۱۲-۹. ک. ۲۸/۱۵.

(۲) چند، چندتا. ک. ۲/۱۳.

۳۳... and: ۳۳ .. and: به اندازه. ک. ۲۴/۲-۳۴-۳۶-۱۰۰-۱۱۸-۱۱۹.

ک. ۴/۴-۵-۱۲. ک. ۲/۱۲-۴.

۵ این ترکیب به شکل ۳۳و هم آمده است. ک. ۱/۱۲-۴.

۳۳و... and: باندازه بلندی... ک. ۲۸/۱۵.

۳۳... handāxt: انداخت، محاسبه کرد، برآورد کرد، اندازه کرد، سنجید.

ستا: hām + ✓ tač (GNPE. 27) هوبشمان: ستا: hañtāčay-

(نک: اساس اشتقاق فارسی ص ۱۵۴). ک. ۵۱/۱۳.

۱۰ ۳۳... hu-dāg: بجای ۳۳و (نک: مینوی خرد، مقدمه): مفید، خوب.

ستا: hudāñh-, huḏāñh- (AiWb. 1825) ک. ۱۱-۹/۱۵.

۳۳... handāz: انداز، اندازه (نک: واژه بالا). ک. ۵/۴.

۳۳... handāzišn: اندازه کردن (اسم مصدر، نک: واژه بالا).

ک. ۲۳/۱۰. ک. ۱۶/۱۲-۲۴.

۱۵ ۳۳... handāzag: اندازه (نک: واژه های بالا). ک. ۷۷/۲. ک. ۲۸-۲۲/۱۰.

۳۳... handām: اندام، عضوی از بدن انسان یا حیوان.

ستا: handāman- هندی کهن: sandhāy- (AiWb. 1772)

ک. ۱۴/۱۷. ک. ۲۸-۲۲-۱۸-۱۷-۱۳-۱۲/۲.

۳۳... hangām: هنگام، زمان.

۲۰ ستا: aiwi. gama: *hangama (AiWb. 89)

ک ۱۲/۲۹-۳۱. ک ۱/۱۷.

هنگامی، وقتی. ک ۱۲/۲۹. hangām-ē:

به اندازه. پا: and-čand: (مینو خرد ۱۵/۲۶).
ک ۱/۱۲.

۵ xVet[u]man: خوتومن. دومین واژه یسنا ۳۲ است، و این یسنا با این
نام نامیده می شود.

ستا: xVaētumant- (AiWb. 1859). ک ۱۳/۷-۲۷.

۱۰ xVēdōgdah: خوددوده. معنی رایج برای این واژه، ازدواج در دوده
(خانواده) و نزدیکان است (ظاهراً "برای حفظ خون و نژاد"). لکن امروزه زردشتیان
معنی دیگری برای آن دارند و بکلی این معنی (ازدواج با نزدیکان) را رد میکنند.
برای آگاهی-نک: روایات فارسی ج ۱ ص ۳۰۸

ستا: xVaētvadaθa: از: xVaētav+*vadaθa (AiWb. 1860)
پا: xVaētvōdaθ (واژه نامه مینو خرد). ک ۱۸/۳-۴.

همان واژه بالاست. ک ۱۸/۸. xVēdōgdāt:

۱۵ dānistan, HWYTWN-stn: دانستن (مصدر از فعل
ماضی جعلی: dānist). فائز: d²nystn (Mir. Man. II, 49)
پا: dānistan (مینو خرد). ک ۱۳/۲۹.

راند: be dānistan: بدانستن. ک ۱۳/۲۹.

۶ HWYTWN, m: dānēm: دانم. ک ۱۸/۴.

۲۰ nē dānēm: ندانم. ک ۱۸/۴.

۷ HWYTWN, yy: dānē(h): دانی. ک ۱۲/۲۸.

۷ HWYTWN, yt: dānēd: داند. ک ۲/۸-۶۳-۷۲.

۲۹/۱۳ . (Mir. Man. II, 46) ²ndrz

سپهده ۱۱۳۳۳ : handarg guftan : اندرز گفتن . ک ۲۹/۱۳

سپهده ۱۱۳۳۳ : andarvāy : اندروا، معلق، آویزان .

ستا : antarevayu : *antarevayu : ایرانی کهن : (GNPE. 265)

۵ وازه مرکب است از : ndar اندر، ستا : antarā : antar : انتار : انتار

(AiWb. 131) (شکل هزوارشی آن که بیشتر کاربرد دارد : وایو) : vāy +

باد، هوا . ستا : vāy/vayav : هوا، باد . (AiWb. 1357)

ک ۱۳/۱۷

سپهده ۱۱۳۳۳ : andarōn : اندرون .

۱۰ andar : اندر، داخل (نک : وازه بالا) . rōn+ : سوی، جهت . (نک : سپهده)

فاتر : ²ndrwn (Mir. Man. II, 49) . ک ۳۱/۲-۳۴

سپهده ۱۱۳۳۳ : andarōn : اندرون (نک : وازه بالا) . ک ۳۲/۲

سپهده ۱۱۳۳۳ : avēnāg : نابینا . a نشانه نفی + vēnāg : بینا . ک ۱۴/۹

سپهده ۱۱۳۳۳ : andūdan : اندودن، مالیدن .

۱۵ ستا : پیشوند : ham/han + ریشه اوستائی : √dav : پاک کردن، مالیدن

(AiWb. 688) سنج : زدودن . ک ۱۶/۱۰

سپهده ۱۱۳۳۳ : handōzih : اندوزی (اندوختن) .

ستا : han+ √tauз

واشو ۱۱۳۳۳ : kirfag handōzih : کرفه اندوزی، ثواب اندوختن .

ک ۲۲/۱۰

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥: angust: انگشت.

ستا: angušta- : 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 (AiWb. 130) aṅgušt: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥

(مینو خرد). ک ۱۱۸/۲. ک ۵-۲/۴. ک ۱/۱۰. ک ۲/۱۶.

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: angōšīdag: همانند، شبیه.

فاتر: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 (Mir. Man. II, 46) aṅgōšīda: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥.

ک ۲۹-۱۹-۱۳-۱۱-۸/۱۵.

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: avēnišn: بی بینش، نافهم.

(نک: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥). ک ۹/۸.

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: ōgōn/āngōn: آنگون.

۱۰ 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 + 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: gaona- (GNPE. 211)

فاتر: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 (Mir. Man. II, 43) 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥. ک ۱۲۱/۲. ک ۱۳-۱۱-۸/۱۰.

ک ۳۰. ک ۳۲-۲۵-۳/۱۲. ک ۴۰/۱۳. ک ۷-۳/۲۰.

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: ōgōn humānāg čēgōn: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: مانند آنستکه،

چنانست که. ک ۳/۲۰.

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: a-vēnēd: نپیند، درک نکند، نفهمد.

۱۵ (a + vēn + ēd) نک: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥. ک ۹/۸.

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: ē: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 (یا وحدت یا نکره) که بیشتر بعد از اسم میآید.

ستا: aēva- (AiWb. 22). شکل معمول پهلوی آن 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 است.

فاتر: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 (Mir. Man. II, 62) 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 (مینو خرد).

ک ۱۰۲-۹۱-۵۱/۲. ک ۱۴/۳. ک ۴/۶. ک ۸/۷.

پیش از اسم. 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: ē-tāy: یکتا، یک دانه. ک ۱۰۲/۲.

پس از اسم. 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: yašt-ē: یشتی، یک یشت. ک ۵۱/۲.

۲۰

معد: ʔȳ ē : پیشوازه فعلی است که برای تاکید (نهی یا امر) به انجام کاری پیش از فعل آید. ک ۱۱/۲. ک ۱۳/۸. ک ۱۵/۱۰-۱۲ و با bē :
روید معد : bē ē kunēd : بکند. ک ۱۱/۲. (امر به انجام کار).

معد: بجای ۵: ʔ (۱) کسره اضافه (در بیشتر بندها). ک ۸/۷. ک ۱۵/۸-۱۹ و
(۲) معنی "که" میدهد. ک ۳۹/۲ و
۵

معد: ē/ēd : این، آن (بجای معد). ک ۸/۸. ک ۲۵/۱۰. ک ۱۰/۷.
معد کهم : ē čē : آنچه، هر چه. ک ۴/۱۱.

معد: ā (بجای مد). پس، آنگاه، که معمولاً "چسبیده به ضمیر متصل سوم شخص مد میآید. (نک: مد). ک ۲۳/۸. ک ۷/۹.

۱۰ معد: ē / hē (بجای هـ معد: hē یا هـ معد: had).
معین فعل برای سوم شخص مفرد (نک: همین واژه).
معد ۳۷۲ : guft-ē/hē : گفته است. ک ۳۹/۲.
معد ۷۵۱ : vizīr-ē : گذارد، بجا آورد. ک ۴/۱۲.
معد ۱۱۳۷۴ : andar... guftan ē : در حال گفتن.

۱۵ (یا خواندن) است. ک ۸/۳.
معد: 3 : ۳، بجای سه (نک: همین).
ک ۵۱/۱۳. ک ۳/۱۷.

معد: ʔȳ : jān/gyān. جان.

نوشتار غیر هزوارشی آن معد ۱۴۱ است. (برای صورتهای پیشنهادی ریشه و اصل آن در زبانهای اوستایی و سنسکریت و نک: اساس اشتقاق فارسی ص ۵۲۵).
۲۰ ک ۵۶-۵۴-۵۱/۲

دوسه: āyāft: آیت، هدیه، سود، احسان، بخشش.
ستا: -āyapta (AiWb. 322) پا: ayāft (مینو خرد) ک ۸/۱۲.

دوسه: a-dād: بیداد، ستم.
a نفی: dād: داد، عدل. نک: دس (۸/۱۰ ک).

دوسه: a-dādihā: (قید). به بیدادی، از روی بیعدالتی، برخلاف شرع
۵ (یا قانون). پا: adātihā (مینوی خرد). ک ۸/۱۰ ک ۲۶/۱۵.

دوسه: hixr: هیخر، فضله، کثافت.
ستا: -hixra (AiWb. 1812) پا: hihir / hīhar.
ک ۹۵/۲ ک ۲۶/۱۵.

۱۰ س: 4 (čahār)، شکل هزارش آن مدرسه و نوشتار آن به پهلوی ۴ رسید
است.

ستا: -caθwar (AiWb. 577) سا: catvār- (Jackson. 106)
ک ۵۵/۲ ک ۱۷/۳ ک ۱۰/۱۰-۲۴ ک ۲/۱۱ ک ۹/۱۳ و

سرس: 7 (haft)، هزارش آن مدرسه و نوشتار پهلوی آن دس.
۱۵ ستا: -hapta سا: saptā- (Jackson. 106) پا: haft
(مینو خرد). ک ۱/۱۲ ک ۸/۱۳ ک ۶/۱۵ ک ۷/۱۹ ک ۲/۲۱-۶.

سرس: 8 (hašt)، هزارش آن مدرسه و نوشتار پهلوی آن .
دس: -ašta سا: .: ašta- (Jackson. 106)
ستا: -hašt (مینو خرد) ک ۸/۱۹ ک ۲/۲۱.

۲۰ دوسه: ayādēnišn: یادکردن، یادآوری کردن.

√yā از abi+yata- : یاد. ستا: ayyād / ayād
(GNPE. 250) فاتر: y³d پاتر: by³d (VMT. 224-26)
زبور پهلوی: by³t (PS. 29) پ: ayāt (مینو خرد) ک ۱۳/۹.

۵ سترید: hayyār/hayār: یار، دوست.
ستا: yār ← yāvar ← yā-varəna- (AiWb. 1286) فاتر:
Mir. dy³wr: پاتر: hy³r (bwdyh) (Mir. Man. II, 55)
Man. III, 48) پ: ayār (مینو خرد).
ک ۳۰-۱۵/۱۰ ک ۴۴/۱۳ ک ۱۳-۱۲/۱۹ ک ۴/۲۱ ک ۳۱-۳۰-۶/۲۲

۱۰ سترید: hayyārōmandīh: یاری، یارمندی، کمک، یآوری.
پ: ayārmañdī (مینو خرد). ک ۳۰/۱۰

سترید: hayyārīh: یاری. پ: ayārī (مینو خرد).
ک ۴/۲۱ ک ۱۵/۱۰
سترید: hayyārīh kardan: یاری کردن. ک ۱۵/۱۰

۱۵ سترید: aivyāhanīh: ائیویاهن بودن، کستی بودن.
ائیویاهن حرف نویس صورت اوستایی واژه است به پهلوی و معمولا "در ادبیات دینی
زردشتی بجای این واژه از واژه (نک: همین واژه) استفاده می شود و منظور
کمر بند مقدس بهدینان است.
سترید: aivyāhan-: ائیویاهن. از. پیشوند aiwi (فن: اف،
در افسر، افروختن و) + yāhna- از yāh به معنی کمر بستن.
۲۰ (AiWb. 98) + پسوند īh نشانه اسم مصدر، واژه همیان فارسی از همین
ریشه و اصل است. (نک: معین، مزدیسنا و ادب فارسی ص ۳۷۶) ک ۴/۴.

سترید: ēvgad/ēbgad: دشمن، دشمنی، تهدید، تجاوز.

این واژه در بندهش و مینوی خرد صفت اهریمن است و معنی ویرانگر و متجاوز دارد .
در باره این واژه تاوادیا بحثی کرده است و آترا از aibi + gata اوستایی
دانسته (نک: *Tavardia. ŠnŠ. 126*) پ: aibigat: (مینو خرد).
ک ۳/۱۰ ک ۳۰/۱۳

۵ دور و دور: aivyāng: ائیویانگ، این واژه همان aiwyānhana اوستایی
است. (نک: دو واژه بالاتر).
در اینجا منظور باریکه‌هایی است از برگ سبز که در مراسم عالی مذهبی از آنها برای
بستن دور دسته‌های برسم استفاده می‌شود. ک ۱/۱۲

دور: hēč/ēč: ایچ، هیچ.
۱۰ ایرانی کهن: *aiva+čiy (GNPE. 249) پ: hēcā, hēcī, hēc: (مینو خرد). ک ۳/۳ ک ۷/۷ ک ۷/۱۰ ک ۲۹/۱۲ ک ۷/۱۷ ک ۱۵/۱۹
دور سر: hēc 3 / ēč 3: هیچیک از سه تا. ک ۷/۱۷
دور ۱۶: hēcē: هیچکس، هیچ یک. ک ۱۵/۱۹

دور: hēt: هست، است. (هت).
۱۵ معین فعل ربطی است برای سوم شخص مفرد (نک: راسنارگوویا ص ۱۲۵). این واژه
را عموماً "هزوارش دانسته اند، از ʔYT (نک: Junker, 13) و فرهنگ مینو
خرد تفضلی ص ۲۳ و ۱۰۰) لکن در تفسیر نسفی، هی: هستی و هیت: هستید، بکار
رفته است. در ترجمه: ان کنتم صادقین. آمده است: اگر هیت راستگویان، یعنی اگر
هستید. (سوره ۴۶ آیه ۴). و نیز در ترجمه همان سوره آیه ۲۲ آمده: اگر هی راستگویان.
۲۰ (نک: مجموعه الفرس ص ۴۶ زیر نویس). و این امر می‌تواند نشانگر آن باشد که واژه
تشکیل شده است از: ʔyt پ: hēt=hyt: هت، یعنی هست و لزومی ندارد،
که آترا هزوارش دانسته و ast پ: hast بخوانیم (؟)
ک ۱/۱-۳-۴-۱۶-۱۸-۳۴-۴۵-۸۰-۹۰ ک ۳/۳-۲۳-۲۴-۳۵ ک ۵/۵ و چندین
مورد دیگر.

۶-۶ سحر: čē-hēt: چیست. ک ۹/۱۵.
 سحر (۶-۶) ظاهر "بجای سحر" āstarēd/āstarbrēd:

آستردار؟ (برای واژه آستر، نک: اساس اشتقاق فارسی ص ۳۰).
 تاوادیبا این واژه را مرکب از āstar = آستر + brīt از "بریدن" دانسته.
 (نک: Tavadia ŠnŠ. p. 87). لکن جزء دوم آن را می توان از:
 ۵ burdan: بردن؛ برداشتن یا حمل کردن (نک: فرهنگ نفیسی زیر: بردن) یا
 "داشتن"، دانست که در آن صورت ترکیب معنی "آستر دار" را میدهد. ک ۶/۴.

سحر: ēdōn: ایدون، چنین.
 ستا: aētavant هندی گهن: (AiWb. 18) ētāvant-
 ۱۰ پا: dūn (مینو خرد). ک ۱۲/۲-۱۷-۲۰-۲۱-۳۸ و ۵۹ بار دیگر.

سحر: ēdōn čēgōn: مانند، همانطور که، چنانکه.
 سحر: ēšm/xēšm: خشم. (دیو خشم). این دیو ضد و در مقابل سروش
 ایزد قرار دارد.
 ستا: aēšma- (AiWb. 35) فاتر: (Mir. Man. I, 42) xyšm
 ۱۵ پا: xašm. ک ۴۳/۱۳. ک ۱-۱۸-۳. ک ۱۷/۲۲.

سحر: YK: هز: ku: که (حرف ربط) در بیشتر بندهای کتاب آمده است. (۱۷۲ بار).
 سحر: ku-š: که او را، که آن را. ک ۱۲/۲ و ۱۱ مرتبه دیگر.
 سحر: ku-šān: کشان، که آنان را.
 ک ۱۲/۱۲. ک ۲۴/۱۷.
 ۲۰ سحر: ku-m: که مرا، کم. ک ۸/۸. ک ۱-۱۵-۳۰.
 سحر: ku-mān: که ما را، کمان. ک ۱۴/۱۲.
 سحر: ēdōn kū: چنانکه، چنانچه. ک ۴۵/۲.

سحر: ēraxt: گرفتار، گرفتار شده، تحقیر شده، کیفر دیده.

نوشتار درست آن **معدل** است.

ستا : han-draxt (AiWb. 1772) فاطر: ³ndrxt محکوم کرد، شکست داد. (Mir. Man. II, 49) پاطر: ³ndrxtn (Mir. Man. III, 49). ک ۲/۲۰.

۵ **معدل** ērbad/hērbad: هیربد، روحانی.

"هیربد: قاضی و مفتی گبران بود و آتش پرست را نیز گفته‌اند" صحاح، لغت فرس به نقل از فرهنگ فره وشی.

ستا : aēθrapaiti (AiWb. 20). ک ۴/۸.

معدل ērbadān: هیربدان، روحانیان. ک ۴/۹.

۱۰ **معدل** ērbad-zād: هیربدرزاده. ک ۲۱ پایان نوشت.

معدل agriftār: ناگرفتار، نامقید، غیرمادی، رها از جسمیت.

a) نشانه نفی + griftar: گرفتار، مقید، ستا: $\sqrt{\text{grab}}$ هندی کهن؛

grbh (AiWb. 529). ک ۳-۲/۱۵.

معدل ērbadistān: هیربدستان، مدرسه علوم دینی زردشتی.

۱۵ ک ۱۱/۸ ک ۸/۱۷.

معدل āgrift: آگریفت، نام طبقاتی از گناهان است. اندازه آن برابر ۱۶

درم سنگ است و بعد از فرمان میباشد.

ستا : ā-gərəfta- (AiWb. 310). ک ۲-۱/۱۱ ک ۲-۱/۱۱.

ک ۲/۱۶.

۲۰ **معدل** 300: (sēsad) ۳۰۰ (سیصد).

ستا : θrī-sata- هندی کهن : triśatā- (AiWb. 810)

پا : sā-sat (مینو خرد). ک ۲/۱ ک ۳/۸ ک ۳/۱۱ ک ۵/۱۶.

سَدَکَمَ: ērmān: ایرمن: منظور نخستین واژه پسنا، ها ۵۴ می باشد.
ستا: airyaman: (AiWb. 199) ک ۴۷/۱۳.

سَدَکَمَ: ērmānīh: دوستی، محبت.
ستا: airyaman-: هندی کهن: (AiWb. 198) aryamān-
ک ۴۷/۱۳.

۵

سَدَکَمَ: ērvārag: آرواره، فک.
ستا: ha-nuharəna-: (AiWb. 1767) ک ۶/۱۱.
این واژه بدین سان هم آمده است: سَدَکَمَ: ک ۴/۱۱.

سَدَکَمَ: xēm: خیم، خو، طبیعت آدمی.
ستا: haya-, haēm-: (AiWb. 1781) پ: xīm (مینو خرد).
ک ۲۲/۱۲ ک ۳/۲۰.
سَدَکَمَ: hu-xēmē: خوش خویی. ک ۲۲/۱۲.

سَدَکَمَ: ēmar: باری، مختصر، خلاصه.
ک ۱۴/۱۳.

سَدَکَمَ: ē-mōg: یک لنگه کفش (قید).
سَدَکَمَ: ē mōg dvārišnīh: با یک لنگه کفش رفتن.
که در شریعت زردشتی گناه شمرده شده و مردمان را از انجام آن بر حذر داشته اند.
این امر در کتب فقهی شیعی نیز منع شده. (برای آگاهی بیشتر نک: محمود طاووسی
با یک موزه رفتن و بی موزه رفتن، پژوهشنامه مؤسسه آسیائی شماره ۳-۲ سال سوم
۱۳۵۶) ک ۱۲/۴.

۲۰

سَدَکَمَ: HYMWN, yt: هر: virravēd: گِرود، اعتراف کند، باور کند،

ک ۱/۷.

𐭪𐭫𐭮𐭭 ēvbār: یکبار، یکدفعه.

ēv + 𐭪𐭫𐭮: بار، دفعه (نک: هر یک از این دو). ک ۱۱۶/۲-۱۱۷.

𐭪𐭫𐭮𐭭 ayāb: یا.

۵ ستا va: هندی کهن: vā (AiWb. 136-1310) فاطر: 𐭪𐭫𐭮𐭭 y²b

(Mir. Man. II, 45). پهلوی کتیبه‌ای (گرتیر نقش رجب) 𐭪𐭫𐭮𐭭 ywp

𐭪𐭫𐭮𐭭 ayā (مینو خرد). ک ۳/۲-۴-۸ و ۳۶ بار دیگر.

𐭪𐭫𐭮𐭭 ēvtōg: یک تو، یک لایه.

ēv + 𐭪𐭫𐭮: تو، لا. (نک: هر یک از این دو). ک ۷/۴.

۱۰ 𐭪𐭫𐭮𐭭 ēvtum: اولین، نخستین.

tum + ēv: نشانه و پسوند صفت عالی است. (نک: راستارگویوا ص ۷۲).

ستا: tōma (وندیداد ۳ بند ۱۵). فاطر: -dwm در واژه: 𐭪𐭫𐭮𐭭 brdwm

(Mir. Man. II, 44). ک ۶۶/۲-۶۸-۷۱.

𐭪𐭫𐭮𐭭 a-yōšdāhr/a-yōšdāsr: ناپاک، نجس.

۱۵ a (نشانه نفی) + 𐭪𐭫𐭮𐭭 yōšdāhr: پاک، طاهر (نک: همین واژه).

ک ۱۷/۱۲.

𐭪𐭫𐭮𐭭 a-yōšdāhrīh: ناپاکی، ناپاکیزگی. ک ۱۷/۱۲.

𐭪𐭫𐭮𐭭 yak / ēvak: (نک: 𐭪𐭫𐭮).

ک ۷۶-۷۲ و ۹۲ بار دیگر.

۲۰ 𐭪𐭫𐭮𐭭 ēvak ēvak: یک یک، جدا جدا.

ک ۱۱۸/۲. ک ۱/۱۱. ک ۱۶/مقدمه.

- ۷/۸. **evak bār**: یک، بار، یک دفعه. ک
 ۷/۸. **har ēvak**: هریک، هریکی.
 ک ۷۶/۲. ک ۱۳/۸. ک ۳۲/۱۲.
 ۵. **ēvak pad dit**: یکی به دیگری. ک ۱۱/۱۰ و
 ۵. **ēvek-ē**: یکی. ک ۷۶/۲-۹۰ و
 ۵. **ēvek ēn ku...**: یکی اینکه... ک ۱۰/۱-۲-۳-۴ و
 ۱۰. **ēvakbar**: کسی که مرده را به تنهایی ببرد (حمل کند یا حرکت دهد)،
 نجس، در شریعت زردشت دست زدن به مرده به تنهایی جایز نیست و کسی که دانسته
 یا ندانسته به مرده دست بزند یا آنرا تکان دهد یا حمل جنازه کند، نجس همیشگی
 شده و مرتکب گناه مرگ ارزان می شود. شکل دیگر این واژه **evakbar** است.
 ک ۱۰۸/۲.
ēvak barān: نجس ها، کسانی که یک تنه و به تنهایی مرده را
 حمل کنند، گناهکاران مرگ ارزان. ک ۱۰۶/۲.
 ۱۵. **ēvkardag**: یک تکه، پیوسته.
 به نظر گاپادیا، این واژه مرکب است از: **ēvak**: یک + **radak**: رده،
 و کلا "یک رده، در یک ردیف، یک پارچه. نک: *Kapadia. Pahl.*
vend. Glos. p. 226. که در صورت پذیرش این عقیده واژه را باید
ēvakradag خواند نه **ēvkardag**، لکن میدانیم که **kardag**:
 کرده، قطعه، بریده، تکه و بخش است. ک ۱۵/۲-۱۶-۳۶-۳۷-۸۷-۱۰۰-۱۰۱-
 ۱۰۲-۱۲۰-۱۲۲.
 ۲۰. **ēvkardagtar**: یک تکه تر، پیوسته تر. ک ۱۵/۱۹.
ēvkardagih: به جای **evakradag**: پیوستگی، یکپارچگی.
 ک ۱۰۴/۲.

سپړولس: ēvkardagīhā: بطور یکپارچه (قیداست).

ک ۲/۶۳-۶۶-۸۵-۸۶.

سپړوا: ēvak-iz: حتی یکی، یکی نیز.

ک ۴/۱۴.

سپړوسپړوس: ayōxsust: فلز، آهن.

۵

ستا: ayaoxšusta-, yaxšusta- (AiwB. 162).

پا: ayōxšust (مینو خرد). شکل درست آن سپړوسپړوس می باشد.

ک ۱۳/۱۴-۳۹. ک ۱۵/۵-۱۸.

سپړا: ēvar: بی شک، بدون تردید.

۱۰

پا: ēwar ک ۳/۶-۱۵-۲۲-۲۳. ک ۱۰/۱۲.

سپړا: čašm: ʔyNH: چشم.

نوشتار غیر هزوارشی آن سپړا (نک: همین واژه است، این واژه برای چشم آدمیان

و حیوانات اهورایی بکار میرود (= واژه اهورایی). در مقابل سپړا: axš

(نک: همین واژه) که برای حیوانات غیر اهورایی بکار میرود (= واژه اهریمنی).

۱۵

ک ۱۱/۴-۶. ستا: cašman-

سپړا سپړا: čašm ī hōy: چشم چپ. ک ۱۱/۴-۶.

سپړا سپړا: čašm ī dašn: چشم راست. ک ۱۱/۴.

سپړا: بجای سپړا: ēvak: یک (نک: همین واژه).

ک ۲/۷-۱۱۲.

۲۰

سپړا سپړا: ēvakbār: یک بار. ک ۲/۷-۱۱۲.

سپړا: ānē / ēnyā: دیگر، بجز.

ستا، فب: aniya (AiWb. 135) فاتر: ny^2 (Mir. Man. II, 47)
 پاتر: ny^2 (Mir. Man. III, 94) . پا: ainā (مینو خرد).
 ک ۶۶/۲ . ک ۲/۷
 به شکل 𐭠𐭣𐭥𐭥 در بند ۶۸ فصل ۲ آمده که درست نیست.

۵ evirišt : 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥 : اوی رشت . نک: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
 ک ۲-۱/۱۱

evēnag : 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥 : آینه، شیشه، آبگینه.
 ستا: $\text{ā} + \sqrt{\text{dhāi}}$ هندی کهن: $\text{ā} + \sqrt{\text{dāi}}$ (GNPE. 16)
 که درست به نظر نمیرسد. ک ۵/۲

۱۰ evēnag : 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥 : آئین، گونه، روش.
 فاتر: ywyng^2 (Mir. Man. II, 46) زیور پهلوی: dw yng^2 پا:
 āina (واژه نامه مینو خرد). در باره این واژه نک: Henning TPS. 1944. p. 110-111.
 ک ۹/۹ . ک ۳۲-۳۰/۱۰ . ک ۲۵-۱۵/۱۲ . ک ۳/۱۹

۱۵ eg^2 : DYN^2 : هز: eg : آنگاه، پس، بنابراین.
 فاتر: y g^2 (Mir. Man. II, 45) پا: aigin (مینو خرد).
 گاپادیا، این واژه را از āat اوستایی یا aḡa میداند (نک: هموص ۲۳۱).
 ک ۷۶/۲-۸۴-۱۰۰-۱۱۱ . ک ۲۲-۱۱/۳ . ک ۹-۸-۶/۴ . ک ۱۰/۸ . ک ۱۰/۱۰
 ک ۳۳-۳۱ . ک ۹/۱۲ . ک ۱/۲۰
 ۲۰ eg-iz : 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥 : آنگاه نیز.
 ک ۱۱۱/۲ . ک ۱۱/۳ . ک ۶/۴ . ک ۱۰/۸ . ک ۹/۱۲
 eg-iz-iš : 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 : و نیز آنگاه او، نیز آنگاهش. ک ۸۴/۲
 eg-iš : 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 : آنگاهش، پس او.

ک ۲۲/۳ . ک ۹-۸/۴ . ک ۲۹/۱۲ . ک ۱۰/۲۰ .
 مردن سبب : ěg-išān: آنگاهشان، پس آنان را . ک ۳۳/۱۰ .
 مردن م : ěg-im: آنگاهم، آنگاه مرا . ک ۱۱/۱۰ .

ب: b:

-ē:y: یاء وحدت یا نکره است که پس از نام ها آمده است.

فاتر معادل ^۴yw (Mir.Man. I, 44) پ: ̄ (مینو خرد).

ک ۲/۱ . ک ۴۵/۲-۵۳ و ۵۶ بار دیگر.

۵ **بختاری** baxtārīh: بختاری، نجات، آمرزش.

این واژه بجای **بختاری** آمده است.

ستا -: baogtar از baog ✓ (AiWb. 917) فاتر: bwxt^۳r

(Mir.Man.II, 48) پ: bōxtārī (مینو خرد) ک ۲۶/۱۰

۱۰ **بهر** bahr: بهر، سهم، بخش (برخ و برخی صورت دیگری از همین واژه است).

ستا -: baxōkra (AiWb. 923) فاتر: bhr (Mir.Man. I, 36)

پ: bahar (مینو خرد).

ک ۶/۷ . ک ۱/۹ . ک ۴/۱۱ . ک ۲۳/۱۲ . ک ۲/۱۳-۱۱ . ک ۱۲/۱۵-۲۹ . ک ۵/۲۱

بازو bāzāg: بازو، دست.

ستا -: bāzū-bāzav **هندی کهن** bāhāv (AiWb. 955) ک ۹/۱۳

بازوتَر: bāzāgōztar: قوی دست تر، نیرومند بازوتر، قوی بازوتر.
(در معنی: قدرتمندتر).

از ستا: bāzūš.aojah: زور بازو (A i Wb. 956).

بازو: bāzāy: (در اینجا، دست گوسفند قربانی مورد نظر است). نک: ۵
واژه بالا. ک ۴/۱۱.

بازا: bāzā: نام طبقه پنجم از گناهان (ایراد ضرب) است که بنا بر
نوشته این کتاب برابر با ۹۰ استر (هر استر ۴ درم سنگ) می باشد.
ستا: bāzu.jata-: وارد کردن ضربه ببازو (A i Wb. 956).
ک ۲-۱/۱: ک ۲-۱/۱۱: ک ۵/۱۶

بخت: baxt: قسمت، بهره، سهم. نک: ۱۰
ک ۸/۹

بخت: baxt: اقبال، سرنوشت.
ستا: baxta- (A i Wb. 923) ک ۱۷/۲۰: ک ۳۱/۲۲

بخت-یت: baxt-it: بخت تو، اقبال، سرنوشت. ک ۳۱/۲۲

بخت آفرید: Baxt Āfrīd: بخت آفرید (اسم خاص)، نام یکی از موبدان دوران
انوشیروان (۵۷۸-۵۳۱ م) بود و از جانب وی ماموریت یافت که دین زردشتی را پس
از بدعت‌های مزدک بازسازی و احیاء کند. کوتوال (برای آگاهی نک: B. T.
.Anklesaria, Vohuman yt. p. 5 ff2.
ک ۱۱/۲۰

بخت‌ش: baxšišn: در متن (اسم مصدر) بخشش، بخش کردن،
تقسیم کردن. ۲۰

ستا: -baxš (Ai Wb. 923) ک ۴/۱۱.

ریلا: bār: بار، دفعه.

سا: -vāra (GNPE. 36) پ: bār (مینو خرد).

ک ۲۵/۱۰ ک ۱۲/۹ ک ۱۰-۷/۸ ک ۷/۵ ک ۱۱۴-۱۱۳-۱۱۲-۹۸-۷۶-۵۳-۷/۲

ک ۹/۱۲ ک ۱۳-۵-۱۱-۲۶-۲۸-۳۵-۳۹-۴۳ ک ۳/۱۷ ک ۴/۱۸ ک ۱/۲۰

واحد ریلا: har bār: هربار، هردفعه.

ک ۳۵/۳ ک ۴-۳/۷

ریلاس: bālāy: بالا، قد، بلندی.

ستا: -barəz (Ai Wb. 949) ک ۱۰/۲ ک ۱۲/۹ ک ۲۸/۱۵.

۱۰ ریلاسی: bālišn: بالش، متکا.

ستا: -barəziš هندی کهن: (Ai Wb. 950) barhīs.

ک ۱۰۲/۲-۱۰۳-۱۰۴ ک ۳-۲/۳

ریلاپ: bālēn: بالین، "بالین، بالشی را گویند که در زیر سر نهند". برهان.

ستا: -barəšnū-barəšnav (Ai Wb. 951) ?bārəšnū-فب: *bardhanya-

(نیبرگ ۳۱) ز حاشیه برهان) ک ۱۲/۲.

ریلاپوسو: bālēngāh: بالینگاه، جای گذاردن بالش زیر سر، جای

نهادن سر. ک ۱۲/۲.

ریلاپ: bām: فروغ، روشنی (سج: بامداد، بامی).

ستا: -bāma-, bāmya (Ai Wb. 954-5) هندی کهن: bhāma-

(GNPE. 40) پ: bām[dāt] (مینو خرد) ک ۲۵/۲۲.

۲۰

𐬵𐬀𐬭𐬀𐬳𐬀: bāmdād: بامداد.

(نک: واژه بالا) 𐬵𐬀𐬭𐬀𐬳𐬀: bāmdāt (مینو خرد). ک ۱/۷.

𐬵𐬀𐬭𐬀𐬳𐬀: bāmīg: بامی، روشن، درخشان (نک: واژه های زیرین). (نک: 𐬵𐬀𐬭𐬀𐬳𐬀) ک ۱۸/۲۲.

𐬵𐬀𐬭𐬀𐬳𐬀𐬀𐬀: bāmīgtar: بامی تر، روشن تر، درخشان تر. ک ۲/۲۳. ۵

𐬵𐬀𐬭𐬀𐬳𐬀 𐬵𐬀𐬭𐬀𐬳𐬀؟ این واژه در تمام دستنویسهای شایست نه شایست چنین نوشته شده. در گزارش پهلوی وندیداد، در ترجمه: haraka اوستایی آمده.

𐬵𐬀𐬭𐬀𐬳𐬀: به دوک (دوک آلت ریسندگی) که باید این واژه را تصحیفی از آن دانست؟ کوتوال این نظریه را پذیرفته (نک. Kotwal p. 97) و بارتولومه در معنی

haraka: اوستایی، آورده: مقدار کمی پشم گره دار که ریسنده هنگام رشتن دور می اندازد. (A i Nb. 1788-1789) و نیز نک: پهلوی وندیداد، ۱۰

دستور هوشنگ، ص ۲۰۰ بند ۶۰ وندیداد ۵ و یا پهلوی وندیداد، انگلساریا، ص. ۱۳۱ و در هر صورت این واژه را با احتیاط و تردید: 𐬵𐬀𐬭𐬀𐬳𐬀: به دوک، میخوانیم. ک ۴/۱۲.

𐬵𐬀𐬭𐬀𐬳𐬀: bān: بان، بام، سقف خانه. ۱۵

ک ۱۸/۲-۲۰-۲۱.

𐬵𐬀𐬭𐬀𐬳𐬀-ē: bān-ē: یک بام، بامی، سقف خانهای. ک ۱۸/۲.

𐬵𐬀𐬭𐬀𐬳𐬀𐬀𐬀: ba y yasn: یغ یسن یا یغان یشت، آنطور که از کرده (فصل) ۱۳ بند ۱

همین کتاب (شایست نه شایست) برمیآید شامل سه های: ۱۹-۲۰-۲۱ یسنا است که با

نام: بیتاهو و شیریه. و اشم و هو، و ینگه هاتم، معرفی شده است. (برای آگاهی ۲۰ بیشتر نک: پورداود، یسنا، ج ۱، ص ۲۰۲-۲۰۶). و نیز: یغ نسک: نام سومین کتاب از اوستای کهن بوده، که در کتاب نهم دینکرد مندرج است که دارای ۲۲ فرگرد بوده

است. (پورد/ود، ماخذ بالا). ک ۱۷/۱۲.

در : **dar:BB²** : در (برای ورود و خروج).
ستا -: **dvar: dvārau** , **dúrah-** **دندی کهن:** **duvar:** (*Ai Wb.* 766) **فاتر:** **dr:** (*Mir/Man.* II. 51) **پا:** **dar:**
 ۵ **رینو خرد):** ک ۷۵-۷۴-۴۵/۲ م ۱۱/۳ ک ۱۹/۱۳ ک ۹-۸/۲۰
در : **dar i šahgāh:** **دراصلی؟ شاهر؟** ک ۷۴/۲
در : **dar i šahr:** **در شهر، دروازه.** ک ۷۴/۲
در : **dar i dušax^v:** **در دوزخ.** ک ۱۹/۱۳

در : **dar:BB²** : در، درباره، در مورد.
 ۱۰ **در کو** : **abar ān dar:** **در آنمورد، در آن باره.** ک ۲۹/۱۲
در : **dar ēd ku:** **در اینمورد که، در این باره که.**
 ک ۱۶/ مقدمه.

در : **bast:** **بست** (فعل ماضی سوم شخص مفرد) **مصدر آن** **بستن**
ستان **bastan** **ستا** **bandh:** **بستن.** **دندی کهن:** **bandh:** **و**
 ۱۵ **bandha, -badhnāti** (*GNPE.* 50) **ونیز نک:** **اساس اشتقاق**
فارسی ص ۲۷۹.
در : **bast ēstēd:** **بسته است.**
 ک ۱۰۴-۱/۲ ک ۷-۳/۴ ک ۳/۲۰
در : **nē bast bavēd:** **بسته نباشد، بسته نبود.** ک ۱۳/۸

۲۰ **در** : **bāstāg:** **بسته.** (نگ. واژه بالا). ک ۲۰/۲.

در : **gōšt:BSRY²** : **گوشت.** این واژه تنها به شکل هزوارش آمده است.
از **gāv-** **اوستایی** که از همین ریشه است، **گاو، گوسفند.** **دندی کهن:** **gāv-**

(*AiWb.* 505-509) ک ۱۲۴-۵۴/۲ ک ۳۴/۱۰ ک ۱۷/۱۲-۲-۱۴.

رعیط هز : $x^{Vaš}$: BSYM: خوش.

ک ۱۶/۱۵

رعیط هز : $x^{Vaštar}$: خوشتر.

پا : $x^{Vaštar}$ (مینو خرد). ک ۱۶/۲۰

۵

رعیط ۱۳: $ba\gamma\tilde{a}n$: بغان، ایزدان.

$ba\gamma$ / bag / $ba\gamma$: $ba\gamma$: خدا، بزرگ، ایزد. واژه های بغ، بگ، فغ

در : بغداد، فغفور و ... همین است.

ستا : $ba\gamma a-$ سا : $bh\tilde{a}ga-$ فب $ba\gamma a-$ (Kent. 199) فاطر : by

۱۰ : $ba\gamma a-$ (Mir.Man. II, 48) پاتر : bg (Mir.Man. III, 52) پا :

$ba\gamma a-$ (مینو خرد). ک ۲۵/۱۰

روا : $ba\gamma$ / bag : بغ [نسک] نک: رعیط هز

مطابق با گفته دینکرت، کتاب سوم از اوستای کهن بوده و برابر با گفته روایات و وجود

گرد دینی، نسکر چهارم اوستا بوده است. (نک: هوک: p.127 ESSAYS)

ک ۲۶/۱۰ ک ۱۷/۲۰

۱۵

روا : $ba\gamma$ $baxt$: بخت مقدر، تقدیر معین شده بوسیله خداوند، سرنوشت

الهی. (نک: رعیط ۱۳) ستا : $ba\gamma\tilde{o}$. $baxta$ (*AiWb.* 922)

ک ۱۷/۲۰

ر : bar : بر، بار (میوه درخت).

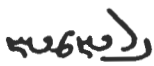
ک ۱۲۳/۲ ک ۳/۲۰

۲۰

ر : bar : بر، رو، روی.

برسم: barsam/barsum:  شاخه‌های باریک بی‌گره به درازای یک‌وجوب است که از گیاه هوم چیده شده و در مراسم مذهبی زردشتی بکار میرود (نک: فرهنگ فره وشی و برهان و ۰۰۰۰) تعداد شاخه‌های برسم که در آئین‌های مذهبی زردشتی بکار میرود یکسان نیست و بنا به اهمیت آئین‌ها تعداد آن‌ها نیز تفاوت میکند.
ستا: barəsmān- (Ai Wb. 949) پا: barsum (مینو خرد).
ک ۱۸/۲ ک ۱۰/۳ ک ۱۱-۱۰-۲۰-۳۲-۳۳ ک ۱۸/۸ ک ۱۰/۳۵ ک ۱/۱۲ ک ۲/۱۴

۵

برسم‌دان: barsum-dān:  برسم‌دان، ظرف یا آلتی است که در آتشگاهها موجود است و برسم را در آن قرار میدهند. ک ۳۲/۳ ک ۳۵/۱۰

برسم در آبدیاب: barsum ī apādyāb:  برسم تقدیس نشده.
ک ۲/۱۴

۱۰

برسم هفت تاگ: barsum ī 7 tāg:  تای بادرین سه‌گانه چیزی است که امروز موبدان آنرا خوب پنج‌تای می‌نامند (گوتوال).
در باره "درون" ها و "خوب که" و دیگر مراسم همراه با برسم نک:
The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees. by Modi. p. 240. ک ۱/۱۲

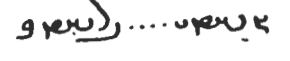
۱۵

برشته، بریان: brištāg: 

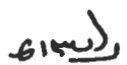
هندی کهن: bhr̥j̥jāti, √bhraj̥j: سرخ کردن، بریان کردن.

(GNPE. 47) بن مضارع این واژه: briz است. سنج: نخود بریز. و

بن ماضی آن برشت است.

گوشت برشته، بریان: gōšt ī brištāg:  شده. ک ۴۸/۲

۲۰

برش‌نوم: brašnūm:  "مهمترین مراسم مذهبی شستشو و غسل برای تطهیر

کسی است که دست به چیزی ناپاک زده، مراسم غسل برای کسی که با مرده تماس پیدا کرده باشد " فره وشی .

در این باره نک: دیانت زردشتی، مقاله سوم از مری بویس ص. ۱۶۶. شرح این مراسم در وندیداد ۸ بند ۴۰ آمده است. نک. همانجا.
ستا: -barəšnūm (A i Wb. 951).

۵

برسپس: barišnih: بردن، از بین بردن، راندن، بیرون کردن، زدودن.
در وندیداد ۸ بند ۴۰ آمده است. نک. همانجا.
دو دروغ: drōz bē barišnih: دروغ زدایی، از بین بردن
دیو دروغ.

ستا: -nižbərəti (A i Wb. 1088) ک ۵/۱۹.

۱۰. بولند: buland: بلند.

ستا: -barəzant از: barəz (A i Wb. 949-959).
(واژه های فارسی: بالا، بالین، برز، برزو، برزین و . . . از همین ریشه است).
ارمنی: berj: سنج: ērkna-berj: بسیار بلند، به بلندی آسمان. (نک:
واژه نامه درخت آسوریک، ماهیارنوبی). سنج: فاطر: bwrz (Mir. Man.
II, 48) بپا: bulañd (مینو خرد). ک ۱۲/۱۹.

۱۵

بولند و لا: buland gar: کوه بلند

فاتر: gryw bwrzyst: بلندترین کوه (قله).
Mir. Man. II, 48. ک ۱۲/۱۹.

برسپس مصر: brēhēnīdan: مقورداشتن، تعیین کردن.

برای این واژه نک: Dhabhar, Pahl. Y. Vr. Glos. p. 63.
و نیز: Henning, JRAS. 1942, p. 230 n. 5.
و نیز: Neyberg, JA. 1929, p. 250 f.

۲۰

ک ۱۳/۸.

برههههه: brēhēnēh: مقدر کند، مقرر کند، تعیین کند.
ک ۱۳/۸

برههههه: brēhēnīd: مقرر شد، مقدر شد، مقدر کرد. (فعل ماضی جعلی است).
ک ۱۳/۲۰

۵ برهههههههههههههههه: brēhēnīd ēstēd: مقدر شده است، معین
کرده است. پ: brāhinīt q̄stq̄t (مینو خرد). ک ۱۳/۲۰

برهههههه: brīdan: بریدن (مصدر)، قطع کردن، چیدن.
ستا: -brāy/ هندوی کهن: bhrīnānti: پهلوی: burrīdan
(Aiwb. 972) شکل هزوارشی آن رهههههههههههههههه (نک: همین) است.
ک ۶/۸

۱۰ راهههههه: be/bē: BR^۲: به.

(۱) پیشوند فعلی است و معنی تاکید به انجام کار را به فعل میدهد.
فاتر: b^۲ (Mir. Man. II, 47) پ: bē (مینو خرد).
ک ۳/۱ ک ۱/۲-۲-۶-۱۰ و در حدود بیش از ۱۰۰ بار در این کتاب.

(۲) بجز. ک ۲/۲-۴۲-۴۷-۶۸-۷۱. ک ۵/۶. ک ۷/۲-۸. ک ۸/۳. ک ۱۱/۶-

۱۵ ۷-۲۹. ک ۱۳/۴۲-۵۱. ک ۱۷/۴.

(۳) بلکه. ک ۹/۱۳. ک ۱۰/۲۹.

(۴) اما، لیکن. ک ۱۰/۳۶.

راهههههه: bē ka: جزاینکه، غیر از آنکه، مگر اینکه.

ک ۷/۲-۲۹-۸۱. ک ۱۷/۱۴.

۲۰ راهههههه: bē-š: اما او، لیکن او. ک ۵/۲.

راهههههه: bē-mān: بلکه ما را، بلکه ما. ک ۹/۱۳.

راهههههه: bē-kē: جز کسیکه، جز آنکه. ک ۸/۳.

راهههههه: bōxt: نجات یافت، رهائی یافت، نجات یافته از گناه.

ستا: $\sqrt{\text{baog}}$ (Aiwb. 917) ک. ۲/۲۰.

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥: bōxtišn: (اسم مصدر) خلاصی یافتن، رهایی، نجات پیدا کردن.
(اسم مصدر معمولاً "ازین مضارع + išn" درست می شود و بندرت با بن ماضی، چنانکه
در این واژه)، اسم مصدر معمول از این ریشه bōzišn: بهوش است. ک. ۳۸/۲.

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥: bōxtan: بختن، نجات یافتن، خلاصی، رهایی از گناه یا چیز دیگر. (نک:
دو واژه بالا). فاطر: bwxtn (Mir.Man. II, 48) پاتر: bwxtn
(Mir.Man. III, 52.) پ: bōxtan (مینو خرد). ک. ۳/۱۷.

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥: bōxtēd: ظاهراً "بجای دایم" bōzēd: نجات یابد، آمده
است. ک. ۶/۶.

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥: bōb: بوب، فرش، زیرانداز.
"بوب بروزن خوب، فرش و بساط خانه را گویند" برهان. ک. ۳/۲-۳-۱۰۰-۱۰۳.

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥: بوب: x^Vad: BNPŠH: خود.
ستا: x^Vato- : 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥: svatah (Aiwb. 1861) فاطر: xwd (Mir.
Man. II, 53) پ: x^Vat (مینو خرد). شکل غیرهزوارشی آن دیده نشد.
ک. ۷/۹. ک. ۲/۱۲. ک. ۲۹/۱۳. ک. ۷/۱۷. ۱۵

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥: būd: بود، شد.
ستا. از $\sqrt{\text{bav}}$ هندی کهن: ābhūvan, ābhūt (Aiwb., 927-933) فاطر: bwdn (Mir.Man. II, 47). صورت هزوارشی
آن: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥 (Junker. 5) ک. ۲/۲. ک. ۱۸/۳.
𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥: būd hēnd: بودند. ک. ۲/۲. ۲۰

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥: bōtzētīh: خرابی، خراب کردن، فساد.

جزء اول این واژه به شکل های 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥 یا 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥 یا 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
 یا 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥 در متن های دیگر پهلوی آمده است. ک ۳۹/۲.

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥: duxt: BRTH: دخت، دختر.

- ۵ ستا: -dugdar-, dugdar- هندی گهن: duhitār (AiWb. 784)
 در پهلوی متأخر گاهی یک 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥 باخر این هزوارش افزوده شده و شکل 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
 را برای دختر ساخته اند. ک ۱۴/۱۲.

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥: būdan: بودن، شدن.

- (نک: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥) ۰ فاتر: bwdn (Mir. Man. II, 47) 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥 : būdan
 ۱۰ (مینو خرد). ک ۵۰/۲. ک ۲۰/۱۰. ک ۵/۲۰.

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥: buz: بز (حیوان اهلی).

ستا: -būza (AiWb. 969) ۰ ک ۱/۴.

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥: bōzēh: نجات یابد، رستگار شود (نک: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥) ک ۲/۲۲.

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥: buz-pašm: پشم بز، بُزْشَم.

- ۱۵ بُزْشَم، بُزْش و بُزْشَم: پشم نرمی را گویند که از بن موی بز برآید و آنرا به شانه بر
 آرند و بتابند و از آن شال بافند، و بهر دوگاف عربی کرک خوانند. (آنندراج) و
 نیز نک: ماهیار نوایی، درخت آسوریک ص ۶۶ زیر نویس شماره ۶۸. ک ۱/۴.

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥: bōzišn: پوش.

- اسم مصدر است از bōz: نجات، رهایی + išn (پسوند نشانه اسم مصدر)
 ۲۰ (نک: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥) ۰ فاتر: bwzyšn (Mir. Man. II, 48) 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥: bwjz
 (Ghlain, 63) از واژه نامه مینو خرد، تفضلی). 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥: bōžišn (مینو

خرد). ک ۱۷/۹-۱۰.

رل ۳۳۱: bōzištar: رهایی بخش تر، پوزش پذیرتر.
رل ۳۳۲: pad bōzištar: به نجات تر، به رستگاری [نزدیک]
تر. ک ۱۷/۹-۱۰.

۵ رل ۳۳۳: būšāsp: بوشاسب، دیو کاهلی، دیو خواب.
ستا: -būšyastā (AiWb. 970) یا būšyāsp: (مینوخرد) ک ۱۳/۴۳.

رل ۳۳۴: burz: بُرز، بالا، بلند، متعالی، برآمده.
ستا: barəz (نک: رل ۳۳۵).
رل ۳۳۶: ādur ī burz: آتش بالارونده، آذر بلند یا برآمده، آتش
۱۰ فروزان. ک ۲۲/۹.

رل ۳۳۷: burzēd: برشود، بالاشود، بالارود، فروزان شود.
ک ۵/۶.

رل ۳۳۸: burdār: بردار، بُرنده، حامل.
رل ۳۳۹: dēn burdār: مؤمن، معتقد به دین. (نک: رل ۳۳۷)
۱۵ ک ۲۳/۴.

رل ۳۴۰: burdan: بردن، حمل کردن.
ستا، فب: bar: بار، bhar: بردن (AiWb. 933). فاطر: bwrđn
(Mir. Man. II, 48). شکل هزوارشی آن: رل ۳۴۱
(Junker. 5) است. ک ۲۸/۵۱-۵۲.

۲۰ رل ۳۴۲: burrišn/burišn: بُرش، بریدن (اسم مصدر).

ستا. از $\sqrt{brāy}$ - *brīnenti*, هندی کهن : *bhrīnānti*
 (AiWb. 972). شکل هزوارشی آن در *موروا* ۱۵۱۱۱۱ (نک. همین) است.
 ک ۳۸/۲

رلندو : *buland*: بلند. (نک: رلندو)
 ک ۱۵/۱۰ ک ۴/۲۳

رلندتار: *bulandtar*: بلندتر، بالاتر.
 ک ۴/۲۳

رلوم: *būm*: بوم، سرزمین.
 ستا: *būmī-* فب : *būmī-* سا : *bhūmī* و *bhūmis* از: $\sqrt{bhav}$
 (Kent. 200). ک ۱۳/۲۲

رلوس: *BRH* : *pus*: پُس، پسر.
 ستا: *puθra-* سا : *putrā-* فب : *puça-* سی : *puclo*
 (Kent. 197) فارسی: پور، پُس، پسر.
 ک ۲۲-۲۱/۱۰ ک ۷/۱۲-۱۴-۱۵ ک ۲/۱۳ ک ۲۴-۲۳/۱۵

رلوسان: *BRHr³n*: *pusarān*: پسران.
 د پایان هزوارش زاید است و در پهلوی متأخر این افزوده شده است. ک ۲۲/۱۳

رلوساندی: *BRHyh*: *frazandih/pusarīh*: فرزندی، پسر.
 رلوساندی: *pad pusīh padīrēft*: به فرزندی پذیرفت
 (پذیرفته). ک ۱۴/۱۲

رلوس: *bun*: بُن، اصل، اول، آغاز، بیخ، (تنه درخت).

ستا: būna- هندی کهن: budhnā (AiWb. 969) ارمنی: bun: (Arm.

(Mir. Man. II. 48) bwn: فلاتر: Gram. 123).

آسی، ایرونی: bin: دیگوری: bun.

(درباره زبان آسی ص ۲۴). ک ۱۲/۲-۹۶. ک ۱۶/۳-۱۷-۲۱ و ۲۰ بار دیگر.

رو (کیمیا) ۱۳۱۴۳۱ bun abāz kardan: از نو شروع کردن، از

سرگرفتن. ک ۳/۱۴.

رو (کیمیا) bun kardag: سرآغاز، اولین فصل. ک ۱۶/۱۳.

رو (کیمیا): buniš: بُنش، آغازش، شروعش.

تاوادی: bunih: شروع، آغاز. (Tavadia. 79).

ک ۱۷/۳. ک ۱۲/۴.

رو (کیمیا): bavandag: کامل، تمام.

ستا. از: būray هندی کهن: bhūray (AiWb. 969). پ

buñda: (مینو خرد). ک ۱۱/۳-۱۸. ک ۲/۱۷-۶.

رو (کیمیا): bavandagtar: کامل تر.

ک ۱/۲۳.

رو (کیمیا): bavandagih: کمال، کامل بودن.

ک ۴۹/۱۳.

رو (کیمیا): band: بند، ریمان.

ستا، فب: band: بستن. سا: bandh- بندد. (Kent. 199)

فلاتر: bnd: (Mir. Man. II, 48) پاتر: bnd بند، زندان.

band: پ (Mir. Man. III, 52).

ک ۱۰۴/۲. ک ۲۴-۲۲/۱۲.

رو: bōy: بو، عطر.

ستا: baod/baoḡa هندی کهن: - bōdha (AiWb. 918)

فاتر: bwy (Mir.Man. II, 48) پ: bōi (مینو خرد).

ک ۱۲/۱۲. ک ۱۲/۱۵. ک ۳/۲۳.

رو: bōy ī pāk: بوی پاک، بوی خوش. ک ۱۲/۱۲. ۵

رو: bōy: بوی، یکی از ۱۱ مینوی است که درتن انسان از طرف خداوند نهاده شده

است. (درک، شعور، فره وشی). ک ۵/۱۲. ک ۱۲-۴/۱۳.

رو: x^vāstan: B^cyHWN, stn: مز: خواستن.

نوشتار غیر هزوارشی آن است.

۱۰. سا. از: svādati, /svad- (GNPE. 110) فاطر: xw^vstn

(Mir.Man. II, 48) پ: x^vāstan (مینو خرد). ک ۱۰-۲/۱۹.

رو: zan x^vāstan: زن خواستن، خواستگاری کردن.

ک ۱۰/۱۹.

رو: x^vāhēnd: B^cyHWN, nd: مز: خواهند.

۱۵. پ: x^vāhēnd (مینو خرد). ک ۱۱/۱۰.

رو: āmurziš x^vāhēnd: آمرزش خواهند. ک ۱۱/۱۰.

رو: bēh: به. (میوه).

ک ۱۲۳/۲.

رو: bēd: باشد، بُود.

۲۰. ستا. از: bav[√] بودن، گوتوال معنی این را is: هست، داده. (Kotwal نک).

p. 65). ک ۲۴/۱۵.

۲۴- هر : māh: ByRH : ماه، برج.

ستا: māh- هندی کهن : māś (AiWb. 1170-1) فاطر، پاتر : m'h

(Mir. Man. III, 57, 142) پ māh: (مینو خرد).

ک ۴۱/۲-۴۴-۵۰-۹۸ . ک ۱۳/۱۰ . ک ۹/۱۹

*

سپه pa: بجای نه pad: به. (نک: نه) .
ک ۹/۱۳ .

سپه پهلو: pahlūg: .

ستا: -pərəsu (AiWb. 896) .

۵ (برای صورتهای دیگر این واژه در گویشهای ایرانی، نک: اساس اشتقاق فارسی ص: ۴۱۵) .

سپه پهلوم: pahlum: بهترین، برترین .

(در باره این واژه نک: p.474. *Kapadiya. Phl. V. Gl.*) .

فاتر: phlwm (Man. Stud. 111) پا: pahalum (مینو خرد) .

ک ۴-۳/۶ . ک ۲۶/۱۰ . ک ۲/۱۲ . ک ۱۱/۱۵ . ک ۱۴-۱۶/۲۰ ۱۰

سپه پهلوم ax^v: pahlum: بهترین زندگی، بهتوین جهان (= بهشت)

ک ۲۶/۱۰ . ک ۲/۱۲ . ک ۱۱/۱۵ . و به . شکل جمع با (سپه) .
ک ۴-۳/۶ .

سپه پهلوم čiš: pahlum: بهترین چیز. ک ۱۴/۲۰ .

سپه پرهیز: pahrēz: توجه، مراقبت. ۱۵

ستا : $\sqrt{\text{raeč}}$ paiti+ (GNPE. 68) فاطر: phryz. (Verbum. 177, 33) paharēž : پ . (مینو خرد).

ک ۸/۲ . ک ۱۳-۹-۸-۴/۱۰ . ک ۲۰/۱۲ . ک ۱۹/۱۳ . ک ۳۰-۶/۱۵ .

واژه + اسرار : pahrēz kunēd : پرهیز کنید، دوری کنید.

۵

ک ۱۹/۱۳

واژه + سکاودس : pahrēz ōmandtar : پرهیز مند تر، محتاطانه تر،

به احتیاط نزدیکتر. ک ۱۳/۱۰ .

سسه لکس : pahrēzišn : پرهیز کردن، مواظبت کردن، پرهیز.

ک ۲۵-۲۰/۱۲ . ک ۳۱-۲۹-۹-۸/۱۰ .

۱۰

سسه لکس : pahrēzīhā : با پرهیز، با مراقبت، با احتیاط.

ک ۴/۱۰

سسه لکس : pahrēzēnd : پرهیزند، مراقبت کنند، دوری کنند.

ک ۳۳/۱۰

سسه س : pahnāy : پهن.

۱۵

پهن، ستا. : paθana- (AiWb. 843) پ . : pahanāe

(مینو خرد). ک ۸۴/۲ . ک ۲/۴ . ک ۲۶/۱۰ .

سسه سس : pādīxšā : پادشاه، حکمران، حاکم، شاه.

قب : pati + xšay (Kent.181) patiyaxšayaiy, پ .

pādašāh (مینو خرد). ک ۲۹/۱۲ .

۲۰

سسه سس : pādīxšāyīh : پادشاهی، حکومت.

فاطر: p^{dy}xš^{yy} (Mir.Man. II, 63) . ک ۷/۱۲ .

پادیکسا: pādixšā: مجاز، مباح در اصطلاح فقهی، روا.

ک ۱۰/۲-۲۲-۶۴-۷۹-۸۰-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۴ ک ۳/۱۶-۲۱ ک ۷/۸-۸

ک ۳/۸-۱۳-۲۱-۲۳ ک ۹/۴

پادیاب: pādyāb: تطهیر، وضو، شستشو، غسل.

اصطلاحاً "پادیاب و پادیاب کردن، تطهیر و غسل است طبق آئین خاص مذهبی (نک.

Modi. pp. 83-90. ستا : paity-āpam (AiWb. 840)

ک ۳/۱۰-۱۲ ک ۸/۱۸-۲۳

پادیابی: pādyābīh: طهارت، پاکی، غسل.

ک ۲/۵۲-۱۰۸ ک ۸/۱۸ ک ۱۲/۲۲-۲۴

پادیابدان: pādyābdān: پادیاب دادن، ظرفی که در آن آب تقدیس شده

برای آئین های مذهبی نگهداری می شود. ک ۳/۱۲

پادافراه: pādafrāh: پادافراه، کيفر، عقوبت.

ستا: paitifrasa-? (GNPE. 36) فاطر: p^{dy}pr^h (Kotwal. 163)

پا: pādafrāh: (مینو خرد) ک ۷/۹ ک ۸/۵-۷-۱۱-۱۲

ک ۱۰/۸-۲۹ ک ۱۲/۲۸ ک ۱۶/۲-۳-۴ ک ۱۹/۵

پادرز: pādrōz: باد روز، روزانه، هر روز.

"باد روز به معنی هر روزه باشد، حکیم سوزنی فرماید:

شرف تویی شرف گوهر حمیدالدین که شد مدیح تو تسبیح باد روزه من"

فرهنگ جهانگیری، عقیقی.

و نیز "لشکر اسلام جامه های باد روزه را به لباس حرب بدل کردند". تاج المأثر،

به نقل از مأخذ بالا. ک ۲۲/۱-۱۲-۲۶

سعدون پاسبان: pāsbān: نگهبان، نگهدار، نگهبان.

ستار: √spas spasānō, (AiWb. 1614) فاطر: p'sb'n
(Mir.Man. II, 63.) ک ۱۲/۴ . ک ۳۱/۲۲ .

سعدون پاسبان تر: pāsbān-tar: نگهدارنده تر.

ک ۱۳/۴

۵

سک: pāk: پاک.

گامی بجای این واژه هزوارش آن وفید (Junker. 10) بکاررفته است.
هندی کهن: pāvaka - (GNPE. 62) فاطر: p'k (Mir.Man. II, 63)
ک ۱۰۷-۳۴/۲ . ک ۲۰/۱۰ . ک ۳/۱۲ .

سک کان: pākān: پاکان.

ک ۳۳/۱۰

۱۰

سک تار: pāktar: پاکتر.

ک ۴/۲۳

سک کین: pākīn: پاکی، طهارت.

ک ۱۷-۱۴/۳ . ک ۲۷-۲۲/۱۲

۱۵

سک (۱): pārag: پاره، تکه پاره، قطعه پارچه.

سک (۲): pārag: لقمه.

ک ۱۰/۱۵ . ک ۴/۵

سک نای: pahnāy: پهنای، بجای سک (نک. همین واژه).

ک ۴/۵-۶.

پانزده: pānzdah: 𐭯𐭮𐭥𐭥𐭥

ستا: pañcadaśa: 𐭯𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥 (Jackson. 106)

پانزده ساله: pānzdah sālag: 𐭯𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 ک ۱۲/۱۳.

پانهان، محافظ: pānag: 𐭯𐭮𐭥𐭥

ستا. از: pā(y), pāra- (AiWb. 387)?

ک ۱۲/۱۲. ک ۱۴/۲۲.

پانهانی، نگهداری، حفاظت: pānagih: 𐭯𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥

پا: pānāī (مینو خرد). ک ۷/۱۳. ک ۷/۱۵-۹. ک ۱۴/۱۹.

پا: pāy: 𐭯𐭮𐭥. درازای کف پای آدمی که واحدی برای اندازه گیری هم بکار رفته.

ستا: -pād: 𐭯𐭮𐭥𐭥𐭥: -pāda: (Kent. 195).

ک ۷۷-۱۸/۲. ک ۳۳/۳. ک ۱۲/۱۰.

پا: pāy: 𐭯𐭮𐭥. (نک. واژه بالا).

ک ۸-۷-۶-۵-۲/۲۱.

پا: pāy-ē: 𐭯𐭮𐭥𐭥-ē: یک پا، و 𐭯𐭮𐭥𐭥-ē: یک پا. ک ۶/۲۱.

پایه، مقام، درجه: pāyag: 𐭯𐭮𐭥𐭥𐭥

ک ۱۹-۱۳/۲. ک ۵/۱۶.

پایه، درجه، مقام (نک. واژه بالا): pāyag: 𐭯𐭮𐭥𐭥𐭥

ک ۴۰/۱۱. ک ۱/۲۲.

پایه: pāyag: همان واژه های بالا است.

ک ۰۱/۱ ک ۰۵/۵ ک ۰۱۵/۸ ک ۰۱/۱۲ ک ۰۵/۱۶

پایه اش، درجه اش، مقامش: pāyag-iš:

ک ۰۱۵/۸

پایه ها، مرتبه ها، درجات: pāyagīhā:

ک ۰۵/۱۶

*

به جای ۱۱ (نک. همین): pad/pat:

ک ۰۹۷-۷۴/۲ ک ۰۲/۷ ک ۰۳۲/۱۰ ک ۰۲۸/۱۲ ک ۰۱۵/۱۶-۱۸-۲۳-۲۴ ک ۰۲/۱۶-

ک ۰۴ ک ۰۱۰/۱۷ ک ۰۱۴-۷/۲۰

پتیاره، ضد، دشمن: patyārag:

ستا: (A iWb. 840) paity-āra- پا: patyāra (مینو خرد).

ک ۰۳/۱۰ ک ۰۷/۱۲

پایه: padsār: قیاس، برابر، مطابق.

پایه: pad ēn padsār: برای قیاس، مطابق براین.

ک ۰۷/۲۱

پایه: pad-iš: (نک. همین) بدان، به آن، به او.

ک ۰۳/۱ ک ۰۳۲/۲-۷۴ و ۱۴ بار دیگر.

پیش خوری، بشقاب: padišxvar:

هورن: pēšxver: از: pat[i]šxur (GNPE. 97) padiš

ستا: paitiš: پیش (از، patiy) + xvar: خوردن. (نک. ماءخذ

۲۰

۱) paymānag : پیمان، آئین، روش، ترتیب.
 ستا. پیشوند paiti + ریشه : $\sqrt{ma}$. سا : pratimāna
 (Phl. Y. Vr. Gl. 74) و نیز نک: اساس اشتقاق فارسی ص ۳۶۳ زیر
 واژه. پیمودن. پاتر : pdmⁿ : (Mir. Man. III, 59) ک ۴۹/۲-۷۸.
 ۲) پیمانه، اندازه، مقدار.

ک ۴/۵ . ک ۵/۱۰ . ک ۴/۱۲-۲۴.

ک ۴۵/۱۳ . paymān: پیمان، عهد، تعهد. (نک. واژه بالا).

paymwxt: پوشیده (لباس پوشید). فاطر: paymwxt

۵ (Mir.Man. pdmwxt[n]: پاتر. (Verbum. 182, 19) . ک ۸-۷-۶/۴ . III, 59)

paymōxt ēstēd: پوشیده است. ک ۸-۶/۴

paymōžan: پوشاک، جامه. فاطر: pymwcn (Mir.Man.

۱۰ (Mir.Man. I, 45) pdmucn: پاتر. (Mir.Man. III, 59) . ک ۳/۱۲ . patmōžan / padmōžan: مینو خرد).

padvāšag/payvāšag: احتیاط (اصطلاح شرعی)؟ آلوده، ریم، نجس. ک ۷/۲-۳۳ . ک ۷/۹

payvast: پیوست، پیوسته.

۱۵ فاطر: paywst (Mir.Man. II, 64) . پا: paevast (مینو خرد).
payvast ēstēd: پیوسته است. ک ۲۴-۲۲/۱۲

payvand: پیوند، نژاد، نسل، تبار.

فاطر: pywn (Mir.Man. I, 45) . ک ۱۹/۱۰

payvandān: پیوندان، خویشان

ک ۲/۱۷

payvandīd: پیوسته شد.

payvandīd ēstēd: پیوسته شده است، متصل شده است، مرتب شده است. ک ۷/۱۲.

patēt: پتیت، توبه از گناه، اعتراف به گناه.

ستا: (AīWb. 829) paititi

ک ۱۴/۴. ک ۱۳-۸-۷-۵-۴/۸-۱۰-۱۲-۱۳-۱۶-۱۷-۲۱-۲۳.

patētīh: توبه کردن، اعتراف کردن، استغفار کردن.

ک ۱۳-۸/۸. ک ۱۱/۲۰.

patētīgīh: پشیمانی، استغفار از گناه، اعتراف به گناه کردن.

ک ۱۴/۴. ک ۱۳-۱۰/۸.

patētīgīh padīr: اعتراف پذیر، توبه پذیر،

کسی که به اعتراف گناهکاران و اظهار توبه آنان گوش میدهد. سقی بوده برای برخی پیشوایان مذهبی، چنانکه امروز در کلیسا مرسوم است، این آئین امروز دیرگترین زردشتیان اعتبار ندارد و اجرا نمی شود. ک ۱۰/۸.

padīrag: پذیره، استقبال.

ستا: *pati+√grab (GNPE. 65) فاطر: pdyr[yftn]

(Mir.Mān. II, 64.) ک ۱۵/۱۰.

pazāvišn: پزاوش، (از پز ← پخت). رسیدن (برای میوه).

"پزاختن، با اول مفتوح به معنی گذاختن آمده است. "فرهنگ جهانیگیری، امروزه در نواحی خرما خیز نیز پختن را برای معنی رسیدن بکار میبرند. فصل خرما پزان یعنی موقعیکه هوا مناسب برای رسیدن خرما است.

ستا، سا: √pač: پختن (GNPE. 64) ک ۱۲۳/۲.

رسیدن، رسیده شدن میوه. در مینوی خرد نیز به همین شکل و معنی آمده است.

(مینوی خرد ک ۵۶/۱۱) ک ۱۲۳/۲.

پزد، بپزد. (نک. واژه های بالا).

ما ē pazēd: مپزد. ک ۱۲/۱۵.

۵ padām: پدام، پنام. منظور پارچه سفیدی است که موبدان در آتشگاه

جلو دهان خود می بندند و نیز پارچه ای است که با آن دهان مردگان را پوشانند.

ستا -: pati. dāna- هندی گهن: pratidhāna- (A iWb. 830)

ک ۴۰/۱۰.

پاشم: pašm:

۱۰ fans: سا: pašman- پاکسمان، ابرونی: faesm: دیگری: fans

(در باره زبان آسی، دکتر ابوالقاسمی). ک ۹۹/۲-۱۰۰-۱۰۳-۱۰۹-۱۰۴/۴.

پاشم و لمو: pašm i ēvkardag: پاشم بافته شده. ک ۱۰۰/۲.

پاشمین: pašmēn: (صفت نسبی) پشمین، پشمنی.

ک ۴-۱/۴.

۱۵ pašanjīšn: پاشیدن، پراکنده شدن (آب). پخش شدن.

ستا از: pavitay (A iWb. 849)؟ از pav√؟ در گویش شیراز

واژه پشنکه: pišingi با همین معنی ظاهرا "از این واژه است. ک ۱۹/۱۲.

پیان/پین: pihan/pihn: خوراک؟ غذا.

ستا: piwā پهلوی: ?pihn (A iWb. 642-906) ک ۴-۳/۵.

۲۰ pašēmānih: پشیمانی.

پشیمان، هندی کهن: $\sqrt{\text{man}}$ prati+ ایرانی کهن: patiš+*māna
(GNPE. 69.) ک ۱۰/۸.

س پاسخ، جواب: pasax^v.

ستا: paitisahva- ($\sqrt{\text{sah}}$) paiti+ GNPE. 62 فاطر: pswx
(Verb. 229/13.) پ: pāsux (مینو خرد).
ک ۱۴-۱۲-۱۰-۲/۱۷

س برید، بریده: brīd: PSKWN-t: هر

نک: س برید

س برید، بریده است: burīd ēstēd: هر

س بریدن: bur[r]iśn: PSKWN, šn: هر
(نک. واژه زیر). ک ۹۵-۳۹/۲

س بریدن (مصدر): burīdan: PSKWN, tn: هر

نوشتار غیر هزاری آن ر است.

ستا: -bray، هندی کهن: -bhray (GNPE. 49) ک ۱۵/۱۰.

س بریدن: burrēnd: هر
(نک. واژه های بالا). ک ۷/۸.

س بریدن: burrēd: هر

س بریدن: be burrēd: هر
ک ۱۱۸-۹۲/۲.

س سگ گله: pasuš-hvar:

ستا: pasuš.haurva- در بندهش بزرگ: sakišupān و در روایات
پهلوی: sak-i-rama (AiWb. 881). جزء اول ترکیب. ستا: pasu-

یا pasav و š ش پایانی بازمانده یکی از حالات صرفی هشتگانه اوستا است.
هم این است جزء اول چوپان (چو) و شبان (شو) و نیز نک: *AiWb.* 1792
زیر: haurva-fšav-

پسین، آخرین: pasēn: 𐬱𐬀𐬎𐬎𐬀

۵ ستا: paskāt, pasča: 𐬱𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 𐬱𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀: pasāva, pasā, 𐬱𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 هندی کهن:
pacčāt, pacčā 𐬱𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 پس (GNPE. 70) ēn+ پسوند صفت نسبی
در فارسی میانه و نو.

۱۳۳ 𐬱𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀: tan pasēn: تن پسین. در اصل به معنی، تن آخر،
تن دیگر و اصطلاحاً "یعنی". روزرستاخیز، یاروزی که تن های مردگان از نو برپا می شود.
ک ۷/۸. ک ۶/۹.

۱۰ 𐬱𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀: tan ī pasēn: تن مردگان در روز قیام، هیئت آدمیان که
در روز رستاخیز شکل میگیرد. ک ۱۴/۸. ک ۱۹/۱۰.

𐬱𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀: par[r]: پر (پر پرندگان).

ستا: parəna: 𐬱𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 هندی کهن: -parnā (*Mir. pr.* فاتر: *AiWb.* 869)
ک ۱۴/۹. *Man* II, 65).

۱۵ 𐬱𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀: maxš par: مگس پر، پر مگس.
par: پر (پریدن)، نک: واژه بالا.

𐬱𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀: šabāg/šavāg par: شب پره، خفاش. ک ۱۴/۹.

𐬱𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀: parāhōm: پراهوم.

۲۰ "پراهوم در مراسم عبارت است از فشرده گیاه هوم، آمیخته با آب و شیر و فشرده گیاه
هذائنتا.... "پور دآود، یسنا ج ۱ ص ۱۳۲.
پراهوم در مراسم مذهبی زردشتی بکار میرود.
ستا: -parahaoma (*AiWb.* 856). ک ۱۶/۱۰.

ک ۲۱/ پایان نوشت ۰۱

فراشت : frazaft : پایان یافت. فاطر: prz³ft (Verbum. 191/1) ک ۴۰/۱۰ ک ۳۱/۱۵ ک ۱۵/۱۷ ک ۵/۲۳

پرشت : prastišn: پرستش، پرستیدن. ستا : pairi+√stā: در رابطه با آن، ارمنی: ۵ ambarišt , amparišt بی دین، بی ایمان، بنا به قول فردریش مولر در GNPE. 66-67) و نیز نک: اساس اشتقاق فارسی ص ۳۶۳. پا parastišn: (مینو خرد). ک ۸/۱۷

پرستو : prastūg: پرستو، پرنده معروف. ۱۰ بنا بر نوشته شایست نه شایست از پرندگان است که باید از کشتن آنها پرهیز کرد. این پرنده در ردیف سار و همای و خروس قرار دارد. ک ۹/۱۰

فرست : frāsast: فرست، قرص های نان مقدسی است که در "درون ها" و دیگر آئین های مذهبی از آنها استفاده می شود، بنا بر نوشته روایات فارسی، فرست دو نوع است:

۱- فرست مه، که اندازه آن برابر سی و یک درم است.

۲- فرست که، که اندازه آن هفت درم می باشد.

برای آگاهی بیشتر نک:

الف: روایات فارسی، داراب هرمزدیار جلد ۱ ص ۱۵۶.

ب: Kotwal. ŠnŠ. p. 284.

ج: Haug, ESSAYS. p. 396.

د: West, SBE. V. V. p. 284.

ک ۳/۱۴

دیوار. فارسی: پارگین. نک: (Bailey. Oper. p. 23).

(Mir.Man. II, 64.) ک ۱۸/۲-۲۲.

فرمان: framān: نام کوچکترین طبقه از گناهان است و نیز مقدار کفاره‌ای

است که به آن تعلق میگیرد و بنا بر نوشته شایست نه شایست برابر با ۴ استر است.

(هر استر = ۴ درم سنگ) و آنرا گناه سرپیچی از فرمان و تخلف از فرمان (دستور، امر)

دانسته‌اند.

گوتوال نوشته: " شاید شکل اختصاری : framān spōxtān :

سرپیچی از فرمان باشد، که بمعنی کوتاهی در انجام عهده‌ی در شرایطی خاص تفسیر

شده است (رک: West. SBE. p. 239, 2 و مقدمه SnS, Tavadia,

ص ۱۳) و تنها این گناه است که در اوستا یاد از آن نشده است."

(نک: Kotwal. p. 96. N. 1.) ک ۱/۱-۲. ک ۵۱/۲. ک ۲۷/۳-۲۸

۲۸. ک ۱۰/۴. ک ۲-۱/۱۱. ک ۱/۱۶.

فرمان-ē: framān-ē: یک فرمان (گناه). ک ۲۸-۲۷/۳.

فرمان: framān: دستور، امر.

ایرانی کهن: framāna / ارمنی: hrāman (GNPE. 182) فاطر: prmⁿ:

(Mir.Man. II, 66.) ک ۶/۵.

فرمانبردار: framān burdār:

فرمانبردار: framān burdārīh: فرمانبرداری، اطاعت. ک ۸/۱۷.

فرماید: framāyēd:

ستا از: fra+ √mā- (GNPE. 182) فاطر: prm^y: پهلوی کتیبه‌ای:

plm^t پ: framāet (از واژه نامه مینو خرد). ک ۶/۸.

فرمایند: framāyēnd: ک ۱/۸.

فرمایش: framāyišn: دستور دادن، فرمان دادن.
خاطر: (Mir.Man. II, 66) prm'yšn. ک ۱۵/۱۰.

فرمود: framūd: (نک: واژه های بالا).

ک ۱۰/۸ ک ۱۹/۱۲

۵

فرمودن: framūdan: دستور دادن، فرمان دادن.

ک ۳۰/۱۲

فرَوهر، فرور، فروشی، روح نخستین، مثال موجودات در عالم
مینوی... فرهنگ فره وشی.

- ۱۰ ستا: fravahr/fravši: (AiWb. 992).... درباره فرور، نک:
دینکرت مدن ص ۲۴۱ که شرح کامل آن آمده است و نیز: Bailey.
Zoroastrian Problems in The IX Century.
p. 98-101. ک ۱۲-۱۱/۹ ک ۴/۱۳.

رهاکردن، دست کشیدن، ول کردن: franāmišn:

- ۱۵ مصدر آن: Leave off, to pass over=franāmidan
ستا: frav-: شنا کردن، پرواز کردن،
سندى كهن: plāvayati: (AiWb. 990) ک ۲۷/۱۰.

راهنا، رهبر: parvānag:

خاطر: (Mir.Man. II, 65) prw'ng. ک ۱۸/۲۲.

- ۲۰ فَرَنبَ: farnbay/farnbay: فرنڤ، نام یکی از سه (یا پنج) آتش بزرگ

و مقدس ایران کهن است. این آتش مربوط به پیشوایان دینی بوده است. (راجع به آتش ها و اهمیت آنها نک: یستا ۱۷ بند ۱۱ و بندهش بزرگ فصل ۱۷ و زاتسپرم فصل ۱۱ و نیز پورد/ود: یستا ج ۲ ص ۱۲۱ به بعد).

واژه مرکب است از: **فَرَن** farn: **سَتا** xvarənah- خورَه، فرَه، فرّ.
(*AIWb.* 1870) + **بَی** bag, bay, **بَغ**، **فَع**، **بَی** = خدا، سرور،
بزرگ. **سَتا**:-baga **فَب**:-baga (Kent. 199) **فَاتَر**: *Mir. by* (Man. II, 48). ک ۲۶/۱۳.

فَرود frōd: **فَرو**، **پائین**، **زیر**.

فَب:-*fravat- **سَ** fravatā: (*Pers. Stud.* 85) **فَاتَر** :
prwd (*Mir. Man.* I, 45) **فَ** (frōt: **پَ**) (مینو خرد):
ک ۱۲/۲-۱۳-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۶-۶۲-۸۸-۸۹-۱۰۴. ک ۴/
۱۴. ک ۳/۱۶.

فَرود **بَست** frōd bast ēstēd: **فَرو** **بَست** است.
ک ۱۰۴/۲.

فَرود **کَاشیدن** frōd kašīdan: **فَرو** **کَاشیدن**، **پائین آوردن**.
ک ۸۹-۸۸/۲.

فَرود **بَرد** frōd barēd: **فَرو** **برد**.
ک ۱۲/۲-۱۳-۱۸.

فَرود **وَرَدَد** frōd vardēd: **فَرو** **گردد**، **پائین آید**؟ ک ۳/۱۶.

فَرو **سَتا** fravastag: **گنجانیده شده**، **انبار شده**.
ک ۱۱۹/۲.

فَرو **سَتا** شکل کوتاه شد و آوانویس پهلوی واژه اوستایی : frastūyē است که
واژه اول بند ۱۷ یستا ۱۱ است و معنی آن: **فراز ستایم** است. ک ۱/۱۳.

𐭯𐭥𐭥𐭥: parand: پرند. "پرند... بافته ابریشمی و حریر ساده را گویند". برهان.

ک ۱/۴-۰۴

𐭯𐭥𐭥𐭥: parvand: پروند (کستی؟) تاوادیا این واژه را: parand: پرند (مترادف
پرنیان به معنی پارچه حریر و اطلس) خوانده است. نک. همو، شایست نه شایست
ص ۸۴. در گویش مردم جهرم، پروند به ریسمانی گویند که از الیاف بین ساقه های
خرما (پریچه) تابند. (پریچه، بر وزن دریچه، لیف خرما را گویند و از آن ریسمان
تابند. برهان، چاپ معین) و از این ریسمان که چونان حلقه‌ای به دور تنه درخت
می‌اندازند برای بالارفتن از درخت خرما استفاده می‌کنند. ک ۱/۴-۰۱

𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥: parnigān: پرنیان. "پرنیان حریر و دیبای چینی منقش در نهایت
لطافت و نراکت را گویند..." برهان. فاطر: prng³n عربی: پرنگان (هر
دو از واژه نامه مینو خرد ص ۱۰۵ برای ماء خذ نک: همانجا). ک ۴/۴-۰۴

۱۰

𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥: pardazād: بماند، باشد، بازماند. (نک: واژه پائین تر).
ک ۴/۱۱-۰۴

𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: frēzvānīg: خوب، شایسته، مقبول.
ک ۳۰/۱۲-۰۳۰

𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: pardazēd: "پردازد، اقدام کند. ۱۵
مصدر آن پرداختن: کوشش کردن، توجه کردن، اقدام کردن (فرهنگها).
ستا: -√tač *para+ 66. GNPE. و نیز نک: اساس اشتقاق فارسی ص
(۳۶۱). سنج. پا: frīž (مینو خرد).
𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: ma ē pardazēd: نپردازد، اقدام نکند.

ک ۱۰/۱۵-۰۱۰

۲۰

𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: pardazēd: "بماند، باقی بماند، اضافه آید.

این واژه را پرفسور وست همینطور خوانده، اما تاوادی آنرا غلط دانسته و خود آنرا:
 perēčēt خوانده است. (نک: *Tavadia. ŠnŠ. p. 77*)
 نک: واژه بالا. ک ۱۲/۳-۳۰.

پارداژند: pardazēnd: پردازند، توجه کنند.

۵ (نک: واژه پارسه) (ک ۱۲/۲۴).

فریدون: frēdōn: پادشاه پیتدادی فرزند آتبین.

(ست: āθwya) به زنجیر کشنده ضحاک، که در اساطیر ایرانی و تاریخ‌های کهن و شاهنامه از او به تفضیل یاد شده است.

ست: -θraētaona سندی کهن: -traitānā (*AiWb. 799*) پاتر.

۱۰ (ک ۱۸/۲۰). frydwn (*Kotwal. 143.*)

فردو؟ frēg: شانه، کتف؟

این واژه را پرفسور وست parik=skirt: خوانده و تاوادی: parik=hips:
 (نک. *West SBE. V. p.287* و *Tavadia, ŠnŠ. p. 86*)
 ک ۷-۵/۴.

پاریگان: parigān: پریان، پری‌ها: parig: = پری.

ست: pairikā (*AiWb. 964*) پاتر: pry (*Kotwal. 162*)

ک ۱۲/۱۲.

فراگارد: fragard: فرگرد، فصل، بخش (نام بخش‌های وندیداد).

ست: -frakərətī (*Kotwal. 141*) ک ۱۲-۱/۲. ک ۹/۹. ک ۱۹-۷/۱۳.

پارناگ: parēnag: پیروزه، فیروزه (سنگ زینتی معروف).

۲۰

(این واژه را وست: pēlēnak و به معنی عاجی و چیزهای ساخته شده از عاج)

خوانده که درست نیست. نک: *SBE. V. p. 275* ک ۱۶/۲.

*

پنبه گین، پنبه‌ای، چیزی که با پنبه بافته شده باشد. *pambagēn*: ک ۴/۴.

*

frāz: فراز، بعد، پس.

ستا: *fra-/frā-* فب د (*AiWb. 974*)

ک ۱۰-۸/۸-۲۱-۱۵-۱۴/۳

az nūn frāz: از حالا به بعد، از این پس. ک ۸/۸.

frāz: فراز، فرا، بر سر فعل آید و فعل مرکب سازد (نک. واژه بالا).

ک ۱۰۹-۸۵-۷۹-۵۸-۴۵/۲ ک ۳۴/۳ ک ۱۲/۴: ک ۹-۱/۸-۹ ک ۸/۹ ک ۱۰/۱۰

ک ۲۵-۱۹-۱۳ ک ۲۹-۱۹-۲/۱۲ ک ۱۹-۱۵/۱۳ ک ۲/۱۹

frāz ravēd: فراز رود، برود.

ک ۲/۴ ک ۱۹/۱۰ ک ۱۹/۱۳

frāz burd: فراز برد، بُرد، پیش برد. ک ۲۹/۱۲

frāz barišn: فراز بردن، پیش بردن.

ک ۳۴/۳ ک ۱۵/۱۳

frāz guft: برخواند، از حفظ خواند.

ک ۱۲/۴ ک ۱۹/۱۰ ک ۱۹/۱۳

frāz rasišn: به پایان رسیدن، تمام شدن.

ک ۸/۹

frāz vaxšēd: بروید. ک ۲/۱۲

az ān frāz kunēd: از آن پس بکنید. ک ۱/۸

frāz šavēd: برود، اقدام کند. ک ۲/۹

و سایر ترکیبات که جاهای آنها در بالا آمد.

پازون: pāzūn: پازون، بنا بر روایت بهمن پونجیه، پازون نام نسک ششم اوستای کهن بوده است. نک: روایات فارسی ج ۱ ص ۳ و نیز *Tavadia. ŠnŠ.* p. 119. ک ۹/۹.

پخته: puxtag:

ستا، سا: pač / (GNPE. 64). ک ۴۸/۲.

پل (۱): puhl (پل صراط).

ستا: pəšav/pəratu (A iWb. 897)

ک ۲۰/۲. ک ۲/۱۲. ک ۴۱/۱۳. ک ۱۴/۱۹.

(۲) پل (پل صراط، چینوریل، چینودیل). ک ۳۱/۱۲. ک ۲۹/۱۳.

پل روان: puhl ī ravān: در اصطلاح زردشتیان فرزند است که از انسان اگر باقی بماند، در آن جهان چون پللی برای پدر خواهد بود، این تأکیدی است بر ازدواج و فرزند داشتن. ک ۲/۱۲.

پوده، پوسیده، فاسد شده.

ستا: -pūtay از -pu/pav / هندی کهن: pātay (A iWb. 909)

ک ۹۲/۲.

پنج: panj:

ستا: -pānča: pānca (Jakson 106) فاطر: pnz (Mir.

Man. II, 65.) پاتر: pnj (Mir. Man. III, 60)

هزارش آن ۶۳۳۳۳۳ (Junker. 12) است. ک ۱/۵. ک ۴/۱۶.

پنج یک، یک پنجم. ک ۴/۱۶.

پنجه (پنجه پا). نک. واژه بالا. ک ۲/۲۱.

۱۲) پوز، دهان حیوانات و بویژه حیوانات اهریمنی. ک ۴/۲. pōzag: پوز، دهان حیوانات و بویژه حیوانات اهریمنی. ک ۴/۲.

۱۳) پنجم، یک پنجم. panzūdāg: پنجم، یک پنجم. ک ۲۶/۱۰. بجای پوز، دهان حیوانات و بویژه حیوانات اهریمنی. ک ۴/۲.

۱۴) پنجم. panjum: پنجم. نک: ۱۵. ک ۱۲/۲. ک ۱۶-۱۷. ک ۹/۹. ک ۱۳-۱۹-۲۹.

۱۵) فرزند. frazand: فرزند. ستا: frazainti- (Aiwb. 1004) فاطر: przynd (Mir. Man. II, 65) زبور پهلوی: plendy (PS.58) پ: farzañd (مینو خرد). ک ۱۵-۱۴/۱۲. ک ۱۹/۲۲. ۱۰. ستا: frazand i čikar: فرزند چکر (فرزند شوهر اول زنی که شوهر دیگر کرده، برای آگاهی نک: ۱۶). ک ۱۴/۱۲.

۱۶) بجای واژه بالا. ک ۲۲/۱۰. ستا: frazand zāyišnih: فرزند زایی، بچه آوردن. ک ۲۲/۱۰. ک ۱۵/۱۲.

۱۷) پسر، پسر. pus: پسر، پسر. ستا: puθra- (GNPE.70-71) فاطر: pwsr, pws (Mir. Man. III, 61) پاطر: pwthr (Mir. Man. II, 64) به فارسی نواز دو شکل اخیر. پور و پسر (پسر) رسیده است. ک ۱۴/۱۲.

۱۸) پسر، فرزندی. pusih: پسر، فرزندی. (نک. واژه بالا). ک ۱۴/۱۲.

۱۹) پوست. pōst: پوست. ۲۰.

ست : pasta در *pastō fraθaphəm* (*AiWb.* 904) فاطر : *pwst* :
(*Mir. Man.* II, 64) ک. ۲۵/۲-۲۶-۱۲۰ ک. ۴/۴ ک. ۲۰/۱۰

روپوش : *pōstēn* : پوستین . (صفت نسبی از : *pōst* نک. واژه بالا) .
جامه‌ایکه از پوست حیوانات درست شده . ک. ۹۸/۲۰ ک. ۴/۴

روپوش (۱) *pušt* : پشت، پشتیبان، پناه . ۵

برای معانی گوناگون این واژه نک : اساس اشتقاق فارسی ص ۳۸۸) .
ست : *prstáy : sapāsti* ? (*AiWb.* 878) فاطر : *pwšt* - که
معادل و مترادف و با "پناه" بکار رفته است .
ک. ۲۳-۱۵-۸/۲۲

(۲) *pušt* - : پشت [قربانی] "تنوره بدن حیوانات چارپا که مقابل شکم است" . ۱۰
ناظم الاطباء . ک. ۴/۱۱

روپوش : *pur* : پر، مملو .

ست : *pərəna-* (*AiWb.* 894) .

اما، لایگر . ست : *pouru-* فب *paru* هندی کهن : *purú-* (نک :
اساس اشتقاق فارسی ص ۳۵۸) . پ : *purr* (مینو خرد) . ک. ۲۴/۱۰ ک. ۱۸/۲۰ ۱۵

روپوش : *pōlāpdēn* : پولادین، فولادین .
هون : *pūlāftīn* از *pūlāfat* : (*GNPE.* 75) و نیز نک : اساس
اشتقاق فارسی ص ۴۱۳ ک. ۱۱۴/۲ ک. ۲۸/۱۰

روپوش : *purīh* : پری، زیادی، فراوانی . (نک : روپوش) . ک. ۶/۲۲

روپوش : *purgyāndādīhā* : از صمیم دل، با تمام وجود . ۲۰
(نک : *Tavadia. ŠnŠ. p. 114.*) ک. ۲۳/۸

۱۳۳۳ وود: pōryōtkēš: پوریوتکیش، منظور نخستین دینداران و قانون
گزاران و آموزگاران دین است.

ستا : -paoiryō-tkaēša (Aiwb. 877).

جزء اول یعنی : نخستین، اولین و جزء دوم یعنی: کیش، دین.

نک: M.F. Kanga. Cit. Handarz ī porōtkēšān

ص ۱۰۶. ک ۷/۶.

۵

۱۳۳۳ وود: pōryōtkēšān: پوریوتکیشان، پیروان نخستین آموزگاران و

خردمندان، "نخستین پیروان زردشت" (پورد/ود. یسنا ج ۱ ص ۶۷).

ک ۴/۱. ک ۳/۱۰. ک ۱/۱۲-۱۳-۱۹. ک ۲/۱۳.

۱۳۳۳ وود: pōryōtkēših: پوریوتکیشی، زردشتی، بهدینی.

(پیروی از سنت کهن دینی). (نک. واژه های بالا). ک ۳/۱.

۱۰

۱۳۳۳ وود: dahān: PWMH: دهان.

ستا : -zafar- zafan- (GNPE. 131)?

در وندید/د ۳ بند ۱۴ بجای دهان: hizumat (از: hizu- = زبان و ma

پسوند اسم ساز برای مکان) یعنی جایگاه زبان بکار رفته است. نک. (Phl. V.

ed. by Dastoor Hoshang p. 64. ک ۲۰/۱۰. ک ۲۱/۱۲.

۱۵

۱۳۳۳ وود: pad: PWN: به (حرف اضافه). ک ۳-۲/۱ و حدود ۲۵۰ بار دیگر.

افزون بر آن در معانی دیگری هم بکار رفته است.

(۱) با، بوسیله. ک ۶۵/۲-۷۰. ک ۲۴/۳.

(۲) بصورت، به شکل. ک ۱۷/۲.

(۳) بهنگام، در وقت. ک ۵/۱۰.

(۴) مگر، لیک. ک ۲۱/۳. ک ۶/۵. ک ۲۳/۸. ک ۱۹/۱۰.

۲۰

۱۳۳۳ وود: pad-iz: به آنچه، در آنچه. ک ۸۱/۲-۸۲. ک ۲/۳. ک ۲۹/۱۳.

ش ۱۱۳۱: pad čar ud tawān: با وسیله یا زور. ک ۶۳/۲.
 ش ۱۱۳۲: pad tan-ē: تنها، به تنهایی. ک ۶۳/۲. ک ۳/۳. ک ۸/۷.
 ش ۱۱۳۳: pad gyāg: فوراً، درجا. ک ۷۶-۱۰۶. ک ۴/۳-۵-۶. ک ۶/۸.

۵ ش ۱۱۳۴: pad abar: دو حرف اضافه بدنبال هم = جز با، جز در، یا .
 بوسیله. ک ۷/۱۲.
 ش ۱۱۳۵: pad ōy dārēnd: اهمیت دهند، در نظر گیرند.
 ش ۱۱۳۶: pad ēn čim: بدین سبب، از اینرو.
 ک ۳۲/۱۰. ک ۱۲/۱۳-۱۳.

۱۰ ش ۱۱۳۷: pursīd: پرسید.
 √fras- ستا- هندی گهن: √prac- (GNPE. 67) فب: √fraθ-
 (Kent. 198) فاطر: pwršydn (Mir. Man. II, 64)
 پا: pursīt (مینو خرد). ک ۲۹/۱۲. ک ۱۱/۱۷-۱۱-۱۳.
 ش ۱۱۳۸: pursīdār: پرسیدار. جویا، پرسنده. ک ۲۳/۱۲.

۱۵ ش ۱۱۳۹: pursišn: پرسش، سوال کردن. ک ۹/۱۷.
 ش ۱۱۴۰: fravardīgān: فروردیگان، منظور ده روز آخر سال ایرانی است
 که پنجگاه در آن قرار دارد و برای شادی روح نیاکان در این ایام جشن هایی بر پا
 میشده و خیرات داده و بخور در دخمه میکرده اند. نک: ش ۱۱۴۱
 ک ۳۱/۱۲.

۲۰ ش ۱۱۴۲: panīr: پنیر.
 از ستا: paēman: شیر (AiWb. -17) ارمنی: bānīr: پ
 دگتر نوایی، درخت آسوریک ص (۱۲۷). ک ۱۲۴/۲. ک ۲/۱۷.

۷۴۱ و frazand: فرزند. نک: ۷۴۰ ک ۱۹/۱۰-۲۱.

۷۷ و pēčīd: پیچید، پیچیده، بافته.

۷۷ و pēčīd ēstēd: پیچیده است، بافته است.

ک ۱۰۰/۲.

۷ و paydāg/pēdāg: پیدا، آشکار.

ایرانی کهن: *patyāka- هندی کهن: *pratuāka- pratyāñč- (GNPE. 78.)

(Mir. Man. II, 64.) pyd'g : فاطر (GNPE. 78.)

پهلوی کتیبه‌ای: p³ty³k- کتیبه حاجی آباد. پا: pādā (مینو خرد).

ک ۱/۱. ک ۱/۲-۵۵-۵۶-۹۷-۱۱۷-۱۱۸ و ۳۵ بار دیگر.

۱۰ و paydāgīhēd: روشن شود، پیداشود، آشکارشود. ک ۵/۱۴.

۷ و paydāgēnīd: معین شد، مشخص شد.

۷ و paydāgēnīd ēstēd: معین شده است،

معین بوده است. ک ۱۰/۸.

۷ و pētrēt: آلودگی غیر مستقیم، نجس شدن با وسیله.

ستا: paiti.raēθwa (AiWb. 834). ک ۵۹/۲-۶۰-۶۱.

۷ و pēs: پیش، قبل. ستا: paitiš هندی کهن: patiš

(GNPE. 79) فب: patiš (Kent. 195) فاطر: pyš (Mir.

Man. II, 65) هزوارش آن: ۱۴۷ L^cyN: (Junker, 21)

است. ک ۱۰/۲. ک ۳۲/۱۰. ک ۲۱/۱۲. ک ۵-۱/۱۳. ک ۳/۱۴. ک ۱۴/۱۷.

ک ۹-۲/۱۹.

۷ و pēs rasēd: پیش رسد، زود (تراز موقع) رسد.

ک ۹/۱۹.

پیش، پش: pēš ud pas: جلو و عقب، بدون رعایت نظم، درهم-
برهم. ک ۳/۱۴.

پیش، پش: pēšag: شغل. طبقه اجتماعی (در ایران ساسانی اجتماع به ۴ طبقه
تقسیم میشد). ست. از: (GNPE. 80) pištra. ک ۹/۱۳-۱۵-۳۴. ۵

پیش، پش: pēxak: پیخک. چوب یا، نی که ۹ گره دارد
و بر نوک آن قاشقی از فلز (که معمولا از نقره است) بسته شده است و آنرا در آئین
غسل و طهارت و پاک سازی افرادی که باید برش نوم درباره آنها اجرا شود بکار می برند
و با آن وسیله پادیاب یا نیرنگ از ظرف اصلی (پادیاب دان) بر میدارند. این وسیله
برای آنست که موبد یا پیشوای مذهبی که عهده دار اجرای آئین برش نوم است ناچار
به نزدیک شدن به شخص برش نوم شونده نگردد. ۱۰

این واژه را گادی: pēšak خوانده (لکن همین معانی بالا را داده است).
(نک. Phl. V. Glos. 464). این مطلب را عینا در وندیداد
پهلوی ۹ بند ۱۴ می توان دید با این تفاوت که توضیح داده قاشقک سرچوب از سرب
یا آهن است. ۱۵

ست: -pixa در: nava-pixa: ۹ گره (AiWb. 1045)
ک ۶۵/۲-۶۶-۶۸-۷۰-۷۱-۱۰۵. ک ۲۴/۳. ک ۱۰/۱۰. ک ۲۷/۱۲.
پیش، پش: pēxak šnās: پیخک شناس، اصطلاحا "به کسی که
با مراسم و آئین پیخک (برش نوم) آشنا شده و یا به سن شرعی رسیده که بشود آئین برش نوم
را در بارماش اجرا کرد اطلاق می شود. ک ۱۰۵/۲. ۲۰

پیش، پش: pēšēnkār: بول، شاش. واژه به شکل و وسوسه
است (نک: فرهنگ پهلوی، فره وشی). ک ۹/۳.

پیش، پش: pēšōtan: (گوتال: pēšyōtan). پشتون، نام خاص و چنانکه

۳ : t: ت، ترا، بتو (ضمیر متصل، دوم شخص مفرد، حالت مفعولی).
 ک ۲۲/۳-۴-۵-۶-۷-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۶-۱۸-۱۹-۲۱-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹.

۳۳۳۳۳ : tāzānag: تازیانه، اشتر، شلاق.
 اسم است، از بن مضارع -: tāč در فارسی میانه (ماضی آن : tāxt).
 ۵ ستا : tak: ✓ تاختن، جاری شدن (ابوالقاسمی، زبان آسی ص ۸۵) برای این
 واژه نک: اساس اشتقاق فارسی ص ۴۵۲. ک ۱۰/۲۸.

۳۳۳۳۳ : tāvān: تاوان، جریمه، غرامت. ک ۱/۲۰.

۳۳۳۳۳۳ : tābišnīg: تابان، درخشان.
 از ستا -: tap- ✓, tāpayeiti, هندو کهن -: tap- ✓, tápti,
 ۱۰ نم : tāftan (GNPE. 83).
 ۳۳۳۳۳۳ : tābišnīgtar: تابان تر. ک ۲۳/۲۰.

۳۳۳۳ : taxt: تخت (تختخواب). ک ۲/۱۳.

۳۳۳۳۳۳۳۳ : tāštīg: محقق، قطعی، روشن، دقیق.
 برای این واژه نک: Beiley, BSOS. VII, 1934, p. 280.
 و نیز DKM. 127, 9-11, 274, 19-20 (هردوماً خداز کوتوال).
 ک ۲۴/۱۲

۵ ۳۳۳۳۳۳۳۳ : tāšišn: تراشیدن، [پوست] کندن.
 ستا : taša: تیشه و تراشیدن، هندی کهن : takš (A iWb. 645)
 ک ۲۰/۱۰ ک ۱۳/۱۲

۳۳۳۳۳۳۳۳ : tāg: شاخه درخت، شاخه، هر شاخه برسم.
 ۳۳۳۳۳۳۳۳ : tāgizag-ē: شاخه کوچکی. ک ۲۷/۱۵

۱۰ ۳۳۳۳۳۳۳۳ : tārik: تاریک.
 ستا. از : taθra- هندی کهن : tamisra- تاری. (A iWb. 650)
 فاتر : t'ryg (Mir. Man. II, 68) پ. : tārik (مینو خرد).
 ک ۸/۹

۳۳۳۳۳۳۳۳ : tārikih: تاریکی (نک: واژه بالا). ک ۷/۱۲

۱۵ ۳۳۳۳۳۳۳۳ : tāvart: نوشتار پهلوی خلاصه شده سه واژه اوستایی . tā.wə.urvāta
 است که یسنا، ها ۳۱ با آنها آغاز می شود. این های یسنا از بلندترین سرودهای گاهانی
 است و دارای ۲۲ بند است و اصطلاحاً "تاورت نامیده شده. ک ۶/۱۳

۳۳۳۳۳۳۳۳ : tāvart hāt: های تاورت (یسنا، ها ۳۰) نک: واژه بالا.
 ک ۶/۱۳

۲۰ ۳۳۳۳ : tāy: تایی، تا، (واحد هر چیز). ک ۱۰۲/۲

۳۰۰۰۰۰ هز. (در یونگر ۳۰۰۰۰۰) : 9, nōh: TŠ² : ۹. ۹.
ستا : nava- از : *na + vā : هندی کهن : (AiWb. 1043)
ک ۵۰-۴۴/۲ ک ۱۸-۱۴/۳

۴۰۰۰۰۰ : tasum : تسوم، چهارم.
۵ فب : *čass : ستا : *čaθrama "سندی : catfārum = čtβ²rm
ختنی : tcūrama" (درباره زبان آسی). فاطر : tswm : (Mir. Man.
[II. 69] و طسوج عربی ظاهرا "از همین واژه است. (چَتَوَر فارسی ما خود از
ارمنی = $\frac{1}{4}$ نیز همین است) ک ۹/۹ ک ۱۹/۱۳.
*

۶۰۰۰۰۰ : tar : تر، پسوند و نشانه صفت تفضیلی است و به شکل چسبیده به صفت مطلق
آمده است. ک ۲۳/۸ ک ۵/۱۰-۱۱-۱۳-۲۸-۳۳-۴۰ و بیش از ۳۰ مرتبه دیگر. ۱۰

۷۰۰۰۰۰ : trāzūg : ترازو (= برج میزان).
پاتر : tl²zwg (Kotwal. 173). ک ۲/۲۱.

۸۰۰۰۰۰ : sē:TLT² : سه.
نوشتار غیر هزوارشی آن fo یا se است.
۱۵ ستا : θritya : sa : trtiya- (Jakson, 108.) فاطر : sh
(Mir. Man. II, 62) پ : sē (مینو خرد). ک ۵/۲-۱۸-۷۷-۹۸-
۱۱۳ ک ۳۳-۳/۳ ک ۲/۴ ک ۳/۵ ک ۱۸/۸ ک ۱/۱۰-۴-۲۴-۲۵

۹۰۰۰۰۰ : tarsāg : ترسا، مسیحی "ترسا : ترسنده و بیم برنده و واهمه کننده
[از خداوند] را گویند "برهان. ک ۷/۶.

۱۰۰۰۰۰۰ : tarsāgāhīhā : پرهیزگاران، از روی پرهیزگاری. ۲۰
ک ۱/۲۰

تارساگه: tarsāgāh: ترس آگاه،
پرهیزگار. ک ۳۰/۱۲

تارمنیشنی: tarmēnišnīh: ترمشی، بدمنشی، جسارت، گستاخی.
تارمنیش: tarmēnišn: بدمنش، جسور، گستاخ.
ستا: tarē-matay (AiWb. 641) ک ۲۸/۳ ک ۱۰/۱۷ ۵

تاراناک: taranak: توله سگ (تاوادی): tarunak: سگ شکاری و درپانویس:
توله سگ. نک: (Tavadia. ŠnŠ. p. 31).
ستا: tauruna-: جوان، بچه. هندی کهن: táruna-: سگ جوان.
(توله سگ). پهلوی: taranak (AiWb. 643) ک ۲/۲.

تارون: tarun: تر، تازه، (جوان، نورس).
اتیمولژی این واژه نیز عیناً " همان است که دروازه بالا آمده (نک: GNPE. 85)
ک ۱۱۸-۲۷-۲۵/۲

تار: dō: TLYN: دو. شکل غیر هزوارشی آن تر است.
ستا: dva-: سا: dvā- (Jakson. 106) ک ۸-۳۲-۸۵-۲/۳ ک ۲/۳.

*

تانا: anōh: / anō: TMH: آنجا.
فاتر: 𐭠𐭣𐭥𐭩 (Mir. Man. I, 43) پا: ānō: (مینو خرد).
ک ۵۸-۷۲-۹۰ ک ۱۲/۹ ک ۱۲/۱۲ ک ۱/۲۰ ک ۸/۲۱ ۱۵

*

تاناپور: tanāpuhr: تاناپور، تنافور. نام آخرین طبقه از طبقات هفتگانه گناهان
است که در این کتاب آمده و کفاره‌ای معادل سیصدستر (هر استر ۴ درم سنگ) دارد.
" نام گناهی است که مانع عبور از پل چینوت می‌شود و کفاره آن ۳۰۰ سکه چهاردرهمی
است یا ۲۰۰ تازیانه، گناه نابخشودنی " فرهنگ پهلوی، فره وشی. ۲۰

ستا : $(AiWb. 636) \text{tanu. pərəθa-}$
 ک ۱/۱-۲. ک ۲/۲-۴۰-۵۰-۵۱ و ۲۶ بار دیگر.
 ۱۳۱۳۱۳: tanapuhr-e : یک تنافور. ک ۲/۲-۴۰-۵۰ و ۱۶ بار دیگر.

۱۳۱۳: tuxt : کفاره داد، توزش داد، [بجا آورد] غرامت را،
 مضارع آن: tōz و اسم مصدر آن: tōzišn : کفاره، غرامت.
 ۱۳۱۳۱۳: nē tuxt : کفاره نداد، بجا نیاورد. ک ۹/۱۲.

۱۳۱۳۱۳: tuxšāg : تخشا، کوشا (نک: ۱۳۱۳۱۳۱۳۱۳)
 ک ۲۳/۸. ک ۳/۲۰.
 ۱۳۱۳۱۳: tuxšāg tar : کوشا تر. ک ۲۳/۸. ک ۸/۱۳.
 ۱۳۱۳۱۳: tuxšāg mard : کوشا مرد. ک ۳/۲۰.

۱۳۱۳۱۳: tuxšēd : کوشد، کوشش کند. (نک. واژه زیر).
 ک ۲۲/۱۰. ک ۳۰/۱۳.

۱۳۱۳۱۳: tuxšīdan : کوشیدن.
 از. ستا: θwaxša- هندی کهن : $(AiWb. 793) \text{tuāksas-}$
 فاطر: twxšyst, twxš (Mir. Man. II, 69) پاطر : twxš'g
 کوشا: twxš (Mir. Man. III, 62). ک ۱۵/۱۲.
 ۱۳۱۳۱۳: abēr tuxšīdan : بسیار کوشیدن. ک ۱۵/۱۲.

۱۳۱۳: tōxm : تخم، تخمه، نژاد.
 ستا: taoxman- (Kānt 185) هندی کهن : tókman-
 ۲۰. twxm : فاطر: twhm (Mir. Man. 11, 69) و : twxm
 (Man Stud., 127) پاطر: tuxm (مینو خرد). ک ۵/۲۲.

𐭮𐭥𐭥𐭥: tōxmag: تخمه، نژاد (نک: واژه بالا). پاتر: *(Mir. Man. twxmg. III, 62.)* ک ۵/۲۲.

𐭮𐭥𐭥𐭥: tuhig: تهی، خالی.

ستا: taoš- هندی کهن: -tucchyā (*AiWb. 624*) و tusən چنانکه در وندیداد ۳ بند ۳۲ (*AiWb. 657*) آمده و به معنی شروع به تهی کردن، آغاز به خالی شدن کردن، که فعل آغازی است. سا: tučča- (*GNPE. 90.*) فاتر: *(Mir. Man. II, 69) twhyg* ک ۴۵/۲-۴۶-۵۴.

𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥: tuhigih: تهیگی، خلا. ک ۶۲/۲.

𐭮𐭥𐭥𐭥: tuhig: نوشتار دیگری است از واژه بالا: تهی. ک ۴۵-۱۸/۲.

𐭮𐭥𐭥: tavān: (۱) توان، قدرت، توانائی، نیرو.

ستا: -tav- هندی کهن: √tav (*GNPE. 89*) فاتر: tw'n (*Verbum, 250, 2-7.*) پ: tvān: (مینو خرد).

ک ۶۴-۶۳/۲. ک ۳/۸. ک ۶/۹. ک ۲۵/۱۰.

(۲). توان همراه با مصدر و تابع آن میآید.

با، آوردن: ک ۷۹/۲-۸۳-۸۴-۹۲. با: باز داشتن. ک ۹/۱۳. با، بردن: ک ۳۸/۲. با، بُختن. ک ۳/۱۷. با، کردن: ک ۸۷/۲. ک ۲/۵-۷. ک ۲/۶. ک ۷/۱۳. ک ۱/۱۲. ک ۱/۱۸. با، گفتن: ک ۱۸/۱. با، گرفتن: ک ۲/۱۵. با، گردانیدن: ک ۱۷/۲۰.

𐭮𐭥𐭥𐭥: بجای 𐭮𐭥𐭥𐭥 یا 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥: a-tavānig/a-tavān : ناتوان. ک ۶۳/۲.

۱۱۳: tavāngartar: توانگرت. ک ۳/۲۳.

۱۱۴: tavānīgīh: توانگری، توانایی، ثروتمندی. ک ۱۳/۸. ک ۶/۹.

۱۱۵: tōb: پوست چوب، چوب. ک ۱۳/۱۲.

۱۱۶: tōzišn: کفاره دادن، کفاره، غرامت.

۵ ستا از: čīθa: غرامت، کیفر، پاداش: (*AiWb.* 582) و نیز نک: ۱۱۳: ک ۱۳/۸. ک ۲۸/۱۲. ک ۴-۳-۲/۱۶.

۱۱۷: tōg: تو، توی، لا، لایه، (برهان: تو، توه، توی = لایه و پرده). ک ۷-۶/۴.

۱۱۸: hašt: TWMNy^۳: هشت.

۱۰ شکل غیر هزوارشی آن در بعضی و نوشتار عددی آن سرسبز است.
ستا-: ašta: sa: astá (Jackson. 106). ک ۶۲-۸/۲. ک ۲/۵.

۱۱۹: tan: تن، شخص، کس.

ستا: tanā- هندی گهن: (*AiWb.* 634) tanū.

مقدمه. ک ۱۸/۲-۱۹-۲۵-۲۸ و ۴۲ بار دیگر.

۱۲۰: tan-ē: تنها، تنهایی. ک ۳/۳.

۱۲۱: tan-ē: کسی، شخصی. ک ۲/۱۷.

۱۲۲: tan tōxm: نسل، نژاد، نطفه. ک ۵/۲۲.

۱۲۳: tan masāy: تن مانند، به اندازۀ تن. ک ۱۸/۲-۱۹-۲۵-۲۸.

۱۲۴: tan ī mardōmān: تن مردمان. ک ۴/۱۳.

۱۲۵: tan ī pasēn: تن پسین، تنی که در روز آخرت برای مردمان. ک ۲۰.

آرایند. ک ۴-۷/۸. ک ۶/۱۹. ک ۱۹/۱۰.

۱۱۳: tanihā: تنها. ک ۴۵/۲ . ک ۷/۵

۱۱۴: tan drustih: تندرستی، سلامتی.

tan: تن + drust: درست (نک: همین واژه) + h: ی، بی. مقدمه کتاب.

۱۱۵: did: TWB: دیگر، دیگر بار (یونکو: TNY, dit, dut, ص ۳۱). ک ۲/۲
۵ ۱۴-۲۲-۶۹-۹۰. ک ۱۸-۱۷/۳. ک ۰۳/۴. ک ۱۱/۱۰-۳۵-۳۰. ک ۰۶/۱۱. ک ۰۲۱/۱۵

۱۱۶: xarmā [v]: TG: (TMRY یونگر ص ۳۲). armāv تا وادیا :
(Tavadia p. 167): خرما. ک ۱۲۲/۲

۱۱۷: tuhīg: تهی (نک: ۱۴: تیره). ک ۵۴/۲ . ک ۱۶/۳

۱۱۸: tē: تیغ، این واژه در دینکرت مدن ص ۷۵۶ س ۱۶ و ۷۵۷ س ۱۳ و پهلوی
۱۰ و نندیداد ۹/۱۰ و ۳۲ به شکل ص آمده است.

۱۱۹: tigraxaud- : tigrā (AiWb. 651) فب: tigrā در :
(Kent. 186) (واژه های فارسی، تیغ، تیز، نیز از همین اصل است؟) .

۱۲۰: teg: ارنی: ک ۸/۱۰

۱۲۱: tē ī tēz: تیغ تیز. ک ۸/۱۰

۱۲۲: tēz: تیز (نک. واژه بالا). ک ۸/۱۰

۱۲۳: tēztar: تیزتر، برنده تر. ک ۲۸/۱۰

۱۲۴: tapišn: شکل غلط ۱۲۵: tapišn: باید باشد: تپش، گرمی، حرارت

(در پهلوی و نندیداد ۱۲۶: آمده). از ص tap, و tāp: تافتن،

تف، گرمی، حرارت

۱۲۵: -tap- / هندو گهن: -tāpati (GNPE. 83) /
۲۰

۴- ۴: iz, z: نیز، و، همچنین (معمولا" به پایان واژه می‌چسبد).
ک ۲۱/۲-۲۲ و بیش از ۸۰ بار دیگر، که مورد کار برد آن در واژه های گوناگون یاد شده است.

۴: čāh: چاه.
ستا: -čāt ایرانی کهن: *čaθ (AiWb. 583) سغدی: -č. ۵
: -cāt** (Gr. I, 72) به نقل از: در باره زبان آسی، دکتر ابوالقاسمی.
ک ۱۲/۱۷.

۴: zēh: نم، رطوبت، نشد آب.
کجید کسید: āb zēh: زه آب، آبی که از چیزی به مرور جاری می‌شود.
(نک: کسید) . ک ۸۶/۲.

۴: čahār: چهار، نوشتار عددی آن چس است.
(نک. همین واژه) . ک ۱۲/۴.
۴: čahār pāyān: چهارپایان، حیوانات. ک ۷/۲۲-۱۴.

۱) čāštag: آشسته، قول، تفسیر (نک: واژه های بالا).

ک ۴-۳/۱. ک ۲/۲. ک ۲-۱/۱۰.

۱) čāšīdag: گفته، شهادت، تصدیق. (نک. بالا). ک ۲/۱۳.

čāšnīg: چاشنی، مزه، طعم. "چاشنی اندکی از طعام و شراب را

گویند که از برای تمیز کردن بچشند...". برهان. ک ۳/۱۴.

čāšnīg kardan: چشیدن، مزه کردن. ک ۳۵/۱۰.

čāšišnīh: آموزش، یاددادن، تعلیم دادن، تعلیم. ک ۲۹/۱۳.

čār: چار، چاره، وسیله. نوشتار دیگران: čārag: چاره است.

ست: čārā- وسیله (AiWb. 584) پا: čāra (مینو خرد).

ک ۶۴-۶۳/۲. ک ۱۱/۱۲.

čārag: چاره، وسیله (نک: واژه بالا).

ک ۴/۱۰. ک ۴/۱۸. ک ۱۷/۲۰.

čārag kardan: چاره کردن، علاج کردن. ک ۴/۱۰.

čārūg: ساروج، چارو "چارو به واو کشیده، به معنی سارو باشد و آن آهک

رسیده یا چیزها آمیخته است که بر آب انبار و حوض و امثال آن مالند" برهان.

معرب آن: ساروج (حاشیه برهان). ک ۳۶/۲.

*

xīr/hēr: CBW چیز، دارایی، مال.

xyr: فاطر (Mir. Man. II, 59) پا: xīr (مینو خرد). مقدمه،

ک ۷/۲۰. ک ۴/۲۲-۱۰-۲۷-۳۰.

xīr ī gētīg: مال دنیا. ک ۷/۲۰.

*

ستا: čarāiti- بایداز: *čarāt باشد. (AiWb. 581)

جاریه عربی همین نیست؟ ک ۴/۱۲

چرب: čarb: 𐭠𐭥𐭥𐭥

čarb: چرب، ترجمه پهلوی واژه āzuiti اوستا است (AiWb. 343)

ک ۴/۱۱

۵

چربتر: čarbtar: 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥

صفت است برای خرداد و ایزد خرداد که موکل ماه خرداد است و نماینده آبها، و در

نتیجه، خرداد چربتر، یعنی آب ها گواراتر و شیرین تر. ک ۱/۲۳

چرب روده، جگرآکند: čarbrūdīg: 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥

۱۰

باشد... "برهان. ک ۴/۱۱

چربش: čarbišn: 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥

سوخت است. "برهان، چربی، پیه، روغن. (نک: واژه های بالا). ک ۷۳/۲

چربی، روغن، پیه. ک ۱۸/۱۰

چره، چرا، چریدن. čarag: 𐭠𐭥𐭥𐭥

۱۵

ستا: camra-nhak- از *camra و ایرانی کهن: *čāhra- و *čar-√

(AiWb. 580). ک ۱۰/۱۵

چمبر، چنبر، حلقه یا طوق زینتی که به بازو بندند یا بر سر بگذارند. čambar: 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥

ک ۴/۳

چامش، شاش کردن، قضای حاجت کردن. "چامین بروزن آئین، čamišn: 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥

۲۰

شاش و بول باشد، و غایط را نیز گویند "برهان. ک ۹/۳. ک ۵/۱۰

*

۱۹ واژه: čand: (۱). چند، چندتا، تعدادی.

ستا: čvañt: (GNPE. 99) ک. ۱۰۲/۲-۱۰۴ ک. ۲۳/۸ ک. ۱/۱۴ ک. ۵/۲۰.

(۲). باندازه، به همان اندازه.

ک. ۱۶/۲-۲۳-۲۴-۳۴-۳۶-۱۰۰-۱۱۸ ک. ۵/۴-۶-۱۲ ک. ۱/۶ ک. ۲۶/۱۰

ک. ۱/۱۲-۲-۴-۱۶ ک. ۲۸/۱۵ ک. ۱/۲۰

۳۰۰۰۰۱۹ واژه: and... čand: بهمان اندازه که، همان اندازه که.

ک. ۱۰۰-۳۶-۳۴-۲۳-۲ ک. ۵/۴-۶-۱۲ ک. ۱/۶

۱۹ واژه: čand hamē: همینقدر که. ک. ۷۸/۲

۱۹ واژه: čand-iš: اندازهای که آن، همان اندازه که آن را.....

ک. ۱۱۹/۲

(برای معانی و کار بردهای دیگر این واژه، نک: اساس اشتقاق فارسی ص ۵۶۹).

۱۹ واژه: čandēnēd: جنباند، لرزاند (سج: چندش، چندش آور) ک. ۷۱/۲.

۱۹ واژه: čhir: چهر، چهره، روی.

ستا: čīθra- čīça: فب: Ariyačiça (Kent. 184).

فاتر: cyhr (Mir. Man. II, 67) در hučihrtar خو بروی تر،

زیباتر. ک. ۴/۲۳

۱۹ واژه: čihrāb: باز (تا و دیا این واژه را : hawk=čihrap

باز، خوانده ص ۱۳۹). در مینوی خرد ۱۹ واژه: čihrāw: پا

نامه مینو خرد ص ۱۱۹) فارسی: چرخ و چرخ. ک. ۹/۱۰.

۲۰ واژه: čihrag? این واژه را تا و دیا به معنی Leucorrhoea که واژه‌ای

پزشکی یونانی است و به معنی: ترشح و ماده سفید رنگی که از رحم زنان می‌آید ترجمه

کرده و آن را از : ciθr به معنی چهره ندانسته (نک: Tavadia. ŠnŠ)

. p. 79. وست آنرا: kiharak با همان معنی خوانده (نک: West.

. ۱۹/۳ ک . SBE. v. 281.

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: čitr-dād: چیترداد، چیترداد نسک، یکی از نسکهای گم شده اوستا
است که خلاصه‌ای از آن در کتاب هشتم دینکرد آمده است و در آن از تخمه مردمان و
آفرینش گیومرث و مشی و مشیانه و جز آن سخن رفته است و ظاهراً "یکی از منابع کتاب
بندهش و نیز مأخذ اساطیر شاهنامه بوده است (برای آگاهی بیشتر رک: کتاب هشتم
دینکرد مدن و ترجمه آن از سنجانی و نیز جلد ۵ از SBE: وست، ص ۳۲۹ زیر نویس
شماره ۱). ک ۲۸/۱۰

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: čikām-čē: هر آنچه، هر چه.
ستا از: čāt: باز، همچنین. (AiWb. 580) ک ۲۵/۱۰

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: همان واژه بالاست: هر چه، هر آنچه. ک ۵/۶ ۱۰

𐭥𐭥: čim: سبب، علت، دلیل.
𐭥𐭥: čim (مینو خرد). ک ۱۱/۱۰-۳۲. ک ۹/۱۲. ک ۸/۱۳-۱۰-۱۲-۱۳-۳۰.

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: čimīgtar: معقول‌تر، مدلل‌تر، مناسب‌تر. ک ۱۱/۱۰. ک ۲۷/۱۲.

𐭥𐭥𐭥: čīnišn: چینش، چیدن، آراستن، مرتب کردن.
ستا از: čay: باید چیدن، باید آراستن be čīnišn: (نک: راند) ک ۹/۷ ۱۵

𐭥𐭥𐭥𐭥/čīgōn/ciyōn: چون، چنان، چگونه.
ستا. čī: چه. (AiWb. 584) gaona+ گون، گونه.
(AiWb. 482) . فاطر: c³wn (Mir. Man. II, 66) پاطر: cw³gwn
(Mir. Man. III, 53) . ک ۱/۱۰-۱۷/۲-۲۰-۲۱ و ۶۰ بار دیگر. ۲۰

کرسو^(۱) : zahāg: ترشح؟ زه، نشد، تراوش؟

برای این واژه که بدرست نمیتوان در باره آن گفتگو کرد. نک: *Tavadia*.
ŠnŠ. p. 55. No. 5. ک ۷۷/۲.

کرسو^(۲) : zahāg: فرزند، زاد و ولد، بچه.

ستا : zaθa: تولد، زادن از: zan: / (AiWb. 1693) واژه های فارسی
زادن، زایش، زن، زاهو. از همین ریشه است.

سا : ĵāti (GNPE. 143) . پاتر : zhg: بچه (Mir. Man.
III, 64) . ک ۳۰/۱۲.

کرسو^(۳) : hu-zahāgtar: بارورتر، زایاتر، زاینده تر. ک ۱۱/۱۹.

کرسد : zahāg/zahāy: دوری، مسافت؟ ک ۲۶/۱۰ ۱۰.

کرسد : zar: ZHB: zar[r]: زر، طلا.

ستا : -zaranya: هندی کهن: -hīraṇya: زرین (AiWb. 1678)

فاتر. سنج. zryn: (Mir. Man. II, 54) ک ۱۱۲/۲-۱۱۵-ک ۱۸/۱۵.

ک ۱۲۷: zādag: زاده، زائیده، زنی که بچه زائیده.

(نک: ک ۱۲۷) ک ۱۵/۳.

ک ۱۲۸: zadārīh: زداری، شکست، نابودی، کشتن، زدن.

۵ ستا: jāinti, √jan- قب: aĵanam, √jan- (GNPE. 145)

پا: zadārī (مینو خرد). ک ۱۳/۳۲-۳۶-۴۶.

ک ۱۲۹: zaspān: نادرست، ناراست، بیهوده.

این واژه را چنانکه تاوادیا نیز اشاره کرده میتوان کوه ۳: zēfān: دانست، جمع زیف "زیف... به معنی گناه و بی ادبی هم هست". برهان. نک: Tavadia.

۱۰

šnš. p. 119. ک ۹/۹-۱۰.

ک ۱۳۰: ān: آن. در این کتاب متجاوز از ۱۶۰ بار آمده است.

ک ۱۳۱: bē ān: جزآن، بجزآن. ک ۲/۴۲-۶۶-۶۸-۷۱-ک ۸/۷.

ک ۱۳۲: ān-iz: آن نیز، آنچه. ک ۲/۲۱-۴۲-۶۲-۶۹-ک ۳/۱۹-ک ۸/۱۷.

ک ۱۳۳: ۴۴/۱۵.

۱۵

ک ۱۳۴: ōzadan: YKTLWN, tñ: کشتن، اوژدن، زدن.

(نک: ک ۱۳۴) فاطر wzdñ (Mir. Man. II, 45) ک ۵/۲۰-۱۸.

پا: wjd, wjññ Kotwal. 161 ک ۵/۲۰-۱۸.

ک ۱۳۵: bē ōzadan: بکشتن. ک ۵/۲۰.

ک ۱۳۶: ōzanišn: YKTLWN, šn: کشتن، زدن.

۲۰

(نک: واژه بالا) ک ۳/۲۱. ک ۷/۹. ک ۲۰/۱۵.

ک ۱۳۷: be ōzanišn: به کشتن. ک ۳/۲۱-۹/۷.

کود ۱۳۱۳: ōzanēd: کُشد، بکشد. ک ۹/۷. ک ۱۹/۸-۲۱. ک ۱۵/۲۰.
 رید کود ۱۳۱۳: be ōzanēd: بکشد. ک ۲۱/۸.

کود ۱۳۱۳: ōzan: کُش، بکش. ک ۱۸/۲۰.

کود ۱۳۱۳: ōzanēnd: کُشند، بکشند. ک ۳۰/۱۰.

کود ۱۳۱۳: nibēsum; YKTYBWN, m: هر: نویسم. ۵
 ستا از √paiθ (AiWb. 1083)ni + √pais: نصب.
 پاتر: nbyšt, nbys- (Mir. Man. III, 58). ک ۴۱/۲۱.

کود ۱۳۱۳: nibēsēm; YKTYBWN, ym: هر: نویسم (نک: واژه بالا).
 مقدمه و ک ۱۶/ مقدمه.

کود ۱۳۱۳: nar: ZKL: هر: مرد (Junker. 25). ۱۰
 ستا: nar: مرد (AiWb. 1047) هندی کهن: nār: (GNPE. 230)
 فاطر: nr: مذکر (Mir. Man. II, 61). ک ۴۱/۱۳-۱۴/۱۲.
 کود ۱۳۱۳: nar ī ahrav: مرد پارسا. ک ۴۱/۱۳.

*

کود ۱۳۱۳: zādan: YLYDWN, tñf: هر: زادن، زائیدن.
 ستا: -zan, zayata, هندی کهن: -jan, jāyatē. سا:
 -jāti (GNPE. 143). فاطر: سنج: z'yšn: زایش، تولد.
 (Mir. Man. II, 54).

رید کود ۱۳۱۳: be zādan: بزادن، زائیدن. ک ۱۰۹/۲.

کود ۱۳۱۳: zād: ..., t: هر: زاد، زائید. ک ۱۱/۱۷.
 کود ۱۳۱۳: zād hēnd: زادن، زائیدند. ک ۱۲-۱۱/۱۷. ۲۰

کهدو: zamīg: زمی، زمین.

ستا: zam, zam: (*AiWb.* 1662) فاطر: *(Mir. Man. zmyg)* (*II*, 54). "ن" بعد از قرون سوم و چهارم هجری (ظاهراً" با قیاس با زمان یا آسمان) افزوده شده و پیش از آن در تمام گویش های کهن و فارسی نو، زمی بوده است. ک ۱۲/۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۳۶. ک ۱۲/۲۴. ک ۱۳/۱۴-۱۹-۲۱-۲۵. ک ۱۵/۵-۲۰. ک ۱۶/۲. ک ۱۷/۱۴. ک ۲۰/۱۸.
اُ کهدو: zamīg öftēd: زمین افتد. ک ۱۷/۱۴.
zamīgēn: زمینی. منظور فلزها و سنگهایی است که از زمین برمیآورند.
ک ۱۱۷/۲.

ک زن: zan: زن.

شکل هزوارشی آن ادو: *(Junker. 1)* نک همین واژه.
ستاز: zā: هندی کهن: *(AiWb. 1689)* فاطر: *(Mir. zn)* (*Man. II*, 54). ک ۱۰/۳۵. ک ۱۲/۱۴.
ک زن: zanān: زن ها. ک ۱۰/۳۵.

ک زور: zōhr: زور، آب تقدیس شده آمیخته با پراهوم یا شیر یا هوم است که برابر آئین های ویژه در مراسم مذهبی اجرای یسنا یا ویسپرد... بکار میرود. زور دو نوع است ۱- آب زور (زور آبی- مایع) چنانکه در بالا آمد. در ک ۲/۴۳. ک ۷/۹.
ک ۱۳/۹.

۲- زوری که به آتشهای مقدس پیشکش و فدیة می شده چون چربی حیوانات قربانی در برخی مراسم. ک ۱۲/۵. ک ۱۵/۱۲. ک ۱۶/۶.
برای آگاهی بیشتر نک: *M. Boyce. JRAS. 1966, p. 100 ff.*
ستا: zaoθra- (*AiWb. 1654*) فاطر: *(Mir. Man. zwhr)* (*II*, 54). *zōr:* (مینو خرد).

ک زنی، همسری: zanīh: ک ۱۲/۱۴.

کرسد : zufāy : عمیق ک ۷۷/۲

کرسد : zufr : ژرف ، عمیق "ژرف بروزن حرف ، به معنی عمیق است . مطلقا" خواه دریا باشد و خواه چاه و خواه رودخانه و حوض و امثال آن " برهان .
ستا : -jafra (AiWb. 603) پاتر : jfr (Mir. Man. III, 56) . ک ۱۳/۱۹

کرسد : zufr rōstāg : بستر رودخانه ژرف ؟
(گوتوال : low-lying region نک : ص ۸۰ شایست نه شایست) .
ک ۱۳/۱۹

کرسد : zufrāy : ژرفا ، عمیق (نک : واژه های بالا) . ک ۷۷/۲

ککو : zūzag : زوزه ، ژوزه ، جوجه تیغی ، خارپشت ، این جانور یکی از جانوران اهورایی
در دین زرتشت است (نک : پورداود ، فرهنگ ایران باستان ص ۲۱۲) .
ستا : dužaka (AiWb. 755) . ک ۵۹/۲ ک ۳۱/۱۰ ک ۲۰/۱۲

کص : zōt : زوت ، "نامی که به پیشوایان بزرگ مزدیسنا میدهند . خود زرتشت هم
زوت خوانده شده . . . در تفسیر پهلوی زوت بزرگترین پیشوای مذهبی بوده که در سر
هفت موبد دیگر مراسم مذهبی بجای می آورده اند و در وقت فقدان سایر موبدان اومجاز
بوده که به تنهایی تشریفات آئینی بعمل آورد . . . امروز ، اسم زوت به موبدی داده
می شود که . . . پسنا و پسپرد می سراید و مراسم بجای می آورد و به موبد دیگری که در
مقابل او نشسته و نیز به اجرای چنین خدماتی موظف است راسپی نام میدهند . . ."
پورداود . یشتها ج ۱ ص ۱۰۳

ستا : -zaoθra هندی کهن : hotrá (AiWb. 1655) . ۲۰

ک ۱۰/۳ ک ۳۵/۱۰ ک ۹/۱۳ ک ۳/۱۴
کص : zōtīh : زوت بودن . ک ۳۵/۱۰

کزی: zanišn: زنش، زدن، صدمه زدن.

ستا. از: √gan هندی کهن: hānti, hān (AiWb. 490).

ک ۱۳/۱۰-۲۳-۲۴. ک ۲۳-۲۲/۱۵.

کزی: zör: زور، قدرت، نیرو.

۵ (Mir.Man. zwr : فاطر (AiWb. 1689) zāvar- ستا.

. (II, 54). ک ۱/۲. ک ۱۰/۱۰.

کزی: zörömandtar: زورمندتر. ک ۵/۲۱.

کزی^(۱): zand: زند، تفسیر، تعبیر، شرح و اصطلاحاً "تفسیر اوستا.

ک ۱۱/۸. ک ۲۹-۲۵/۱۰. ک ۸/۱۷.

کزی^(۲): zand: قبیله.

۱۰

ستا: zantu- هندی کهن: jantāv- (AiWb. 1660). ک ۴۸-۴۷/۱۳.

کزی: zandbad: زند بد، حاکم زند (ناحیه‌ای از کشور) فرماندار.

ستا: zantu-patay: (AiWb. 1661) ک ۴۴-۱۱/۱۳.

کزی: zandbadān: فرمانداران. ک ۱۵/۱۳.

کزی: zandīg: زندیگ، زندیق، پیروان مانی را زندیق می‌گفتند.

۱۵

"زندیک شخصی را گویند که به اوامر و نواهی کتاب زند و پازند عمل نماید و معرب آن

زندیق است" برهان. نک: کزی^(۱). ک ۷/۶.

کزی: zēh: زه، تراوش، سنج: زه آب، تراوش آب. (نک: کزی).

ک ۸۵/۲.

کو : هز : ZY : ī: که، آن. و معمولا "چسبیده به ضمائر مفعولی میآید.

کوش : هز + š: ZY, īš: کش، کماش، کماو.

کوش : ۱/۳-۱۲-۱۳-۴/۱۲-۸/۲۳-۱۰/۱۰-۱۰/۱۲-۵-۲۶-۱۵/۹-۱۲.

کوش : ZY, m: (۱) īm: مالِ من، آنِ من. ک ۲۸/۱۲.

(۲) کم، که من، ک ۲۶/۱۲.

کوش : īm dēn: دینِ من.

۵

کوش : ziyān: زیان.

ستا : zyānay- هندی کهن : -ojyānay (AiWb. 1701). فاطر:

zyⁿ: (Kotwal. 187). ک ۷۹/۲-۸۰-۸۱-۸۲-۱۲/۳-۲۶-۱۹/۹.

کوش : ziyānag: زن، همسر. ک ۳۰/۱۲.

۱۰

کوش : zēn afzār: زین افزار، سلاح، جنگ افزار.

کوش : zēn: زین، سلاح جنگ.

ستا : zaēna (AiWb. 1650) ارمنی : zēn (Arm Gram 151)

پاتر: zyn (Mir. Man. III, 65). پ: zīn (مینو خرد) + afzār

افزار. هندی کهن-√har نک: Nöldeke ZDMG. 32, 408.

۱۵

GNPE. 23_ پ: awazār (مینو خرد). ک ۶/۱۲.

کوش : zīvād: زیواد، زندگی کناد.

ستا : -jīva- هندی کهن: -jīvā (AiWb. 609) و نیز : √gay

(AiWb. 502) فاطر : zyw (Mir. Man. II, 54). پاتر: jyw

Mir. Man. III, 56). ک ۳۲/۲۲.

۲۰

کوش : zīvišnih: زیویشی، زیشی، زنده بودن. مقدمه کتاب.

کپوهه: zīvēh: زیوی، زندگی کنی، بزی. ک ۲۱/۲۲.

کپنو: zīndag: زنده (نک: واژه های بالا) ک ۱۰۷/۲. ک ۱۰۵/۵. ک ۱۴/۹. ک ۲۱/۱۵.

کپدوو: zīndagīh: زندگی، زیستن. (نک. بالا) ک ۱۳/۳۸. ک ۵/۶.

کپانو: zīvandag: زنده، زیونده، زندگی کننده، جاندار. ک ۷/۸.

*

۴۰: 40: ۴۰

ستا: -caṭwarəsat- : catvārīṣāt (Jackson. 106)

ک ۱۵/۳ ک ۵۱/۱۳

۴۱: ۴۱: ۴۱

دو ۳ و ۱۹ : gānag- : سه گانه . ک ۱/۱۲

۵

۴۲: ۴۲: ۴۲

ستا: -syāva- (GNPE. 1631) syāva- : سنج : syawaršan : سیاوش . ک ۵/۲

۴۳: ۴۳: ۴۳

ستا: -sač- (GNPE. 152)

نویس نواد ۱۱۱ : sāxt ēstēd : ساخته است . ک ۲۸/۲

۱۰

۴۴: ۴۴: ۴۴

۴۵: ۴۵: ۴۵

ستا. از : *gaēθanām* (که حالت اضافی جمع مؤنث است از. : *gaēθā*
 پهلوی: *gētē*: فن: گیتی) *AiWb.* 476. ک ۱/۶. ک ۱۳-۹-۵-۱۳-
 ۴۲. ک ۱۵/۷-۸-۹-۱۱. (دو مرتبه) ۱۳-۱۲- (دو مرتبه) ۱۹-۱۴- (دو مرتبه)
 ۲۵-۲۴-۲۵-۲۶-۲۹. ک ۲/۱۶. ک ۳-۲/۲۵-
 درج جهان، اندر جهان. ک ۱/۶. ۵

سخت، محکم. *saxt*:
 هندی کهن: *√cak-*, *çaknōti*: توانایی، قدرت. سا : *çaktā-*
 توانا (GNPE. 160). ک ۲۱/۳.
 سخت تر، محکم تر. ک ۴/۱. *saxt tar*:

ساخته شده، آماده شده. (نک: همین). ساخته شده، آماده شده. ۱۵
 ک ۱/۱۲. *sāxtag*: بجای

سازم، بسازم. *SGYTWN*, *nd*: *ravēnd*: رَوَد.
 ستا: *√rav-* (GNPE. 137). ک ۴/۱۳.
 بروند. ک ۲۸/۳. ک ۱۲/۴. *be ravēnd*:
 بروند، بروند. ک ۲۳/۱۵. *abar ravēnd*: ۱۵

سازم، بسازم. *yt*, *...*: *ravēd*: رَوَد.
 ک ۲۸/۳. ک ۱۲/۴. ک ۶/۹. ک ۱۹-۱۲/۱۰. ک ۹/۱۳. ک ۲۶/۱۵.

سازم، بسازم. *sazišnīg*: سپری شدنی، گذرا، فانی.
 فب.: *θakata*: انجام شده. (Kent. 187).
 ستا: *sak-*. گذشته (همان جا). ک ۱۳/۲۰. ۲۰

سازم، بسازم. *sāzum*: (نک: *çum*). ک ۹۱/۲.

ستار: sāstār: ستگر، ظالم.

ستا: -sāstar هندی کهن: -sāstār (AiWb. 1573). پاتر:

: s'st'r (Mir.Man. III, 61). ک ۱۵/۱۰.

سار: sār: "پرنده‌ای است سیاه و خوش‌آواز که خالهای سفید ریز دارد".

برهان. ک ۹/۱۰.

۵

سال: sālag: ساله، سال.

این واژه بیشتر به صورت هزوارش سارو : ŠNT, k: بکار میرود.

(نک: همین واژه). ستا: -sarəka (AiWb. 1567) فاتر: s'r (Mir.

Man. III. 61). ک ۸/۲. ک ۹/۴. ک ۲-۱/۵.

پانزده ساله: pānzdah sālag: ک ۲/۱۳.

۱۰

سالگان: sāligān: سالگانه، سالیانه، اصطلاحاً "منظور سالروز در-

گذشت افراد و مراسمی که در این روز اجراء می‌شود است" ک ۵/۱۷.

ساریگر: sārīgar: سارگر، ساره، سار کوچک (نک: سار).

این واژه را تاوادی مرکب میدانند از سار: sār + د: I: کسره.

افزافه + و: gar: کوه و رویهم: سارکوهی (نک. Tavadia. ŠnŠ.

p. 32. اما داور به شکل یک واژه که در بالا آمد آنرا نوشته است.

۱۵

سهمگین: sahmgēn/sahmgōn ۱۴.

در مینوی خرد ۱۱۵ (بخش ۱ بند ۱۱۵).

فاتر: shmy:n (Mir.Man. I, 43). ک ۹/۱۵.

سایه: sāyag: ۲۰.

ستا: -a-saya- هندی کهن: čhāyá (AiWb. 208) فاتر: s'yg

(Kotwal. p. 169). ک ۵/۲ . ک ۱/۲۱-۳-۵-۶-۷.

*

دس: ۴۱: 41.

دس: spās: سپاس.

ستا: (2) √spas- هندی کهن: spās (AiWb. 1614).

ک ۱۸/۱۳ . ک ۵/۲۲

۵

دس: x^Vast? : کوبیده؟ . در پهلوی وندیداد ۷ بند ۳۵ در ترجمه واژه
اوستایی : x^Vastanām واژه پهلوی : (دس: ۱۳۳) آمده و کاپادیا آن
را : splitcorn = falhhúnast یا Corn separated
from kusks. معنی کرده و تا وادیا نیز با توجه به این امر ، آن را : x^Vast=
trashed straw خوانده است.

۱۰

Pahlavi Vendidad V. 35.

نک :

Pahl. V. Glos. Kapadia, p. 488.

و :

ŠnŠ. Tavadia, p. 71.

و :

ک ۱۱۹/۲

۱۵

دس: sparm: سپرم ، اسپرغم ، گل ، ریحان .

فاتر: ^csprhmy:n (Mir.Man. II, 15) . ک ۷/۱۰

دس: span(n)āg: سپنا ، سپنتا ، مقدس .

ستا: -spanta (AiWb. 1619).

دس: spannāg mēnōg: سپنامینو ، مینوی مقدس ، ضد آن :

۲۰

انگزه مینو = اهریمن است . ک ۲۸/۱۳-۳۶

دس: spōzēd: (گوتوال) postpone, neglect. : اهمال ،

غفلت و سستی . ستا : √spōz , در صورتیکه اگر واژه را : spanjēd

بخوانیم به معنی سنجد، سیری شود، بگذرد، معنی بامتن بیشتر تطبیق می‌کند.

ک ۳۱/۱۲.

دوراد: spurz: سپرز، "طحال و یکی از احشا که واقع است مابین معده و اخلاص غلط" فرهنگ نفیسی.

ستا: spərazan-: هندی کهن: -pliḥān (AiWb. 1623).

۵

ک ۴/۱۱.

دوراد: spand: سپند، سپند[نسک]، نام نسک سیزدهم اوستای کهن بوده است.

(نک: Hauge, ESSAYS, p. 131). ک ۴/۱۰. ک ۳/۱۲-۱۵-۲۹.

دوراد: spandmad: سپندمد، سپندارمد، ایزدموکل و نگهبان زمین و نیز نام

پنجمین روز از هر ماه و ماه آخر هر سال.

۱۰

ستا: -spānta. Ārmaiti. (AiWb. 1619).

ک ۲۳-۲۲-۲۰/۱۵. ک ۵/۲۲.

دوراد: spandmad, it: سپندارمد ترا. ک ۵/۲۲.

دوراد: spandmad gāh: سپندمدگاه، سومین گاه از پنج گاه است که

شامل یسناها، ۴۷ تا ۵۰ می‌باشد. ک ۱۳/۱۵-۳۴-۵۱.

۱۵

دوراد: spandarmad: سپندارمد.

درا اینجا منظور دو واژه: spāntā. mainyō است که واژه های آغازی بند ۱

یسنا ۴۷ می‌باشد. ک ۳۳/۳.

دوراد: spihr: سپهر، فلک، آسمان.

فاتر، پاتر: spyr (Kotwal. 170) برای این واژه نک: Henning.

۲۰

JRAS, 1942, pp. 239-40. ک ۳۱/۲۲.

دورس spitāmān : سپیتمان، نام نهمین نیای زرتشت بهامبر باستانی ایران
است که خاندان زرتشت به این نام خوانده می شود.

ستا: spitāma- (AiWb. 1624) ک ۴/۱۱ . ک ۲۳/۱۲ .

دورس spitāmān zartušt : زرتشت سپیتمان.

ک ۱۴/۹ . ک ۲۳/۱۲ . ک ۴/۱۵ .

۵

دورس spēg : شکوفه، جوانه.

ستا از: fraspərəya- (AiWb. 1003) برای این واژه نک، Bailey,

TPS 1956.pp.103-04 . ک ۲/۱۲ .

دورس spēg i urvarān : جوانه گیاهان. ک ۲/۱۲ .

*

۱۰

دورس dīd : دید، دیده.

ستا: dā(y) نب di : سا dhī : فکر کردن. Kent. 191.

شکل هزوارشی آن که بیشتر در نوشته های پهلوی بکار رفته معصص ۱۱۱ است.

نک. معصص ۱۱۴ . ک ۶۳/۲-۶۶-۷۱ . ک ۱۲/۱۰ .

معصص gētī(g) : گیتی، جهان.

ستا: gaēgā- (AiWb. 476) فاطر: gytyg ونیز (نک: موسی) .

ک ۱۳-۲/۲۰ .

۱۵

معصص stāyīdār : ستایشگر، ستاینده. ک ۲۱/۲۲ .

معصص stambag : ستماگر، ستماگر، بیدادگر.

ستا: stamba- (AiWb. 1606) فاطر: stmbg(yh) (Mir.

Man. II, 63). ک ۲۶-۲۲/۱۵ .

۲۰

معصص stahmbagān : ستماگران، بیدادگران. ک ۹/۱۵ .

ستاهمب: stahmb: ستم، ظلم، بیداد. (نک. واژه بالا) ک ۱۲/۱۵:

ستاهمگ: stahmag: شدید، تند، سخت.

ستا: -staxma* (GNPE. 159). ک ۲۹/۳.

ستان: -stān: پسوندی است که به اسم افزوده شده و اسم مکان سازد.

نک: ۱۶ (دوم) ۳. ک ۲۰/۱۲. ۵

ستایاد: stāyād: بستاید (فعل دعایی است). از: √stāy: ستا، بستا، ستایش کن.

ستاز: √stav: ستودن. سنج: سا: stāumi (AiWb. 1593)

فاتر: 'st'y (Mir.Man. II, 63). پاتر: st'w (Mir.Man. III. 51). ک ۲۷/۲۲. ۱۹

داند: be stāyād: بستایاد. ک ۲۷/۲۲.

ستایش: stāyišn: اسم مصدر از ستای (نک. واژه بالا).

ک ۴۶-۴۵-۴۰-۳۹-۳۸-۳۶-۳۵-۲۶-۲۵-۲۴-۲۳-۱۸/۱۳

ستابراک: stabraḡ/stavrak: ستبرق "ستبرق، به کسر اول و فتح ثالث

و سکون پای موحد و فتح رای مهمله ع معرب استبره و آن دیبای سفت و گنده است مثل
اطلس... "آندراج". ک ۴/۴. ۱۵

ستیر: stēr: استیر، ستیر، استار، سیر.

واحد وزن برابر یک چهل من "استیر (= استار = سیر). و اهل خراسان یکمن را چهل

استیر گیرند "نفايس الفنون ۱- ۸۴۰ س ۱ به نقل از یادداشت‌های قزوینی ج ۱ ص ۵۸

فردوسی: زهی برکمانش بر از چرم شیر یکی تیر پیکان او ده ستیـــــر. ۲۰

(شاهنامه ژول مول بیت ۱۳۴۵). ک ۲۶-۲۵/۳.

ستاره: star:

ستا-: star- هندی کهن: stṛbhih (AiWb. 1598) فاطر: st'rg
(Mir.Man. I. 44) پ: stāra (مینو خرد).

ک ۴/۱۱ ک ۵/۱۲-۷ ک ۴/۱۴

هرمزد، مخلوق هرمزد. ک ۴/۱۴
ستاره آفریده: star ī ōhrmazd dād: ۵

گیتی خرید، اصطلاحاً "یعنی خریدن آخرت در دنیا،

و این کار طی آئین و مراسمی، چه برای زندگان و چه برای درگذشتگان، انجام میشده
(مشابه خرید نماز و روزه و اجیر کردن شخص برای انجام مراسم حج جای کسیکه خود

۱۵ قادر به انجام آن نیست در مذهب ما). برای آگاهی بیشتر نک: Modi, J. J. Rel. Cer. and Cust pp. 406-407. ک ۶/۵

بی قدرت، ضعیف، ناتوان، ستوه. stav/stōv:

"ستوه... به معنی ملول و عاجز شده و بازمانده و به تنگ آمده و افسرده باشد".

برهان.

۱۵ فاطر: stw: پ: stuh (Kotwal. 171) پ: stwb'd

(مینو خرد). ک ۲۸/۱۳

ستوه: stōv bavēd: ناتوان شود، عاجز شود. ک ۲۸/۱۳

گیتی: gētō xrid: گیتی: gētōfrid: بجای

خرید (نک: واژه بالاتر). ک ۶/۵

۲۰ ستوت یسن یا ستوت بهشت را اوستاشناسان نسک: stōtān yasn:

بهیست و یکم اوستا شمرده اند. در روایات فارسی نسک نخستین شمرده شده، درباره
این نسک آراء گوناگون ابراز شده، در هر صورت آنرا دارای ۳۳ فصل (ها) دانسته اند.

نک: پورداود، یسن، ج ۱، ص ۳۱-۳۰.

Darmesteter, ZA I. p.LXXXVII; K.F.Geldner, (و نیز) in Avesta Pahlavi and Ancient Persian Studies in honour of.....P. B. Sanjana. p. 39. ۱/۱۳.

۵ **ستوتگر** *stōtgar:* ستوتگر (نسک). ظاهراً "نسک بیست و یکم از اوستای کهن بوده که دارای ۳۳ بخش بوده است. (نک. واژه پیشین) (رک *Hauge. ESSAYS. p. 126. ک ۸/۱۰. ک ۳۲/۱۲.*)

گیتوگ خرید *gētōg xrid:* گیتی خرید. (نک: **ستور**) *ک ۳۰/۱۲*

۱۰ **سدوش** *ḡdōš:* سدوش. سه شب اول پس از درگذشت کسی. *ک ۱۶-۶/۸. ک ۰۲/۱۰. ک ۵/۱۲-۳۱. ک ۶/۱۷.*
روزهای سدوش *ḡdōš rōzagihā:* روزهای سدوش. روزهای سه شب اول درگذشت کسی. و منظور از آن سه روز پرهیزی است که درخانه‌ای که کسی درگذشته باید بجا آورد، و آن عبارت است از اینکه در این سه روز و سه شب دود نباید از آشپزخانه برآید و گوشت نباید در آن خانه مصرف شود. *ک ۵/۱۲*

۱ **ستور** *stōr:* ستور، چهارپای (گاو و گوسفند و.....).
ستا *staora-* (*AiWb. 1590*). *ک ۱۹/۱۳. ک ۱۱/۱۹.*
ستورنر *stōr ī gōšn:* ستورنر. *ک ۱۱/۱۹.*

۲۰ **ستور** *stūr:* ستور، ستور، قیم، سرپرست برای اطفال صغیر پدر مرده.
(نک: *Bartholomae, zSR, v. p. 23n., p.34n.*) *ک ۱۴/۱۲.*

مع ۱۱۱: dīdan: دیدن.

هزارش آن که بیشتر در نوشته های پهلوی بکار رفته مع ۱۱۳ است.
(نک: همین). و نیز نک: مع . ک ۱۰/۱۰.

مع ۱۱۴: sadvēs: سدویس (ستاره).

۵. هویت سدویس امروز مورد تردید است. بعضی توجیه: Khareghat را پذیرفتند.
که آنرا با سهیل یا : Conopus یکی میداند.
(نک: Sir J.J. Madressa. Jubilee vol. 1914.
E. Herzfeld in: M. P. p. 116-156. و نیز نک:
Khareghat Memorial vol. p. 109. دیگران این ستاره را با قلب
العقب: Antares یکی میدانند. نک: West. SBE. v. p. 12. n. 2.
و نیز: 47-246 pp. JRAS. 1942 Henning. (Kotwal p. 107)
ستا. : -satavaēsa (AiWb. 1556). ک ۵/۱۴.

مع ۱۱۵: gētē: گیتی، جهان، دنیا (نک: مع ۱۱۶).

ک ۱۳/۹. ک ۳۰/۱۲. ک ۴/۱۵-۵-۶-۲۷. ک ۱/۱۸. ک ۱۰/۲۰-۱۲.

مع ۱۱۶: sēdīgar: سدیکر، سوم. ۱۵

ستا : -θritiya (AiWb. 807) فاطر. sdyg (Mir. Man.
. 62, II. پ: sadīgar (مینو خرد).
ک ۱/۲. ک ۹/۹. ک ۱۳/۱۹-۲۹. ک ۴/۱۷.

مع ۱۱۷: stēr: ستیر، استیر، سیر (نک: مع ۱۱۸).

ک ۲/۱. ک ۳/۷. ک ۳/۸. ک ۲/۱۱. ک ۵-۴/۱۶. ۲۰

مع ۱۱۸: spandarmad: شکل نادرست مع ۱۱۹: سپندارمداست.

(نک: همین واژه). ک ۲۸/۱۰. ک ۴/۱۱. ک ۱۳/۱۴-۳۵. ک ۳/۱۵-۵. ک ۱/۲۳.

راید موز: be zazēd: بگذرد، سپری شود. ک ۱۷/۲۰.

٥ ستا navaiti-: ل navati : (Jackson. 106) ك. ٢/١.

رواس: ۵۳: ۵۳ (پنجاه و سه) . ک ۲/۲۶

۱۵. قولہ "sar: سر، اول، آغاز

ستا:-sarah: کله، سر. هندی کهن : śīraz- (AiWb. 1565)
ک ۲۱/۵-۶-۷۰

فول (۷) dēr: دیر، دراز، طولانی (گوتوال: dagr به همین معانی).
 ست: -darəyā هندی کهن: -dirgha (AiWb. 693) مقدمه. ک ۵/۳.
 ک ۳۲/۲۲ ۱۵

فرد: gīrād: (۱) گیرد، بگیرد، [جای] بگیرد، [جای] نگهدارد.
ک ۲۹-۹/۲۲

(۲) حفظ کند، محافظت نماید. ک ۱۱/۲۲-۱۳.

(۳) بپذیرد، قبول کند. ک ۲۲/۲۱.

۲۰ (۴) بجای وولسو: gîrând: بگیرند. سگ وولسو: ma gîrând: بگیرند، نکنند، روا ندارند. ک ۱۷/۲۲.

ستا : $\sqrt{\text{grab}}$: گرفتن. (*AiWb.* 526)

فولک ۱۳۳: *srāyīšn*: این واژه آوانویسی: *θrāyō* اوستایی می باشد که معنی تغذیه، پرورش دادن و غذا دادن را دارد و عبارتی که این واژه در آن بکار رفته مأخوذ است از بندهای ۴ سیروزه ۱ و ۲.

۵ *marəždīkāi. θrāyō. driyaova*: (برای آگاهی بیشتر نک: *Kotwal. ŠnŠ. p. 96. n. 4.* ک ۴/۱۱).

فولک ۴: *sрубēn*: سربین، چیزی که از فلز سرب ساخته شده.
ستا -: *srva* از **sru*: (*AiWb.* 1649) نک: فولک ۳۴/۳. ک ۳۴/۳.

فولک ۶: *sardag*: سرده، نوع. "سرده بر وزن آمده... به معنی نوع باشد و انواع جمع آن است". برهان.

ستا -: (*AiWb.* 1649) *sarəḡa*.

فولک ۱۳: *sardagān*: سردهها، انواع. ک ۱۰۹/۲. ک ۸/۱۰.

فولک ۶۶: *dēr-zamān*: دیرزمان، درازمدت. (نک: هر یک از دو بخش).
ک ۵/۳.

فولک ۷۲: *dēr-zīvād*: دیرزیاد، درازبادعمرش، دراز زندگی باد. (نک: هر یک از دو بخش). ک ۳۲/۲۲.

فولک ۷۳: *dēr-zīvišnīh*: دیرزیوی، دراز زندگانی. (نک: هر یک از دو بخش). مقدمه کتاب.

فولک ۷۴: *srašg*: سرشک، قطره [آب].

ستا -: (*AiWb.* 1644-45) *sraskā*. پاتر *srsk*: ک ۲۸/۳. ک ۲۸/۱۵.

سارم: sarmāg: سرما. این واژه اسمی است که با افزایش پسوند: -āg به صفت sard ساخته شده و قاعدتا "باید سردا می شد لکن با شباهت به گرم ← گرما، آن نیز سرما شده است.

ستا: sarəta (AiWb. 1566). ک ۲۱/۳.

سارم ای سخت: sarmāg ī saxt: سرمای سخت. ک ۲۱/۳.

۵

سرُب: srubēn: سربین، چیزی که از سرب ساخته شده (صفت نسبی است).
(srub + ēn). نک. سارُب. ک ۱۱۷/۲.

سروش: srōš: سروش، ایزدسروش. ایزدنگهبان آدیان است و نیز محافظ روح بشر در سه روز و سه شب نخستین پس از مرگ تا رسیدن روان به پل. دو "ها" ی ۵۶ و ۵۷ پسنا درستایش این ایزد است. ها ۵۶ سروش یشت ها دخت نامیده شده... و ها ۵۷ سروش یشت بزرگ است. "پوردواد، یسنا ج ۱ ص ۳۱ و نیز نک. همو. یشتها ج ۱ ص ۵۲۳.

۱۰

ستا: -sraoša (AiWb. 1634). ک ۴۳/۱۳. ک ۳/۱۷. ک ۶-۳/۱۷. ک ۱۷/۲۲. ک ۳/۲۳.

سروش اهراف: srōš ahrav: سروش پرهیزگار، یا پارسا.
(پارسا، صفت سروش ایزد است). ک ۱۷/۲۲.

۱۵

سرود: srūd: سرانید. (نک: واژه زیر). ک ۲/۱۳.
بسرود: bē srūd: بسرانید. ک ۱۰/۸.

سرودن: srūdan: سرودن.

ستا: -sraota از: srav (AiWb. 1633). ک ۱۹/۱۲.

۲۰

سروش چرنام: srōščarnām: سروش چرنام، مطابق با نوشته این کتاب، نام یکی از گناهان است، در بعضی نوشته های بازمانده دینی زردشتی این گناه با "فرمان" یکی

دانسته شده است. برای آگاهی نک: *Kotwal. ŠnŠ. p. 96 n. 2.*
 و نیز. *Tavadia. ŠnŠ. pp. 14-15.*
 ستا: *(AiWb. 1636-37) sraōšō-čaranā-* ک ۱۱/۱-۲.

۵ **سروش چرنام**: *srōšō čarnām*: (نک. واژه بالا).
 این واژه افزون بر آنکه نام گناهی ست (چنانکه در بالا آمده) مقدار کفاره و توزشی است
 که مرتکب این گناه باید بپردازد تا از گناه مبرا شود، و نیز نام شلاق و تازیانه‌ای است
 که اجراء کننده حد با سروشاوَرز (ستا: *sraošāvarəza-*) به تن گناهکار وارد
 می‌آورد. ک ۱۴/۴. ک ۳/۵. ک ۳/۶. ک ۹/۸. ک ۲۴/۱۰. ک ۲/۱۳. ک ۵/۱۶.

۱۰ **دیرنگ**: *dērang*: دیرنگ، دیرپای، دراز، طولانی.
 ستا: *(AiWb. 693) darga/darəya-*.
دیرنگ زمان: *dērang zamān*: دیرزمان، زمانی دراز. ک ۸/۱۵.

سروش: *srūv*: شاخ.
 ستا: *-srū, -srvā*: ناخن، شاخ. *(AiWb. 1642)*. ک ۶/۲.

۱۵ **سروش**: *YBLWN, t: burd*: بُرد (نک: واژه زیر).
 ک ۱۰/۸. ک ۲۵/۱۰. ک ۲۹/۱۲. ک ۳۱/۲۲.

سروش: *abar burd*: ابلاغ کرد. ک ۲۵/۱۰.
سروش: *nām burd hēd*: نام برده است. ک ۳۱/۲۲.

۲۰ **سروش**: *YBLWN, tñ: burdan*: بُردن (مصدر).
 ستا: *bar* / *hēd* *هندی گهن*, *bhārti, bhārati* (*AiWb. 933-42*).
 فاطر: *(Mir. Man. II, 48) bwrđn*. ک ۵۲-۵۰-۴۰-۱۰-۹/۲.
سروش: *be burdan*: به بردن. ک ۱۰/۲. ک ۵/۱۰.

فولاد ۳۳ : هز: barišn: YBLWN, šn (اسم مصدر) بردن.
 ۰۹/۸ ک ۰۹/۷ ک ۰۱۴/۴ ک ۰۳۴/۳ ک ۰۸۹-۸۵-۴۳-۳۸-۱۰-۹-۷-۶/۲ ک
 ۰۱۳-۱۲/۲۰ ک ۰۳/۱۲ ک

فولاد ۱۱ : هز: barēnd: —, nd: برندن، ببرند.
 ۵ راند فولاد ۱۱ : be barēnd: ببرند. ک ۰۱۴/۱۷

فولاد ۱۲ : هز: barēd: —, yt: برد. ک ۰۹/۸ ک ۰۸۷-۶۳-۶۲-۱۳-۱۲/۲ ک
 ۰۱۹/۲۲ ک ۰۹/۲۰ ک ۰۲۶/۱۵ ک ۰۱۵/۱۳ ک
 ۱۱ راند فولاد ۱۲ : be barēd: ببرد. ک ۰۹/۸ ک ۰۹/۲۰ ک
 ۱۲ سبب فولاد ۱۲ : ma ē barēd: نبرد، داخل نکند. ک ۰۲۶/۱۵

۱۰ فولاد ۱۳ : ydy: —, barēd (راستارگریوا ص ۰۱۳۹)
 بُرید، بُرید. ک ۰۷۸-۶۲-۵۰-۳۸-۳۶-۲۹-۲۸-۲۷-۲۶-۲۴-۱۸-۶/۲ ک
 ۰۲۹-۱۹-۱۵-۲/۱۳ ک ۰۳۴
 ۱۱ راند فولاد ۱۳ : be barēd: ببرید. ک ۰۳۸-۶/۲
 ۱۲ فولاد ۱۳ : abar barēd: اَبَر بُرید، بُرید. ک ۰۱۹/۱۳

۱۵ فولاد ۱۴ : هز: vad: SLY^۳: بد، ناپسند. ک ۰۱۰-۹/۹
 فولاد ۱۴ : vadtar: SLY^۳, tr: بدتر. ک ۰۱۰/۱۷ ک ۰۱۶-۹/۲۰
 فولاد ۱۴ : vadtarān: SLY^۳tr^۳n: بدتران.
 ک ۰۲۹/۱۳ ک ۰۱۸/۱۵ ک ۰۱۶/۲۰
 فولاد ۱۴ : vadtarīh: SLY^۳, tryh: بدتری. ک ۰۹/۲۰

۲۰ فولاد ۱۵ : srīt: سَریط، اِترط (نام خاص) نام کسی است که ظاهراً "نویسنده" بخش
 ۲۲ کتاب است. ک ۰۳۲/۲۲

دود ۳۴۳: srišūdag: یک سوم . ۱

ستا: -θrišva (AiWb. 812) . ک ۸/۹ . ک ۲۶/۱۰

دود ۱۴: sargōn: سرگین، فضله حیوانات .

ستا -: sairi: کود (AiWb. 1567) . gaona+ . ک ۱۷/۲-۳۷-۱۰۹ .

دود ۱۴۱۱: sargōn āduristar: سرگین خاکستر، نیرنگی که ۵

برای طهارت زن دشتان و دیگر چیزهای نجس استفاده می شده . ک ۱۷/۲-۳۷ .

*

دود ۳۳۳: samād: ترسد .

از : sam ترس، ترسیدن، این معنی پیشنهادی: West است که کوتوال -

هم آن را پذیرفته و از: -haēθahya (46.6) اوستائی دانسته است .

(نک: (Kotwal. ŠnŠ. p.169) . ک ۱۵/۱۹ ۱۰

دود ۱۱: dast: YDH: دست .

ستا: -zasta هندی کهن: -hāsta (AiWb. 1685) فب: -dasta

(Kent. 190) فاطر، پاتر: dst پا dast: (مینوخرد) . ک ۴۴/۲-۶۹-

۷۰-۷۱-۹۲ . ک ۱۰/۳-۱۲-۲۱-۲۷ . ک ۲/۷-۷ . ک ۲۲/۸-۲۲ . ک ۸/۹-۱۰ . ک ۱۵/۱۰-۲۲-

۲۳-۳۸ . ک ۱۵/۱۲-۱۶-۲۷ . ک ۱/۱۵-۲ . ک ۲/۱۶-۳ . ک ۳/۱۷-۵/۲۰-۱۲-۱۳ . ۱۵

دود ۱۱۱۱: dast šabīg: دست شبی . منظور شستن دست پس از خواب

شبهه است . (Tavardia. ŠnŠ. p. 101) . ک ۷/۷ .

دود ۱۱۱۱۱: dast šustan: دست شستن . ک ۲/۷-۸/۹ .

دود ۱۱۱۱: dast šōy: دست شوی، منظور وضو یا پادپاب کردن است بانیرنگ .

ک ۴۴/۲ ۲۰

دود ۱۱۱: farrah/x^varrah. GDH: فره، خوره، فرّ .

ستا: -x^varənah (AiWb. 1870) فاطر، پاتر: frh (Mir.Man. 54) . II, 54) .

x^varəh: (مینوخرد) . ک ۸/۹-۱۲/۱۹-۱۳-۱۵ .

ک ۲۵/۲۲

فره شهر: xVarrah ī šahr: ک ۱۳/۱۹

فره روی، فره چهره: xVarrah ī rōy: ک ۱۵/۱۹

فره کوه: xVarrah ī gar: ک ۱۲/۱۹

*

۵ هز: BYN: andar: اندر.

شکل غیر هزوارشی آن ۳۰۰ است.

ستا: antar: ۳۰۰ antar: (AīWb. 131) این هزوارش

در معانی زیر بکار رفته است.

(۱) اندر، در (حرف اضافه). داخل. ک ۱/۲-۵-۱۵-۱۶ و ۱۰۲ جای دیگر.

(۲) پیشوند یا پیشواژه فعلی است. ک ۱۰/۲-۴۴-۵۱-۵۲-۹۰. ک ۳/۴-۸. ک ۷۰/

۲. ک ۳/۱۰-۱۰-۲۸. ک ۱۲/۲۱-۲۳-۲۹. ک ۱۳/۹. ک ۱۲/۱۰.

(۳) پسواژه فعلی است. ۳۰۰ šavēd andar: اندر شود.

ک ۱۳/۲۹.

(۴) در معنی به (جای ۳۰). ک ۸/۲.

۱۵ ۳۰۰ andar zamān: درجا، فوراً. ک ۲/۱۵-۱۶.

۳۰۰...abar: andar...: اندر... بر. ک ۱۲/۲۹.

۳۰ (۱) dēn: دین، کیش، مذهب.

ستا: daēnā- (AīWb. 662) فاطر: dyn: (Min. Man. II, 51).

ک ۱۲/۲۳-۲۸. ک ۱۳/۲-۲۹. ک ۱۷/۷. ک ۱۸/۱. ک ۲۲/۲۴. ک ۲۳/۴.

۲۰ ۳۰ (۲) dēn: دین، نام روز بیست و چهارم هر ماه و ایزد موکل این روز است.

ک ۲۲/۲۴. ک ۲۳/۴.

۳۰ dēn, it: دین ترا. ک ۲۲/۲۴.

۳۰ (۳) jīv: جیو، جیوام یا جیوم. شیرآمیخته با آب زور است که در آئین‌های

مذهبی بکار می‌رود. در توضیح این واژه نظریات متفاوتی ابراز شده "وست" آنرا از cūm: به معنی چربی میداند که بر نان درون گذارده می‌شود و "بهر و چا" آنرا "gotra" کره یا چربی یا گوشت قربانی.
برای این نظریه ها نک: *Tavadia. ŠnŠ. p. 46.* زیر نویس نمره ۱
مربوط به بند ۴۳. ک ۴۳/۲.

۵

𐭥𐭮𐭲𐭮𐭲: 𐭥𐭮𐭲𐭮𐭲: dādīstān: دادستان.
(۱) کنش، عمل و معمولاً مترادف با 𐭥𐭮𐭲: kār: کار، می‌آید. ک ۲۵/۱۰.
(۲) داوری، قانون، حکم. ک ۶/۱۳. ک ۳/۱۶.

۱۰

𐭥𐭮𐭲𐭮𐭲: snēh: سنه. کوتوال: شلاق، تازیانه. اما در فرهنگهای فارسی (برهان و ...) به معنی لعنت و نفرین و دشنام آمده. در "ترجمه ای آهنگین از دوجز قرآن (پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی). چاپ بنیاد فرهنگ ایران ص ۷ در تفسیر آیه شریفه ۸۷ سوره یونس آمده. "... موسی فرعون را سنه خواند" یعنی لعنت و یا نفرین کرد.
ستا: -snaθa: ضربت (*AiWb. 1627*). ک ۴-۳-۲/۱۶.

۱۵

𐭥𐭮𐭲𐭮𐭲: gyāg: جا، محل، مکان.
ستا: -gāθw-/gātav- 𐭥𐭮𐭲𐭮𐭲: gātu- 𐭥𐭮𐭲𐭮𐭲: gāθu- (*Kent. 183*). فاطر: gy³g (*Mir. Man. II, 49*).
ک ۱۰/۲-۱۱-۱۲-۱۵ و ۴۳ بار دیگر.
𐭥𐭮𐭲𐭮𐭲: gyāg-ē: جایی. ک ۷۲/۲ و ۷ جای دیگر.
𐭥𐭮𐭲𐭮𐭲: gyāg ī daštān: 𐭥𐭮𐭲𐭮𐭲: gyāg: جای دشتان، دشتانستان،
محلّی که زنان در حال دشتان بودن آنجا زندگی میکردند.
(نک: 𐭥𐭮𐭲𐭮𐭲: gyāg-ē). ک ۶/۳.

۲۰

𐭥𐭮𐭲𐭮𐭲: dēnāgāh: دین آگاه، متقی، پرهیزگار، کسی که به امور دینی آگاهی

دارد. ک ۲/۱۲.

دیوار: devār: دیوار.

فاتر: dyw'r (Mir. Man. II, 50) ک ۳۸-۳۹-۳/۱۰.

دیوار: devār-ē: یک دیوار.

دینباران: dēnbarān: دینوران، علمای دینی، روحانیون. (dēn+bar+ān).

فاتر: dynwr (Mir. Man. II, 51) ک ۳/۸.

دین بردار: dēn burdār: دین بردار، روحانی، معلم و آموزنده امور دینی.

لقب و صفتی است که به مهراسپند داده شده. ک ۴/۲۳.

دین بنده: dēn bandag: یعنی کسیکه به دین معترف و خستواست و پیروی

و بندگی از دستورات دینی میکند. لقبی است که نویسنده بخش ۲۱؟ (یاتمام کتاب)

به خود داده است. ک ۸/۲۱. (پایان نوشت).

سفت، دوش، شانه "به ضم اول و سکون ثانی. دوش را گویند"

برهان.

ستا: -supti هندوی کهن: (AiWb. 1583) واژه به شکل سوت و

نیز آمده است. ک ۱۵/۱۵.

سود، بهره: sūd: سود.

ستا: -sava از: sav (AiWb. 1561) فاطر: swd (Mir. Man.

II, 62) ک ۱۳-۲۱. ک ۱۲/۱۰. ک ۱۴/۱۲.

سودا: sūdāg: سوده، سائیده، شکسته.

این واژه را تاوادیاه غلط، مفید ترجمه کرده (نک: Tavadia. ŠnŠ. p. 165)

۲۰

لکن چنانکه در بالا آمد معنی آن شکسته و سائیده و دست و پا شکسته و مفلق است.
چنانکه دابار نیز بیان داشته. (نک: *B.N. Vhabhar. Essay.*
pp. 136-145.

ستا. از: *an-usāvant-* (129) *AiWb.* ک ۶/۱۰.

- ۵ *sūdagih:* سودگی، سائیدگی، شکستگی. (نک: واژه بالا).
(در مورد خواندن دعا: با حذف و غفلت و نادرست). ک ۲/۱۴.

sūdan: سودن، سائیدن، خرد و نرم کردن (نک: واژه های بالا).
gōgird... sūdan: گوگرد سائیدن، گوگرد نرم و حل
کردن. ک ۱۶/۱۰.

- ۱۰ *appurēd:* (Junker. 4) *YHNSLWN*, yt: هز: بدزد، دزد،
بدزد، شکل غیر هزوارشی آن *appurdan:* دزدیدن است.
(نک: همین).
be appurēd: بدزد، سرقت کند. ک ۸/۹.

- sōzēd:* سوزد.
۱۵ *saočayāhi*, *saoc:* ستا. از: *GNPE.165* *√cōč* هندی کهن:
gōčati فاطر: *swc*.
nē sōzēd: نسوزد. ک ۱۵/۱۵.

- sust:* سست، نامحکم، ضعیف.
فاطر: (Mir.Man. II, 62.) *swst*.
۲۰ *sust tar:* سست تر، ضعیف تر. ک ۴/۱.

هز: *asp:* (Junker. 4) *SWSY?* اسب، اسب.

ستا: -aspa هندویگهن-āśva (AiWb. 217) فب-asa (Kent. 173)

ک ۲۸-۹/۱۰

اسپ و سب: asp ī kārzārīg: اسب کارزاری، اسب

جنگی. ک ۹/۱۰

۵ سس: -suš: شش، ریه.

ستا: -suš (AiWb. 1586). ک ۴/۱۱

سسس: -sōšyans: سوشیانس، آخرین موعود زرتشتیان از سه موعود است و

چنانکه پیشگویی شده این موعود از: rədat fəfri زاده خواهد شد، از

نطفه زرتشت پیامبر. این موعود چنانکه در کتب دینی زرتشتی آمده در پایان هزاره

سوم ظهور خواهد کرد و در این حال دنیا به پایان رسیده و رستاخیز آغاز میگردد.

۱۰

(نک: صد در بندهش، در ۳۵، ص ۱۰۲).

ستا: -saošyant از: sav: سود. (AiWb. 1551) ک ۵/۱۳

سسس: -sōšyans: سوشیانس (نام خاص) یکی از مفسران و پیشوایان بزرگ

زرتشتی بوده است. ک ۳/۱. ک ۵۶/۲-۷۴-۸۰-۱۱۸. ک ۱۳/۳. ک ۵-۴/۶

۱۵ سس: -sūlāk/sūrāk: سوراخ، سولاخ.

ستا: -suwra: حلقه، کمان (AiWb. 1583)

سس: -sūrāk ī xrafstarān: سوراخ در کمان: لانه جانوران

مودی. ک ۱۹/۱۳

(۱) دēn: دین، کیش. (نک: ۴). ک ۱/۱. ک ۶/۵. ک ۶/۶. ک ۶/۷-۷.

ک ۱/۸. ک ۴/۹. ک ۲/۱۲-۲۳-۲۸. ک ۲۹/۱۳. ک ۷/۱۷. ک ۱/۱۸. ک ۱۵/۱۹.

ک ۴/۲۳. ک ۹-۵-۴-۱/۲۰

۲۰

(۲) idēn: دین، یکی از قوای پنجگانه یا یازده گانه معنوی انسان است که قدرت تشخیص معنوی انسان به شمار میرود. (نک: پورداود، یشتها، ج ۱ ص ۱۶۶-۱۵۹).
ک ۰۸/۹ ک ۰۳۰/۱۰ ک ۰۴/۱۳

۱۴۱ (۲) day: آفریدگار، خداوند، اهرمزد.
ستا: -dačvah: هندی کهن: dadvān: فم. (AiWb. 678-9) dai ۵
ک ۰۴-۲/۲۳

۱۴۲ دن اهراموگه: dēn ahramōgih: بدعتگزاری در دین، الحاد، ارتداد.
ک ۰۷/۱۷

۱۴۳ دن با مهر: day-ba-mihr: دی به مهر، نام روز پانزدهم از هر ماه ایرانی است.
ک ۰۳/۲۳ ۱۰

۱۴۴ دن رادن: dēn radān: بزرگان دین، اولیاء دین. ک ۰۱/۸

۱۴۵ دن دادر اهرمزد: day-dādār-ōhrmazd: هرمزد آفریدگار (و ضمنا)
نام روزهای هشتم و پانزدهم و بیست و سوم هر ماه ایرانی). ک ۰۲۳-۱۵-۸/۲۲

۱۴۶ دنه: dēnih: دینی. (نک: پورداود، یشتها، ج ۱ ص ۱۶۶-۱۵۹). ک ۰۳۰/۱۰ ک ۰۶/۷

۱۵ ۱۴۷ سنگ، وزن، وزنه (واحد اندازه گیری سنگینی).
ستا: -asan (AiWb. 207) ک ۰۲/۱ ک ۰۱۵-۱۶-۱۷-۱۱۴-۱۱۵-۱۰/۱۰
ک ۰۲/۱۱ ک ۰۲۴

۱۴۸ سرداران: sardārān:
ستا: -sārō.dāra (GNPE. 153) فم: s³r³r: (Mir. Man.)

62) II. . پهلوی کتیبه‌ای: srd^3l و نشانه جمع ۳ . ک ۲/۱۹.

سپید: $sēnīg$: چینی، اهل کشور چین، شاید اشاره به کنفسیوس باشد؟ ک ۷/۶.

*

ش، ضمیر متصل سوم شخص مفرد (غیر فاعلی) که متجاوز از ۱۲۰ بار به کار رفته
و عموماً "در ترکیب های زیر:

اورا: u-š: ک ۳۲/۲ و ۵

آنگاهش: ā-š: ک ۶۷/۲ و

چون آنرا: ka-š: ک ۲/۱۰ و ۵

کاهش، که اورا: ku-š: ک ۱۲/۲ و

آنگاهش: ēg-iš: ک ۸/۴ و

جز کاهش: bē-š: ک ۲/۵

بنش، آغازش: bun-iš: ک ۱۷/۳

به آن: pad-iš: ک ۷۴/۲ و ۱۰

چند که آن را، همان اندازه که آن را: čand-iš: ک ۱۹/۲

کشی، که آن را: kē-š: ک ۱۰/۲ و

تا اورا، تا آن را: tā-š: ک ۶۸/۲ و

که هر یک از این ترکیبات در جای خود یاد شده است.

شاهگاه، در بزرگ، دروازه اصلی [خانه]: šāh-gāh: ک ۷۴/۲. ۱۵

𐭮𐭮𐭮: 𐭮𐭮: dēv:šDY³: دیو.

ستا -: daēva (AiWb. 667) فاطر: dyw (Mir. Man. II, 50).

پاتر: dyw: پهلوی کتیبه‌ای: šDY³ (Kotwal. 138).

ک ۴/۸ ک ۵/۹ ک ۸-۱۱/۱۲ ک ۷/۱۷ ک ۷/۲۲ ک ۲۸-۱۷/۲۲.

𐭮𐭮𐭮𐭮: 𐭮𐭮: dēvān: šDY³n: دیوها. ۵

ک ۵/۹ ک ۱۲-۶/۱۲ ک ۶/۱۵ ک ۷-۳/۱۷ ک ۱۷/۲۲.

𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮: 𐭮𐭮: dēv-yazagīh: -+yazagīh: دیوپرستی، دیویزکی.

ک ۴/۸ ک ۱/۱۴.

𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮: 𐭮𐭮: šādarvān: شادروان، فرش. ".... و

به معنی فرش منقش و بساط بزرگ گرانمایه هم هست. "برهان. ک ۳-۲/۳. ۱۰

𐭮𐭮𐭮𐭮: šādīh: شادی، سرور.

ستا -: šāiti (AiWb. 1707) فاطر: š³dyh (Mir. Man. II, 68).

پاتر: š³dyft (Mir. Man. III, 51). ک ۴۰/۱۰ ک ۳۱-۸/۱۵.

ک ۱۵/۱۷ ک ۳۲/۲۲ ک ۵/۲۳.

𐭮𐭮𐭮: šām: شام (خوراکی که در شب خورند). ۱۵

ستا -: šāma: بلعیدن، غورت دادن. (AiWb. 1708). ک ۱۲/۳.

𐭮𐭮𐭮: -šān: شان. ضمیر متصل سوم شخص جمع (غیرفاعلی). ک ۱۳-۱۲/۹.

ک ۸/۱۰ ک ۴/۱۱ ک ۸-۱۲/۱۲ ک ۱۰-۱۴-۱۹-۲۲ و ۱۵ بار دیگر.

𐭮𐭮𐭮𐭮: šāyēd: شاید، شایسته است، مناسب است.

ستا: xšā(y) هندی کهن: ksayati (AiWb. 551). ک ۷/۲. ۲۰

۸-۳۲-۳۵-۵۸-۷۳-۷۴-۷۵-۹۸-۱۸۸. ک ۱۲/۳-۲۱-۳۰-۳۱ و ۳۲ بار دیگر.

شایسته و شایسته: šāyēd kardan: می شود انجام داد، مجاز است. ک ۱۳/۲۰

باید و باید: bē šāyēd: بشاید، می شود. ک ۱۴/۸

۵ کد و کد: nē šāyēd: نشاید، مجاز نیست. ک ۷/۲-۱۸-۷۳. ک ۴/۴-۱۱-۶/۷. ک ۱/۱۰-۲-۶ و حدود ۲۰ جای دیگر.

شایسته و شایسته: šāy ist: (نک: واژه بالا). ک ۸/۷

کد و کد: nē šāy ist: مجاز نیست. ک ۱/۱۴

*

هفت و هفت: haft: ŠB^۷: هفت.

۱۰ نوشتار عددی جز هزارشی آن شش است. (نک: همین). ک ۱/۱ ک ۳۲/۱۰

*

شب و شب: šab: شب.

ستا: xšapar, xšapan- (AiWb. 548-9) شب: xšap. (Kent.

181) فاطر: šb (Mir.Man. II, 68). پاتر: šb. (Mir.Man.

۱۵ III, 62.) نوشتار هزارشی آن دوازده (نک: همین) است. ک ۲/۲-۴۱ ک ۱/۹ ک ۴/۱۰-۱۶-۳۸ ک ۱۱/۱۲ ک ۲/۱۷-۶

شبان و شبها: šabān: (نک: واژه بالا). ک ۱۸/۳ ک ۱/۹

شب و شب: šabag: (نک: بالا). ک ۴۴/۲-۵۰ ک ۱۴/۳ ک ۷-۵/۸

۲۰ شب و شب: šabag: (۲) شوه، شوه "سنگی باشد سیاه و براق و در نرمی و سبکی همچو گاه ربا است" برهان. ک ۱۱۶/۲

ش-س-و-ا : šabyār: شب یار. "شب یار بروزن اغیار، رستنی باشد تلخ و به عربی آنرا صبر گویند. طبع آن گرم و خشک است و مسهل صفا بود و رطوبت و بلغم از سر و مفاصل جذب کند و بهترین آن سقوطری می باشد و سقوطر جزیره ای است نزدیک به سواحل یمن و نام معجونی هم هست که آنرا در شب خورند و خواهند "برهان".
ک ۱۶/۱۰

۵

ش-س-و-ا : šabīg: (۱) شبی، شبانه، چیزی که مربوط به شب می شود. ک ۷/۷.
(۲) شب جامه یا زیرپوش و در اینجا منظور سدره یا پیراهن مقدس زرتشتیان است که شب و روز باید برتن داشته باشند. (رک: *Tavadiā, šnš. p.86. nl*)
ک ۴/۴-۷-۸-۱۳-۱۴

ش-س-و-و-ه : šabīgīh: [برای] شبی (پیراهن مقدس) بودن، [برای] سدره بودن.
ک ۴/۴

۱۰

ش-س-و-ا : هز : vāhyah- : بهتر (← vahu- : به) . هندی کهن : vāsyas-
ستā : vāsyas- (AiwB. 1405-6) . فخر: why (Mir. Man. II, 52)
مقدمه ک ۸۳/۲ . ک ۱۳/۴ . ک ۲۶-۳۲ ک ۳/۱۱ و ۱۴ بار دیگر.
ش-س-و-ا : vēh bāvēd: به بود، نیک باشد. ک ۱۰/۱۹

۱۵

ش-س-و-ا : هز : vēhān:---,n: بهان، نیکان.
مقدمه ک ۳۲-۲۷/۱۰ . ک ۳۲/۱۲ . ک ۱۹/۱۳ . ک ۱۰/۱۵ . ک ۹-۸/۲۰

ش-س-و-ا : هز : vēhtar:---,tr: بهتر. ک ۲۷/۱۲

ش-س-و-ا : هز : vēhīh:---,yh: بهی، نیکی، خوبی. ک ۹/۲۰

۲۰

شهر و بلاد: *vg:---vēhīg:* به، نیک، خوب. ک ۲/۲۲.

شهر و بلاد: *šāš: ŠT^۲*: شش (۶).

نوشتار غیر هزوارشی آن *شهر و بلاد* و عددی آن *شهر و بلاد* (نک: همین).
ک ۷۷/۲.

۵ *šahrēvar:* شهریور، ایزد نگاهبان فلزات و نام یکی از امشاسپندان

است که روز چهارم هر ماه و نیز ماه ششم هر سال ایرانی بنام اوست.

ستا: *xšaθra. vairya-* (*AiWb.* 542). ک ۱۴/۱۳-۳۹. ک ۱۴/۱۵.
ک ۱/۲۳. ک ۴/۲۲.

šahrēvar, it: شهریورت، امشاسپند شهریور ترا. ک ۴/۲۲.

۱۰ *šahr:* شهر، سرزمین، اقلیم، کشور.

ستا: *xšaθra-* هندی کهن: *ksatra-* (*AiWb.* 546). *شهر*: *šhr*.

(*Mir. Man.* II, 58.). ک ۲/۹. ک ۱۸/۱۰. ک ۵/۱۳-۷. ک ۱۳/۱۹.

ک ۳۲/۲۲.

andar šahr: اندر شهر، در کشور. ک ۱۸/۱۰.

۱۵ *šahristān:* شهرستان.

šahr: شهر (نک: *شهر و بلاد*) + *-stān* پسوند اسم مکان ساز.

ستا: *-stāna* از *stā:* *√stā:* هندی کهن. *sthāna-* (*AiWb.* 1605).

ک ۷۴/۲.

šahrēvar: شهریور. نک: *شهر و بلاد* ۱۴.

۲۰ ک ۱۹-۱۴-۱۳-۵-۳/۱۵.

*

nibayēd: ŠKBHWN, yt: *شهر و بلاد*: وجود دارد، قرار دارد.

Henning: برابر ایرانی این هزوارش را: nb³y و nbst می‌داند. سنج:
 پاتر: nb³y (Ghilain, 70) فاطر: nb³st (Verbum. 188/16)
 از واژه نامه مینو خرد، دگتر تفضلی.
 این واژه را تا وادیا nisāyēt خوانده است. (نک: Tavadia, p. 56)
 ک ۷۲-۷۹-۹۰-۹۴ ۵

س-و-و-و: škast: شکست، خلل وارد کرد، خدشه دار کرد.
 شکل هزوارشی آن س-و-و-و-و (Junker. 33) است.
 فاطر: -škn³ (Henning, Sogdica. Fl4, p31). پاتر: šknd³
 (GMS 365n.) کوتوال ص ۱۷۳.
 س-و-و-و-و: be škast: شکسته شد، بشکست. ک ۴/۱۸ ۱۰

س-و-و-و: škraft: شگفت، عجیب.
 ستا: -skapta (AiWb. 1586) فاطر: škraft (Man. Stud. 107)
 ک ۱۳/۸ ک ۸/۱۰
 س-و-و-و-و: škraftum: شگفت ترین، عجیب ترین. ک ۱۳/۸

س-و-و-و: šāgard: شاگرد، مرید. ۱۵
 س-و-و-و-و: šāgard-iš? شاگردش، شاگراو، مرید او؟ تا وادیا:
 ašākartih: خوانده است. (نک: Tavadia ŠnŠ. p. 97, n)
 ک ۷/۶۴

*

س-و-و-و: šarm: شرم، حیا.
 ستا: -fšarəma (AiWb. 1029). ک ۱۴/۸ ۲۰

س-و-و-و-و: šarmgāh-?: شرمگاه؟ (Tavadia: p. 74) و پروفوسور
 وست باتریدید: salmiḥā? (SBE. V.P. 277.n) که هیچیک از این دو

- رأی درست به نظر نمی‌رسد. میرزا (MIRZA H. K.) . ضمن آوردن جمله‌ای که این واژه در آن به کار رفته (از شایست نه شایست) آنرا: jāmāgīhā : جامه، لباس، خوانده است. (نک: Sir J.J. Zorthoshti Madressa . Centenary volume. p. 50.) که باز نمی‌توان درستی این نظر را تأیید کرد، در هر صورت این واژه ای مبهم و مشکوک است. ک ۵/۳ . ۵

شایسته: pādixšā: ŠLYT³: پادخشا، شایسته، مجاز (از لحاظ شرعی) مناسب. ک ۱۰/۲ . ک ۱۳/۸ . ک ۸/۹ . ک ۵/۱۷ .
 کد شایسته: nē pādixšā: مجاز نیست، شایسته نیست، درست نیست. ک ۸/۹

- ۱۰ شایسته: višāyēd: ŠLYTWN, yt: باز کند. بگشاید. ک ۳/۴ .

شایسته: šērēn: ابریشمین؟ سنج "شعرین" در عربی. "شعر بالفتح عربی... نوعی از جامه باریک ابریشمی... آندراج و نیز نک: مقاله، عمامه، شیرو شگری، ماهیارنوبی مجموعه مقالات ص ۲۶۴ .

- ۱۵ توادیا این واژه را dārēn باهنی: bark خوانده و از آن اراده پارچه‌هایی را کرده که از الیاف و برگ درختان بافند. که درست به نظر نمی‌رسد. (Tavadia ŠnŠ. p. 86) . ک ۴/۴ .

*

- شایسته: nām: ŠM: نام. ستا: nāman- : nāman- : nāman- (AiWb. 1062) . فالتن: n³m .
 ۲۰ (Mir. Man. II, 60) پازنت: nām: (مینو خرد) . مقدمه. ک ۲۹/۱۲ .
 ک ۱۴/۱۴ مقدمه. ک ۱۶/۱۶ مقدمه. ک ۳۱-۱۹/۲۲ .

*

-šn: نشانه و پسوند اسم مصدر است که معمولاً "به بن مضارع فعل افزوده می‌شود .

در فارسی نو "ش" در . کنش، ورزش، پوزش و غیره...
ک ۲۹-۲۲/۱۰ ک ۲۰/۱۲ ک ۳/۲۳

سجده: šnās: شناس. (ماضی آن شناخت).
ستا: xšnāsa- (AiWb. 559) xšnāsa-: س jñā-: فب : xšnā-
(Kent. 182). نک: سده و سجده ک ۱۰۵/۲ ۵

سجده و سجده: šnāyēnišn: خشنود ساختن.
ستا: xšnav (AiWb. 559) xšnāvayeiti, ✓ ک ۳۰/۱۵

سجده و سجده: šnāyēnēd: خشنود سازد (نک: واژه بالا).
ک ۲۹-۲۰-۱۹-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۸-۷-۶/۱۵

سجده و سجده: šnāyēnīdan: خشنود ساختن (نک: واژه های بالا). ۱۰
ک ۲۵-۲۰-۱۵-۱۴-۱۲-۹-۷/۱۵

سجده و سجده: šnāyēnēnd: خشنود سازند، راضی کنند. ک ۲۴/۱۲

سجده و سجده: šōzag: آه کشیدن (حسرت خوردن، غصه خوردن). ک ۳۲/۱۲

سجده و سجده: sā1: ŠNT: سال.
(نک: سجده) ک ۲۱/۲۲ ک ۱۳/۱۰ ک ۱۱۸-۱۰۹-۶۲-۱۹-۱۶-۱۵/۲۰. ۱۵

سجده و سجده: sālag: ŠNT, k: ساله. (نک: سجده) ک ۹/۴

سجده و سجده: šust: شست.
(نک: واژه زیر). ک ۱۱۸/۲ ک ۲۱/۳ ک ۲/۷ ک ۸/۹

سُستان: *šustan*: سُستَن.

ستا: *xšaod*: هندی کهن: *√çōdh* (*GNPE.137*) *çūndhati*,

پاتر: *šwd-šwst* (*Kotwal.173*) ک ۱۷/۳-۱۸-۲۰-۲۱-۲۵. ک ۲/۷.

ک ۲۷-۲۱/۱۲. ک ۵/۲۰.

۵

سُسر: *šusr*: سیال، روان، جاری.

ستا: *xšudra*: هندی کهن: *kšudrā*: نطفه، بذر، تخم

(*GNPE. 294*). ک ۳۴/۲.

سُهر: *šRM*: *drōd*: درود.

فاتر: *drwd* (*Mir.Man.II,51*) پاتر: *drwd* (*Mir.Man.*

۱۰

III, 54.) ک ۴۰/۱۰. ک ۳۱/۱۵. ک ۵/۲۳.

-سُن: *šn*- شَن، -ش، پسوند و نشانه اسم مصدر نک: سُ

ک ۵-۴/۹. ک ۳۱-۱۹/۱۰. ک ۲۱/۲۲.

سُبابَر: *šabāgpar*: خفاش، شب پره. ک ۱۴/۹.

سُنوشا: *šnōšag*: شنوشه، شنوسه، اشنوسه، عطسه، عطسه کردن. ک ۳۲/۱۲.

سُنومان: *šnūman*: شنومن، دعا، نیایش و ادعیه‌ای که به مناسبت‌های گوناگون مفاد

۱۵

آن تغییر می‌کند. (چنانکه در بند ۸ کرده ۷ این کتاب بخشی از آتش نیایش و در بند ۳۵ کرده ۳ بخشی از سروش یشت منظور است).

ستا: *xšnūmaine-* (*AIWb.560*) ک ۳۵/۳. ک ۸/۷. ک ۳/۱۴.

ک ۲/۱۰.

۲۰

سَوَند: *šavēnd*: شوند، روند. هزوارش آن اکلموند نک: اکلموند.

(*Mir.* šwdan, šw: فاطر (*AiWb.* 1716) √šav, √šyav: ستا
(*Mir.Man.* III, 62) šwdn : پاتر *Man.* II, 68.)

ک ۱۹/۱۴
(۲)

شناو: šnave: شنوی، بشنوی، بشنو.

(*Mir.Man.* šnw: فاطر (*Mir.Man.* II, 47) "šnw: پاتر
ک ۴/۱۵ . III, 51)

۵

شوی و (۱) šōy: شوی، شوهر. ک ۱۹/۱۰ . ک ۲۲/۱۵

شوی و (۲) šōy: شوی، بشوی. نک: شمع

ک ۱۷/۲-۴۴-۹۹-۱۰۵-۱۱۶-۱۲۰-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴

شوی و شوی: šōyišn: شویشتن، شستن. (اسم مصدر است از: šōy + išn).

نک: شمع

۱۰

ک ۶/۲-۱۵-۱۶-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۷۱-۹۵-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۵-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۶

ک ۱۱۷. ک ۱۳/۳-۱۴-۱۷-۱۸-۲۲. ک ۱۰/۱۰-۳۸-۳۹

شوی و شوی: be šōyišn: بشستن.

ک ۶/۲-۳۸-۸۵-۹۵-۹۸-۱۱۲-۱۱۳. ک ۱۰/۳۹

شوی و شوی: ō šōyišn: به شستن، باید شستن.

۱۵

ک ۱۵/۲-۱۶-۶۵-۱۰۵. ک ۱۷/۳

شوی و شوی: nē šōyišn: نباید شستن. ک ۶۶/۲-۷۱. ک ۱۴/۳

شوی و شوی: šōyēd: شوید. ک ۱۲/۳

شوی و شوی: šōyēnd: شویند.

شوی و شوی: be šōyēnd: بشویند. ک ۴۴/۲

۲۰

سدرود: šēbāg: شیوا، خزنده، پرجهش.

* xšvaipa-? یا *xšaipa-: فب: (GNPE.178) xšvaēwa- ستا: (Pers. stud. 83). (و نیز نک: پورد/ود، فرهنگ ایران باستان ج ۱ ص ۱۹۸). ملسا: mār ī sēbāg: مار شیوا، ک ۷/۱۷.

سدرود: dēv: ŠYT: دیو. ۵

هزارش دیو بیشتر سدرود است (نک: همین).
در فارسی واژه شیوا به معنی واله و مجنون، همین هزارش است. ک ۴/۱۰.

سدرود: hištan: ŠBKWN, tn' هز: هیشتن، گذاردن.

۱۰ ک ۷۹/۲-۸۱. ک ۲۹/۱۳. ک ۱۰/۱۷. ک ۱۱/۱۹. ک ۱۳/۲۰.
ک ۱۳/۲۰. ک ۱۰/۱۷. ک ۱۱/۱۹. ک ۱۳/۲۰.
ک ۱۳/۲۰. ک ۱۰/۱۷. ک ۱۱/۱۹. ک ۱۳/۲۰.

ک ۱۳/۲۰. ک ۱۰/۱۷. ک ۱۱/۱۹. ک ۱۳/۲۰.
ک ۱۳/۲۰. ک ۱۰/۱۷. ک ۱۱/۱۹. ک ۱۳/۲۰.

ک ۱۳/۲۰. ک ۱۰/۱۷. ک ۱۱/۱۹. ک ۱۳/۲۰.

ک ۱۳/۲۰. ک ۱۰/۱۷. ک ۱۱/۱۹. ک ۱۳/۲۰. ۱۵

ک ۱۳/۲۰. ک ۱۰/۱۷. ک ۱۱/۱۹. ک ۱۳/۲۰.

ک ۱۳/۲۰. ک ۱۰/۱۷. ک ۱۱/۱۹. ک ۱۳/۲۰.

ک ۱۳/۲۰. ک ۱۰/۱۷. ک ۱۱/۱۹. ک ۱۳/۲۰.

ک ۱۳/۲۰. ک ۱۰/۱۷. ک ۱۱/۱۹. ک ۱۳/۲۰.

ک ۱۳/۲۰. ک ۱۰/۱۷. ک ۱۱/۱۹. ک ۱۳/۲۰. ۲۰

ک ۱۳/۲۰. ک ۱۰/۱۷. ک ۱۱/۱۹. ک ۱۳/۲۰.

ک ۱۳/۲۰. ک ۱۰/۱۷. ک ۱۱/۱۹. ک ۱۳/۲۰.

ک ۱۳/۲۰. ک ۱۰/۱۷. ک ۱۱/۱۹. ک ۱۳/۲۰.

ک ۱۳/۲۰. ک ۱۰/۱۷. ک ۱۱/۱۹. ک ۱۳/۲۰.

ک ۱۳/۲۰. ک ۱۰/۱۷. ک ۱۱/۱۹. ک ۱۳/۲۰. ۲۵

سروا ۱۴۱۱: hilišn: (اسم مصدر) هِشتن، گذاردن.

ک ۲۴/۷۴-۹۶-۱۱۸ . ک ۲۵/۱۰ . ک ۴/۱۲ . ک ۱۳-۱۲/۲۰

سروا ۱۴۱۱: be hilišn: بهشتن، بگذاردن.

ک ۲۴/۷۴-۹۶ . ک ۲۵/۱۰

۵ سروا (۱) šagr/šēr: شیر (برج اسد).

فاتر: šgr پاتر (Kotwal.127) . ک ۲۱/۲-۶.

سروا (۷) šīr: شیر (آنچه از گاو و گوسفند دوشند).

ستا: [apa]xšīra-? هندی کهن: kšīrá- (GNPE.178).

پا šīr: (مینو خرد). ک ۱۰۹/۲ . ک ۱۵/۱۰-۱۶ . ک ۱۷/۲.

۱۰ سروا šīrēn: شیرین (نک: وازه بالا). فاطر: šyryn: (Mir.Man.

II, 68) . سروا šīrēnīh: شیرینی. ک ۱۸/۱۰.

*

۱۲: هز KN/8N: ۵: چنین، بنابراین، اما در این کتاب عموماً" (۱) به جای

۱۳: L: ۴: ۵: به (پیشواژه فعلی) بکار رفته است.

ک ۱/۲-۱۵-۱۶-۳۹-۴۹ و بیش از ۲۰ بار دیگر.

(۲) معنی "از" دارد با: ۵۵۵.

۱۲: ۵۵۵ bun: ۵: از ته، اصلاً، از اصل.

ک ۲/۶۹-۷۰ ک ۳/۲۵-۲۶ ک ۴/۸۰ ک ۵/۲۰ ک ۸/۱۵.

(۳) بجای ۱۳: ۵y: او.

۱۲: ۵y, iz: آن نیز، او هم. ک ۱۷/۱۰.

*

وسید ۴ :kāhēd: کاهد، کاسته شود، کم شود.

ک ۱۸/۱۰ ک ۸/۲۱

وسید ۵ :be kāhēd: بکاهد، کم شود. ک ۱۸/۱۰

وسید ۶ :abāz kāhēd: بازکاهد، کاسته شود. ک ۸/۲۱

۵ وسید ۷ :kāhišn: کاهش (اسم مصدر) کاسته شدن. ک ۸/۲۱

وسید ۸ :kāfēnd: کافند، کاوند، برهم زنند، آشفته کنند "کاویدن".....

به معنی کافتن و جستجو کردن و به دست و زبان آزار دادن باشد. "برهان.

ک ۱۴/۸

وسید ۹ :kāskēnag: کاسکینه. "مرغ سبزرنگی باشد به سرخی مایل و آنرا سبزرک

نیز گویند، تاجی بر سر دارد مانند هدهد و به عربی شقراق خوانند." برهان.

۱۰

در صدرنثر، کاشکینه آمده. کاشکینه که ملخ گیرد." (ص ۲۷، صد در سطر ۲).

ک ۹/۱۰

وسید ۱۰ :kār: (۱) کار، عمل.

ک ۳۸/۴۲-۵۶-۷۵-۱۱۶-۱۱۷. ک ۴/۳ و ۲۰ بار دیگر.

(۲) kār : کار، مترادف و در معنی ال: varz: کشاورزی، کشت:

(نک: و در معنی) ک ۲۴/۱۵.

(۳) مترادف و در معنی و ال: kirfag: کرفه، ثواب.

ک ۱/۶-۵/۸-۲۲/۱۰-۲/۲۲-۱۵-۸/۱۷-۳۱/۲۲. ک ۵

و ملل: kār-ē: کاری، موضوعی. ک ۲۵/۱۰.

و ملل: kahrubāy: کهربا (سنگ زینتی معروف). ک ۱۱۶-۱۱۵/۲.

و ملل: kārđ: کارد، شمشیر.

ستا: karəta- هندی کهن: kartarī (AiWb. 454).

ک ۲۸/۱۰-۹۲/۲. ک ۱۰

و ملل: kārđ ī pōlāpdēn: ۱۴۴ کارد پولادین.

ک ۲۸/۱۰.

و ملل: kārīh: کاری، عملی. (نک: و ملل) ک ۱۰/۱۷.

و ملل: kārzār: کارزار، جنگ.

ک ۱۵: kār : هندی کهن: -kāra: سپاه، قشون (GNPE. 185.).

+ zār پسوند مکان. ک ۹/۱۰-۶/۱۹.

و ملل: kārzārīg: کارزاری، جنگی (نک: واژه بالا). ک ۹/۱۰.

و ملل: kām: کام، میل، خواست.

ستا: kāmā- (AiWb. 463) فاطر: q³m (Mir.Man. II, 57).

ک ۴/۱۸-۲۸/۱۲. ک ۲۰: k³m (Mir.Man. III, 56).

و ملل: kāmād: بخواهد. ک ۱۶/۲۲.

وآرد: $\text{ārd} : Q^3 M^3$: آرد.

نوشتار غیر هزوارشی آن در آرد یا آرد است. ک ۳۷/۲.

وآرد: kāmag : کام، آرزو، خواست. (نک: و آرد).

ک ۳۰-۲۹/۱۲. ک ۳۰-۳۰-۱۰/۲۰.

وآرد: kāmēd : کامد، آرزو کند، بخواهد. (نک: و آرد).

ک ۱۱/۱۹. ک ۲۰-۱۴-۱۲-۷/۱۵.

وآرد: kāmēd hiṣtan : بخواهد گذاشتن. ک ۱۱/۱۹.

وآرد: kāmist : میل کرد، خواست. (نک: و آرد). ک ۱۸/۲۰.

وآرد: gānag : گانه (نک: و آرد). si gānag : سه گانه.

ک ۱۲/۹. ک ۱/۱۲.

وآرد: hammis : با هم، همه. ک ۳۲/۱۰. ک ۵۱/۱۳.

*

وآرد: vas : KBY: بس، بسیار. ک ۹۰/۲. ک ۱۱/۳. ک ۱۰/۸-۱۳-۱۰/۱۰.

ک ۲۹-۲۳. ک ۲۸-۲۶-۲۵-۱۶-۱۴-۹-۲/۱۲.

وآرد: pad vas bār : به کرات، بسیار بار. ک ۹/۱۲.

وآرد: kapīg : کپی، میمون. (این واژه اصلاً "هندی" است که وارد زبان فارسی میانه

و نوشته شده است). kapi- : (Pers. Stud. 87). ک ۶۱/۲.

وآرد: kadār : کدام.

ستا: katāra- هندی کهن: katarā- (AiWb. 434). ک ۲/۲. ک ۱/۱۷.

۳۲۹ kadām: کدام .

ستا: katāma- پاتر (Kotwal. 152) kd³m. ک. ۱۴/۱۷ . ک. ۱/۱۴ .

۳۳۰ kadām-ē: چیزی، اندکی . ک. ۱۴/۱۷ .

۳۳۱ mānād: KTLWN, ³t: مز: ماناد، بماند .

۵

ستا از mānē: ماندن (AiWb. 1124) . ک. ۱۵/۲۲ .

۳۳۲ mānēnd: , d: مز: مانند، بمانند، ماندگار شوند . ک. ۴۸/۱۳ .

۳۳۳ mānēd: , yt: مز: ماند، بماند . ک. ۵۰/۲۰ .

۳۳۴ be mānēd: بماند . ک. ۲/۷ .

۳۳۵ katmōirvak: این واژه آوانویسی است از : kat. mōi.

۱۰

urvā که واژگان آغازی پسنا ۵۰ هستند .

این "ها" از پسنا دارای ۱۲ بنداست و در هر بند ۴ بیت شعر دارد . این ها آخرین های

سپنتمدگاه است (نک: پورداود گاتا ها ص ۱۹۵) . ک. ۳۳/۱۳ .

۳۳۶ kaz/kaǰ: کز، کژ، ابریشم نامرغوب . "کز به فتح اول و سکون ثانی به معنی

... و قسمتی از ابریشم فرومایه و کم قیمت بود... " برهان . ک. ۹۹/۲۰ .

۱۵

۳۳۷ kih: که، کوچک .

ستا: -kasav (AiWb. 459) . ک. ۸۷/۲۰ . ک. ۱/۱۲ . ک. ۳۲/۲۲ .

۳۳۸ kihān: کیهان، زیردستان . (نک: واژه بالا) . ک. ۱۳/۱۳ .

۳۳۹ kaštīg: کشتی . ک. ۷/۹ .

و-س-د: kašīdan: کشیدن.

ستا: karš: $\sqrt{\text{karš}}$ karšyən, karšati, $\sqrt{\text{karš}}$ karšati,

karšāyati (GNPE. 191) ک. ۸۹-۸۸-۸۷/۲.

ل-س-د: ul kašīdan: بالا کشیدن، برکشیدن. ک. ۹۸/۲.

ا-س-د: abar kašīdan: بیرون کشیدن، ک. ۸۸/۲.

۵

و-د: KK^۲: dandān: دندان.

شکل غیر هزوارشی آن دانت است (نک: همین واژه).

ستا: dantan-: $\sqrt{\text{dantan}}$ daitika, dātā- (AiWb. 683)

ک. ۱۳/۱۲

*

ولا^(۱): -kar/- gar: گر. ۱۰

(۱) به اسم بسیط افزوده شده و صفت فاعلی می سازد.

ولا^(۲): pērōzgar: پیروزگر. ک. ۲۰/۲۲. ک. ۳/۳۲.

(۲) به صفت مطلق افزوده شده و صفت فاعلی می سازد.

ولا^(۳): yōždahrgar: تطهیر کننده، پاک کننده.

(نک: لا^(۳): yōždahrgar) ک. ۲۳/۱۲.

۱۵

ولا^(۴): kar[r]: گر، ناشنوا.

ستا: karəna-: $\sqrt{\text{karəna}}$ karnā- (AiWb. 455) ک. ۷/۵. ک. ۱/۶.

ولا^(۵): KLB^۲: sag: سگ. ستا: spaka- (AiWb. 1610)

ک. ۱/۲-۲-۳-۴-۷-۳۸-۵۶-۵۸-۶۲-۶۳-۶۵-۶۶-۶۸-۶۹-۷۱-۸۴-۸۵-۱۰/۱۰

ک. ۳۳-۳۲-۱۲-۱۰

۲۰

ولا^(۶): sag dīd: دید.

آئینی است که زرتشتیان در مورد فرد در گذشته انجام میدهند و یکی از واجبات دینی

- ایشان است و مادام که مرده را به سگ ننمایانده باشند چنانکه کسی دست به آن زند
نجس و ناپاک همیشگی می شود.
- شرح این آئین و سگهایی که در این مراسم وظیفهٔ نسوس زرداری از شخص مرده را به عهده
دارند در بندهای ۱ تا ۵ فصل دوم شایست نه شایست می توان دید. ک ۶۳/۲-۶۹.
- ۵ **ولریس** **سگ** **sag did:** همان ترکیب بالا است. ک ۶۳/۲-۶۶-۷۱. ک ۱۲/۱۰.
- ولریس** **سگ** **sag nē did:** سگ نادیده و منظور جسدی است
که هنوز آئین سگ دید در بارهاش اجرا نشده. ک ۶۸/۲.
- ولریس** **سگ** **sag nē did:** سگ نادیده (همان ترکیب بالا است).
ک ۶۳/۲-۱۲/۱۰.
- ۱۰ **ولریس** **سگ** **sag nimāyišn:** سگ نمایاندن (نک: واژه های
بالا). ک ۸۵/۲.
- ولریس** **سگ** **sag nimūdan:** سگ نمودن (نک: ترکیب های بالا).
ک ۸۴/۲-۳۲/۱۰.
- ولریس** **سگ** **sagē:** سگی، یک سگ. ک ۵۸-۷/۲.
- ۱۵ **ولریس** **سگ** **sag i pasuš hvar:** سگ گله (نک: **pasuš hvar:**)
ک ۶۲/۲.
- ولریس** **sag-iz:** سگ نیز، سگ هم. ک ۴/۲.
- ولریس** **kardārtar:** کردار تر، فعال تر. ک ۱/۲۳.
- kardag:** کرده، عمل، کار. ک ۳۲-۱/۱۲.
- ۲۰ **ولریس** **pad kardag dāstan:** رعایت کردن،
عمل کردن. ک ۳۲/۱۲.
- ولریس** **kardag:** کرده، بخش، فصل (نام هر فصل یا بخش و یسپرد و بایست ها
یا پتیت ها و ...). ک ۹۳-۹۲/۲. ک ۴۹-۱۶/۱۳.
- ولریس** **kardag kardag:** کرده کرده، بخش بخش، تکه تکه.

واژه **har dō:** هردو. ک ۷/۴ . ک ۵/۵ . ک ۳/۱۰

واژه **har rōz:** هرروز. ک ۲۱/۱۰

واژه **kōxšišn:** کوشش، جنگ، نبرد.

فاتر: **kwš** (Mir.Man. II, 57) ک ۹/۱۳

۵ واژه **kanār:** کنار.

ستا: **karana-** کران، کناره (AiWb. 451)

سج. فاطر: **kn-rqwmnd** (Mir.Man. II, 58) ک ۱۸/۲

واژه **kōf:** کوه.

ستا: **kaufa-**, **kaofa:** (AiWb. 431) فاطر: **qwf** (Mir.Man.

II, 57) پاتر: **kwf** (Mir.Man. III, 57) ک ۱۲/۱۹ ۱۰

واژه **kirfag:** کرفه، ثواب.

پاتر: **kyrbg** (Mir.Man. III, 57) پهلوی کتیبه ای: **klpky**

((Kotwal. 154) ک ۵۳-۹۳ و ۳۲ بار دیگر.

واژه و **kirfag handōzīh:** کرفه اندوزی. ک ۲۲/۱۰

واژه و **kirfag kunišnīh:** کرفه کردن. ک ۱۵/۱۲ ۱۵

واژه و **kirfag kardan:** کرفه کردن. ک ۱/۶ . ک ۵-۴/۲۰

واژه و **kirfagīh:** کرفگی، ثواب . ک ۴/۶ . ک ۲۹/۱۰

واژه و **kōdak:** کودک، بچه.

ستا: **kūtaka-** (AiWb. 472) ک ۸/۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷

ک ۱۵/۱۰ ۲۰

۱۳۱۹ kardag: کرده، عمل. ک ۳۲/۱۲.

۱۳۱۹ kardag: کرده، بخش، فصل [کتاب]. (نک: و ۱۳۱۹)
ک ۱۵/۱۳.

۱۳۱۹ kard: کرد، انجام داد. (نک: واژه زیر). ک ۶۹/۲-۹۸-۱۰۱ و بیش از ۳۰
بار دیگر.

۱۳۱۹ kard hē: کرده است. ک ۲۲/۱۰-۲۳. ک ۱۵/۱۲-۱۶.

رید ۱۳۱۹ be kard: بکرد. ک ۲۵/۱۰. ک ۲۹/۱۳-۳۴.

رید ۱۳۱۹ be kard bavēd: کرده شده است. ک ۳/۱۳.

لید ۱۳۱۹ nē kard: نکرد، نکرده. ک ۲/۵. ک ۳۰/۱۲.

۱۳۱۹ kard ēstēd: کرده است. ک ۹۸/۲-۱۰۱ و بیش از ۲۰
بار دیگر.

رید ۱۳۱۹ be kard ēstēd: بکرده است. ک ۱۹/۳-۲۹-۳۴.

لید ۱۳۱۹ nē kard ēstēd: نکرده است.

ک ۱۰۲-۹۸/۲. ک ۲/۵-۳-۵. ک ۳۰/۱۲.

۱۳۱۹ abar kard ēstēd: ابر کرده است. ک ۹/۱۷.

۱۳۱۹ kardan: کردن، انجام دادن (مصدر). ک ۳۲/۲-۳۶-۷۳ و ۳۵ بار دیگر.

رید ۱۳۱۹ be kardan: بکردن، انجام دادن. ک ۹/۱۷. ک ۴/۲۰-۵.

لید ۱۳۱۹ nē kardan: نکردن، انجام ندادن. ک ۲۹/۱۳. ک ۹/۱۷.

۱۳۱۹ kust: کست، ناحیه، جانب، طرف. ک ۲۳/۲-۲۴-۵۵. ک ۴/۴-۵-۶-۷.

۱۳۱۹ kust ud kust: پهلو به پهلو. ک ۵/۴.

۱۳۱۹ kust-ē: سویی، جانبی. ک ۲۴/۲-۵۵. ک ۴/۴-۶.

۱۳۱۹ kustag: کُست، کُسته، جانب، طرف. ک ۴۵/۲-۷۷.

واژه **کستی**: kustīg: کمر بند مقدس که زرتشتیان به نشان بندگی هر مزد
خدای باید همیشه بر کمر بندند (بند دین). راجع به کستی در بخش ۴ شایست نه
شایست بحث شده است. ک ۴/ ۱-۳-۶-۷-۸-۱۱-۱۳-۱۴. ک ۱۰/۱-۱۳.

واژه **بکشاد، بکشد**: kušād: (نک: واژه زیر). ک ۱۷/۲۲.

۵ واژه **کُشت، کُشته**: kušt:

ستا. از: $\sqrt{kaoš}$ - kušaiti, $\sqrt{kōš}$ kušnāti, :
(GNPE. 191) فاطر: kwšt, kwš این واژه بیشتر به شکل هزارش :
واژه ۱۱۴۱۲۰ (Junker. 2) در نوشته های پهلوی بکاررفته است. ک ۴/۱۱.

واژه **کشتار**: kuštār: ک ۸/۱۰.

۱۰ واژه **کور**: kōr:

فاطر: kwr: (Henning, BBB, 111) پ: kwr (واژه نامه مینو خرد ،
دکتر تفضلی). ک ۴/۲.

واژه **کولاف**: kulāfag: این واژه باید **کولاف** باشد به معنی کلا هچه
کوچکی که خرما را به خوشه پیوند می دهد ، این واژه در جهرم به شکل : kalafe
کاربرد دارد (این رهنمود را دوستم آقای مسعود طوفان به اینجانب دادند باتشکر).
ک ۱۲۲/۲.

۱۱^(۱) واژه **نُن**: nūn: K^۱N: اکنون ، حالا.

ستا از: nū هندی کهن : nū, nū (AizWb. 1088) . پ: nūn
(مینو خرد). ک ۸۹/۲. ک ۸/۳. ک ۸/۸-۱۰. ک ۱۸/۲۰. ک ۶/۲۱.
۱۱^(۲) واژه **نُن-یز**: nūn-iz: اکنون نیز. ک ۸/۳.

۱۱^(۲) واژه **کُون، مقعد**: kūn: نک: واژه ۷/۱۷.

- و ۱۱۳۳: kunišn: کنش، عمل (اسم مصدر).
 ک ۶/۲۸-۳۸-۹۸-۱۱۲-۱۱۳ و ۱۷ بار دیگر.
 و ۱۱۳۴: be kunišn: باید کردن. ک ۲/۹۸-۱۱۲.
 و ۱۱۳۵: nē kunišn: نباید کردن. ک ۳/۲۹. ک ۱۰/۲۵-۲۷.
 و ۱۱۳۶: kunišn i mādyānag: کنش ذاتی. ک ۱۲/۲۲.
 و ۱۱۳۷: kunišnān: کنشها، کارها. (نک: و ۱۱۳۸ و ۱۱۳۹).
 ک ۱/مقدمه.
 و ۱۱۳۸: kunišnih: کنشی. (نک: و ۱۱۳۹ و ۱۱۴۰). ک ۱۰/۲۹.
 و ۱۱۳۹: kunēh: کنید. ۱۰
 و ۱۱۴۰: be kunēh: بکنید، انجام دهید. ک ۱۲/۳.
 و ۱۱۴۱: kūnmarz: کون مرز، لواط. ظاهراً "بجای و ۱۱۴۲ آمده است.
 و ۱۱۴۲: kūnmarz kunēd: لواط کند. ک ۱۷/۷.
 و ۱۱۴۳: kunēnd: کنند، انجام دهند. ک ۲۰/۱.
 و ۱۱۴۴: Kay Ādūr Bōzēd: کی آذربوزید، نام خاص یکی از مفسرین ۱۵
 بزرگ زرتشتی بوده است. ک ۲/۵۷-۸۱-۱۱۸. ک ۶/۶. ک ۸/۱۷.
 *
 و ۱۱۴۵: kihist: کوچکترین، کمترین.
 و ۱۱۴۶: kih: که، کوچک + ist نشان صفت عالی. ک ۱/۲.
 و ۱۱۴۷: kayān: کیان، خاندان سلطنتی گشتاسب (کیانیان = پادشاهان این سلسله).

و ۱۳۱۱ kayān xVarrah: فره کیان، فره خاندان کیان.
(نک: ۱۳۱۱) ک ۲۵/۲۲.

و ۱۳۱۲ drōg/drōḡ: KDB^۲: دروغ.
ستا -: drauga-/ draoḡa-: هندی کهن: (AiWb. 768) drōgha-
پاتر: drwg (Mir.Man.III, 54) ک ۱۴/۲۰. ۵

و ۱۳۱۳ kištan: کشتن (مصدر است از: kist).
ستا -: karšta-: هندی کهن. (AiWb. 458) kr̥ṣṭáy: ک ۹/۱۹.

و ۱۳۱۴ kim: کم، اندک (نک: ۱۳۱۴) ک ۹/۱۲. ک ۲۳/۱۵.
و ۱۳۱۵ kimist: کمترین، کوچکترین. ک ۱/۱۶.

و ۱۳۱۶ axēzēnd: KYMWN, nd: خیزند، برخیزند. ک ۱۲/۱۷.
و ۱۳۱۷ abāz axēzēnd: باز خیزند، برانگیخته شوند.
ک ۱۴-۱۱/۱۷.

(۱) :هر: man:L:من.

ستا : manā : ل: manā : فب: manā (Kent.167) پ: mān .
(مینو خرد) . ک ۷۲/۲ . ک ۱۳/۹ . ک ۱۱/۱۰-۲۱-۲۶ . ک ۱۵/۲-۳-۵ . ک ۱۸/
۱-۴ . ک ۲۱ پایان نوشت ۱ و ۲ . ک ۲۲/۳۱ .

(۲) :vist;20: بیست.

ستا: vīsaiti : ل: visati- (Jackson.106) . ک ۲۸/۱۳ .

لد :هر: nē:L: نه . (حرف نفی) .

ستا : nōit : فب: naiy (AiWb.1072) . پ: nē . (مینو خرد) .
ک ۲/۲-۴۳ و ۱۷۰ بار دیگر .

لر :vist ud dō, 22: (بیست و دو) . ک ۱۰/۱۲ . ک ۱۳/۶-۳۷-۵۱ . ۱۰

لریب :vist ud panj, 25: (بیست و پنج) . ک ۵/۱۶ .

لری :rād: راد، بخشنده

ستا: -rāiti (AiWb. 1520) فاطر: r³dy (Kotwal. 167)
 رادتر: rādtar: ک ۲/۲۳.

رادیه: rādih: رادی، بخشدگی، جوانمردی. (نک: واژه بالا). ک ۲۹/۱۰.

راز: rāz: راز، سر.

ستا: -razah- هندی کهن: -rāhas (AiWb. 1514) فاطر: r³z
 (Mir.Man. II, 67). ک ۱۰-۹/۸.
 کرم رازید: rāz be burd: راز ببرد، راز فاش کرد، رازبا دیگران
 گفت. (راز بردن: فاش کردن راز). ک ۱۰-۹/۸.

راه: rāh: راه، طریق.

سا: -rathyā (GNPE. 135). ک ۱۰-۷۰-۱۲۰-۱۳/۸. ک ۲۳-۱۳/۸.
 ک ۶/۱۰.

راست: rāst: درست.

ستا: -rāsta (AiWb. 1526) فاطر: r³st (Mir.Man. II, 67)
 ک ۲۴/۲. ک ۱۱/۳. ک ۲/۶. ک ۱۳/۸. ک ۱۰-۹/۹. ک ۱۰-۲۲/۱۲. ک ۲۳-۲۲/۱۳.
 ک ۱۱. ک ۵/۱۷. ک ۱۴/۲۰. ک ۳/۲۳.

راستگویی: rāst gōvišnīh: راستگویی. ک ۲۲/۱۲.

راست قول: rāst grav: راست قول، درست پیمان. ک ۱۳/۸.

راست تر: rāst tar: راست تر. ک ۶/۱۳. ک ۳/۲۳.

راستی: rāstīh: راستی، درستی. ک ۱۴/۲۰.

هز: ul: L³L³: بالا.

ک ۸۹/۲. ک ۲۵-۲۲/۳. ک ۱۲/۹. ک ۶/۱۱. ک ۵/۲۰.

بالا کشیدن: ul kašīdan: بالا کشیدن، بیرون کشیدن.

- ک ۸۹/۲۰
 ک ۱۲/۹: ul šavēd: بر شود، بلند شود. ک ۱۲/۹.
 ک ۳۱۱۱۶: ul mad: برآمد، طلوع کرد (ماه یا خورشید).
 ک ۵/۲۰
 ک ۱۱۱۱۶: ul gövišn: بلند گفتن، به آواز بلند قرائت کردن. ۵
 ک ۳۵/۳
 ک ۲۱/۲۲: rām: رام [ایزد]. نام روز بیست و یکم هر ماه و گاهی مترادف با وای به،
 ایزد جهان خلا۴۰ (بهار، واژه نامه بندهش). ک ۴/۱۱. ک ۲۱/۲۲. ک ۳/۲۳.
 ک ۳۳۳۳۳: rām xvābar x^vadāy: رام ایزد مهربان.
 ک ۲۱/۲۲ ۱۰
 ک ۱۱۱۱: nān: LHM^۲: نان.
 ارمنی: nkan: (Arm. Gram 204). پشتو: naḡan: سفدی: nḡn
 (G. Morgenstierne 51). ک ۴۸/۲. ک ۲۳/۱۰. ک ۱۶/۱۲.
 ک ۱۳۱۱۱: rāmišn: رامش، خوشی، راحتی.
 اسم مصدر است از ک ۱۳۱۱: rām: رام. ۱۵
 ستا: -rāman (AiWb. 1524) هندی کهن: -rāma (GNPE. 134)
 پاتر: r^۳myšn (Mir. Man. III, 60). ک ۱۴/۸. ک ۱۵/۷-۸-۹-۱۲-۱۴
 ک ۳۲/۲۲. ک ۳۱-۲۴-۲۰-۱۴.
 ک ۳۳۳۳۳: rāmišnigtar: راحتی بخش تر، مطبوع تر. ک ۳/۲۳.
 ک ۱۱۱۱: abāz: L^۳WHL: هز: دوباره. ۲۰
 فتر: b^۳c (Mir. Man. II, 43) پا: awāž (مینو خرد).
 ک ۱۰/۲-۱۳-۱۴ و ۳۶ بار دیگر.
 ک ۲۸/۱۳: abāz kun: تکرار کن. ک ۷/۸.

abāz šudan: برگشتن، باز آمدن. ک ۹۱/۲.

abāz dārišnih: خوداری کردن.

ک ۳۰/۱۰. ک ۱۹/۱۲.

(ترکیب های این واژه با واژه های دیگر در جاهای خود آمده است).

۵

rān: ران (قسمت بالای پا).

ستا: rāna- (AizWb. 1523). ک ۳۱/۳.

rānēnēd: فراموش کند، از یاد ببرد.

ستا: √raod √raoθ هندی کهن: rudh- (AizWb. 1494).

abāz be rānēnēd: دوباره از یاد ببرد.

۱۰

دوباره فراموش کند. ک ۲۶/۱۰.

rāy: راس.

ک ۹۳/۲. ک ۱/۷. ک ۷-۴/۸. ک ۵-۱۷/۱۰. ک ۲۵/۱۲. ک ۱۰/۱۳. ک ۱۲/۱۹-۱۲.

۱۳ و نیز در معانی زیر به کار رفته است.

(۱) به. ک ۶/۱۱. ک ۱۹/۱۲.

۱۵

(۲) برای. مقدمه. ک ۷-۷۰-۷۶-۸۴-۹۲. ک ۱۴/۳. ک ۸-۴/۱۲. ک ۴/۹. ک ۱۱/۱۰-۱۱-۱۵-۲۲ و ۲۷ بار دیگر.

(۳) به سبب، به خاطر. ک ۲۲/۲-۳۲-۶۹-۱۰۰-۱۰۴-۱۰۷. ک ۲/۳. ک ۵/۷.

ک ۳/۸. ک ۷/۹. ک ۴/۱۰-۳۰. ک ۱۱/۱۲-۲۲-۲۴-۲۶-۳۲. ک ۹/۱۳. ک ۱۵/۲۲-۴.

۲۰

ē rāy: بدین سبب. ک ۲۲/۲-۳۲-۹۶. ک ۲/۳. ک ۹/۱۳.

(۴) در (در مورد). ک ۷۷/۲. ک ۱۶/۳-۲۱. ک ۵/۱۰. ک ۲۷/۱۳. ک ۱۵/۴.

ک ۵/۱۷.

rāyēnēd: راهنمایی کند، ببرد، راه برد.

ma ē rāyēnēd: نبرد. ک ۱۰/۱۵.

لرید: rāyēnīdan: کردن، رواکردن، انجام دادن، بجا آوردن. ک ۹/۱۷.

*

لرید: RB^۲: vuzurg: بزرگ، مهم.
ستا: vazra- : vājra- : فب: (Kent. 207) vazraka-

ک ۲۲-۷/۱۲

لرید: vuzurgān: بزرگان. ک ۵/۲۲.

۵

لرید: dil: LBBMH: دل، قلب.

ستا: zərəd- هندی کهن: hrd (AiWb. 1692) فاطر: Mir. dyl:
Man. II, 41.) پاطر: (Mir. Man. III, 65) zyrd.

ک ۹/۱۳

لرید: LBWŠY^۲: var: (Nyberg. 161) ور، پرده. در اینجا
منظور، خاکستراست (نک: لا). ک ۲۷۷/۳.

*

لرید: raftār: رفتار، سفر، مسافرت. ک ۱۳/۲۲.

لرید: LPMHyt: āvarēd: (یونگر: لا) LPNH...
(p. 23) در این کتاب: باز گردد، برگردد.

لرید: be āvarēd: بیاورد. ک ۱۰/۲.

۱۵

لرید: rapitvin: رپتوین، رپتوین. نیمروز (از ظهر تا ساعت ۳ بعد از
ظهر) و مینوی نیمروز (بهار، واژه نامه بندهش).
ستا: rapiθwina- (AiWb. 1509). ک ۳۱/۱۲.

لرید: ravēnd: روند، راه بروند، حرکت کنند.

بیشتر در نوشته های پهلوی شکل هزوارش این فعل به کار رفته است. (نک: لرید: ۱۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱)

۲۰

۵۴ (ن) abar ravend: برونند. ک ۲۲/۱۵.

*

۵۵ (ن) rad: رد، سرور، آقا، بزرگ.

ستا: -ratu هندی کهن: -ṛtāv (AiWb. 1498). ک ۸/۶-۱۲-۱۴-۲۱.

۵۶ (ن) radān: ردان، بزرگان. ک ۸/۱-۲-۵-۱۴. ک ۲۹-۲/۱۳.

۵ ۵۷ (ن) radīh: ردی، سروری، بزرگی. ک ۱۳/۱۱-۲۹-۳۲-۳۴.

۵۸ (ن) rātuštāitīh: رتوشتائیتی [نسک]، این نسک بنا بر

نوشته روایات فارسی داراب هرمزدیار از روایت بهمن پونجیه، نسک هفتم اوستای کهن

بوده است (نک: روایات فارسی ج ۱ ص ۳). ک ۲۹/۱۰.

۵۹ (ن) tar: LST (۱) میان، از میان (نک: ۶ ص ۸۹/۲).

۱۰

(۲) سراسر، سرتاپا. ک ۱۴/۱۲.

ستا: -tara (AiWb. 640) فاتی: try, tr (Kotwal. 173).

۶۰ (ن) razmīgān: رزمیان، جنگجویان، سپاهیان.

ستا از: -rasman جنگ (AiWb. 1513) پاتر: rzm (Min.

Man. III, 61.) ک ۲۰/۲۲.

۱۵

۶۱ (ن) rist: مرده، لاشه.

ستا: -irista (GNPE. 136). ک ۱۴/۹. ک ۴/۱۲.

۶۲ (ن) rastagān: رستهها، طبقات، ردهها، صنفها. "رسته... صنف و

رده باشد، چون رسته مردم و رسته دندان". جهانگیری، عقیقی.

۶۳ (ن) riftag: ؟؟ این واژه را کوتوال تحریفی از (ن) riftag

به معنی "گناهکار" و "جانی" دانسته است، از: *irixta* /وستایی (نک):
Kotwal ŠnŠ. p. 168. ک ۲۸/۱۲.

۱۴) *rašan*: رَسن، رِسمان. هندی کهن: *raṣanā-* (GNPE: 137)
 ک ۱۰۴-۲۳/۲۵

*

۵) *rašn*: رشن، ایزد رشن. ایزدی است که سنجش خوبی و بدی مردمان در
 سومین روز درگذشت آنان بر پهل چینوت با اوست. این ایزد بیشتر با صفت:
 راست و درست یاد شده است. و نیز نام روز هجدهم از هر ماه ایرانی می باشد.
 ست: *rašnu-* عادل (*AiWb. 1516*). ک ۱۸/۲۲. ک ۳/۲۳.
 ۱۵) *rašn, it*: رشن ترا، رشن ایزد ترا. ک ۱۸/۲۲.

۱۰) *rašn-aštād*: رشن اشتاد، دوایزد رشن (نک: همین)
 و اشتاد است و در اینجا منظوریکی از سَمَآئین درون است که باید در پگاه روز چهارم
 پس از درگذشت اجراء شود و در این آئین شنومن های "رشن" و "اشتاد" تَوَا "ما"
 اجراء می شود. (دو درون دیگر "وای وه" و "اردافرورد" است). ک ۴/۱۷.

*

۱۱) *tō*: مز: LK: تو.

۱۵) ست: *tūm, tvəm* هندی کهن: *tvām* (*AiWb. 661*) فاطر: *tw*
 (*Mir. Man. II, 69*) پاطر: *tw* (*Mir. Man. III, 62*).
 ک ۵/۶. ک ۸/۹. ک ۲۱/۱۰. ک ۲۸-۱۴/۱۲. ک ۳۰-۴-۳-۱/۱۵. ک ۴/۱۸.
 ک ۳۰-۲۸-۲۴-۱۷/۲۲.
 ۱۶) *tō-iz*: تونیز، توهم. ک ۳۰/۱۵.

۲۰) *(sīh)*, 30: (سی).

ست: *θrisāt-* *trisāt-* (*Jackson. 106*).
 ک ۲/۱. ک ۱۰۸-۱۸/۲. ک ۳/۷. ک ۲/۱۱. ک ۵-۴/۱۶. ک ۵/۱۷. ک ۶/۲۱.

لوسر: ۳۳: ۳۳ ک ۲/۱۱.

لوسر ۳۳ ک ۲۹/۱۲.

لوا: 30-um: ۳۰ام (سیام). ک ۱۶/۳. ک ۱۲/۱۲.

*

لوه: ramag: رمه، گله.

۵ فاطر، پاتر: (Kotwal. 166) rm ک ۷۳/۲. ک ۷/۲۲.

لوه ۱۱۳: ۱۱۳: abgandan/afgandan: LMYTWN, tn: هر: ستا: ۱۱۳: aiwi+ (GNPE. 24) فاطر: -bgn (Kotwal. 121). ک ۸۶/۲. ک ۱۵/۱۰.

لوه ۱۱۳: be afgandan: بیافکندن. ک ۸۶/۲.

۱۰ لوه ۱۱۳: afgand ēstēd: افکنده شده. ک ۷۸/۲.

لوه ۱۱۳: ---, nnd: afganēnd: افکنند. ک ۱۳/۱۲.

لوه ۱۱۳: be afganēnd: بیافکنند. ک ۱۳/۱۲.

لوه ۱۱۳: ---, yt: afganēd: افکند.

ک ۷/۹. ک ۱۰۷-۷۷-۷۶-۵/۲.

۱۵ لوه ۱۱۳: ---, šn: afganišn: (اسم مصدر) افگندن. ک ۳۴/۲.

لوه ۱۱۳: ravāg: روا.

ستا از: rav: رفتن. (GNPE. 137). ک ۴/۱۵. ک ۲/۱۹.

لوه ۱۱۳: ravāg kunēh: رواگنی، اجرانمایی. ک ۴/۱۵.

لوه ۱۱۳: ravāgtar: رواتر، قابل اجرا تر. ک ۲/۱۹.

لر ۳۱ ravān: روان، روح.

ستا: urvan- (GNPE.139) فاطر: rw³n: (Mir. Man. II, 67)

پا تر: rw³n: (Mir. Man. III, 61) ک ۱۳/۴ . ک ۱۶-۴-۱/۸ .

ک ۴۰-۲۶/۱۰ . ک ۲۹-۷-۴-۲/۱۲ . ک ۴۸-۱۲-۴/۱۳ . ک ۶/۱۵ . ک ۷-۳/۱۷ .

ک ۱۰/۲۰ . ک ۲/۲۲ .

۵

لر ۳۲ ravānīg: روانی، مربوط به روان. ک ۱۶-۱/۸ .

لر ۳۳ ravišn: روش، رفتن. (نک: لر ۳۰ و نیز لر ۱۱۳ و ۱۱۴)

ک ۱۲/۴ . ک ۸-۳/۲۰

لر ۳۴ rōbāh: روباه.

ستا: raopiš? هندی گهن: -lōpāçā- لōpāka- (GNPE.139)

۱۰

بارتولومه -: raopay- (AiWb. 1496) . ک ۱۰۷/۲ .

لر ۳۵ rōd: رود، رودخانه.

هندی گهن -: stōtās- روتا: (GNPE.139) rauta-

ک ۴۱/۱۳ . ک ۱۴/۱۹ .

لر ۳۶ rōd ī nāyudāg: رود قابل کشتی رانی.

۱۵

ک ۴۱/۱۳

لر ۳۷ (۲) rūd/rūt: روده، تراشیده، سترده، پاک شده.

"رود به ضم اول و سکون ثانی مجهول... مرغ و گوسفندیکه پر و موی او را تمام کنده باشند و..." "آندر ارج."

لر ۳۸ rūd ēstēd: تراشیده شده است. [مویش] سترده شده

۲۰

است. ک ۴/۴ .

۴۳۶ مز: abāg: LWTH: ابا، با.

فاتر: ²b²g (Mir.Man.II, 34).

(۱) حرف اضافه: ک ۱۳/۱۵-۱۶-۱۹-۳۶-۳۷-۵۸-۶۰-۱۰۳-۱۲۲-۲۹/۳.

ک ۱۴/۴. ک ۴/۹. ک ۱۰/۴-۱۱-۱۹-۲۸-۳۱. ک ۱۱/۱۲. ک ۹/۱۳. ک ۵/۱۹.

(۲) حرف اضافه مؤخر: ک ۲۳-۷۸/۲. ک ۳۱/۳. ک ۱۵/۷-۹-۱۲-۱۴-۲۰.

ک ۳/۲۰.

نوشتار غیر هروارشی این واژه در دست است.

۴۳۷ روز: rōz:

ستا -: raočah- فب -: raucah- سا -: rōcas- روشنایی Kent.

۱۰ ۲۰۵ فاطر: rwz (Mir.Man. II, 67). ک ۱۸/۳.

۴۳۸ روز: rōz šabān: روز شبان، شبانروز. ک ۱۸/۳.

۴۳۹ روز: rōzag: (نک: واژه بالا). ک ۵/۱۷.

۴۴۰ روزگار: rōzgār: (نک: واژه های بالا). ک ۵/۱۷.

۴۴۱ روزها: rōzagihā: (ایام روزها، ایام صوم).

۱۵ فاطر: rwzg (Mir.Man. II, 67). ک ۵/۱۲.

۴۴۲ بستر رودخانه: rōstāg:

ستا -: raočya- (AiWb. 1496). ک ۱۳/۱۹.

۴۴۳ سر: sar: L^cyšH:

۱- سر، گله. ک ۷-۶/۸. ک ۴/۱۱. ک ۱/۱۵.

۲۰ ۴۴۴ سر بریدن، اعدام کردن: sar brīdan: ک ۶/۸.

۴۴۵ سر بریدن، اعدام کنند: sar burrēnd: ک ۷/۸.

(۲) ابتدا، آغاز، اول.

ک ۲/۴ . ک ۱۹/۱۲ . ک ۱۶/۱۳-۵ . ک ۲/۱۴ . ک ۵/۱۹

ک ۲/۴ . sar ā sar: سراسر، از اول تا آخر. ک ۲/۴.

ستا: sarah- هندی کهن: -çīras (GNPE.160). فاطر: .

sr (Mir.Man. II, 62).

۵

۱. اوستا واژه برای سر حیوانات اهورایی و انسان آنست که در بالا گفته شد و برای سر حیوانات اهریمنی واژه: -mərədā [ka] (AiWb. 440). به کار رفته.

ک ۱۳۳۱: Rōšan/Rōšn: (نام خاص). روشن، پسر آذر فرنیغ موبد بزرگ و پیشوا

و مفسر دانای زرتشتی قرن نهم است که کتاب بزرگ ویدودات (وندیداد) را تفسیر و

گزارش کرده است (نک: (Kapadia. p. 329). ک ۱۰۷-۸۶-۳۹/۲.

۱۰

ک ۱۳۳۲: rōšn: روشن، درخشان.

ستا: -raoxšna از raok- (AiWb. 1488) فاطر: rwšn

(Mir.Man. II, 67). ک ۹/۲۲.

ک ۱۳۳۳: rōšnīh: روشنی. (نک: واژه بالا).

ک ۲۹/۳ . ک ۸/۹ . ک ۷/۱۲ . ک ۸/۱۵-۱۱-۱۳-۱۹-۲۴-۲۹-۳۰

۱۵

ک ۷/۱۲: rōšnīh ī ātaš: فروغ آتش، روشنی آتش

ک ۷/۱۲.

ک ۱۳۳۴: rōšnīg: روشنایی، فروغ. ک ۸/۹.

ک ۱۳۳۵: rōkunīg/rōknīg: روغنی؟

این واژه صفت بانام نوعی سگ است که "نسوش زدار" است و دقیقاً "معنی و طرز خواندن

۲۰

آن روشن نیست، در دیگر متن های مشابه که در این باره بحث کرده اند این واژه نیست.

توجهی تا وادیا کرده و حدس زده که شاید منظور سگ کور باشد که درست نیست چه

سگ کور در بندهای دیگر با روشنی یاد شده است. (نک: *Tavadia. ŠnŠ.* (p.31 n6. ک ۲/۲۰.

۴۶ مز: amāg/amāh: LNH. ما.

ستا: -ahmāka- هندی کهن، asmāka- (*AiWb.* 297) فب: amāxam- (حالت اضافی) *Kent.* 167. فاطر: m'h: (*Mir.Man.* II, 46). ک ۷/۶. ک ۴/۱۵.

۱۱۳ rōn: سو، جانب. سنج: اورون، وارون، بیرون، اندرون و ...
روشنی: abāxtar rōn: روبه باختر، روبه شمال. ک ۷/۱۰.

۱۰ رو: rōy: روی، چهره، صورت.
ستا: -raoḡa- هندی کهن: -rōha- (*AiWb.* 1495) فاطر: rwy (Mir.Man. II, 67). ک ۲۱/۱۲. ک ۱/۱۵. ک ۱۵/۱۹. ک ۵/۲۰.

۴۷ مز: nēst: L^eyT نیست.
ستا: nōit₁.asti فاطر: nyst (*Mir.Man.* II, 61). ک ۲۳/۲-۲۵ و ۲۹ بار دیگر.

۱۵ ۴۸ مز: pēš: L^eyN پیش.
(۱) قیداست (زمان یا مکان) ک ۷۷/۲-۸۳. ک ۱۹/۳-۳۰. ک ۵/۴-۱۴. ک ۲/۷.
ک ۵/۸-۱۲. ک ۱۳-۳۵/۱۰. ک ۳۷-۲۰/۱۳. ک ۱۵/۱-۳. ک ۲۷-۱/۱۸. ک ۵/۲۰.
(۲) پیشواژه فعلی است. ک ۹/۸. ک ۳۲/۱۰. ک ۵/۱۳. ک ۷/۲۰.
نوشتار غیر هزوارشی آن در وید است. (نک: همین واژه).
۲۰ فب: patiš ← pati+š (*Kent.* 195) فاطر: pyš (Mir.Man. II, 65).

۴۹ پیشتر: pēštar: ک ۷/۱۹.

ریختن: rēxtan: (ریختن)

ستاژ: √raēč و -raēčayat هندی کهن: √rēč rinākti
(GNPE. 141). ک ۵۱/۲

دو هز: man-iz: L, yz: من نیز (نک:) . ک ۱۳/۹

۵ ریچار: rēčār: ریچار، ریچار، ترشی، مربا؟

"لیچار با ثانی مجهول... بروزن دیدار، به معنی ریچار است که مطلق مربا باشد
عموماً "و مربایی را که از دوشاب سازند خصوصاً "و آنچه از شیر و دوغ و ماست بپزند.
به هر نحو که باشد "برهان... و نیز نک: جهانگیری. (کوتوال: rēčār).
ک ۱۲۴/۲ . ک ۲/۱۷

۱۰ ریخته شود: rēzihēd: (نک:) .

پاتر: ryz, ryc (Kotwal. 168). ک ۱۸/۱۲

ریزش، ریختن: rēzišn: (نک. واژه بالا). ک ۷/۱۰ . ک ۱۸/۱۲

نہاید ریختن: nē rēzišn: ک ۷/۱۰

ریزد: rēzēd: ک ۷/۱۰

۱۵ باز ریزد، بریزد: abāz rēzēd: ک ۲۲/۲

ریزند: rēzēnd: ک ۱۴/۲

تا وادیا گمان کرده که این واژه هزوارش: dēvār: دیوار. باشد

(نک: (Tavadia. ŠnŠ. p. 39 n.3). ک ۱۹/۲

ریدک، بچه، کودک: rēdāg: ک ۲/۱۳

۲۰ پسر جوان: rēdag ī aburnāy: پسر بچه، پسر جوان.

ستا : $pāda-$ هندی کهن: (GNPE. 63) $pāda-$.
 ک ۱/۲ . ک ۲/۳ . ک ۵/۱۰-۱۲-۲۰ . ک ۱۲/۱۳-۲۹ . ک ۱۵/۱ .
 لولر : $pay-ē$: یک پا . ک ۱۲/۲۹ .
 لولر هندی: $pāy mēzišnih$: برپا آب ناختن، ایستاده شاییدن.
 (نک: لولر هندی) . ک ۵/۱۰

۵

لولر هز: $LyLY^3$: $šab$: شب (نک: لولر) .
 ک ۷۲/۲ . ک ۱۳/۴ . ک ۱/۷ . ک ۷-۴/۱۰ . ک ۱۲/۱۱-۱۲-۱۷-۱۸-۱۹ .
 ک ۴۳/۱۳ . ک ۶-۴/۱۷ . ک ۸/۲۱ .
 لولر : $šab-ē$: شبی، یک شب . ک ۴/۱۰

لولر : $rēman$: ریمن، نجس، ناپاک . سنج ریم: چرک، کثافت .
 ۱۰ ستا . از: $rae-$ هندی کهن: $\sqrt{rē}$ (GNPE. 142) .
 ک ۱۴/۲-۱۵-۱۶ و ۴۸ بار دیگر .

لولر : $rēmanih$: ریمنی، نجاست، ناپاکی، آلودگی .
 ک ۱۲/۱۸-۲۲-۳۶-۵۴-۵۷-۷۷-۱۲۳ . ک ۲/۳-۱۹-۲۲ . ک ۲۵-۲۷/۱۲ .
 ک ۲۶/۱۵

۱۵

لولر هز: $LZNH$: im : ام (در امشب، امروز و ...)، این .
 فب: $ima-$ هندی کهن: $imā-$ (AiWb. 368) . ستا : $aēm-$
 سا: $ayam-$ (Jackson. 120) . ک ۱۴/۸ . ک ۳۰/۲۲ .
 لولر هز: $imrōz$: امروز . ک ۳۱/۲۲

*

۶ -m- م . ضمیر اول شخص مفرد (حالت غیر فاعلی) . مرا- بمن .

سبع ۶ ku-m: که مرا، که بمن . ک ۸/۸ . ک ۳۰/۱۵ .

۶ dāng:M: دانگ = $\frac{1}{6}$ درهم که برابر با هشت حبه یا هشت جو می باشد .

ک ۲/۱۱ . ک ۵-۱/۱۶ . نک: ۶

۵ ۶ māh: (۱) ماه (یک دوازدهم سال) ک ۱۳/۱۰ . ک ۵-۷/۱۲ . ک ۹/۱۹ .

(۲) ایزد موکل ماه و نام روز دوازدهم هر ماه .

ک ۴/۷ . ک ۴/۱۱ . ک ۸-۳۱/۱۲ . ک ۱۲/۲۲ . ک ۲/۲۳ .

ستا: māgh: فاطر، پاتر: m^{ph}: (Kotwal. 156) .

۶ māh, it: ماه ترا، ایزد ماه ترا . ک ۱۲/۲۲ .

۱۰ ۶ māh ī xVadāy: ایزد ماه، ماه ایزد . ک ۸/۱۲ .

۶ māh yašt: ماه یشت، ماه نیایش . ک ۳۱/۱۲ .

۶ māhgān: ماهها . (نک. واژه بالا) .

ک ۱۳/۱۰ . ک ۵/۱۷ . ک ۸-۲/۲۱ .

△

10

15

٢٥

جربی: $\text{M}^2\text{S}^2\text{Y}$ (Junker: rōyn : روغن،

ستا: raoyna- (AiWb. 1488) . ک ۳۲/۲ - ۱۲۴.

مار: mār:

۵ سا: māra- (Nyberg, 145) و باروچا ص ۳۱۳. این کلمه سانسکریت به معنی میراننده و کشنده است، بنا بر این با کلمه اوستایی: mairya- به معنی زیانکار و تباه کننده یکی است از ریشه mar اوستایی و پارسی باستان به معنی مردن (پورداود، فرهنگ ایران باستان ج ۱ ص ۱۹۸) . ک ۷/۱۷۷.

۱۰ ارداویرافنامه نک: mār ī šēbāg: مار شیوا. مار پرجهش (وهمن: ک ۷/۱۷۷).

مالش (اسم مصدر از مال): mālišn:

ستا: māl ، marz - marezaiti- (GNPE. 214) . ک ۳۴/۲.

ماریک، هجا، سیلاب (در واژه) . ک ۵۰/۱۳: mārig:

مهمانی. (نک: mahmānīh:)

ک ۹۵/۲ . ک ۲۳-۲۲/۱۵ ۱۵

مان: -mān: (ضمیر اول شخص جمع، غیر فاعلی) .

ک ۱۳/۹ . ک ۱۴/۱۲

بلکه ما را: bē mān: . ک ۱۳/۹

نه ما را (همان جا) . nē mān:

۲۰ مان، خانه، جایگاه (سج: خانمان) . mān:

ستا: nmāna- (AiWb. 1090) یا dāmāna- فاطر: $\text{Mir.m}^2\text{n:}$

Man. II, 59 فاطر: $\text{m}^2\text{n:}$. ک ۵-۳/۹ . ک ۳۰-۴/۱۰ . ک ۱۲/۱

۱۱. ک ۱۹/۱۳-۴۷-۴۸. ک ۱/۲۰. ک ۲۴/۲۲-۲۸.

۱۳۶. mān ī ātašān: آتشگاه، آتشکده، خانه آتش.

ک ۵/۹. ک ۱۹/۱۳. ک ۱/۲۰.

mānbad-/bid: مانبد، بزرگ خانواده، رئیس خانه.

۵. (Mir. m²nbyd: فاطر. (AiWb. 1093) nmānō. paiti. ستا:

Man. I, 42. ک ۱۱/۱۳-۴۴. ک ۵/۱۹.

mānbadān: مانبدان. ک ۱۵/۱۳.

Mahraspand/Māraspand: مارسپند، نام پدر آذرباد،

مفسر بزرگ و موبد موبدان دوران شاپور دوم ساسانی. (نک: ۱۱۳۷ و ۱۳۷۱)

۱۰. ۳۳/۸. ک ۳۳۷۱ و ۳۳۷۲.

mānsr: منشر، کلام مقدس.

ستا: māθra- (AiWb. 1179). ک ۲۳/۱۲.

mānsr pursīdār: پرسنده کلام مقدس،

کسیکه کلام مقدس (خداوند) را میداند یا میخواند. ک ۲۳/۱۲.

۱۵. mānsraspand: مانسرسپند. یا مهرسپند ایزد. ایزد کلام مقدس.

ستا: yazata Maθra. Spənta-. ک ۴/۱۱.

mahraspand: نوشنار دیگری است از واژه بالا و در اینجا منظور

روز ۲۹ هر ماه است و ایزد این روز. ک ۲۹/۲۲. ک ۴/۲۳.

mahraspand, it: مهراسپند ترا. ک ۲۹/۲۲.

۲۰. Manūyšcihr: منوش چهر، منوچهر پادشاه کیانی که از اجداد

آذرباد مارسپندان هم بوده است (بهار، واژه نامه بندهش).

(در بندهش: ۳۱۳۷ و ۳۱۳۸).

ستا: mainyuš: مینو : (AiWb. 1140) .čīθra-+ چهر، چهره
 (AiWb. 587) .ک ۲۸/۱۰

۳۶ م: māndag: گناه غفلت یا فراموشی؟ . ک ۲۹-۲/۱۳
 م... و... م: māndag garzīdan: اعتراف به گناه. (نگ:
 و... م) . ک ۲۹-۲/۱۳ ۵

م... م... م: zanād:MHyTWN, t: بزند، بزناد، کشاد. ک ۲۸/۲۲

م... م... م: zad:..., t: کشت.
 (بجای م... م: zanēd: آمده است) . ک ۲-۱/۲

م... م... م: zad:..., d: زد. ک ۲/۱۶

۱۰ م... م... م: zanēd:..., yd: کشد.
 ک ۱۷-۳/۱۰ . ک ۲۹/۳ . ک ۵-۴-۳-۲/۲
 م... م... م: be zanēd: بزند. ک ۱۷/۱۰
 م... م... م: nē zanēd: نزند. ک ۲۹/۳ . ک ۵-۴-۳-۲/۲
 ک ۷/۷

۱۵ م... م... م^(۱): mahist: مهست. بزرگترین (نگ: م... م) . سنج: فاطر:
 (Mir.Man.II, 59) mhystg . ک ۶/۲۰

م... م... م^(۲): mazdist: مزدیست، مزدیسن، مزداپوست، زرتشتی، بهدین.
 ستا: mazdayasna- (AiWb. 1160) . پهلوی گتیبه ای: mzdysn
 ک ۴/۱۲

۲۰ م... م... م: mazdistān: مزدیستان، زرتشتیان، بهدینان.
 ک ۲۳/۱۲ . ک ۲/۱۳

۱۳۶ mad: آمد (نک: ۱۳۶) .

۲۵-۱۶/۲۰-۱۸-۸۸-۸۹-۱۰۲-۱۱۹. ۳۲/۳۰. ۷-۵/۱۲. ۷-۱۵/۱۵-۱۲-۹-۲۰-

۲۵. ۱۳۶-۱۳۵/۱۳۴: md YK^۶YMWN-yt: (نک: جزو دوم ترکیب) .

mad ēstēd: آمده است، رسیده است. ۸۹-۸۸/۲۰. ۷-۱۵/۱۵-۱۲-۹-

۵ ۲۵-۲۰. ۱۳۶-۱۳۵/۱۳۴: nē mad: نیامده، نیامد. ۸۹-۸۸/۲۰.

۱۳۶-۱۳۵/۱۳۴: nē mad ēstēd: نیامده است، نیامده است،

نیفتاده است. ۱۸/۲۰.

۱۳۶-۱۳۵/۱۳۴: abar mad: بیامد، به رسید (به معنی برخورد کرد، تماس پیدا

کرد). ۱۱۹/۲۰.

۱۰ ۱۳۶-۱۳۵/۱۳۴: ده: deh/dih: MT^۲: ده، دیه، آبادی.

پا: dēh . (مینو خرد). ایرانی کهن: dahyu سرزمین، زمین. ستا:

dāsyu- (Kent. 190.-AiWb. 681). سا: dahyu-dainhu-

۷۴/۲۰. ۲۹/۱۲. ۴۸-۴۷/۱۳.

۱۳۶-۱۳۵/۱۳۴: ده: deh bad ,pt: دهد، فرمانروا، حاکم.

۱۵ (نک: ۱۳۶) . ۱۱/۱۳.

۱۳۶-۱۳۵/۱۳۴: deh badān: (جمع دهد) دهدان: حکام، فرمانروایان.

۱۵/۱۳.

۱۳۶ mihr: مهر، محبت، دوستی. هندی کهن: mitra-: فب: miθra-

(Kent. 203). ستا: miθra- (AiWb. 1183). فاطر. پاتر:

۲۰ mihr: (Mir.Man. I, 42-III, 58) پ: mihir.

(مینو خرد). ۹/۱۷. ۱۳۶-۱۳۵/۱۳۴: mihr ī dēn: مهردین، دوستی و

محبت دین.

۱۱۳۶^(۱) mihr: مهر، نام روز شانزدهم هرماه و نام ایزد نگهبان آن روز و ماه هفتم

هرسال (نک: واژه بالا) ۱۶/۲۲. ۳/۲۳. ۱۳۶-۱۳۵/۱۳۴: mihr, it:

مهتر، ایزدمهتر. ک ۱۶/۲۲.

۱۱۴۶^(۲) madan: آمدن.

ایرانی کهن : $\sqrt{gam}$: $\bar{a}$ a $\check{jam}$ i $\bar{y}\bar{a}$, $\bar{a}$ + $\sqrt{gam}$: $\bar{a}$ gemat
(GNPE. 11) فاطر: mdn, md: (Mir. Man. II, 59) پ: madan

(مینو خرد). ک ۴/۶. ک ۲۱-۱۹/۱۲. ک ۵/۱۳. ک ۴/۱۹

راید ۱۱۴۶ be madan: بیامدن. ک ۴/۱۹.

لیدم ۱۱۴۶ rāst be madan: برای راست آمدن، برای درست شدن. ک ۱۱/۱۳.

۱۱۴۶ م ۳۱ mihrāndrōz: میهراندروژ، ظاهراً "باید واژه با افزایش وید :

۱۰ ih: mihrāndrōzīh: میهراندروژی، خلاف شرع رفتار کردن باشد.

(mihr+ān+drōz): نک: هر یک از اجزاء ترکیب).

ستا: drug-miθrō (AiWb. 1186) پاطر: drwxtmyhr

Henning, List, 82 : mihirandrūž (مینو خرد).

ک ۱۸/۱۰.

۱۵ ۶۵: مZ بجای : MG : dāng: پول سیاه، سکه خردی برابر یک ششم درهم

است. نوشتار غیر هزوارشی آن ۶۵ و است. (نک: ۶ در این کتاب).

ک ۲۴/۱۰.

۶۵ mazg: مغز. هندی کهن: -maǰǰān. ستا : mazga-

(AiWb. 1159) پشتو: māǰz (Morgenstierne. 43).

۲۰ پ: mazg (مینو خرد). ک ۱۲۰/۲.

۷۶ mih: مه، بزرگ.

هندی کهن : mah ستا : masah-, masan-, mas-, maz-

(Kotwal. 156) ms فاطر: myh: (AiWb. 1154-55) پاطر:

پشتو: mazai: (Morgenstierne, 49) پ: mēh (مینو خرد).

ک ۸۷/۲ . ک ۱۴/۱۹ . ک ۱/۲۲

مهمان، بزرگان (نک: واژه بالا) . ک ۱۳/۱۳ . ک ۲/۱۹ . mihān:

مسای: masāg/masāy: مسای، به بزرگی، به اندازه (نک: واژه های بالا)

رک: ۱۱۳ ۶ مس . ک ۱۸/۲-۱۹-۲۵-۲۸

۵

مهر، بزرگتر . ک ۱/۲۲ . mihtar:

*

پادیرفتن . padīriftan: MKBLWN-tn : هر

ایرانی کهن باید از: $\sqrt{\text{grab}}$ + patiy * باشد (GNPE. 65).

پ: padīraftan (مینوی خرد) . ک ۲۱/۱۰

۱۰

پادیر، MKBLWN: padīr, ت: پذیر

پادیر: patētīgih padīr: توبه پذیر . ک ۱۰/۸

پادیرفت: padīrift....., t: پذیرفت

پادیرفت است: padīrift ast: پذیرفته است . ک ۱۴/۱۲

پادیرند: padīrēnd....., nd: پذیرند

۱۵

پادیرند: be padīrēnd: بپذیرند . ک ۱۲-۱۰/۹

نپذیرند: nē padīrēnd: قبول نکنند . ک ۱۰/۹

پادیرد: padīrēd....., yt: پذیرد، قبول کند

پادیرد: be padīrēd: بپذیرد . ک ۱۴/۱۲

پادیره: padīrēh....., y(h): پذیرید، قبول کنید . نذر کنید،

۲۰

عهده دار شوید . ک ۲۷-۹-۸/۱۲

پادیرشن: padīrišn....., šn: نذر کردن، پذیرفتن، عهده دار-

شدن . ک ۸/۱۲

*

مار: شماره، تعداد، حساب . ۶

ستا: $\sqrt{\text{mar}}$ (AiWb. 1142) پا: mar: (مینو خرد). ک ۲/۱۴.

۶۱۳۱۱: Mard-būd: مرد بود، نام خاص، باید نام یکی از موبدان زردشتی باشد.
ک ۸۶/۲

*

۶۱۳۱۱: mardōm: مردم

نوشتار هزوارشی آن ۶۱۳۱۱ است (نک: همین واژه ص. ۶۴ س ۲۰).

ک ۳۸-۷/۲ . ک ۱۳/۹ . ک ۱۱/۱۰ . ک ۶/۱۵ . ک ۲/۱۶ . ک ۱۱-۸/۱۷

۶۱۳۱۱: mardōmān: (جمع) مردمان.

(نک: ۶۱۳۱۱ س ۱۶۳) . ک ۱۳/۹ . ک ۱۲-۱/۱۵ . ک ۱۷-۸/۲۰

۶۱۳۱۱: mardōm-ē: مردمی، انسانی. ک ۷/۲.

۶۱۳۱۱: marzēd: مرزد، گاید، همبستر شود.

ستا: -marāza از $\sqrt{\text{marz}}$ ایرانی کهن: $\sqrt{\text{marj}}$ māršti,

فارسی. مال، مالیدن، از همین ریشه است. (GNPE. 214. AiWb. 1153).

فاتر: marzišn: mrzyšn اسم مصدر. همبستری کردن، مجامعت.

(Mir.Man. II, 60). ک ۲۶/۳.

۶۱۳۱۱: murvārīt: مروارید، اصل آن یونانی است از: margharītes

گوهری که از شکم صدف بیرون آرند.

پاتر: margāred لاتین: margarita / ارمنی: margārīt.

(نوابی، درخت آسوریک. ۱۲۳). ک ۱۱۶/۲.

۶۱۳۱۱/۶۱۳۱۱: murvag: مرغ.

ستا: -mōrəya سا: -marga (AiWb. 1172). فاطر: mwrw

(Man. Stud. 95) پاتر: murg (Mir.Man. III, 58)

پا: murvan (مینو خرد). ک ۹/۱۰. و به شکل ۶۱۳۱۱ نیز آمده است.

نک: همین.

𐭠𐭣𐭠𐭥𐭡𐭥: margarzān: مرگ ارزان، مستوجب مرگ، گناه کبیره.

در اصطلاح حقوقی و فقهی. گناه کبیره‌ای که انجام دادن آن مجازات مرگ دارد. بنابراین، هم به مرتکب گناه کبیره مرگ ارزان گفته می‌شود و هم به گناهی که ارتکاب آن کیفرش اعدام است، مرگ ارزان می‌گویند. (نک: 𐭠𐭣𐭠𐭥𐭡𐭥)

۵

ک ۴/۸-۵-۷-۹-۱۳-۱۸-۲۱-۲۳.

𐭠𐭣𐭠𐭥𐭡𐭥𐭡𐭥: margarzānān: مرگ‌ارزانان، کسانی که سزاوار مرگ هستند.

(مرتکبین گناهان کبیره). ک ۴/۸.

𐭠𐭣𐭠𐭥𐭡𐭥: margarzān: مرگ ارزان، نوشتار دیگری است از واژه بالا.

ک ۲/۹-۴۰-۶۳-۶۴-۷۶-۸۱-۸۵-۹۱-۱۰۵-۱۰۷-۱۰۸. ک ۲/۸-۴. ک ۱۰/۱۰

۱۰

ک ۱۹-۲۲/۱۵-۲۳. ک ۹/۱۷.

𐭠𐭣𐭠𐭥𐭡𐭥𐭡𐭥𐭡𐭥: margarzān vināh: گناه کبیره، گناهی که انجام آن

اعدام بدنبال دارد. ک ۲/۸.

𐭠𐭣𐭠𐭥𐭡𐭥𐭡𐭥: margarzānīg: مرگ‌ارزانی، اعدامی، مستحق مرگ (نک: واژه

زیر). ک ۹/۲.

۱۵

𐭠𐭣𐭠𐭥𐭡𐭥: margīh: مرگ، نابودی.

ستا: maraka-/mahrka- هندی کهن: -mārka (AiWb. 1146)

فاتر: mrg (Mir. Man. II, 60) . ک ۲/۶۳-۶۴. ک ۳۲/۱۰. ک ۱۷/۲۰.

باراک: bē margīh: بجز مرگ، غیر از مرگ. ک ۱۷/۲۰.

*

𐭠𐭣𐭠𐭥𐭡𐭥: MH: čē: چه.

۲۰

ستا: cit/čiš هندی کهن: cit (AiWb. 588) پ: čih: پشتو: ca:

سی: čī: و ci (اساس اشتقاق ۵۷۶).

(۱) چه (استفهام، پرسش). ک ۱۳/۸. ک ۳۲/۱۲. ک ۱۲-۹/۱۵.

(۲) زیرا، چنانکه، همانطوریکه. ک ۳/۱. ک ۳۳-۹/۲-۴۲-۵۶-۵۸-۶۴-۷۴.

ک ۵/۵-۸۳-۸۵-۸۸-۸۹-۹۰-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۹. ک ۲۹-۹-۲/۳. ک ۱۳/۴. ک ۵/۵.

- ک ۴/۶ . ۷/۷ ک ۸/۹-۱۳-۲۱-۲۳ . ک ۵/۹-۸۵ . ک ۴/۱۰-۵-۷-۸-۱۰-
 ۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۵-۲۹-۳۱-۳۳ . ک ۴/۱۱-۶ . ک ۳/۱۲-۵-۷-۱۳-۱۴-
 ۱۵-۱۶-۱۸-۲۰-۲۱-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸ . ک ۴/۱۳-۸-۱۰-۴۲-۴۳-۴۴ . ک ۱۵/
 ۳-۷-۸-۱۰-۱۱-۱۳-۱۹-۲۱-۲۳-۲۷-۲۹ . ک ۳/۱۷-۳-۷-۸-۱۰-۱۲-۱۴ . ک ۱۸/
 ۱-۴ . ک ۳/۱۹-۵-۹-۱۴ . ک ۲۰/۱-۲-۱۳-۱۵-۱۷-۱۸ . ۵
- (۳) خواه (حرف تسویه) . ک ۲/۶۹ .
 (۴) همه، هرچه، کلیه آنها . ک ۲/۱۰۹ . ک ۴/۱۱ . ک ۷/۱۵ .
 (۵) نیز . ک ۸/۹ .
- ک ۶/۱۳-۸ : čē-hād : چه باشد، چگونه بود . ک ۸/۱۳ .
 ک ۶/۱۵-۷ : čē-š : چش، چماش، چه اورا . ک ۲/۶۹ . ک ۳/۲-۹ . ک ۱۵/۷-
 ۱۱-۱۳-۱۹ . ک ۱۷/۱۰ . ک ۱۸/۴ . ۱۰
- ک ۶/۵۱-۱۳ : čē-mān : چنانکه ما . ک ۱۳/۵۱ .
 ک ۶/۳۶-۳۳ : čē-mān handāxt : چنانکه برآورد کردیم .
 ک ۱۳/۵۱ .
 ک ۶/۱۱۱-۱۱۲ : čē gōvēd : چنانکه گوید... ک ۱۲/۴ . ۱۵
- *
- ۶/۱۶ : مز : az:MN : از (حرف اضافه) .
 ستا - : haca- : haca- (AiWb. 1746) فاطر: z^۲ (Mir. Man. 45, II, پ: az (مینوی خرد) . این واژه در بیشتر کردها و بندهای کتاب آمده
 است . ۶/۱۱۱ : az ku giyāg : از کجا، از چه جایی . ک ۱۷/۱۱ .
 ۶/۱۱۱ : az bun : از بن، از ته، از اصل . ک ۳/۱۶ . ۲۰
 ۶/۱۱۱ : az-iz : همانطوریکه از، نیز از، هم از . ک ۸/۲۲ . ک ۱۰/۵ .
 ۶/۱۱۱ : bē az : بعد از . ک ۲/۴۷ .
 ۶/۱۱۱ : bē az : بجز، غیر از . ک ۳/۲۰ . ک ۹/۸ . ک ۱۲/۳ .
- ۶/۱۱۱ : mōzag : موزه، کفش .
 ستاز : māōč^۲ / سنج . : paitišmuxtā-, paitišmuxtā- (AiWb. 837) پ: mōža (مینوی خرد) این واژه به شکل : ۶/۱۱۱ و ۲۵

۱۶ و mōg: موزه و کفش نیز در دیگر نوشته‌های پهلوی آمده است. ک ۱۲/۱۰.

۱۶ و mang: منگ، روش، سنت؟ "منگ با اول مفتوح هفت معنی دارد: اول طرز و روش بود. . . . "فرهنگ جهانی‌نگیری" ک ۲۲/۸.

۱۶ و mōr: مور، مورچه.

۵ ست: -maoiri (GNPE. 222) درون‌دید/۱۴ بند ۵ از دونوع مورچه نام برده می‌شود، در نزد نیاکان ما مورچه از خرفساران و جانوران موزی محسوب می‌شود و کشتن آنها ثواب دارد. (نک: Bailey, BSOAS, XXIV, 1961, p. 476. ک ۳۱/۱۰. ک ۲۰/۱۲).

۱۶ و mōr āšyānag: آشیانه مور، لانه مورچه. ک ۳۱/۱۰.

۱۰ ۱۶ و mōrčag: مورچه، مور (نک: ۱۶ و) ک ۹/۷.

۱۶ و murdag: مرده.

ایرانی کهن از: √mar amariyatā ستا : √mar
fra-mairyeite و هندی کهن نیز از: √mar mriyātē,
(GNPE. 218) فاطر: mwrđg (Mir. Man. II, 59) ک ۲۳/۱۵.

۱۵ ۱۶ و murdagān: مردگان، مرده‌ها. ک ۹۵/۲.

۱۶ و ۱۶ و murdag pus: بچه مرده، نوزادی که مرده به دنیا آید.
ک ۲۳/۱۵.

۱۶ و mōristān: مورستان، لانه‌های مورچگان (نک: ۱۶ و)

mōr: مور، مورچه) ک ۲۰/۱۲.

۱۶ و murv: مرغ (نک: ۱۶ و) ک ۹/۱۰.

۱۱۶ مورغ: murvag: (نک: واژه بالا). ک ۵/۲.
 ۱۱۶ مورغ: murvag-iz: مورغ نیز، مورغ هم. ک ۵/۲.

۱۱۶ موز: MNW: kē: که (کسیکه، چیزی که، آنکه).
 مقدمه. ک ۳-۲/۱. ک ۷۴-۷۳-۷۰-۶۹-۶۳-۶۰-۵۳-۳۸-۳۳-۳۰-۸-۵-۲/۲.
 ۵ -۲۲-۱۴/۳. ک ۱۱۱-۱۰۷-۱۰۵-۱۰۴-۱۰۲-۹۸-۹۶-۹۵-۹۰-۸۹-۸۰-۷۷-۷۶.
 -۱/۶. ک ۶-۵-۳-۲/۵. ک ۱۲-۱۱/۴. ک ۳۵-۳۴-۳۰-۲۷-۲۶-۲۵-۲۴-۲۳.
 ۵. ک ۹-۶/۷. ک ۱۲-۱۰-۹/۸. ک ۳۸-۳۱-۲۶-۱۵-۱۳-۱۰-۸/۱۰. ک ۱۱/۱۱.
 ۵. ک ۱-۱/۱۳. ک ۲۸-۲۷-۲۶-۲۴-۲۲-۲۱-۱۹-۱۴-۱۳-۱۰-۹-۴-۳-۲/۱۲.
 -۱۹-۱۶-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۹-۸-۷-۶-۵-۴/۱۵. ک ۶-۳-۲/۱۴. ک ۲۹-۱۹.
 -۲/۱۹. ک ۴-۱/۱۸. ک ۱۳-۸-۷/۱۷. ک ۶-۱-۱۶. ک ۲۹-۲۷-۲۵-۲۲-۲۰. ۱۰
 -۱۶-۱۵-۱۰-۷-۳-۲-۱/۲۰. ک ۱۵-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵.
 ۳۱-۳۰-۲۶-۱۹-۱۲.

۱۱۶ موز: t: ...: kē-t: (نک: واژه بالا) + t ضمیر دوم شخص مفرد متصل.
 که ترا، رکت. ک ۱۶/۲۲.

۱۱۶ موز: š: ...: kē-š: (واژه بالا) + š ضمیر سوم شخص مفرد متصل.
 ۱۵ کش، که او را. ک ۱۰۲-۷۳-۷۰-۳۰-۲/۲. ک ۱۰۵/۱۳. ک ۱۱/۴. ک ۱۱/۸. ک ۲/۱۲.
 ۲۵-۳۳-۱۳-۳. ک ۷/۱۷. ک ۷-۳/۱۵.
 ۱۱۶ موز: kē-šān: (نک: واژه بالا) + šān ضمیر سوم شخص جمع
 متصل. کشان، که آنها را. ک ۱۴/۱۲.

۱۱۶ راس: kē-rāy: که از آن روی، که بدان سبب. ک ۴/۱۵. ۲۰
 ۱۱۶ راس: bē kē: جز آنکه، جز کسیکه. ک ۳/۸.

۱۱۶ موی: mōy: موی، مو.
 پا: mū: (مینو خرد). ک ۱۵/۱۹.
 ۱۱۶ موی: mōy: موی، مو (نک: واژه بالا).

ک ۴-۱-۴.

*

۳۶: هز: MG: مختصر شده: MGG: dānag/dāng "فارسی: دانک، دانگ. نوعی ازسکه خرد بوده است که به عربی دانق گفته‌اند. صاحب قاموس آن را یک‌ششم درهم و بعضی دیگر یک‌هشتم آن دانسته‌اند (النقود العربیه ص ۲۶-۲۷) " مشکور، فرهنگ هزوارشهای پهلوی یا . یک چهارم درهم (نک: Tavadia, ŠnŠ. pp. 15-16) نوشتار پهلوی آن و آمده است (نک: Jackson Mém. p. 7. به مقاله میزا درباره فرهنگ پهلویک). ک ۲-۱۶-۵.

هز: My': āb: آب.

فب: āp-āpi- (Kent, 168) ستا: āpī-/āp: (AiWb. 329) ل: ۱۰
 -: āpah- apā- (نوابی، درخت آسوریک. ۱۲۱). فاطر: Mir. ۲b
 Man. II, 43. پ: āw: (مینوی خرد) ک ۲-۵-۱۰-۱۲-۱۸-۱۹-۳۶-۴۳-۵۱-۶۷-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۴-۹۸-۱۰۷-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۸-۱۲/۳-۱۳-۲۲-۲۵-۲۸-۳۳-۱۹/۸-۱۰۸-۷/۹-۸-۱۰۸-۱۱۲-۱۶-۳۹-۱۷/۱۲-۲۱-۲۴-۲۷-۲/۱۳-۴-۱۴-۲۱-۵/۱۵-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۱۴/۱۹-۵/۲۰-۱۵

هز: āb ud gōmēz: آب و گومیز که منظور نیرنگ یا مراسم برش‌نوم است (نک: همین). ک ۲۷/۱۲.

هز: āb ī čāh: آب چاه. ک ۸۶/۲.

هز: āb ī čāh: آب چاه. ک ۸۵/۲.

هز: āb ī vēh: آب وه. و آب وه یشتن، شاید منظور خواندن واجرای یسنایی است که به āb zōhr ختم می‌شود. (نک: Kotwal ŠnŠ. p. 100). ک ۲/۱۳-۲۰

هز: āb ī ēstādag: آب ساکن. ک ۷۸/۲.

هز: myazd: میزد، سفره غذا و میوه و هرنوع خوردنی که به عنوان نذرنام ایزدی داده می‌شود که همراه با "باج" و نیایش‌های ویژه مذهبی است. (نک: هز و کو) ۲۵

۰۱۹/۱۲ک

۹-۶ : mēxag? میخک، لباس زیر؟ این واژه در فرهنگ پهلوی (دکتر فره‌وشی)

به معنی لباس تنگ آمده است. تا و دیا آن را : mēxak به همین معنی در متن

(و در زیرنویس به معنی پوشاک چون روسری و سربند و کلاه). نک: (Tavadia

۵ ŠnŠ.p.74) پروفیسور وست : mašk? چرم و پوشاک چرمی چون کفش و کلاه

(SBE. V) داور، آنرا از میخ و میخی دانسته : (Davar ŠnŠ.p.23)

و "میخی... جبه و خرقه درویشان را گویند... برهان.

و Dhabhar آنرا تصحیفی از : ۹-۳ tagak? دانسته (نک:

(Dhabhar Persian Rivayats.p.216). که باتوجه به طرز خواندن

۱۰ واژه، هرکس جمله مربوط را به نحوی ترجمه کرده است. اما آنچه می‌توان با تردید (پس

از ملاحظه آراء فوق) بیان داشت اینست که واژه احتمالا "معنی. زیر جامه و شلوار کوتاه

را میدهد. ک ۵/۳.

۱۴-۶ : miyān: میان، وسط.

ستا: maiḏyāna-, maiḏyāna- از: maiḏya- / تین: mediānus:

۱۵ (GNPE. 225) mādhya- : هندی کهن از: (AiWb. 1116-17)

فاتر: my²n (Mir.Man. II, 60). ک ۷۸/۲.

۱۴-۶ : mēhan: میهن، جایگاه، خانه، مان (در: خانمان، دودمان).

ستا: maēθana- (Mir.Man. m²n فاطر: AiWb. 1107)

(II, 59). ک ۸/۱۳. ک ۲۴/۲۲.

۲۰ ۱۴-۶ : mēhan ī ōhrmazd: جایگاه هرمزد (خدای)

عرش، گرزمان. ک ۸/۱۳.

۱۴-۶ : My²yg : āb: (نک: همین واژه) + ig پسوند نسبت : ābiḡ:

آبی، آبی. ک ۱۹/۸.

آب تاختن ، ادرار کردن . :mēzišnih:

△

9e-6 :mizag: مزه، طعم. ک ۴/۵.

۵۷۰-6: mēzēnd: آب تازند، ادرار کنند (نک: واژه بالا). ک ۱۹/۱۳.

۱۰. **6 دوک** myazd: میزد، سفره (نک: 6 و سکو) .
ستا -myazda هندى کهن : (GNPE.226) miyēdha- .
 ک ۱۹/۱۲ . ک ۱۸/۳-۴ .

? mēš mēš ? 406 406

۱۵ ترکیب میش میش را تاوادیا fleece by fleece: (نک: Tavadia) mēh mēh: ترجمه کرده. پروفیسور کانگا حدس میزند که ترکیب mēh mēh: باشد و معنی: mor than one place: را بدهد. لکن از متن چنین مفهوم می شود. تارهای پشم کنار هم قرار گرفته که بهم بافته شده ولی کاملاً "به هم چسبیده نشده باشد. ک ۱۰۰/۲.

۲۰ ۶۵۶ هز: QDM: abar: ایر، بر.

فب: upariy: ستا : upairi : لا upâri : (Kent.176) . فاطر :

awar : پ (Mir.Man. II, 44) ²br: (مینو خرد).

- (۱) بر (حرف اضافه). ک ۱/۲-۴-۱۲-۱۴-۱۵-۱۶-۱۸-۱۹-۲۱-۲۵-۲۷-۸۷-
 ۹۵-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۱۰-۱۱۸-۱۲۳. ک ۳/۲۷. ک ۴/۸. ک ۸/۱۰-۱۳. ک ۱۰/۱۰۵-
 ۸-۱۲-۱۵-۱۶-۲۵-۲۹. ک ۱۱/۴. ک ۱۲/۴-۷-۱۰-۱۳-۲۲-۲۶-۲۸-۲۹.
 ک ۱۳/۱۹-۲۱-۳۷. ک ۱۵/۱۶-۱۷. ک ۱۶/۶. ک ۱۷/۴-۱۴. ک ۲۰/۱۷.
 (۲) حرف اضافه مؤخر. ک ۲/۷۷-۹۹. ک ۱۲/۱۷.
 (۳) پیشوند فعلی. ک ۲/۵-۱۷-۳۶-۳۷-۸۸-۸۹-۱۱۲-۱۱۹. ک ۳/۳۲-۲.
 ک ۴/۵-۷. ک ۸/۶. ک ۹/۱۳. ک ۱۰/۱۰-۱۳-۲۰-۳۲-۳۳. ک ۱۲/۲-۱۲-۲۳-
 ۲۶. ک ۱۳/۱۹-۹. ک ۱۵/۱۲-۱۵-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴. ک ۱۶/۲-۴. ک ۱۷/۹.
 ک ۲۰/۷-۳.

maṣṣog: سنگ تطهیر، سکویی که برای غسل و طهارت بر آن نشینند.
 ست: my (نک: D.D. MeherjiRana: Jackson Mem.p.57)
 ک ۵/۱۰.

mēvag: میوه.

- فاتر: myw (Mir.Man. I, 42) پتر: mygdg : mīwa.
 (مینو خرد). ک ۲/۱۲۳. ک ۵/۲۶. ک ۱۷/۲.

mēnišn: منش، اندیشه، تفکر، نیت.

ستا: manah- از: man √ هندی کهن: mānas- (AiWb.
 1126-33). فاطر: mnyšn (Verbum, 172, 18) : manišn

- ک ۲/۹۰-۹۱. ک ۵/۶. ک ۶/۱. ک ۸/۴-۵-۸-۱۳-۲۱. ک ۱۲/۱۴-۲۸. ک ۱۳/۱۳-
 ۴. ک ۱۹/۳. ک ۲۰/۷.

mēnišnīhā: بجای: ۱۳۵۳۶-۱۳۵۳۷. اندیشمندانه،
 از روی تفکر، مخلصانه. ک ۸/۸.

mēnišnīg: بانیت، باتعقل.

- ک ۸/۵-۸-۱۳-۲۱.

9126: mēnōg: مینو.

ستا : mainyav- (AiWb.1140) فاطر: mynwg: (Mir.Man.

mainyō : ۴ II, 61) (مینو خرد).

(۱) بهشت، دنیای دیگر (یا امور مربوط به آن). ۴/۸ ک. ۲۹/۱۰ ک. ۳۰/۱۲ ک.

۴/۱۵ ک. ۸/۱۳ ک. ۱۰/۲۰-۱۳ ک.

(۲) روح، معنی، گوهر. ۴/۱۱ ک. ۲۷-۲/۱۵ ک. ۱۴/۱۹ ک. ۹/۲۰ ک.

6126 و 6127: mēnōg ī āb: مینوی آب، فرشته یا ایزد نگهبان

آب. ۱۴/۱۹ ک.

6126: mēnōgān: مینوها، ارواح. ۴/۱۱ ک.

6126 و 6127: mēnōgīhā: (قید) مینویانه، به شکل غیر مادی، معنوی.

۴/۱۳ ک.

*

۱ : هز : ud:w و (حرف عطف) ، در اغلب کره‌ها و بخش‌های کتاب آمده است .
 فب. - ستا : uta: سا utá: (AiWb. 384) فارسی تا قرن چهارم ا یا
 و و بعدا " و ..

۱۳۳۶۰ nihādag: نهاده، آنچه که برای مصرف در کاری خاص معین می‌کنند .
 موقوفه. از نهادن به معنی برجا گذاشتن .

۵

شتا: ni+ dā: (GNPE. 236) ؟ برای توضیح کامل نک. B.N. Dhabhar
 Essays. pp. 132-136. و نیز از همو ترجمه زند خرده اوستا B.N.
 Dhabhar. Trans. Zand ī Khurtak Avista. p.113)
 ک ۶/۹ -

۱۵ ۱۳۳۶۰ nihātum: نهاتوم ، نیکادوم و نیاتوم ، کتاب پانزدهم اوستای کهن بوده
 است. درباره آن نک: Essays on the Sacred Language
 writings & Religion of the Parsis. by M. Haug
 . ۲۳-۲۲-۳/۱۰ ک. & E.W. West. Bombay 1878. p. 132.
 ک ۱۶-۱۵/۱۲

۱۵

۱۳۳۶۰ niyāz: نیاز.

ستا: az, ni+āz: بستن، فشار آوردن (AiWb. 632) فاطر : ny'z
(Mir.Man. I, 43.) ک ۱۳/۹.

اسر ۵: niyābag: لازم، ضروری.
فاطر : ny'bg (Kotwal.160).
اسر ۵: niyābag ku...: لازم است که... ک ۵/۱۲.

اسر ۵: niyāz: نیاز، فقر، دیون نیاز (نک: اسر ۵) ک ۱۷/۲۲.

اسر ۵: vahār: بهار (فصل بهار).
ستا: -vanhār از: -vapri سندی کهن: -vasar (AiWb.
(1348). فاطر: wh'r (Mir.Man. I, 38) ک ۲/۱۲).

۱۰ اسر ۵: vahrām: بهرام. (۱) ایزد بهرام، ایزد نگهبان جنگ و نام روز بیستم
همراه. این نام بیشتر همراه صفت "پیروزگر" می آید.
ستا: -varəθrayna (AiWb. 1422) ک ۲۰/۲۲. ک ۳/۲۳.
(۲) نام یکی از آتش های مقدس ایران کهن آتش بهرام بوده که تعلق به ارتشتاران
داشته است. ک ۴۶-۴۹. ک ۹/۷.

۱۵ اسر ۵: vahnān: بهمان، فلان.
فاطر: w'nm'n پاطر: w'nm'n نک: Bailey, TPS. 1956,
p. 108. ک ۸-۹/۱۲.

۲۰ اسر ۵: nāvtāg: ناوتاک، قابل کشتیرانی. صفت برای رودخانه (واژه در متن
اسر ۵ آمده است و کوتوال آن را: rāyudāg خوانده). فب،
ستا از: -nāvaya به اضافه tak یا tač به معنی تاختن.
(نک: Henning, BSOAS XII, 1948, p. 309. و نیز:
(Zaehner, Zurvān, p. 214.) ک ۴۱/۱۳.)

۱۳۳ vahān: بهانه، سبب، علت.

فاتر: (Mir.Man. II, 52) wh²ng. ک ۳۲/۱۰۰. ک ۲۶-۲۵/۱۲.

۱۳۴ nāxun: ناخن.

هندی کهن:- nakhā (GNPE. 228) پتر n²xwn: (Kotwal, 158)

ک ۷/۱۲. ک ۵۴-۴-۳/۲

۱۳۵ niyāyišn: نیایش، دعا، عبادت.

پا : nyāišn (مینو خرد). ک ۱/۲۰۱.

۱۳۶ vāj/vāž: واژه، واج، واج، باز، باژ، باج. در اصل به معنی سخن، کلمه

(کلام روحانی و مذهبی، سخن الهی، دعا). "واج و باج دعا‌های کوتاهی که در

۱۰ مراسم گوناگون و اوقات مختلف زیر لب آهسته ادا می شود". فرهنگها. ک ۷-۶/۳-

۲۱-۹-۸. ک ۳/۴. ک ۱۴/۱۰۰. ک ۳/۱۴. ک ۱/۱۵.

۱۳۷ vāžag: واژه، کلمه. ک ۱۸/۸. ک ۵۰/۱۳.

۱۳۸ nāfag: ناف (عضو بدن).

ستا : nāfah- / ایرانی کهن :- *nāf- هندی کهن :- nābh- فامیل، نژاد

۱۵ (AiWb. 1062). فاطر: n²f: (Mir.Man. II, 60). ک ۱۵/۱۰۰.

۱۳۹ nāvar: ناوَر. نام اولین آئین رسمی مذهبی از دو آئین آغاز موبدی است

که داوطلب موبدی هنگام ورود به جرگه موبدان اجراء میکند. آئین دوم : martab:

مرتب نام دارد، و اعتراف و اقرار به گناهان : (patēt ī pašēmānih)

یکی از بخشهای اصلی برشوم برای این آغاز است (برای توضیح بیشتر نک:

۲۰ (Kotwal. ŠnŠ. pp. 100-101). ک ۲/۱۳.

۱۴۰ vāvarīg: باوری، اعتقادی.

باور، اعتقاد از $\sqrt{\text{var}}$ "اعتقاد داشتن با پیشوند $\text{upa} + \tilde{\text{a}}$) upā-
(*Mir.Man.* II, فاطر: $\text{w}^{\text{p}}\text{wrydn}$ باور کردن
(51.) . ک ۱۸/۱۰

۵ vāvarīgān : باور یگان، معتمد (اسم مفعول به معنی اعتماد شده باو)
نک: واژه بالا. ک ۱۸/۱۰

۱۵ nāzūkīh : نازکی، ظرافت. فاطر: $\text{n}^{\text{p}}\text{zwg}$ (*Mir.Man.* II, 60.)
 $\text{n}^{\text{p}}\text{zwg}$: (*Mir.Man.* III, 58) ک ۲۶/۱۲

۱۰ naxčīr : نخجیر، شکار.
(*Gershevitch, Unvala. Memo-* در باره اتیمولژی این واژه نک: *rial volume. p. 91 I*).
ک ۳/۸

۱۵ naxčīrīh : شکار، شکار کردن. ک ۳/۸

۱۵ vād : باد.
ستا: vāta- از vā- هندی کهن: vāta- (1409) (*AiWb.*) فاطر: $\text{w}^{\text{p}}\text{d}$:
باد... (*Mir.Man.* I, 38) فاطر: $\text{w}^{\text{p}}\text{d}$ (*Mir.Man.* III, 62)
(۱) باد هوا. ک ۱۴/۱۰. ک ۴/۱۳
(۲) ایزد باد. ایزد موکل روز ۲۲ هرماه و نام آن روز. ک ۴/۱۱. ک ۲۲/۲۲. ک ۳/۲۳
۱۵ vād-it : ایزد باد ترا. ک ۲۲/۲۲
۱۵ vād ī ardāy : باد ستوده و مقدس.

۲۰ vādrang : بادرنگ (خیار).
ارمنی باستان: varung خیار لیمو (ساس/ اشتقاق ۲۰۴) شیرازی: بالنک.
(خیار). ک ۱۲۳/۲

spañjāyra- : وازیشت، آتش وازیشت، آتش ابرها در مقابل : vāzišt- که دیو تندرست است.

ستا : vāzišta- هندی کهن : vāñiṣṭha- (AiWb. 1417- 18.) ک ۲۶/۱۳.

۵ vāstr- : چراگاه، مرتع، علوفه.
ستا : vāstra- (AiWb. 1385) ک ۲۹/۱۲.

vāstravaxšān : کوتوال wāstryōšān :
(Kotwal. 179) کشاورزان (نک: واژه زیر) . ک ۹/۱۳.

vāstryōš- : واستریوش، کشاورز.
۱۰ ستا : vāstryōfšuya- (AiWb. 1416) ک ۵۶/۲.

vāsaḡ : خمیازه (فن : bāsak, pāsak, pāšak) . کوتوال
ص ۱۷۸ . ک ۳۲/۱۲.

این واژه (چنانکه کوتوال هم حدس زده) باید شکل نادرست :
āsarvaxšān : باشد به معنی گروه موبدانی که در اجرای
۱۵ مراسم پسنا دستیار "زوت" بوده‌اند. این واژه را : West خوانده است :
vā-srōdāām و آنرا واژه اول آیه سوم پسنا ۳۳/۱۱ دانسته که درست
نیست. (نک: SBE. v. p. 358) . ک ۹/۱۳.

vaxš [ēd] : روید.
از : vax : رو، بروی (رستن گیاهان : Kotwal. p. 178).
۲۰ ک ۲/۱۲.

vahišt- : بهشت در اصل به معنی بهترین، نیکوترین است. ستا :

- vahišta-: **هندی کهن**: (AiWb. 1399-1402) vāhistha-
فاتر: whyšt (Mir.Man. II, 52) whyšt: پاتر: (Mir.Man. III, 63.)
 ک ۲۸/۱۲ . ۵-۳-۲/۶ . ک ۱۵/۱۳-۸-۱۹-۲۴-۲۷-۲۸
 ک ۲۹-۲۲-۱۸-۹/۲۲ . ۳۰-۲۹-۲۸
 ۵ **اسد** pad vahišt-it: در بهشت ... ک ۹/۲۲ .
اسد vahišt ī bāmīg: بهشت بامی، بهشت روشن .
 ک ۲۹-۲۲-۱۸/۲۲
اسد vahištōišt: و هشتواپشت [گاه] نام پنجمین گاه است
 از پنج گاهان زرتشت که شامل های ۵۳ می باشد .
 ۱۰ **ستا**: vahištōištī- (AiWb. 1403) ک ۱۵/۱۳ .
- اسد** vāk: ترس، وحشت؟ (گوتوال) بیشتر در متن معنی غم و غصه و اندوه را میدهد
 (در فرهنگها با این معانی دیده نشد) . ک ۱۳-۱۲/۲۰-۱۳
- اسد** vārān: باران .
ستا: vār- , (AiWb. 1410) vāra- **هندی کهن**: -vār: آب .
 ۱۵ **اسد** w³r: (GNPE. 36.) **فاتر**: w³r (Mir.Man. I, 38) . پاتر: w³r
 (Mir.Man. III, 62.) . پ: vāran . (مینو خرد) . ک ۱۰-۹/۲-۱۰
 ک ۹۴ . ۲۸/۳ . ک ۱۸/۱۰
اسد vārēd: بارد . (نک: واژه بالا) . ک ۹۴/۲ .
- اسد** nāmčīšt: بویژه، بخصوص، مخصوصا .
 ۲۰ **ستا** از: kaēš: پ: nām + √caēš: نام (Kapadia Pahl.
 Bailey: JRAS Y. & vis. Glos. p.170. و نیز نک:
 1934 p. 510 . پ: nāmčīšt (مینوی خرد) . مقدمه . ک ۲/۱ .
 ک ۱۱۶/۲ . ک ۸/۸ . ک ۳۰/۱۰
- اسد** nāmčīštīg: ویژه، مخصوص (نک: واژه بالا) .

۰۵/۱۱ ک ۰۸/۸ ک ۰۱۱۶/۲ ک

نامگانی، یاد بود، بزرگداشت. nām-gēnīh: 𐬨𐬀𐬎𐬭𐬀𐬢𐬀𐬭𐬀
ستا: 𐬨𐬀𐬎𐬭𐬀𐬢𐬀𐬭𐬀. 𐬨𐬀𐬎𐬭𐬀𐬢𐬀𐬭𐬀? (AiWb. 1062-63). راجع به این ترم
نک: Dhabhar. Essays. vol. I.p.118

۵ 𐬨𐬀𐬎𐬭𐬀𐬢𐬀𐬭𐬀: vuhuxšatr: و هوشتر.
و هوشترگاه، نام پسای ۵۱ می باشد که دارای ۲۲ بند است.
ستا: -xšaθrā. vahu. (AiWb. 1832) ۰۵۱/۱۳ ک

𐬨𐬀𐬎𐬭𐬀𐬢𐬀𐬭𐬀-gāh: vuhuxšatr- و هوشترگاه (نک: واژه بالا).
۰۳۷-۱۵/۱۳ ک

۱۰ 𐬨𐬀𐬎𐬭𐬀𐬢𐬀𐬭𐬀: nihuft: پوشید، نهان کرد، نهفته، پوشیده، مخفی، هرن این
واژه را از: *ni + √gōp: و هندی گهن: √gōp می داند (نک: GNPE.
(p. 236). فاطر: nhwpt و nhwmb- (Verbum, 200, 7, 4).
پا: nahunbat: (مینوی خرد). 𐬨𐬀𐬎𐬭𐬀𐬢𐬀𐬭𐬀: nihuft ēstēd:
نهفته شود، پوشیده شود. ک ۷/۴.

۱۵ 𐬨𐬀𐬎𐬭𐬀𐬢𐬀𐬭𐬀: nihuftag: نهفته، مخفی، پنهان. (نک: واژه بالا). ک ۹/۲.

𐬨𐬀𐬎𐬭𐬀𐬢𐬀𐬭𐬀: naxvīst: نخست.
فاطر: nxwšt. (Mir.Man. II, 61) nxwstyn, nxwst: پاطر: nxwšt.
(Mir.Man. III, 59). ک ۳۸/۲. ک ۱۱/۱۷-۱۴.

۲۰ 𐬨𐬀𐬎𐬭𐬀𐬢𐬀𐬭𐬀: navama- هندی گهن: -navamā. (AiWb. 1045). فاطر:
𐬨𐬀𐬎𐬭𐬀𐬢𐬀𐬭𐬀: nahum (مینو خرد). ک ۱۴/۳. (Man. Stud. 98) nwwm :
-6𐬨𐬀𐬎𐬭𐬀𐬢𐬀𐬭𐬀: nuhum: نهم.

۱۶۳۱ vuhuman: بهمن، ایزد نگهبان حیوانات مفید.
 ستا: -vohu. mana: امشاسپند نگهبان گله. (Kotwāl ŠnŠ. 181)
 ک ۴/۱۳. ک ۶-۵-۳/۱۵. ک ۲/۲۲. ک ۱/۲۳.
 ۱۶۳۱ vuhuman-it: بهمن ترا. ک ۲/۲۲.

۱۶۳۱ و ۱۶۳۱ vuhuman murvag: بهمن مرغ (جغد) که یکی از پرندگان اهورایی
 است. (برای جزء اول نک واژه بالا و برای جزء دوم نک ۱۶۳۱ و ۱۶۳۱).
 "... اورمزد به افزونی مرغی بیافریده است که او را اشوزشت خوانند و بهمن مرغ نیز
 خوانند، کوف نیز خوانند". صد در نثر، داهر ص ۱۴. ک ۹/۱۰.

۱۶۳۱ vuhunzag: وهونزگ [سگ] سگی که به دنبال خون میرود، سگ لاشه.
 خوار، سگی که اجساد را میخورد. (Modi Memorial volume. p.29)
 و نیز نک: روایات فارسی ج ۱ ص ۱۱۳. ک ۲/۲۳.

۱۶۳۱ vāng: بانگ، آواز (آواز خروس).
 فاطر: w³ng (Mir. Man. II, 51) ک ۳۰/۱۰.
 ۱۶۳۱ vāng kardan: بانگ کردن، خواندن خروس.
 ک ۳۰/۱۰ ۱۵

۱۶۳۱ vānīdār: پیروزگر، غلبه کننده.
 فاطر: w³n- پیروز شدن، غلبه کردن. (Mir. Man. II, 51).
 ک ۱۷/۲۲

۱۶۳۱ vāy: وای ایزد، "ایزدی که پس از مرگ به استقبال نیکوکاران آید" (دکترتفضلی،
 مینوی خرد، واژه نامه). اصلاً "به معنی باد و نسیم است. در متون گوناگون پهلوی
 مترادف با rām: رام [ایزد] بکار رفته است (نک: ۱۶۳۱). ستا:
 : vayu- (AiWb. 1357). ک ۴/۱۱.
 ۱۶۳۱ vāy ī vēh: وای وه، (نسیم خوش). در روایات

آنده که منظور همان رام ایزد است و در روز سوم درگذشت زرتشتیان
 در اوشهین گاه به احترام این ایزد شنومن رام برگزار می شود که در این شنومن موبد
 درون دوگانه یا آئین باج را اجرا می کند که با واژه های *vayaoš uparō*.
kairyehe آغاز و به *spantō. mainyaom* خاتمه می پذیرد.
 (نک: *Kotwal. ŠnŠ. p. 179* . ۴/۱۷ک)
 ۵ *vāy yazad:* وای ایزد، رام. ۴/۱۱ک

نخیز: *naxēziq:* فرومایگی، فقیر، تنگدست، بیچاره. "نخیز. با
 اول مفتوح و ثانی مکسور و یای مجهول و زای منقوطة، سه معنی دارد. اول فرومایه و
 کمینه باشد. حکیم ناصر خسرو فرماید. جان پرمایه همی چون بفروشی به نخیز
 چیز پرمایه همان به که به ارزن ندهی... " فرهنگ جهانگیری. ۱/۴ک
 ۱۰

vahištōišť: و هیشتاویشت [گاه]. پنجمین گاه از پنج
 گاه زرتشت که دارای ۹ بند است و با واژه های *wahištā īštīš*
 آغاز می شود و به نام همین واژه های آغازین نام گذاری شده است.
 ستا: *vahištōišťī-* ۴۱/۱۳ک-۵۱.

vahīg: (۱) بز، بزغاله.
 ۱۵ فاطر: *whyg* (نک: *Tavadia, ŠnŠ.p.129* و *Henning*
JRAS, 1942, p.203 . ۹/۱۰ک)
 (۲) برج جدی (نام برج دهم هر سال). ۸-۷-۲/۲۱ک

nāyriq: (۱) زن [پارسا]، عفیفه.
 ۲۰ ستا: *nāiri-* هندی کهن: *nāri-* (۱۰۶۵) *AiWb.* ۴. *nāirīk*
 (مینوی خرد). ۴۱/۱۳ک. ۵/۱۵ک-۲۰. ۵/۲۲ک
 (۲) همسر، زن (شوهر دار پارسا) ۳۰/۱۲ک. ۴۴/۱۳ک
nāyriq, it: زن پارسایت. ۵/۲۲ک
nāyriq zan: زن عفیفه، زن نجیب. ۵/۲۲ک

اس ۱۳۱۳: هر: griftn: ^CHDWN, tñ: گرفتن (مصدر) بن مضارع آن: gīr:

گیر، بگیر. ستاز: grab: قب: grab: (Kent. 183) . فاطر:

gryft: پاتر: gryftn: (Mir.Man. III, 55) . پ:

giriftan: (مینوی خرد) . ک ۱۵/۱۰ . ک ۲/۱۵ .

اس ۱۳۱۴: t: gīrād: گیرد، بگیرد (نگهداراد، حفظ کناد) .

ک ۱۲/۱۳

اس ۱۳۱۵: t: grift: (۱) گرفت . ک ۲/۱۶ .

(۲) گرفته (پیوسته، مربوط) .

... اس ۱۳۱۶: nē frift ēstēd: .: گرفته نیست ،

پیوسته نیست یا پیوسته نباشد . ک ۱۶/۲ .

(۳) گرفت (پوشید، پوشیده، جامه پوشیده) . ک ۲/۳ .

(۴) گرفت (آغاز کرد، شروع کرد) . ک ۱۴/۴-۵-۶ .

اس ۱۳۱۷: m: gīrēm: بگیرم، بگیرم .

اس ۱۳۱۸: be gīrēm: بگیرم . ک ۱/۱۵ .

اس ۱۳۱۹: šn: gīrišn: (اسم مصدر) گرفتن . ک ۲۱/۳ . ک ۹/۴ .

اس ۱۳۲۰: nē gīrišn: نباید گرفتن . ک ۹/۴ .

اس ۱۳۲۱: yt: gīrēd: (۱) گیرد، بگیرد . ک ۱۰/۲ .

ک ۲۰/۱۲

اس ۱۳۲۲: abāz ō gīrēd: باز بگیرد . ک ۲۰/۱۲ .

(۲) گیرد، انگارد . ک ۵/۲۱ .

اس ۱۳۲۳: yd: gīrēd: (۱) گیرد . ک ۱۲/۳ .

(۲) پوشد، بپوشد . ک ۱/۳ . ک ۱۳/۱۰ .

اس ۱۳۲۴: t: kard: کرد .

ستاز: kar: قب: kar: [√]هندی کهن: ákar: (AiWb. 444-7)

فاطر: kyrd: (Mir.Man. II, 57) پاتر: kyrdan: (Mir.Man. III, 57) .

ک ۲۵/۱۲ . ک ۱۱۷-۱۱۶/۲ . ک ۲۵/۱۲ .

ک ۸/۱۵

اس ۳۱۱۳ kard bavēd: کرده باشد. ک ۸/۱۵

اس ۳۱۱۳ kard ēstēd: کرده شد ماست. ک ۱۱۶/۲-۱۱۷

ک ۲۵/۱۲

۵ اس ۱۱۱۶ : هنز: kunēm: BYDWN, m: کنم. ک ۸/۸

اس ۱۱۱۶ : هنز: kunihēd: BYDWN, yhyd: کرده شود. ک ۲/۲۰

اس ۱۱۱۶ : هنز: kunišn....., šn: کنش (اسم مصدر از کن)، کردن.

ک ۲۲/۸ . ک ۵/۱۰ . ک ۲۴-۷/۱۲ . ک ۵/۱۷

اس ۱۱۱۶/اس ۱۱۱۶ : kunēnd: BYDWN, ed: کنند.

۱۰ ک ۴۴/۲ . ک ۷-۶/۷ . ک ۱/۸-۴-۵-۷-۱۳-۱۶ . ک ۵/۹ . ک ۱۰/۱۲ . ک ۲۴/۱۵-

ک ۱۰/۱۷ . ۳۰

اس ۱۱۱۶ : kunēd: ,yt:

ک ۱۹/۸ . ک ۲/۶ . ک ۷-۶/۵ . ک ۲۰-۱۳/۳ . ک ۶۰-۵۹-۵۵-۳۷-۳۳-۱۱/۲

ک ۳/۱۴ . ک ۱۹/۱۳ . ک ۳۱-۱۶-۱۵/۱۲ . ک ۳۰-۲۶-۲۴-۲۳-۲۲-۱۹-۱۸/۱۰

۱۵ ک ۱۴-۹/۱۹ . ک ۸-۷-۳/۱۷ . ک ۲۷-۲۶-۲۵-۲۰-۱۸-۱۵-۱۰-۹-۸-۷-۵/۱۵

ک ۳-۲-۱/۲۰

اس ۱۱۱۶ : kunēh/kunēd: ,yh: کنید.

"گاهی فعل دوم شخص جمع به: ē (h) ختم می شود". (راستارگویوا، دستور

زبان فارسی میانه ص ۱۳۹). ک ۶۱-۴۵/۲ . ک ۱۲/۳ . ک ۲-۱/۶ . ک ۱/۸ . ک

۲۰ ک ۵-۲/۱۰ . ک ۳۱-۲۶-۱۳-۳/۱۲ . ک ۳۱-۱۹/۱۳ . ک ۲۸-۴/۱۵ . ک ۱۲-۱۲/۱۹ . ک ۱۳-۱۲/۱۹

*

اس ۱۱۱۶ : nibišt: نبشت، نوشت (بن ماضی، مضارع آن نویس : nibēs

۱۵۷۸ : هر : NPŠH : x^vēš: خویش.
 ستا : x^vaēpaiθya- : ۱ uvaipasiṃva- : ۱ uvaipasiṃva- :
 (Mir.Man.II, 58) xwyš, xwybš : ۱ فاتر (Kent. 177)
 پاتر : wxybyh (Mir.Man.III, 63) x^vēš: ۱ (مینوی خرد).
 ک ۱۰/۲-۳۶-۳۷-۶۹-۷۰. ک ۱/۶. ک ۷/۳-۶-۷. ک ۸/۱۱-۱۲-۱۸-۲۳. ک
 ۱۰/۲۲-۲۳. ک ۱۱/۴-۶. ک ۱۲/۱۵-۱۶-۲۰-۳۱. ک ۱۳/۲۹-۳۰-۴۴. ک ۱۵/
 ۱-۴-۸-۱۱-۱۳-۱۹-۲۴-۲۹-۳۰. ک ۱۷/۵. ک ۱۸/۴. ک ۲۰/۷-۱۳. ک ۲۱/
 پایان نوشت ۲.

۱۳۵۵۱ : هن: x^věštan:.....: خویشتن. ک ۱۱/۸-۱۲. ک ۷/۲۰.

۱۵ پارتی: nplt عبری: nāpal / کدی: nāpātu دریدن، منهدم کردن،
فارسی در تداول عوام نغله، نغله شدن، نغله کردن؟ (مشکور، فرهنگ هزوارشهای
پهلوی ص ۴۱) ۰۲۴-۲۳/۲

۱۳۹۷/۰۵ : هجری :t:obastan: افتادن (نک: واژه بالا).
۲۴-۲۵-۲۶-۲۹.

۲۰ اصصسرو vidāxtag: گداخته.
ست : vī taxti- (AiWb. 1438) پاتر : wdxtn, wdc-
(Mir.Man. III, 63.) ک. ۱۹-۱۶-۱۵-۱۴/۱۵.

۱۳۴۱ vadtum: بدترین.

vat: بد، / رمنی vatt: vat (مینوی خرد) شکل هزارشی آن عدل
(نک. همین) + tum نشانه صفت عالی. (نک: اصل) ک. ۱۴/۲۰.

۳۱ vidast: بدست، وجب.

۵ ستا: vi. tastay- (AiwB. 1440) vitastay-، فارسی نو:
بدست. نبود از تصرف تو برون یک بدست از زمین ملک و ملک (سوزنی سمرقندی).
ک. ۱۱۸/۲۰.

۳۱۱۳ vidaštan: گذشتن، عبور کردن.

۱۰ ایرانی کهن: vi+√tar : viyatarayāma، ستا: vītarōtō
سندی کهن: vi+√tar: vitirati، (GNPE. 199) فاطر: wdyr
زبور پهلوی: wtlty، (Verbum, 206) پا: vadīrīt
(مینو خرد). ک. ۱۶/۱۰.

۱۳۱ vad[t]ar: بدتر (نک: ۱۳۱۳۱). شکل هزارش آن عدل
فاطر: wtr پهلوی کتیبه‌ای: wtlty (Kotwal. 178) و نیز نک. ۱۳۱۳۱
ک. ۷/۶.

۱۳۱۳۱ vad[t]arān: بدتران، بدترها (نک: واژه بالا). ک. ۲۶-۱۰-۷/۱۵.

۱۳۱۳۱۳۱ vidardag: گذشته (مرده، در گذشته) نک: ۱۳۱۳۱۳۱

ک. ۱۱-۶/۱۰

۱۳۱۳۱۳۱ vidardagān: [در] گذشتگان، مردگان. ک. ۶/۱۰.

۲۰ va[d]tar dād: بدتر آفریده، بدخلقت. ک. ۷/۶.

۱۳۱۳۱۳۱ pāyād: NTLWN، t: مز: پایاد، دوام کند، بپاید.

فاتر، پاتر: p^2y- (Kotwal. 164) . ک ۲۳/۹/۲۲

۱۳۱۱۱۱۱۱ : هر: $pāyišn: \dots, šn:$ (۱) پادن، پائیدن، منتظرشدن، ماندن.
ک ۸۴/۲

(۲) طی شدن، گذشتن. ک ۱۷/۳ . طی کردن، گذرانیدن. ک ۱۸/۳

۱۳۱۱۱۱۱۱ : هر: $pāyēm: \dots, m:$ پایم، بینم، ملاحظه کنم. ک ۲۶/۱۰

۱۳۱۱۱۱۱۱ : هر: $pāyēnd: \dots, rēd:$ پایند، منتظرشوند. ک ۱۲/۹

۱۳۱۱۱۱۱۱ : $vidīrān:$ گذران، فانی، میرا.

۱۳۱۱۱۱۱۱ : $vidīrān bavēd:$ درگذرد، بمیرد. ک ۱۴/۴

۱۳۱۱۱۱۱۱ : $vidīrēd:$ درگذرد، بمیرد، فوت کند.

ک ۳۸/۲ . ک ۲/۶ . ک ۲-۹/۳ . ک ۴۰/۱۰ . ک ۴-۱۲/۵ . ک ۱۴/۱۹

*

۱۳۱۱۱۱۱۱ : $vizārd:$ گزارد، بجاآورد (و. پرداخت، اداکرد، در مورد کفاره وتاوان

و جریمه گناه). ک ۲۷/۱۵ . ک ۲۰-۱۹-۱۶-۱۵/۸

کند ۱۳۱۱۱۱۱۱ : $nē vizārd ēstēd:$ بجا نیاورده است.

ک ۲۷/۱۵

۱۳۱۱۱۱۱۱ : $vizārd bavēd:$ بجاآورده باشد، ادا کرده باشد.

ک ۲۰-۱۹/۸

۱۳۱۱۱۱۱۱ : $vizārdan:$ گزاردن، بجاآوردن، ادا کردن. ک ۱۳/۸

۱۳۱۱۱۱۱۱ : $vizārišn:$ گزارش (گذاشتن)، بجاآوردن، ادا کردن.

فاتر : $wyc^2ryšn$ (Verbum, 172) پ: $guzārišn:$ (مینو خرد)

ک ۲۱/۳ . ک ۱/۸

۱۹۱ سلاو: vizārē(h): گزارد، بجا آورد. ک ۱۳/۸-۱۶-۱۹-۲۳.
 ۱۹۱ سلاو: nē vizārē(h): بجانیاورد، نگزارد. ک ۱۳/۸-۱۶.

۱۹۱ سلاو: vizārēd: گزارد، بجا آورد، انجام دهد. ک ۲/۱۹.
 ۱۹۱ سلاو: kār i vizārēd: کاری انجام دهد. ک ۲/۲۹.

۹۱: vačag/vaččag: بچه، طفل، کودک. ک ۱۰۹/۲. ک ۱۰/۱۵. ۵

۱۹۱/۱۹۱: vuzurg: بزرگ.

فب: -vazraka: -vazra-: ستا *vazra-: sa vāzra: ?vājra
 (Kent. 207) فاطر: wzrg (Mir.Man. 11, 52). پ. کتیبای:
 wzrk n, wckk'n (Kotwal. 181) شکل هزوارشی آن (کریه) است.
 ۲۷/۱۰۰. ۷۸/۲۰. ک ۲۷/۱۰۰

۱۹۱: vuzurg vizīnišnih: بزرگ گزینشی، بهترین
 انتخاب؟ ک ۲۷/۱۰۰

۱۹۱: nizēd? چید، قرارداد، انباشته کرد، دسته کرد. (تاوایا): nizīd

نک. ۶۶ p. (Tavadia. ŠnŠ. ۱۰۲/۲) ۱۹۱: nizēd

۱۵: nizēd ēstēd: چیده شده است. قرار داده شده است. ک ۱۰۲/۲.

۱۹۱: vizīdār: گزیننده، تمیز دهنده، بصیر.

۱۹۱: vizīdārtar: بصیرتر، گزیدارتر، تمیز دهنده تر.

ک ۱/۲۳

۱۹۱: vačadast: آوانویسی است از واژه اوستایی: vačastašti

۲۰: vačaph- به معنی گفتار، سخن و واژه از: √vah

و tašt از: √taš به معنی بریدن، تراشیدن و رویهم به معنی یک بندشعر

(نک: پورداود، یسنا ج ۱ ص ۳۹ و همو ویسپرد ص ۵۵ و نیز: Kotwal ŠnŠ.)

p. 176. ۴/۱۳-۵-۶-۷-۸-۱۰-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۷-۲۸-

۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۴-۴۱-۴۲-۵۰-۵۱. ک ۳/۱۴.

۴۱ و ۴۲ و ۴۳: vačadast drahnāy: به درازای یک بند شعر، به

بلندی یک وچ دست. ک ۳/۱۴.

۵ ۴۱ و ۴۲: vičēr: (گوتوال wizīr: ص ۱۸۱). وچر، فتوی، حکم.

۴ vazar: (مینوی خرد) فارسی: وجر، وچر (فرهنگها) ک ۴/۱۲. ک ۲/۱۴.

ک ۹/۱۷.

۴۱ و ۴۲: vizīnišnih: گزینش کردن، انتخاب کردن.

(نک: ۴۱ و ۴۲) ک ۲۷/۱۰.

۱۰ ۴۱ و ۴۲: vizīnēnd: گزینند، انتخاب کنند. ک ۲۴-۲۲/۱۲.

۱ ک ۴۱ و ۴۲: nizār: نزار، ناتوان، ضعیف.

پاتر: nyz³wr سفدی : nyz³wr فارسی میانه: nyzwr (Mir.Man.

. III, 59). ک ۶۳/۲.

۱ ک ۴۱ و ۴۲: šudan: ^CZLWN, tñ: شدن، رفتن.

۱۵ ۴: šudan (مینوی خرد). ک ۹۱/۲. ک ۱۳/۹.

۱ ک ۴۱ و ۴۲: šud: ^CZLWN, tñ: شد، شده، رفت، رفته. ک ۸۹-۳۴/۲. ک ۵/۱۰.

ک ۴/۱۸. ۴۱ و ۴۲: šud hēnd: شدند، رفتند.

راید ۱ ک ۴۱ و ۴۲: be šud ēstēd: از بین رفته است.

ک ۸۹/۲. ۴۱ و ۴۲: šavēm: ^CZLWN, m: شوم، روم. ک ۹۱/۲.

ک ۱/۱۸. ۴۱ و ۴۲: nē šavēm: نشوم، نروم. ک ۱/۱۸. ۲۰

۱ ک ۴۱ و ۴۲: sāvēd: ^CZLWN, yt: شود، رود. ک ۵۱-۳۲-۱۲-۱/۲.

۵۳-۵۴-۵۶-۵۷-۷۲-۷۸-۹۰-۹۱-۱۱۰. ک ۳۲-۲۷-۲۲/۳. ک ۱۱-۱/۸. ک ۱۰.

۳/ ک ۳۱-۵/۱۲. ک ۲۹/۱۳. ک ۲۷/۱۵. ک ۲/۱۹. ک ۱۲-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۲/۱۹.

۰۱۳ ک ۳۰۱/۲۰۰

اکو: šavād: C ZLWN, ʔt: شواد، بشود. ک ۳۰/۲۲۰

اکو: šavēnd: C ZLWN, nd: شوند، روند. ک ۱۲/۹۰ ک ۵/۱۰۰

۰۱۱-۸/۱۷۲ اکو: šavišn: C ZLWN, šn: شدن، رفتن.

۰۹۰/۲ ک ۳۱/۱۲۰ ک ۱/۲۰۰

۵

اکو: vazaḡ: وزغ، قورباغه (جانور موزی آبی که در شریعت زرتشت کشتن آن خوب

است). ستا: -vazaḡa (AiWb. 1389) ک ۱۹/۸۰

اکو: nazd: نزد، پیش. ستا: nazdyō: از *nazdyah- هندی کهن:

-nēdiyah (AiWb. 1061) ک ۵/۶۰

اکو: nazdist: نزدیکترین.

۱۰

ستا: nazdišta- هندی کهن: (AiWb. 1061)nēdistha

فاتر: nazdik: پ: nazdik (مینوی خرد) ک ۵/۱۲۰

اکو: nazdik: نزدیک (نک: دو واژه بالا). ک ۴/۱۸۰ ک ۸۵/۲۰

اکو: nazdiktar: نزدیکتر. ک ۳۰/۱۲۰

۱۵

اکو: nazdik šud: نزدیک شد (همخواجی کرد).

ک ۴/۱۸۷۰

*

او: vēzišn: NBY ʔWN, šn: هر: vēzišn: بیخش، بیختن، جدا کردن. اسم

مصدر از: bēz: ماضی آن: bēxt) . هندی کهن از: vinākti, √vēč

-, vivēkti (GNPE. 57) فن: بیز، ویز (سج: پرویزن). ک ۹۳/۲۰

۲۰

او: nasāy/nasā: (۱) جسد، لاشه، مرده، نجس.

ستا: -nasu (AiWb. 1057) فاتر: ns ʔh (Mir.Man. I, 43)

پاتر: ns ʔw (Mir.Man. III, 58) پ: nasāe (مینوی خرد).

ک ۲/۶-۱۱-۸-۱۶-۳۰-۳۲-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۴۰-۴۵-۶۰-۶۳-۶۵-۶۸-۶۹-۷۱
 ۷۲-۷۳-۷۴-۷۶-۷۷-۷۹-۸۰-۸۲-۸۵-۸۶-۹۱-۹۲-۹۴-۹۵-۱۰۰-۱۰۲-۱۰۴-
 ۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۹-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۹-۱۲۳. ک ۱۰/۱۰-۱۲-۳۲-۳۳-۱۳/
 ۱۹. ک ۱۵/۲۶. ک ۱۵/۲۰.

۵ اوس و ۱۳۳۱۱: nasāy nigānīh: دفن جسد که در شریعت زرتشتی
 گناهی زشت بشمار آمده. ک ۹/۲.

اوس و ۱۳۱۱۱۶۱۶: nasāy x^vardān: نساخوردن، مردار خواری.
 ک ۱۱۱/۲۱. اوس و و ۱۳۱۱۱۱۱۱: nasāy ī sag dīd: (سنگین)
 جسدی که نسبت به آن مراسم سگ دید اجرا شده. ک ۲/۶۳-۶۹-۷۱.
 ۱۰ (۲) nasāy: زنی که بچه سقط کرده یا بچه مرده از او به دنیا آمده. ک ۸/۲-
 ۹. ک ۱۵/۲۲-۲۳-۲۴. ک ۲۰/۱۰. ک ۱۳/۱۲.

۱۵ اوس و ۱۳: visp: همه، تمام.
 ستا: -vispa هندوی کهن: -vīśva (AiWb. 1460-63) فاطر:
 (Mir.Man.III, 64) wysp: پاتر: (Mir.Man.II, 53) wysp:
 اوس و ۱۳: vispān: همگان، همه. ک ۳۰/۲۲.

۱۳ اوس و ۱۳: visbad/visbed: ویسبد، رئیس قبیله، دهبند.
 (vis-ده، قبیله، آبادی). ستا: -vis. paiti- هندوی کهن:
 (Mir, Man. viśpātay- (AiWb. 1463) فاطر: (Mir, Man. wysbyd:
 I, 38). ک ۴۴-۱۱/۱۳. ک ۵/۱۹.

۲۰ اوس و ۱۳: vistard: گسترد، گسترده.
 شکل کهن آن باید: vi + star (نک: GNPE. 205 و نیز اساس
 اشتقاق ص ۲۷۸). ک ۲/۳.
 اوس و ۱۳۱۱۱۱: vistard ēstēd: گسترده است. ک ۲/۳.

۱۳ اوس و ۱۳: vistarg: (۱) بستر، زیرانداز، رختخواب (نک. واژه بالا).

ک ۱۲/۲-۹۵ . ک ۱۳/۳ . ک ۱۴/۱۷ .

(۲) جامه، لباس. ک ۴۲/۲-۵۳-۸۳-۹۷-۹۹ . ک ۱/۳ . ک ۴/۴ . ک ۱/۱۵ .

(۳) کفن؟ یا جامه‌ای که بر مرده پوشند. ک ۴۰/۱۰ . ک ۴/۱۲ .

۴۳۱ vissadēn: بُسَدین، "بسد. بهضم اول و فتح ثانی مشدد مرجان را گویند

۵ و آنرا حجرشجری نیز خوانند و بعضی بیخ مرجان را گفته‌اند که اصل مرجان باشد."

برهان. از گوهرهای زینتی است. + ēn پسوند نسبت رویهم یعنی آنچه از بسد

ساخته شده. ک ۱۱۶/۲ .

۱۱۶/۳ nask: نسک، نام هر جزوا از ۲۱ جزواوستا است.

ستا: -naska (AiWb. 1060) . ک ۳/۱۰-۲۱-۲۲ . ک ۱۱/۱۲ .

۱۰ ۱۱۶/۴ nask ī spand: سپند نسک. (نام یکی از کتابهای اوستا).

۱۱/۱۲ ک

۱۱۶/۵ nasāg: بجای: ۱۱۶/۵ (نک. همین واژه). ک ۹/۳ .

۱۱۶/۶ ؟ کوتوال این را نوشتار نادرست: sēnizag: سینه خوانده

است (نک: Kotwal. ŠnŠ. p. 23 . ک ۴/۱۱ .

۱۵ ۱۱۶/۷ nasrōšt: نسروشت، دیومرگ. ک ۳۲/۱۰ .

۱۱۶/۸ nasuš: نوشتار اوستایی ۱۱۶/۸ nasāy: نسا. لاشه و مردار است.

(نک: ۱۱۶/۸) و بیشتر معنی دیونسو، دیومرگ را میدهد. ک ۴-۳-۲-۱/۲ .

۵ . ک ۷/۷ . ک ۴/۲۰ .

*

۱۱۶/۹ višād dvārišnih: گشاده کستی راه رفتن،

۲۰ بدون کستی رفتن. : višād گشاد، گشاده، باز کرده + ۱۱۶/۹

dvārišnih: راه رفتن اهریمنی (نک: همین واژه)، گشاد دوارشی یا بدون

کستی راه رفتن در شریعت زرتشت گناه شمرده شده و چنین کسی را بادافراه گران باشد.
ک ۸/۹-۱۰-۱۰۰

visādagīh: گشادگی (گشاه کستی بودن) نک: واژه بالا.
ک ۶/۴

۵ vartatē √vart : گشت، تغییر کرد. هندی کهن از :
ستاز: √varət (AiWb. 1368) پاتر: gšt (Mir.Man.
III, 55). ک ۱۹/۳.

vištāsp: گشتاسب، پادشاه کیانی و حامی زرتشت. ک ۴/۱۱

۱۰ vaštāgīh: گشتگی. (تغییر و تبدیل، تغییر شکل دادن، فساد
پیدا کردن؟ تباه شدن؟) نک: (Tavardia ŠnŠ. p. 144. n.
۳۴/۱۰ ک)

۱۵ x^vardan: CŠTH, tñ: خورده.
ستاز: √x^var خوردن (AiWb. 1865) فاتر: xwrd, xwrđn
xwr- (Mir.Man. I, 42) پاتر: xwrd (Mir.Man.
III, 63). ک ۸/۹-۱۱/۱۷

x^varē: خوری، بخوری. ک ۸/۹
x^varād: بخوراد، خورد. ک ۸/۹
x^vard: خورد، نوشید. ک ۷۳/۲-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱. ک ۱۱۲/

۱۹ x^vard bāvēd: خورده بود، خورده
۲۰ باشد. ک ۱۰۹/۲. x^vard ēstēd: خورده
است. ک ۷۳/۲-۱۰۹-۱۱۰. x^varēd: خورد، بخورد
ک ۸/۹-۲۵/۱۵

۱۱۴۵۱: vaštan: گشتن، برگردیدن (نک: ۱۴۵۱) . (ک ۱۳/۲۹ .

"وش شهری بوده در ترکستان که پارچه‌های آن معروف بوده". وش پنج معنی دارد. ۵۰۰ نام شهرست از ترکستان... و نسج ابریشمی در آنجا به غایت زیبا و لطیف شود... و منسوب به وش را وش‌ی نامند...". فرهنگ جهانگیری. ک ۴/۴.

۱۳۳۷ višōbēd: برهم زند، آشفته کند.
 فاطر: wšwb, wyšwb (Verbum. 184) پ: vašōwēt (مینوی خرد)
 فن، گشفتن، برهم زند. ک ۲/۱۲.

۱۳۳۸ višūdagan: زادگان اهریمن، بچه‌های اهریمن.
 فاطر: ghwd, ghwdg: زائیدن (Mir.Man. II, 49) پ:
 vašūdagan (مینوی خرد). ک ۲۴/۱۳.

*

۱۳۳۹ nigan: نمان، پنهان، مدفون.
 ایرانی کهن: *nidāna هندی کهن: ni + √dhā (GNPE. 236)
 پ: nagan. ک ۹/۲. ک ۲۲/۸.
 ۱۳۴۰ nigan kirfag: نمان کرفه، پوشیده ثواب. ک ۲۲/۸.

۱۳۴۱ niganīh: پنهان کردن، مخفی کردن، دفن کردن.
 ۱۳۴۲ nasāy niganīh: دفن کردن مرده، دفن جسد.
 ک ۹/۲.

۱۳۴۳ kušt: NKSWN, t: هز: کُشت.
 فاطر: kwšt, kwš (Kotwal. ŠnŠ. p. 154) نوشتار غیرهزوارشی
 آن: ۱۳۴۴ است (نک: همین واژه). ک ۸/۱۰.

۱۳۴۵ kuštan: --, tn: کشتن. ک ۸/۱۰-۹. ک ۵/۱۷.

۱۳۴۶ arz: NKD: ارز، ارزش، بها.
 این واژه را تاوادیازوارش: Mādag: ماده، زن خوانده و ترجمه کرده که درست
 نیست (نک: Tavadia. ŠnŠ. p. 112) میرزا، آنرا از "نقد" عربی دانسته
 و آن را arz به معنی مقدار پولی که به عنوان کفاره گناه داده می‌شود دانسته که
 درست است (نک. Sir. J. J. Zarthoshti Madressa. Cent

vol.p.58. ک ۱۵/۸.

۹۱ د : مز : mādag: NKB : ماده، مؤنث.

فاتر: m²yg (Mir. Man. I, 42) فارسی عامیانه. ماه (ماده). ک ۳۰/۱۰.

ک ۱۴/۱۲.

۵ اول ۱۳۱۳ : nigīrišn (۱) توجه، دقت. پا: nigīrišn (مینوی خرد)

ک ۱۰/۲۱-۳۵. ک ۳/۱۴. ک ۱۷/۲۰.

اول ۱۳۱۳ : nigīrišn mānāg: بیننده سان، آزماینده سان.

ک ۱۰/۳۵. (۲) نگرش، نگریستن، نگاه کردن. ک ۹۸/۲. ک ۲۹/۳. ک ۳۳/۱۰-

۳۷-۳۵. x^varšēd nigīrišn: آفتاب رو۱۰ جائیکه آفتاب بتابد. ک ۹۸/۲. اول ۱۳۱۳ : nigīrišntar: قابل دیدن
تر، نمایان تر. ک ۳۳/۱۰.

اول ۱۳۱۳ : nigīrišnīg: (۱) آشکارا، قابل رؤیت، نمایان. ک ۲/۱۴.

(۲) متوجه، دقیق، معتمد. ک ۳/۱۴.

اول ۱۳۱۳ : nigīrišnīgtar: دقیق تر، با توجه تر. ک ۲۴/۱۲.

*

۱۵ اول ۱۳۱۳ : var: (۱) ور، پرده، پوشش. ک ۱۱/۲.

(۲) پوشش آتش، خاکستر. ک ۱۰۵-۴۹/۲.

اول ۱۳۱۳ : var ud gōmēz: (نیرنگ طهارت برشوم).

اول ۱۳۱۳ : var: (۷) ور، بر (سینه). ستا: (AiWb. 1365) varah-

ک ۲۳/۱۵.

۲۰ var: آزمایش (آزمایش ایزدی). ستا: varah-, varanh-

(AiWb. 1365). اول ۱۳۱۳ : var ī garm:

ور گرم. ستا: -varah. garāmō. (AiWb. 49). به معنی آزمایش

و اثبات حق با تن درد دادن به یکی از آزمایشهایی که مقرر شده. و در انواع است. سرد و گرم. و سرد عبارت بوده از خوردن سوگند (آب گوگرد) با سر به زیر آب کردن و... و گرم، گذشتن از آتش یا دست در آب جوش کردن و با فلز گذاشته روی سینه ریختن و... این نوع آزمایشها در بین تمام ملل گذشته رایج بوده است (نک. پورد) و دیشتها ج ۱ ص ۵۶۷).

۵

۱) **varōmand:** مشکوک، مبهم. چیزی که در آن تردید و ابهام هست. اصطلاح فقهی. احتیاط دار. (از **var:** برده، **ōmand+** حجاب پسوند با معنی دارندگی). ک ۷۳/۲. ۱۰۲۱/۱۲. **varōmand kardan:** احتیاط کردن، شک کردن. ۷۳/۲.

۱۰) **varōmandih:** احتیاط (از لحاظ فقهی). ک ۹/۱۷.

۱۱) **vrāḡ:** کلاغ. ست **vārangan** (نک: حموری، علی. ZDMG. vol. 131. 1981 p. 158. ک ۵/۲. **vrāḡ i siyāh:** کلاغ سیاه. ک ۵/۲.

۱۲) **vardagih:** بردگی، برده بودن، برده. ست از **varəta-** (AiWb. 1368) **varəta-** (Mir. Man. II, 53) **wrdg:** فاطر. ک ۱۹/۱۳.

۱۳) **vardišn:** گردش، گردیدن، عوض شدن. ست از **varəṭ:** (AiWb. 1368) **wrdyšn:** فاطر (Mir. Man. II, 53) ک ۱/۱۳. ک ۳/۱۶.

۲۰) **vardēd:** گردد، عوض شود، بپرشد. فاطر: **grd** فاطر: **wšt-**, **wrd** (Kotwal. ŠnŠ. p. 177) و نیز نگ: **vard** (ک ۳/۱۶. ک ۹/۲۰. ک ۸/۲۱).

۱۳۴۲ vardēnēd: گرداند، عوض کند. ک ۷/۲۰.

۱۳۴۳ vardēnīdan: گردانیدن، عوض کردن. ک ۱۷/۲۰.

۱۳۴۴ varz: (۱) ورز، کشاورزی، کشت. ک ۹/۱۳. ک ۲۴/۱۵. ک ۳/۲۰.
(۲) کار، عمل. ک ۲۹-۷/۱۲.

۵ ۱۳۴۵ varzāvand tar: ورجاوندتر، شگفت انگیزتر.

ستا varəcahyant: (AīWb. 1367) از: varəcah- نیرو، ورج
(بزرگی، شکوه) + پسوند vant: در پهلوی به شکل: varzōmand باچنانکه
در این کتاب: varzāvand: فاطر: wrz, wrc (Mir.Man. I, 38)
پاتر: wrc.

۱۰ ۱۳۴۶ varzišnīh: انجام دادن، کردن (نک: ۱۳۴۷) ک ۷/۱۲.

۱۳۴۷ varzīd: ورزید، انجام داد. ک ۲۹/۱۲.

۱۳۴۸ varzēd: ورزد، انجام دهد، کند. ک ۷/۱۲.

۱۳۴۹ vars: ورس، مو.

ستا: varəsa- هندی کهن: -vālśa (AīWb. 1374) سنج ارمنی:
۱۵ vārsāvīr: آرایشگر. ک ۱/۱۵.

۱۳۵۰ var[r]lag: (۱) بره، گوسفند کوچک. ک ۹/۱۰. (۲) برج حمل. ک ۲/۲۱.
ظائر: wrg (Mir.Man. I, 38) پاتر: wrg (Mir.Man. III, 63)

۱۳۵۱ varm: (۱) ورم، ازبرکردن، حفظ کردن. تاوادیای این واژه را نرم (nārm)
با معنی حفظ کردن و از برکردن خوانده است. (Tavadia, ŠnŠ. p. 92)

و نیز نک. Bailey. Zor. Problems. pp.159 ff. ک ۲/۵-۶.
 varm kardan: و ۱۳۱۱ ک ۸/۱۷. ک ۲۶-۲۵/۱۰. ک ۱۲-۱۱/۸.
 حفظ کردن، از بر کردن. ک ۲/۵. ک ۲۵/۱۰.
 (۲) انبار. ک ۲۲-۲۱/۲.

۵ اله: هز: öy : او، آن. ستا: häu -: فب: hauv - (AiWb. 1730)
 فاطر: wyš^n , wy (Mir.Man. II, 45). مقدمه. ک ۶۰/۲-
 ۶۹-۷۰. ک ۳۴-۳۳-۲۹-۲۵/۳. ک ۶-۳/۵. ک ۱/۶. ک ۶/۷. ک ۱۴-۴-۲/۸.
 ک ۱۴-۱۳-۶/۹. ک ۱۵-۱۱-۸-۵/۱۰ و ۳۵ مورد دیگر.
 اله: öy-iz : آن نیز، او نیز. ک ۲۹-۲۸/۱۲.
 ۱۰ اله: öy-kēš : آنکس، آنکس نیز، آنکس که. ک ۷/۱۷.
 اله: öy-šan : ایشان، آنان، آنها. ک ۸/۱۰-۲۳ و ۱۸ بار دیگر.

اله: varg : بگری.

ستا: varəka - (AiWb. 1367) ک ۱۵/۸.

۱۱ اله: هز: ö : به، در، داخل، از.
 ۱۵ فاطر: w (Mir.Man. I, 33) پاطر: w (Mir.Man. III, 50)
 ک ۶/۲-۱۰-۱۲ و ۱۳۰ بار دیگر.
 ۱۱ اله: bun : ازین، ازاول، ازاساس. ک ۱/۵. ک ۱۷/۱۰. ک ۴-۳-۲-۱۶.
 ۱۱ اله: bavēd : ببود، چنین بود، این چنین باشد. ک ۲/۶.
 ۱۱ اله: zamiḡ madan : به زمین افتادن. ک ۱۹/۱۲.

*

۲۰ اله: nimāyišn : نمایش، نشان دادن، نمودن.
 ستا از: $\text{ni} + \sqrt{\text{mā}}$ (GNPE. 233) فاطر: nmwdn (Mir.Man.
 (Mir.Man. III, 58) $\text{nm}^2\text{dyš}$, nm^2dn II, 61) پاطر
 ک ۳۳-۱۰/۱۰. ک ۸۵-۵۶/۲.

۶-۷ nimāyēnd: نمایند، نشان دهند. ک ۷/۸.

۱-۱۱ nāmb: نمب، نم، رطوبت.

ستا : napta- از: nab √ هندى کهن : nambh-, nabh- (GNPE. 232). ک ۹۲/۲. ک ۵/۱۰.

۵ ۲-۱۱ namad: نمد (فرش با چیزی که از پشم مالند).

ستا : nāmata (AiWb. 1068). ک ۱۰۱/۲-۱۰۲.

۳-۱۱ namak: نمک. ک ۱۷/۲.

۴-۱۱ nimūd: نمود، نشان داد (نک: ۱-۱۱ و ۱۲/۱۰). ک ۱۲/۱۲.

۶-۷-۲۹ nimūd ēstēd: نشان داده شده است.

۱۰ نموده شده است. ک ۱۳/۱۰. ک ۷-۶/۱۲.

۱۱-۱۳ nimūdan: نمودن، نشان دادن (نک. واژه بالا). ک ۸۴/۲. ک ۱۰.

۱۶-۳۲.

۱۱-۱۳ vināḥ: گناه. ستا: vi+√naθ (AiWb. 1038) sa vināḥa-:

از: vi+√naḥ (GNPE. 208) فاطر: wyn^h (Mir. Man.).

۱۵ I, 38) پاتر: wyn^s ۴ gunāḥ: (مینو خرد). ک ۱/۱۰. ک ۴۰/۲-

۵۰ و ۶۵ بار دیگر. ۱۱-۱۳ vināḥ i kamist:

کوچکترین گناه. ک ۱/۱۶.

۱۱-۱۳ vināḥ vizārdan: رهایی از گناه، توبه کردن،

کفارۀ گناه دادن. ک ۵/۱۹.

۲۰ ۱۱-۱۳ vināḥ vizārišn: رهایی از گناه، کفارۀ گناه

دادن، از گناه برائت یافتن. ک ۲۱/۳.

«سورسلا» vināhtārīh: شرارت، تباهی، فساد. (نک. «سور»)
ک ۳۰/۱۰

«سورسلا» vināhtar: گناهتر. «سورسلا» grān vināhtar:
گراوتر گناه، گناه سنگین تر. ک ۵/۱۰

«سورسلا» vināhtan: نابودی، تباهی (نک: «سورسلا»)
ک ۴/۱۰

«سورسلا» vināh kār: گناهکار. «سورسلا» gunāhkār: (مینوی خرد).
ک ۶-۱/۵ ک ۱۶-۳/۱۰ ک ۲۳/۱۵

«سورسلا» vināh kārān: گناهکاران. ک ۱۷/۱۵

«سورسلا» vināh kār tar: گناهکارتر. ک ۲۹-۲۸/۱۲

«سورسلا» vināh kārīh: گناهکاری. ک ۶۹/۲-۶۸-۶۷-۶۶-۶۵-۱۰۶-۱۰۵-۱۰۴
ک ۱۰۷ ک ۶/۵ ک ۳/۱۰ ک ۲۶-۲۲/۱۵

«سورسلا» vināhīdan: تباه کردن، نابود کردن، خواب کردن، از میان
بردن، آزار رسانیدن. ک ۱۱/۱۲

«سورسلا» Narsēh Burzmihr: نرسهرزمهر، نام خاص، یکی از موبدان
صاحب نظر زرتشتی بوده که در شایست نه شایست به گفته هایش استناد شده است.
ک ۱۸/۸

«سورسلا» : کوتوال این واژه را به «سورسلا» تصحیح و آن را : nawšabar:
نشوه، نه شبه به معنی برشوم معنی کرده است (نک: Kotwal. ŠnŠ. p. 35)
که کاملاً با مفهوم متن هماهنگ و درست است.

ستا: nava-xšapara- فم: 9šapak : نه شه (AiWb. 1044)
ونیز نک: ۲۶/۱۲ ک.

۱۱ نو، تازه. nōg:

ستا: nava- هندی کهن: nāva- (AiWb. 1044) فانت: nwg (Mir.
۵ ۴۳) Man. I, 43 : nō (مینوی خرد). ۲-۱/۳ ک.

۱۱ نو، تازه. nōgnāvar: نوناور (ناور) نک: ۲/۱۰ ک.

۱۱ و س د م : ؟ این واژه را که ظاهراً "هیچ پیوندی با متن ندارد کوتوال شکل نادرستی
از و س س د م : abaxšāyišn: بخشایش، دانستماست (نک: همین)
۲۹/۱۲ ک

۱۱۱۱ vanand: و نند، ستاره و نند (نسر واقع). ۱۰

برابر با "ونندیش" و "نیرنگ خرفستر زدن" و نند ناهود کننده جانوران اهریمنی و
نیز پاسبان البرز کوه است و مانع از آن است که دیوان و دروجان به خورشید و ماه و
ستارگان صدمه بزنند. در نوساری به احترام و نند در روز هرمزد ماه فروردین آئینی
برگزار میگردد. (نک: Kotwal ŠnŠ. p. 177) ۴/۱۱ ک

۱۱۱۱ ۵/۱۴ ک. vanand star: ستاره و نند. ۴/۱۱ ک. ۱۵

۱۱۱۱ vindād: یافت، یافته.

۱۱۱۱ vindād kāmāg: کامیاب، کامرا. ۳۰/۲۲ ک.

۱۱۱۱ Vind Ōhrmazd: و نند هرمزد، نام خاص، نام یکی از مفسرین
زرتشتی دوران ساسانی که چند بار هم در و نندید پهلوی از او یاد شده. (نک:

۲۰ . ۵/۱۴ ک. ۴۴-۶-۲/۲ ک. (Tavardia. ŠnŠ. p. 148)

۱۱۱۱ navit-zādih: نوید زاده، نوزود، نوجود. این اصطلاح را

پارسیان امروز نوزودیا نوجود می خوانند و آن آئینی است که در مورد کسانی که داوطلب شغل روحانی هستند اجراء می شود، پارسیان آن را ناور می گویند (نک: ۱۳۱) (و برای آگاهی بیشتر نک: Kotwal. ŠnŠ. p.100.n4. و نیز: Navjot Ceremony. by D. J. M. JsmaspAsana. ۲/۱۳۰)

۵ ۱۱۰۰۰۰ nivēdēnišn? دعوت شدن، خواندن، دعوت کردن؟
از: ni+we ēn+išn ستا: ✓vaēd (AiWb.1318) برای توضیح
بیشتر نک: Tavadia. ŠnŠ. p. 120 n. ۱۱/۹۰

۱۰ ۱۱۰۰۰۰ vandīdād: نوشتار اخیر و نادرست ۱۱۰۰۰۰۰۰ با :
۱۱۰۰۰۰۰ jud dēv dād: می باشد و منظور کتاب وندیداد یا
ویدیوات است که معنی آن "قانون ضد دیو" می باشد که ظاهراً این کتاب بجای
naskdāt: که کتاب نوزدهم اوستای کهن بوده و از بین رفته، در زمان ساسانیان
تدوین شده است.

ستا: vī-daēvō-dāta- ۱۹/۱۳۰

*

۱۵ او هن: ^cD: tā: تا (حرف اضافه).
فاتر: d³ (Mir.Man.II,49) پاتر: yd پ: andā (مینوی خرد)
"شکشی tā ساریگی cū شغنی tā (ساس. ۲۵۰) برای معانی تا در زبان
فارسی نک: اساس اشتقاق ص ۴۴۸ تا ۴۵۰. ۲/۱۲-۱۸ و ۵۷ بار دیگر.

۲۰ او ص: tā-tān: تا شمارا. ۸/۱۷۰
او ص: tā-š: تا اورا، تا آن را، تا ش. ۲/۵۶-۶۸-۷۱. ۳/۱۵-۲۳.
۲/۱۹-۱۲-۱۳-۱۴. او ص: tā-šān: تا شان، تا آنان را. ۷/۱۳۰
او ص: tā-mān: تا ما را. ۳۰/۱۳۰
او ا: tā-ō.....تا به. ۲/۶۲. ۱۲/۹۰

۱۱۰۰۰ vēh: به، خوب، نیکو.
نوشتار هزوارشی آن ۱۱۰۰۰ (نک. همین واژه) ۶/۷. ۷/۶. ۶/۷. ۴/۹. ۴/۱۰. ۳/۱۰۰.

۱۰۰۰ ؟ :ظاهرا "شکل نادرست :اوره :vēš: بیش، زیاد، است .
ک ۶۳/۲۰

۱۰۰۰۰۰ :nihufēnd: نهفته دارند، پوشانند؟
هرچند نوشتار واژه که باید از: nihumb یا nihuft آید درست نیست .
تاوادی این واژه را :višōpēnd: خوانده که درست به نظر نمی رسد . (نک: ۵
ک ۹۵/۲۰. (Tavadia. ŠnŠ. p. 261.

۱۰۰۰۰۰۰۰ :vēhdahišnān: بهترین آفریده ها، مخلوقات نیک. ک ۱۸/۱۳

۱۰۰۰۰۰ :vēhdēn: بهدین (زرتشتی) . ک ۷/۶ . ک ۴/۹ . ک ۳۰/۱۰ . ک ۲۱/۱۲
۱۰۰۰۰۰۰۰ :vēhdēnān: بهدینان، زرتشتیان . ک ۳/۱۰ . ک ۲۱/۱۲

۱۰۰۰۰۰۰۰ :vēhdēnīh: بهدینی (اسم مصدر) . بهدین بودن، زرتشتی بودن
ک ۶/۷

۱۰۰۰ :nēzag: نیزه، (واحد اندازه گیری طول) . ک ۹/۱۲

۱۰۰۰۰۰۰ :naskdād: نسک داد، (نک: ۱۱۰۰۰۰۰۰) . ک ۴/۱۲ - ک ۶ - ک ۲۰ - ک ۲۳ -
ک ۲۶

۱۵ :vis: ویس، ده، قریه .
ستا: -vis: هندی کهن: -vīś (AiWb. 1455) سنج . فاطر: wysbyd
ک ۴۸ - ک ۴۷/۱۳ (Mir.Man. I, 38)

۱۰۰۰۰۰۰ :visbedān: ویسبدان، کدخدایان، فرمانروایان دهات .
ستا: -vis.paiti- فاطر نک. واژه بالا . ک ۱۵/۱۳

۱۵ **visprad:** وِسپَرَد (یعنی همهٔ ردان) نام یکی از مراسم مذهبی بوده که حالا فقط در ضمن گاهنبارها اجرا میشود و نیز نام بخشی از اوستا است که دارای ۲۴ بخش یا کرده است. "در این کتاب همهٔ ردان و پیشوایان مینوی و جیهانی و نمایندگان هریک از آفریدگان نیک اهورا یاد شده و به آنان درود فرستاده شده است. وِیسپَرَد از کتاب یسنافراهم آمده است و بیشتر در مراسم مذهبی جشنهای گاهنبار خوانده می‌شود. (پورداد، وِیسپَرَد به نقل از فرهنگ پهلوی). ستا : *vispe.ratavō* (*AiWb.* 1467). ک ۱۶/۶.

۱۵ **vistum:** وِیستَم.

ستا : *vīstama-* (*AiWb.* 1459). ک ۱۲/۷. ک ۱۳/۲۸.

۱۵ **vēš:** وِیش، بیشتر. ستا: *vīša-* هندی کهن: *viṣā-* (*AiWb.* 1472) فاتر *wyš:* (*Mir.Man.* II, 53) پا : *v-š* (مینوی خرد). ک ۲/۶-۳-۴. ک ۱۰/۹-۱۸. ک ۱۳/۴۷. ک ۱۴/۲. ک ۱۵/۱۰-۲۲-۲۳. ک ۲۰/۱-۱۰.

۱۵ **višhvar:** وِیشِوَر: سگ خانگی.

ستا : *viš.haurva-* سگ نگهبان خانه، سگ خانه. (*AiWb.* 1474). ک ۲/۲-۶۲.

۱۵ **nišān:** نِشَان، نشانه، علامت.

پاتر : *nyšān* (*Mir.Man.* III, 59). ک ۱۲/۱۷. ک ۲۱/۱-۴.

۱۵ **vēšag:** وِیشِه.

ستا : *varəša-* هندی کهن : *vrkṣá-* درخت (*AiWb.* 1370). ک ۲/۷۳.

۲۰ **vēšist:** وِیشِستَرین (نک: اوستا). ک ۱/۲۰. ک ۲۰/۱.

اولی: *višēd*: زیرورو کند، شخم کند.

viš: بازکردن (شخم زدن). فاطر: *wyš*، *wyš^h* پاطر: *wyš^h* (Kotwal. 181) ک ۲۱/۱۵.

اولی: *zan*: NYŠH زن.

۵ ستا از: *gənā-* (نک. یسنا ۴۶ بند ۱۰). فاطر: *zn* (*Mir. Man.* 39) *I*, پاطر: *zn* (Kotwal. 186) ک ۹۸-۹۶-۱۷-۸-۶/۲. ۱۰۵ ک ۲/۵. ۱۰۵ ک ۱۰-۲-۱۰-۱۲-۱۴-۱۵-۱۶-۲۲-۲۵-۲۶-۳۰. ۱۱-۹/۴ ک ۲/۵. ۱۸-۱۴-۱۲/۸ ک ۱۰۴/۱۰-۱۵-۱۶-۱۹-۲۰-۳۵-۳۹. ۱۲/۱۱-۱۳-۱۲/۱۵ ک ۲۲/۱۵. ۱۰/۱۹ ک ۵/۲۲.

۱۰ اولی: *zan-ē*: زنی، یک زن. ک ۸/۲.

اولی: *zan xVāstan*: خواستگاری کردن، زن خواستن. ک ۱۰/۱۹.

اولی: *zan ī āpustan*: زن آپستن. ک ۱۰۵/۲. ک ۱۰/۱۰. ک ۲۰-۱۰-۴. ک ۱۳/۱۲.

۱۵ اولی: *zan ī zādag*: زانو، زنی که زائیده. ک ۱۵/۳.

اولی: *zan ī daštān*: زن دشتان، زن حیض، زنی که در حال عادت ماهانه است. ک ۹۸-۹۶/۲. ک ۱۲-۱۱-۱۲-۱۴-۱۶-۲۵-۲۶-۳۰. ک ۸/۱۲. ک ۳۹/۱۰.

اولی: *zanān*: زنان، زنها. ک ۳/۱۲.

۲۰ اولی: *zanīh*: زنی، زن بودن. ک ۱۴/۸.

اولی: *vīr*: ویر، فهم، ادراک، هوش. ستا: *vīra-* (*AiWb.* 1453) ک ۳/۲۲.

اولی: ؟ متن داور و لوس و در دستنویس: MF5: و لوس است که با توجه

به متن و مفهوم جمله، تا وادیا آتراه اول: *viṣrāt*: تصحیح و بیدار، خوانده است (نک: *Tavadia. ŠnŠ. pp. 138-91*) و در بند هشت نیز. اول: آمده که بهار آتراه *viṣrād*: بیدار ترجمه کرده. (واژه نامه بند هشت ص ۲۴۰). ک ۲۴/۱۰.

۵ اول: *viṣrastag*: ویراسته، در اینجا به عنوان صفت به کار رفته برای یشت: *yāšt ī viṣrastag*: اصطلاحاً به معنی "خوب مه" یا "یشت مه" (در مقابل یشت که = کوچک) است که تنها در هاونگاه اول و دوم اجرا می شود که در آن یسنای مقرر به طور کامل اجرا میگردد. (نک: *Modi. p. 240*).

۱۰ کوتوال واژه را اول: *viṣrastan*: ویراستن خوانده (چنانکه در متن است) هر چند در تعلیقات همین منظور و مفهوم اصطلاحی را بیان کرده است. (نک. *Kotwal. ŠnŠ. p. 97*). ک ۱/۱۲.

اول: *viṣrast*: ویراست، پیراست، پیراسته، آراسته (به فضایل) ساخته، درست کرده. فاطر: *wyr³st, wyr³y-* (*Mir. Man. I, 38*) سنج پا: *viṣrænd* (مینوی خرد). ک ۱۱/۸-۱۲. ۱۵ اول: *viṣrast ēstēd*: ساخته است. آماده کرده است، درست کرده است، آراسته است.

اول: *viṣrastan*: ویراستن، منظم کردن، درست کردن، ساختن (نک. واژه بالا). ک ۱۷-۷/۲۰.

۲۰ اول: *viṣrāyēnd*: ویرایند، بازسازی کنند (منظور احیاء و بازسازی جسد در روز رستاخیز است). درست کنند. ک ۷/۱۷.

اول: *nērōg*: نیرو، زور، توان. فاطر: *nyrwg* (*Mir. Man. II, 61*) پ: *nīrō* (مینوی خرد).

ک ۶۹/۲-۷۰-۳۰/۱۳

اډړو nīrang: نیرنگ (آداب دین، آئین‌های مرسوم دین) و اصطلاحاً "دعا و
یا کلام مقدسی است که در اجرای آداب و آئین‌ها بکار می‌رود. ک ۲۳/۱۲. ک ۱/۱۳.

اډړو Nēryōšang: نریوسنگ، نوشتار درست آن: اډړو ښو :
Nēryōsang است، نام خاص، یکی از مفسران بزرگ زرتشتی بوده است.
ک ۱۳/۸

اډړو nēm: نیم، نصف، ۱/۲.

ستا: naēma- هندی کهن: -nēma (AiWb. 1036) پاتر: nym
(Mir.Man. III, 59). ک ۵/۱۶. ک ۲/۲۱ (۱۸ مرتبه) -۶-۸.
اډړو nēm pāy: نیم پا (به اندازه نیم پا. پا، واحد اندازه‌گیری طول).
ک ۸-۶-۲/۲۱

اډړو nēmasp: نیمسب، (برج قوس). ک ۲/۲۱.

اډړو nēmag: نیمه، نصفه (نک: اډړو). ک ۲۶/۱۰.

اډړو nēmrōz: نیمروز، ظهر.

پاتر: nymrwg (Mir.Man. III, 59). ک ۱/۷. ک ۳-۱/۲۱

اډړو vēn: نفس، دم. ک ۱۴/۴. ک ۲۴/۱۰.

اډړو zamān: زمان.

فاتر: zm³n: (Mir.Man. II, 54) پاتر: jm³n (Mir.Man. III, 56)
پهلوی کتیبه‌ای: zm³n نوشتار پهلوی کتیبه/ ۳۶: zamān

(نک: همین واژه). ک ۱۴/۱۵.

۹۲۱ vēnāg: بینا.

سنج ستا : vaēnāmi : فب vaināhiy: (GNPE.59) فاطر : wyn

(Mir.Man. III, 64) wyn : پاتر (Mir.Man. II, 52)

ک ۱۴/۹

۵ ۹۲۱ nēvak: نیک، خوب.

فب: (Mir.Man. nyk, nyw: فاطر AiWb.1035) naiba-

II, 61) . پا : nēk (مینوی خرد). مقدمه. ک ۵/۶ . ک ۹/۹-۱۰ . ک ۱۰/۱۰

ک ۲۹/۱۳-۲۲-۲۰-۵/۱۵ مقدمه ک ۲۴-۲۲-۲۰-۵/۱۵

۹۲۱ niyōgšišn: نیوشیدن، گوش کردن. ک ۸/۹.

۱۰ ۹۲۱ niyōgšēnd: نیوشند، گوش کنند. ک ۱۰/۹.

۹۲۱ nēvakīh: نیکی (نک: ۹۲۱) . ک ۸/۱۵ . ک ۴/۲۳.

۹۲۱ vēnišn: بینش (اسم مصدر از ۲۱ نک. همین) . ک ۱۰/۳ . ک ۹/۸ . ک

۴/۱۳

۹۲۱ niyōšīdār: نیوشیدار، شنوا.

۱۵ ۹۲۱ niyōšīdārtar: نیوشیدارتر، شنواتر. ک ۲/۲۳.

۹۲۱ vēnēd: بیند (نک: ۹۲۱) . ک ۲۷/۳ . ک ۹/۸ . ک ۲۰/۱۲.

۹۲۱ nēvdiltar: نیودلتر، شجاعتر، دلپذیرتر.

nēv: نیو، نیک، خوب (نک: ۹۲۱) + dil دل، قلب (نک: ۹۲۱) (

+ tar : تر، تشان صفت تفضیلی. ک ۹/۱۳.

*

و y : ī (۱) کسره اضافه است که در اغلب بندها و کردها آمده است .
 (۲) که (موصول) . فاطر : Cyg, cy (Mir. Man. II, 62) پهلوی کتبیهای :
 zy : ک ۰۴/۱۰ ک ۰۳۳-۳۱/۱۰ ک ۰۳۲-۳۱/۱۲ و ۰۰۰۰۰۰۰۰

۹ dah, 10 : ده ، ده . ستا : -dasa هندی کهن : -dāśa (AiWb. 700)
 فاطر : dh (Mir. Man. II, 50) ک ۰۷۶/۲ ک ۰۹/۷ ک ۰۲۴-۱۵/۱۰
 ۵ ک ۰۱۱-۱۰/۱۹ ک ۰۸-۶/۲۱

وید dvāzdah, 12 : دوازده . ستا : -dvadasa سا : -dvādaśa
 (Jackson. 106) ک ۰۱/۹ ک ۰۳۳/۱۳ ک ۰۱۳/۱۹

۱۰ -Ih : یی ، ی (۱) یاء نسبت یا مصدری . ک ۰۸۴/۲ ک ۰۲۲-۱۸/۳ ک ۰۳/۹ ک ۰۱۰/
 ۱۰-۱۵-۱۹-۳۲ ک ۰۷/۱۲-۱۴-۱۷ و بیش از ۴۰ بار دیگر .
 (۲) بجای ی : ē : یاء نکره . ک ۰۱۵/۱۹

۱۱ -Iha : (۱) پسوند قید ساز . ک ۰۱۴/۸ ک ۰۱۰-۸-۴/۱۰ ک ۰۲۸-۵/۱۲
 ک ۰۲۶/۱۵ ک ۰۱۰/۲۰ ک ۰۴/۲۳

(۲) نشانه جمع: ها. ک ۵/۱۶.

دهلیز: dahlēz: راهرو سرپوشیده. ک ۱۰/۲.

دهمان آفرین: dahmān āfrīn: ایزد یا فرشته‌ای است که دعا‌های مردمان پارسا را به اجابت میرساند و نماینده آفرین ها و درودهای پارسیان است. این فرشته هر شب چهار بار برای اجابت دعا‌های مردمان و پاسبانی خواسته و چیز پارسیان به جهان مادی می‌آید. (نک: دینگرد مدن ص ۸۱۵ س ۴ تا ۸).
بند هشت ایرانی بخش ۱۵ بند ۴۹. بند هشت چاپ انگلساریا ص ۱۷۵ وزند خرده‌اوستا، د بر ص ۱۷۵. ک ۴۳/۱۳.

ایزدان جمع: yazdān: یزدان، (ایزدان جمع): yazad: ایزد (نک: همین واژه) مقدمه. ک ۷/۷. ک ۲۳-۲۲-۴/۸. ک ۵/۹-۱۱-۹. ک ۵-۳/۱۰. ک ۲۴-۸/۱۲. ک ۳۰/۱۳. ک ۱۴/مقدمه. ک ۱۶/مقدمه-۶. ک ۷/۱۹. ک ۴/۲۱. ک ۳۰/۲۲.

ایزدان ایزدانی: yazdān ayyārīh: یاری خدا، یاری کردن ایزدان. ک ۴/۲۱.

دادان: dādan: YHBWN - tñ (۱) دادن. ستاز: dadāiti, √dā: ایرانی کهن: adadā, √dā: هندی کهن: dy-, d'd, d'dn: فاتر: (GNPE.115-16) dadhāti, √dhā: (Mir.Man. II, 49). ک ۲۱/۸. ک ۱۶/۱۰. ک ۵/۱۲. ک ۱۰/۱۵. (۲) آفریدن. ک ۱۸/۱۳.

ده: dah: YHBWN: ده، بده. ک ۱/۱۵. دهاد: dahād:.....t: (فعل تمنایی وجه دعایی) دهاد. ک ۱۹-۱۸-۱۲-۱۰-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱/۲۲. دهاد: be dahād: (امید است بدهد). ک ۵-۴/۲۲.

۰۱۰-۷-۶

سراسر ۳۱: dahād-it:.....,tt: بدهادت، بدهاد ترا. ک ۳/۲۲.

سراسر ۱۴: dād:.....,t: داده. ک ۱۷/۱۲. ک ۴/۱۵. ک ۱۲-۲/۱۷.

سراسر ۳۱: dād ēstēd: داده است، داده شده است.

ک ۱۷/۱۲. ک ۴/۱۵

(۲) آفرید، آفریده. ک ۲/۱۲. ک ۱۰/۱۳. ک ۱/۱۸. ک ۱۱/۲۰.

سراسر ۳۱: dād ēstēd: آفریده است، آفریده شده است.

ک ۱۰/۱۳. ک ۱۱/۲۰

سراسر ۶: dahēm:.....,m: دهم. ک ۱۰/۱۵.

سراسر ۱۵: dahēd:---,yt: دهد. ک ۲۱/۸. ک ۲۳/۱۰. ک ۱۶/۱۲.

ک ۱۵/۱۰-۱۸-۲۶. ک ۴/۱۶. ک ۸/۱۷. ک ۳/۲۰.

راند سراسر ۱۵: be dahēd: بدهد. ک ۲۱/۸. ک ۴/۱۶.

سراسر ۱۵: dahēnd:.....,nd: دهند. ک ۵-۴/۸. ک ۲۳/۱۰-۳۴. ک ۱۲/۱۲.

راند سراسر ۱۵: bē dahēnd: بدهند. ک ۴/۱۲.

سراسر ۱۴: dahišn: دهش، دادن (نک: واژه بالا). ک ۹/۷. ک ۵/۱۲. ک ۱۳/۱۳.

ک ۱۴/۱۷. ک ۱۶/۲۰. راند سراسر ۱۴: be dahišn: باید دادن،

به دادن. ک ۲/۱۳. لند سراسر ۱۴: nē dahišn: نباید دادن.

ک ۱۶/۲۰

سراسر ۱۵: dahīhist:....,yhst: آفریده شده است. ک ۴/۱۳.

سراسر ۶: yāzdahum: یازدهم. ستا. (Jackson.108) aēvandasa-

ک ۶۰/۲

سراسر ۶: yazad: ایزد، فرشته، موجود قابل احترام.

ستا: -yazata از yaz: √yaz هندی کهن: -yajatá (AiWb.1280)

فاتر: -yzd, yzd'n (Mir.Man.II,56) پاتر: -yzd, yzd'n

۰۱۰/۱۲ک

دادر: dādvar: دادور، داور، قاضی.

ستا: dātō.bara- فاتر: d³ywr (Mir.Man.II, 49) پاتر: d³dbr

(Mir.Man.III, 53) ۰۱۸/۱۰ک ۰۳۷-۶/۱۳ک ۰۱۶/۲۲ک ۰۳/۲۳ک

۵ داور: dādvar ī drōzan: داور دروغزن، قاضی-
دروغگو. ۰۱۸/۱۰ک

دادران: dādvarān: قضا، قضا، قضا.

دادرتر: dādvartar: داورتر، داورتر. ۰۳/۲۳ک

جادوان: jādūgān: جادوان.

۱۰ ستا: yātū- هندی کهن: yātāv (AiWb.1283) پ: jāduān
(مینوی خرد). ۰۳۰/۱۰ک ۰۱۱/۱۲کماضی: mad (فاتر: y³ TWN, t: āyād: بیاید، بیاید (ازین مضارع: āyāy،
۰۳۰/۲۲ک (Mir.Man.II, 43)۱۵ آمد: mad: y³ TWN, t: ماضی: آی نک: واژه بالا) فاطر: md
(Mir.Man.II, 59) پ: āmad: (مینوی خرد). ۰۷۲/۲ک
۰۱۱/۱۲ک ۰۵/۲۰ک آمد: mad hēnd: ۰۱۲/۱۲ک
آمد: bē mad hēm: آمد، بیام. ۰۷۲/۲ک

آیند: āyēnd:، nd: ۰۱۰/۹ک

۲۰ آید: āyēd:، yt: بیاید. ۰۷۸-۷۲-۴۵-۳۴-۳۲/۲ک
۰۸-۹/۲ک ۰۱۹-۲/۷ک ۰۳۲-۱۴/۱۰ک ۰۳۲-۲۹/۱۲ک ۰۸-۷-۵/۲۱ک
آید: abāz āyēd: باز آید، برگردد. ۰۷۲/۲ک

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: 𐭥𐭥, šn: :āyišn آیش (اسم مصدر), آ مدن.

𐭥𐭥𐭥: dādih: داد کردن (نک: 𐭥𐭥) . ک ۳/۱۰ ک ۸/۱۰

𐭥𐭥𐭥: dādihā: (قید) از روی داد، برابر با عدالت. ک ۸/۱۰

𐭥𐭥𐭥^(۱): gāh: گاه، زمان.

ک ۲۲/۳ ک ۳-۲/۷ ک ۳۲/۱۰ ک ۴/۱۴ ک ۳/۱۷ ک ۵/۲۱ ۵

𐭥𐭥𐭥^(۲): gāh: جا، مکان، مرتبه.

ستا: gātu- (AiWb. 518) فاتر: g^h (Mir. Man. I, 36) پاتر: .

: g^h پ: gāh (مینوی خرد). ک ۱۲/۲ ک ۱۴/۱۳ ک ۷/۱۵-۹-۱۲-

ک ۱۴-۲۰-۲۱-۲۵ ک ۱/۲۲-۹

𐭥𐭥𐭥𐭥^(۳): gāh: گاه (۱) سرود، جمع آن گاهان و منظور از آن در نوشته های پهلوی ۱۰

گفته های خود پیامبر زرتشت است که شامل ۱۷ های یسنا است که تقسیم به ۵ گاه می شود

که عبارتند از /هونود گاه، /اشتود گاه، /سینتمدگاه و /هوخشترگاه و /وهیشتر گاه

که توضیح هر یک از این پنج گاه در زیر خود واژه داده شده است.

ستا: gāthā- هندی کهن: -gāthā (AiWb. 521).

ک ۵۱-۴۲-۳۴-۳۱-۱۵-۶-۵-۳-۲/۱۳ ۱۵

(۲) گاه به جای واژه: 𐭥𐭥𐭥 پهلوی (نک: همین) و vačastašti

اوستایی که به معنی یک سطر شعراست آمده (نک: پور داود، گاثاها ص ۳۹ زیر نویس

(۱). ک ۵۱-۵۰-۴۳-۴۲/۱۳

𐭥𐭥𐭥𐭥: gāhān: گاهان، گاه ها جمع گاه (نک: 𐭥𐭥𐭥^(۳))

ک ۵۱-۵۰-۴۹/۱۳ ک ۲۸/۱۲ ک ۶/۱۰ ۲۰

𐭥𐭥𐭥𐭥: gāhān bun: آغاز گاهان. ک ۵۰/۱۳

گهنبار: gāhānbār: گاهنبار، نام هریک از شش جشن بزرگ دینی سالهای ایرانی است. "گهنبارها جشنهای ششگانه دینی سال است که در طول سال برپا می شود. این جشنها به فاصلههای غیرمتساوی از همدیگر دور می باشند. از این قرار. گهنبار میدیوزرم در چهل و پنجمین روز. گهنبار میدیوشم در صد و پنجمین روز سال گهنبار پتیه شهیم در صد و هشتادمین روز سال. گهنبار ایاسرم در دویست و دهمین روز سال گهنبار میدیارم در دویست و نودمین روز سال. گهنبار همسپتمد در سیصد و پنجمین روز سال واقع می شود، جشن هریک از این گهنبارها پنج روز طول می کشد، آخرین روز مهم ترین روز آن است."... برای توضیح بیشتر در اهمیت و چگونگی و سبب برگزاری آنها نک: پورداد، خرده اوستا. ک ۲/۱۰. ک ۱۹/۱۲-۳۱. ک ۱۳/۲۹. ک ۱۸/۳-۴. ک ۱۹/۴.

۱۵

گاهانی: gāhānīg: منسوب به گاهان. ک ۱۳/۴۹.

داسر: dāsr: احسان، هدیه، پیشکش، بهر.
ستا: -dāθra- هندی کهن: -dātrā- (AiWb. 732) در ترجمه های پهلوی،
بجای واژه اوستایی: -dāθra- هم dāsr: آمده و هم : bāhr
ک ۱۲/۴. ک ۱۰/۴۰. (Kotwal. ŠnŠ. p.137)
داسران: dāsrān: هدیه ها، پیشکش ها. ک ۱۲/۴.

۱۵

داشت: dāšt: داشت (ماضی، مضارع آن دار) ستا : -dāšta-
(AiWb. 740) "از: -dar-: darayehi, √dar:
dāraya, dārayāmiy, هندی کهن: -dhar- , dhārāyati"
GNPE. 116) فاطر : d^hštn (Mir.Man.I, 37). پا : ۲۵
داشت (مینوی خرد). ک ۲/۷۰. ک ۹/۲. dāštan:
داشت (نواختن): dāšt ēstēd: داشته است. ک ۹/۲.

۲۵

داشتارتار: dāštārtar: دارنده تر، کامل تر. ک ۱۳/۵.

دشداشتن: dāštan: (نک: دشداشتن) .

ک ۱۳/۹ . ک ۱۵/۱۰ . ک ۳/۱۲-۵-۳۲ . ک ۱۵/۱۰

دشداشتن: daxšag: نشانه، علامت .

ستا: -daxšta⁽¹⁾ (AiWb. 676) ک ۹/۹ .

دشداشتن: dahišn: دهش (۱) دادن، بخشیدن، بخشش، هدیه . ک ۱۰/۱۹ .

(۲) آفریدن . ک ۵/۱۴ . ک ۱۱/۲۰ (نک: دشداشتن) .

دشداشتن: dahišn ōmand: دهش مند، بخشنده، کریم ک ۴/۱۲ .

jahišn: ۱- سرشت، خلقت ۲- فال نیک، مروا . مقدمه: ۱

*

دشداشتن: yākand: یاکند، یاقوت "یاکند یاقوت باشد، شاکر بخاری گفت .

کجا تو باشی گردند بی خطر خوبان جمست را چه خطر هرکجا بود یاکند" ۱۰

(لغت فرس) این واژه اصلاً "یونانی: hyakinthos ولاتین: hyacinthus

به معنی نوعی زهر است، یاقوت معرب یاکند فارسی است که گوهری زینتی و سرخ رنگ

و درخشان و پر بها است . ک ۱۶/۲ .

*

دشداشتن: dār: دار، درخت، چوب .

ستا: -drav-، -dārav- هندی کهن: drāv-، -dārav- (AiWb. 738) فاطر: d'rwg درخت (Man. Stud. 65) .

ک ۶۸/۲-۷۰-۱۱۶-۱۲۰-۱۲۲ .

دشداشتن: dārišn: نگهداشتن، داشتن . ک ۳۲/۱۳ . ک ۱۱/۱۵ دشداشتن

pad ēd dārišn: به این داشتن، انگاشتن، تصور کردن . ک ۷۲/۲ .

دشداشتن: dārišnīh: نگاهداری . ۲۰

دشداشتن: abāz dārišnīh: بازداشتن، جلوگیری کردن ،

مانع شدن . ک ۳۰/۱۰ . ک ۱۹/۱۲ .

۴-۳ . ۷-۲/۷ ک . ۵-۱/۸ ک . ۵-۹/۹ ک . ۱۳-۵/۱۰ ک . ۵-۲۲-۲۵-۳۹ ک ۲/۱۲-۶-
۱۵ . ۶/۱۵ ک . ۶-۱۷-۱۰-۱۴ ک . ۹/۱۹ ک . ۱۳/۲۰ ک

سجرو '۱': jāmag: جامه، لباس، پارچه.

فاتر: j³mg (Mir.Man. II, 55) . ۱۱۸-۹۸-۴۴/۲ ک . ۴/۳-۵-۶-
۱۳ . ۴/۱۲ ک . ۴/۱۷ ک

۵

سجرو '۲': jāmag: جام، کاسه فلزی، پیاله.

ستا -: yāma- و نیز برابر واژه اوستائی -: gao. zasta در ترجمه پهلوی
وندیداد آمده است (ساس/ اشتقاق ۵۲۲) . پ: jāma (مینوی خرد) . ۳۱/۳ ک .
۲۷/۱۲ ک

سجرو دām dād: دام داد [نسک] ظاهرا " نام کتاب چهارم اوستا بوده و

گفتارهایی در باره بهشت و دوزخ و زمین و آسمان و خوبی در بر داشته است و شامل
۳۲ بخش بوده (Haug. M. Essays. p. 127) ک ۲۲/۱۰-۵/۱۲-۱۵

سجرو jān: جان، زندگی.

ستاز -: gaya- (AiWb. 503) فاطر gy³n (Mir.Man. I, 36)
پاتر: gy³n (Mir.Man. III, 55) پ: jan (مینوی خرد) .
۱۲/۲-۱۲-۵۷ ک ۱۲/۱۷

۱۵

سجرو dān: -دان، پسوند اسم ساز (سج . گلدان، استودان و ...) نک: سجرو

ēzmdān: هیزم دان . ۷۳/۲ ک

سجرو dānāg: دانا، عاقل.

فاتر: d³n³g (Mir.Man. II, 49) پ: dānā (مینوی خرد) .
۲۸/۱۰-۲/۱۳ ک . ۹-۸-۷-۶/۲۰ ک . ۱۳-۵-۶-
دانا یان . ۲/۱۳ ک . ۹-۸/۲۰ ک . سجرو دānāgtar: دانانتر .

۲۰

ک ۲۸/۱۰ . ک ۹/۲۰

𐭥𐭥𐭥 yānān: ج yān: تحفه، هدیه، پیشکش، نیکویی، موهبت. (نک.
𐭥𐭥 = yān). ک ۲۱/۲۲.

𐭥𐭥 jahūd/yahūd: یهود، یهودی. ک ۷/۶.

𐭥𐭥𐭥 dānišn: دانش (اسم مصدر).
ستا از zan: / ایرانی کهن: dan / هندی کهن: jan (GNPE. 118)
ک ۶۳/۲ . ک ۳۲-۲۶/۳

𐭥𐭥𐭥𐭥 gāušdā: گوشودای. نک: 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 ک ۳/۱۴.

𐭥𐭥 dānag: دانه، گندم، در اینجا مقیاس وزنی است که در فارسی گندم گفته می شود. "گندم از مقیاسهای قدیم وزن معادل ۱/۴ نخود (هر نخود معادل ۱/۴ مثقال است)". دایره المعارف فارسی ج ۲.
ستا: dānō[karša-] هندی کهن: dhānā- (GNPE. 118)
ک ۱/۱۶.

𐭥𐭥𐭥 dānišnīgīhā: از روی آگاهی، آگاهانه (قید است. نک:
𐭥𐭥𐭥). ک ۲/۱۴. ۱۵

𐭥𐭥 yār / jār: (فرهوشی: yāvar)، بار، دفعه، وقت، زمان. ستا:
yār-: سال؟ (AiWb. 1287) و فب: dušiyāra-: خشکسالی؟
(Kent. 192).

ک ۴۸-۴۷-۴۶-۴۵-۴۰-۳۸-۳۲-۲۸-۲۴-۲۳-۲۲-۱۲-۹/۱۳

𐭥𐭥 gān: گان، گون، گونه، نوع. (نک: 𐭥𐭥 gōn: (برای توضیح درباره

۳۱۱۱۳۵ : bavišn:....., šn: بودن، شدن. ک ۸/۸-۱۴.

۳۱۱۱۳۶ و ۳۱۱۱۳۷ ؟ در متن: ۳۱۱۱۳۸ (نادرست) :
 gōšōdāg: گوشودا. گاو مفید. واصطلاحاً "قسمتی از گوشت قربانی است که
 به ایزدان فدیّه می‌شود. ک ۱۱/۴-۵. یا. چربی که بر روی درون قرار داده می‌شود.
 ک ۱۴/۳. نک: (K. J. Jamasp Asa, Čim ī Drōn, in ۵
 gāuš hučā- : Hoshang Mem. V.201, II.9-10) ستا

۳۱۱۱۳۹ : نک: واژه بالا. ک ۵/۱۱.

۳۱۱۱۴۰ : jāvēdān: جاودان، همیشگی.
 ستا : yavaētāt (AiWb.1266) فاتر j³yd³n: (Mir.Man. ۱۰
 ۲/۲۰۵. (Mir.Man. III,64) y³wyd³n : II, 55.) پاتر. ک ۲/۲۰۵.

وس ۳۱۱۱۴۱ : sīzdah, 13: سیزده. ک ۱۴/۱۹.

وس ۳۱۱۱۴۲ : čahārdah, 14: چهارده. ک ۱۳/۱۰. ک ۷/۲۱. ک ۷/۲۱.
 وس ۳۱۱۱۴۳ : 14 pāy: ۱۴ پای. ک ۷/۲۱. نک: رسد

وس ۳۱۱۱۴۴ : pānzdah: ۱۵، پانزده. ک ۱۱/۳-۲۶-۲۷-۲۸-۳۳. ک ۹/۴.
 ک ۱۰/۱۳. ک ۱۳/۱۰. ک ۲/۵. ۱۵
 وس ۳۱۱۱۴۵ : ۱۵م ، pānzdahum: پانزدهم. ک ۲/۲۱.

وس ۳۱۱۱۴۶ : šānzdah, 16: شانزده. ک ۷/۱۳-۲۷. ک ۵/۱۶.

وس ۳۱۱۱۴۷ : 16554: ۱۶۵۵۴. ک ۱۳/۵۰.

وس ۳۱۱۱۴۸ : nūzdah, 19: نوزده. ک ۱۳/۳۰.

دایما، نگهبانی. *dāyag-ē*: ک ۴/۱۵.

دهبدان . ک ۱۳/۴۵ .

• ۶/۱۰۵

۰۲۶/۱۰۵ ۲۰

داری: dārē: ک ۱۵/۱.

۲۰ دویہزار : dō hazār:2000: : dvā sahasratamā- : dvā-hazanrōtōma- : ست

(Jackson. 108). ک ۱۶/۶.

مراد: mard: GBR^۳: مر: mard: مر.

ستا: maretan-, mareta-: martiya-: martiya-: کهن: marta-:

mrdwhm , mārtya- / مرنی: mard (GNPE. 217) فاطر سنج.

(Mir.Man. II, 60). ک ۲/۶-۸-۶۳-۶۵ و ۴۶ بار دیگر.

۵

مراد: mard bālāy: به بلندی مردی، به اندازه یک مرد.

ک ۲۷/۱۵. مراد: mard-ē: مردی، یک مرد. ک ۸/۲-۶۹-۷۱-۷۸.

ک ۲۳-۶-۳/۱۰. ک ۲۹-۱۹-۱۶/۱۲.

مراد: mard ī ahrav: مرد پارسا، مؤمن.

ک ۳۳/۳. ک ۲۳/۱۲. ک ۱۹-۱۴-۳/۱۳. ک ۸-۷-۵/۱۵.

۱۰

مراد: mard ī drvand: مرد دروند، مرد بی ایمان. ک ۱۰/۱۵.

مراد: mardān: GBR^۳n: مردان. ک ۱۹/۱۰. ک ۳/۱۲.

مراد: dvārist: حمله کرد. (نک: مراد: dvārist:)

ک ۴/۱۰. مراد: dvārist hēnd: حمله کردند، هجوم بردند.

ک ۴/۱۰.

۱۵

ور: yāzdah, 11: یازده. ک ۲۹-۴/۱۳. ک ۱۲/۱۹.

*

ور: x^vast? yPLHWN, t: مر: x^vast? خواند، مطالعه کرد، ازبرکرد (?).

گوتوال این واژه را از PLH^۳ / رامی = کار، کوشش و خدمت. و در زبانهای ایرانی =

سرشتن، آمیختن و کوشش کردن و گام زدن و نیز، کار، زحمت و آموختن و سرانجام،

خواندن و ازبر کردن می داند (نک. Kotwal. ŠnŠ. p. 183). ک ۱/۱۵.

۲۰

دبیر: dibīr: اشاره به کاتب یا نویسنده شایست نه شایست است و تنها کاتب

یا نویسنده این کتاب با این نام از خود یاد می‌کند.

فاتر: dbyr (Mir.Man.II, 50) پاتر: dbyr (Mir.Man.

. III, 53.) diwēr (مینوی خرد).

ک ۴۴/۲۰

*

۵ یاتااهو وایریو: yataāhū vairyōg: یاتااهو وایریو، آوانوشت پهلوی :

ahuna. vairya : اوستایی است که : yaθā ahū vairyō

(پهلوی : ahunvar) نیز نامیده می‌شود، که یکی از سه نماز بزرگ و کهن زرتشتیان

می‌باشد. مجموع واژه‌های این نماز ۲۱ است که برابر با ۲۱ نسک اوستامی باشد.

ک ۱۸/۱۲ - ک ۱۹/۱۹ - ک ۱۴-۱۵

۱۰

یاتااهو وایریو : همان واژه بالا است.

ک ۳۲/۱۲

یاتااهو وایریو : نوشتار دیگری است از یاتااهو وایریو.

ک ۱۳/۱۳

یاتا: yatā: [یاتااهو وایریو] نوشتار کوتاه شدهٔ صورت‌های بالاست.

۱۵

ک ۵/۵

یاتاایش: yataīš: منظور واژه اول بند یکم از پسنای ۳۳ می‌باشد که به اوستایی

yaθāiš است.

ک ۱۴/۱۳

داتوش: datuš: در گذشته منظور از آن یک تای برسم بوده که برابر با

۲۰ نوشته‌های نیرنگستان این تا یا شاخه برسم محکمتر و راست‌تر از سایر تاها بوده است.

(Kotwal. ŠnŠ. p.102. n 17 p.136) ک ۹/۱۳.

نصیرااااا : هر : $\text{nišīnān: yTyBWN, } ^{\circ}\text{n'}$: ظاهر " بجای نصیرااااا
آمده. نشستن نصیرااااا اس ااااا : $\text{yTyBWN, } ^{\circ}\text{h}$: $\text{HDWN, } \check{\text{sn}}$: نشستن کنند، بنشینند ک ۵/۱۰
 nišīnān kunišn : نشستن کنند، بنشینند ک ۵/۱۰

نصیرااااا : هر : $\text{nišast: yTyBWN, st}$: نشست. (مصدر: نصیرااااا
: nišastan). فب و ستا از : $\check{\text{had}}$ (Aiw. 1753). ک ۲۴/۲
ک ۲۱-۱۶/۳-۰۱/۱۵
نصیرااااا نصیرااااا : nišast ēstēd : نشسته است. ک ۲۴/۲

نصیرااااا : هر : $\text{nišīnišn:}, \check{\text{śh}}$: (اسم مصدر) نشستن. ک ۳۳-۱۴/۳

نصیرااااا : هر : $\text{nišīnēd:}, \text{yt}$: نشیند. ک ۱۷/۱۰
ک ۱۲/۴-۰۲۸-۶-۳-۲/۳

نصیرااااا : didīgar : ددیگر، دوم، پس.
ایرانی کهن: *duvitīyam karam (GNPE. 132) فاطر : dwdyg
(Mir. Man. II, 50). ک ۱۰۲-۱۰۰/۲-۰۹/۹ ک ۱۹/۱۳ (دومرتبه) - ک ۴/۱۷
ک ۲۹

*

و (" : iz- نیز (نک: ۹). ک ۱۰-۱/۲-۴۳ و بیش از ۱۰ جای دیگر کتاب.

و (۲) : gač : گج.
ستا : vičiča- (Aiw. 1437) ک ۱۷-۱۴/۲

و (۲) : هر : kāmēm: ySBHN, m : خواهم، مایلم. ک ۲۰

(مصدر آن: **𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥** : kāmistan: از kām: کام، آرزو خواست).
 ستا: kāmā- (GNPE.186) فاطر: k³myšn, k³myst, k³m :
 .۶/۵ک. Mir.Man. II, 57y

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥 و **𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥** : kāmēm kardan: خواهم کردن، آرزوی انجام آن را
 دارم. ۶/۵ک.

۵

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥 و **𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥** : kāmēd:yt: هرگز، آرزو کند، بخواهد.
 ۲۵-۲۰-۱۴-۱۲-۹-۷/۱۵ک ۰۸/۷ک ۰۳۲/۳ک ۰۸۶-۸۳/۲ک

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥 : gazišn? گزش (دراصل به معنی گزیدن، گاز گرفتن است). در اینجا
 به معنی. آلودگی در اثر تماس پیدا کردن است. (نک: *Tavadia. ŠnŠ*)
 .۵۵/۲ک .p. n.12.

۱۰

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥 : yazišn: یزش، نیایش، آئین دعا. ۰۳۸/۲ک ۰۲/۷ک ۰۲۳-۲۲-۴/۸ک
 ۰۱۸/۱۵ک ۰۲۵/۱۳ک ۰۳۱/۱۲ک ۰۳۶-۳۴-۵-۳/۱۰ک ۰۱۳-۱۲-۱۱-۹-۵/۹ک
 ۰۸-۷/۱۹ک ۰۶-۵-۳/۱۷ک ۰۶/۱۶ک

۱۵

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥 و **𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥** : yaziš...kardan: یزش کردن، نیایش کردن.
𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥 و **𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥** : yazišn ī ardāy fravard: یزش اردا فرورد. یعنی اجرای مراسم پسنا و درون که به نام اردا فرورد برگزار می شود.
𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥 و **𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥** : yazišn ī srōš: یزش سروش، منظور شنومن سروش است که در سه روز اول پس از درگذشت کسی روزانه
 درها و نگاه اجراء می شود که شامل برگزاری درون، پسنا، و پسپرد و وندیداد است.
𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥 و **𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥** : yazišn ī yazdān: یزش یزدان، ستایش پروردگار. ۰۶-۳/۱۷ک ۰۸/۱۹ک ۰۶-۵/۱۷ک ۰۶/۱۶ک ۰۷/۱۹ک

۲۰

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥 : dazišn: داغ کردن، داغ شدن (نک: **𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥**). ۰۱۸/۱۵ک

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥 : gačkard: گچ کرده، گچین، جایی که با گچ ساخته شده. (نک: **𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥**)

.۱۴/۲ک

۶۱۵ yazēm: یزم، بستایم، ستایش کنم. ک ۳/۱۵.

۶۱۶ dazēd: دازد (گدازد)، داغ شود. د dāz: داز بن مضارع است،
ماضی آن: dāy. ستا: -daya هندی کهن: -dāha سا: -dāghā
[in] (GNPE.117). ک ۱۷/۱۵.

۵

۱۴۵ gačēn: گچین (صفت نسبی است از و'۲) gač: نک: همین):
گچی، از گچ ساخته شده. ک ۳۹/۲.

۶۱۷ yašt: yzBHWN, t: هز: یاش: نیایش کرد، یزش کرد.
ک ۳۵/۱۰. ک ۲/۱۳. ک ۶/۱۷.

۱۰ ۶۱۸ yazišn:.....,šn: هز: یازیش: نیایش. (نک: ۶۱۷)
ک ۲/۷. ک ۶/۸. ک ۳۴/۱۰.

۶۱۹ yazēm:.....,m: هز: یزم، فدیہ دهم، پیشکش کنم (یعنی با انجام
نذر و تقدیم فدیہ و پیشکشی به ایزدی، ستایش کنم). ک ۸/۱۲-۹.

۶۲۰ yazēnd:.....,nd: هز: یزند، ستایند، نیایش کنند، تقدیس کنند.
ک ۱۳/۹. ک ۲۴/۱۲. ک ۶/۱۳. ک ۱/۱۴. ک ۳/۱۷.

۱۵

۶۲۱ yazēd:.....,yt: هز: یزد، نیایش کند، بستاید، تقدیس کند.
ک ۱۷/۲-۱-۳-۵-۶. ک ۲۰/۸. ک ۶/۱۱. ک ۲/۱۴. فدیہ دهد، پیشکش کند،
نذری دهد. ک ۹/۱۲.

۶۲۲ gazdum: گزدم (۱). جانور گزنده. کزدم. ک ۱۹/۸.

(۲) برج عقرب. ک ۲/۲۱.

دکس: $yez\ddot{I}$: که منظور: $yez\ddot{I} : ya\theta\ddot{a}i\check{s}$ که دو واژه نخست بند ۱ یسنا
ها ۴۸ می باشد است، این ها از یسنا دارای ۱۲ بند و هر بند شامل ۴ بیت است.
ک ۳۳/۱۳.

۵ و: $\check{s}ast, 60$: ۶۰، شصت.
ستا: $x\check{s}va\check{s}ti-$ سا: $\check{s}ast\ddot{i}-$ (Jackson.106).
ک ۲/۱۱۱. ک ۲۶-۲۵/۳. ک ۲/۱۱۱. ک ۵/۱۶.

و: $\check{s}ast\ ud\ \check{s}a\check{s}, 66$: ۶۶، شصت و شش. ک ۵۱/۱۳.

و: $d\check{e}b\check{a}g$: دیبا. "قماشى باشد از حریر الوان" برهان.
۱۰ هندی کهن: $\check{d}\check{i}pyat\check{e}, \sqrt{\check{d}\check{i}p}$ (GNPE.132) مغرب آن دیباچ. ک ۴/۴.

و: $dist$: دیشت، واحد اندازه گیری طول "به اندازه فاصله دو انگشت شست
و سبابه، هنینگ (نک: Henning, JRAS 1942, p. 235).
ستا: $di\check{s}ti-$ هندی کهن: $di\check{s}tay-$ (AiWb. 748) ک ۴/۱۶.

و: $sag: sa[n]g$: سنگ (مقدار وزن)، سنگینی.
۱۵ ستا: $asan-$ (AiWb. 207-208). در همین کتاب به شکل ۳ و نیز آمده
است. ک ۱۱۶/۲. ک ۲/۱۱۱. (در این بند سه بار و دو و یک بار و و آمده
است).

و: $s\check{e}b$: سیب (میوه). ک ۱۲۳/۲.

و: $-ist$: نشانه صفت عالی. ک ۲/۴. ک ۴/۱۲. ک ۱/۱۶.

دستور: jast: جست، سرزد، اتفاق افتاد.
 ستا: yāh: √yas- هندوی کهن: yāsati, yāsyati (GNPE: 94)
 پا: jast: (مینوی خرد). ک ۱۱/۱۰
 بجای دستور جست، سرزده، اتفاق افتاده. ک ۸-۵/۸.

۵ دستور: dastōr: (۱) دستور، فرمان، امر.
 ستاز: dastvam: در یسنا ۴۶ بند ۷ (Kotwal. p. 135).
 (۲) پیشوای دینی زرتشتی، موبد. ک ۲/۹-۰۴. ک ۵/۱۰. ک ۲/۱۲.
 دستور: dastōrān: دستوران، پیشوایان دینی. ک ۴/۹. ک ۱۰/
 ۵-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۳۱. ک ۱/۱۲-۱۴-۱۵-۱۶-۲۰.

۱۰ دستور: dastōrīh: (۱) دستوری، فرمانی، امری. ک ۵/۸. ک ۱۶/۱۵.
 دستور: uš...dastorīh dahēnd: او را توصیفای کنند، او را راهنمایی کنند، به او دستوری دهند. ک ۵/۸.
 ظاهراً بجای ده باید ر می بود.
 (۲) دستور بودن، پیشوای دینی بودن (یا شدن). ک ۱۱/۸. ک ۵/۱۹.

دستور: dastōrīhā: (قید) از روی دستور شرع، برابر با مقررات مذهبی،
 ک ۲۰/۳ ۱۵

دستور: نوشتار نادرستی است از دستور: (نک: همین واژه ص ۱۶۹).
 ک ۲/۵

دستور: sēj: سیج، رنج، درد، ناراحتی.
 ستا: iθyaǰah-, iθyeǰah (AiWb. 799) پا: sēj: (مینوی خرد)
 ک ۵/۶. دستور: a-sēj: بی درد، راحت، خوب. ک ۵/۶ ۲۰

دستور: sērīh: سیری.

این واژه، ترجمه واژه اوستایی : *ha-γdāhəm-* است. (*AiWb*.1743)
 پ : *sārīh* (مینوی خرد). ک ۲۳/۱۰. ک ۱۶/۱۲.

د : *yasn*: یسن، یسنا، ستایش، نیایش، دعا.
 ستا : *yasna-* هندی گهن : *yajná-* (*AiWb*.1270).
 ک ۱۳/۱-۱۵-۱۶-۵۱ و دربند ۱۶ و ۵۱ کرده ۱۳ که این واژه به تنهایی بکار رفته است
 ۵ منظور هفتان ها پاهفت هات است که شامل بند ۲ یسنا، ها ۳۵، تا بند ۷ یسنا، ها
 ۴۱ می باشد.

دوس : *haftād ud sē(h)*, 73: ۷۳، هفتاد و سه. ک ۳/۱۶.

دو : *navad*, 90: ۹۰، نود. ک ۲/۱۱.

*

د : *dašt*: دشت. پ : *dāt* (*Mir.Man*.III,54) پ : *dašt* : ۱۰
 (مینوی خرد). ک ۳۱/۱۰.

د : *yašt* (۱) یشت، دعا، نیایش.
 ک ۴۴/۲. ک ۳۵-۷/۳. ک ۶-۵-۳-۲/۵. ک ۴-۳/۶. ک ۳/۱۵.
 (۲) منظور اجرای ۷۲ بخش یسنا است. ک ۲۳-۱/۱۲. ک ۶/۱۶.
 ۱۵ (۳) منظور اجرای نشوه یا برش نوم است. (نک: *د*) ک ۳۰-۲۶/۱۲.
 (۴) منظور اجرای ناور (نک: *د*) است. ک ۲/۱۳.

د : *yašt ī kēh*: یشت که، یا. خوب کوچکتر، در اصطلاح
 پیشوایان زرتشتی یعنی اجرای بخش های ۳ تا ۸ یسنا است که در مقابل یشت مه یا یشت
 ویراستگ قرار دارد (نک: *د*) (که در ها و نگاه اجراء می شود) (نک:

۲۰ *Kotwal. ŠnŠ* p. 97.n.2. ک ۱/۱۲.
 د : *yašt ī nāvar*: یشت ناور، اجرای مراسم ناور. (نک

ک ۲/۱۳)

𐬨𐬀𐬎𐬎𐬭𐬀𐬎𐬎𐬀: yaštārān: یشتاران، اجرا کنندگان یشت، موبدان اجراءکننده
مراسم مذهبی. ک ۲۶-۲۴/۱۲.

𐬨𐬀𐬎𐬎𐬭𐬀𐬎𐬎𐬀 (۱): daštān: دشتان، حیض.
ستا: -daxšta¹ (AiWb. 676). ک ۸/۲-۱۷-۶۱-۹۶-۹۸. ک ۱/۳-
۲-۴-۶-۷-۸-۱۱-۱۲-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۲-۲۳-۲۵-۲۶-۲۷-۲۹
۳۰-۳۲-۳۳. ک ۱۲/۸. ک ۳۹/۱۰.

𐬨𐬀𐬎𐬎𐬭𐬀𐬎𐬎𐬀 (۲): daštān: بجای: 𐬨𐬀𐬎𐬎𐬭𐬀𐬎𐬎𐬀 (نک: واژه زیر).
ک ۱۶/۳.

𐬨𐬀𐬎𐬎𐬭𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀: daštānistān: دشتانستان، محلی که معمولاً "در خانه دورتر
از محل سکونت سایر افراد (پاک) برای زنان دشتان وجود داشت، که در مدت حیض
بودن می باید زن به دورآب و آتش و مرد (اهرو) در آن سکونت کند تا پاک گردد.
ک ۷۵/۲.

𐬨𐬀𐬎𐬎𐬭𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀: yašt jāmag: یشت جامه، لباس نماز، پوشش و لباس پاکیزه و
مخصوصی که در مراسم و آئین های مذهبی می پوشند. ک ۴۴/۲.

𐬨𐬀𐬎𐬎𐬭𐬀𐬎𐬎𐬀 (۱۵): yaštan: یشتن، نیایش کردن. (نک: 𐬨𐬀𐬎𐬎𐬭𐬀𐬎𐬎𐬀).
ک ۳۲/۳. ک ۵/۵. ک ۴-۱/۷. ک ۳۱-۱/۱۲. ک ۴/۱۷. ک ۵/۲۰.

𐬨𐬀𐬎𐬎𐬭𐬀𐬎𐬎𐬀: dašn: راست (سمت راست).
ستا: -dašina (AiWb. 703) فاطر: dšn (Mir.Man. II, 51)
پاتر: dšn (Mir.Man. III, 54). ک ۴/۱۱. ک ۱۵/۱۰.

𐬨𐬀𐬎𐬎𐬭𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀: gašnag-zīvišnih: زندگی کوتاه، کوتاه زیوی.
(نک: (Bailey, BSOAS, XXVI, 1963, pp. 70-71).

ک ۳۲/۱۲

*

رو yak: یک.

در جاهای دیگر کتاب بجای این واژه **سپو** (نک: همین) آمده است. پا: yak:(مینوی خرد) ۸-۶/۲۱ **سپو** (دومرتبه) yak-ē: یکی. ک ۶/۲۱س **سپو** yak: 3 سه یک (یک سوم، ثلث). ک ۸/۲۱

۵

رو **سپو**: jagar: جگر.

ستا : -/yākar- yākarə هندی کهن : yákr̥t (AiWb.1282)

ک ۴/۱۱

رو **سپو** : yK^CyMWN-³t ēstād: ایستاد، قرار داشت، معین

۱۰

شد. ک ۲۸/۱۵

رو **سپو** : tk: ēstādag: ایستاده، ساکن.س **سپو** : āb ī ēstādag: آب ساکن، (آبی که جریان ندارد).

ک ۷۸/۲

رو **سپو** : nd: ēstēnd: (۱) ایستند (معترف شوند، قبول کنند).س **سپو** : pad ēn.. čāštag ēstēnd: ۱۵

این گفته را قبول دارند، به این قول معتقدند. ک ۴/۱

(۲) ایستند، متوقف شوند. ک ۱۲/۹

(۳) ایستادگی کنند، مقاومت کنند. ک ۲۷/۱۵

رو **سپو** : yh: ēstēh: ایستاده شده.س **سپو** : pad grān dāšt ēstēh: ۲۰

سخت شمرده شده، مشکل تلقی شده. ک ۲/۹

وایستد: *ēstēd:, yt*: هر: ایستد.

(۱) فعل معین برای ساختن ماضی بعید و نقلی. ک ۱/۱. ک ۱/۲. ک ۱۳/۲-۱۶-

۳۸-۴۳-۷۳-۷۸-۸۸-۸۹-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۹-۱۱۱-۱۱۶-۱۱۷-۱۹۹.

ک ۷-۲/۳. ک ۱/۴-۰۲. و بیش از ۵۰ مورد دیگر.

(۲) قرار گیرد، بایستند. ک ۱۰/۲-۱۲-۱۸-۲۲-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۴-۳۵-

۴۲-۵۷-۱۰۰. ک ۵/۳-۱۱-۳۱-۳۴-۳۵.

وایستد: *abāz . . . ēstēd*: بیفتد، قرار گیرد. ک ۱۸/۲.

وایستد: *abāz ēstēd*: متوقف شود، باز ایستد. ک ۳۴/۳.

وایستد: *andar kār ēstēd*: مورد استفاده قرار گیرد.

ک ۴۲/۲

وایستد: *andar ō kār ēstēd*: به کار مشغول شود.

ک ۵/۳. (۳) باشد، بماند. ک ۶۱/۲.

وپاک: *pāk: DKy²*: هر: پاک.

فاتر: *p²k* (Mir.Man.II, 63) پاتر: *pw²g* (Mir.Man.

III, 6. ک ۱۴/۲-۱۵-۱۶-۲۲-۳۰-۴۲-۴۴-۶۲-۹۲-۱۰۱-۱۰۴-۱۰۶-

۱۰۸-۱۱۲-۱۱۳-۱۲۲. ک ۵/۳-۱۴-۱۶-۱۸-۲۰. ک ۱۲/۳-۱۲-۲۴-۲۷. ک

۱۵/۱۵

وپاک: *pākīh:, yh*: هر: پاک بودن. ک ۱۸/۳.

*

وگار: *gar*: گر، کوه، قله کوه، گردنه.

ستا: *-gairi* هندی گهن-*girāy* (AiWb.III, 513-14) ک ۱۲/۱۹

ولدرخت: *draxt*: درخت.

ستا: *-draxta* * (GNPE.121) پاتر: *drxt* (Mir.Man.

III.54.) رمنی: *draxt*: (Arm. Gram.145) پ: *daraxt*

(مینوی خرد): ک ۲۵/۲-۲۶-۲۷-۲۸-۷۳. ک ۵/۸.

دراخت: draxt-e: درختی، یک درخت. ک ۲۵/۲.

درا: grān: گران، سنگین، سخت.

ستاز: grav: هندی کهن: gurav- (AiWb. 514) gr³n: غاثر.

(Mir.Man. III. 55.) gr³n: پاتر (Mir.Man. III, 55)

پا: garān (مینوی خرد). ک ۲۵/۲۰۹۱. ک ۵/۵۰۵. ک ۲/۸۰۱۴. ک ۲۰۹/۲۰۵

ک ۲۰۹/۱۰۵. ک ۱۰/۱۲۰۱۰

درا: grānvināhtār: بسیارترگناه، کسی که گناهش گران تر

است. ک ۵/۱۰۵

درا: drahnā (y): درازا.

ستاز: drājah- (AiWb. 774) پا: darānā: ک ۲/۸۴

درا: drahnāg: درازا (نک. واژه بالا) ک ۳/۱۴

درا: drahnāy: درازا (نک. واژه بالا) ک ۲/۱۵-۱۶-۱۹-۴۱-۴۴-۶۲

ک ۱۱۸-۱۰۹. ک ۵/۴۰۶. ک ۱۴/۱۹۰

درا: grāntar: گران تر، سخت تر. (نک: درا) ک ۵/۵

درا: grānīh: گرانی، سختی، سنگینی. (نک: درا) ک ۳/۹۰

درا: drāyān javiśnīh: درایان جوشی. اصطلاحاً "یعنی

خوردن همران با حرف زدن که در شریعت زرتشت گناه شمرده شده، لکن با توجه به

دستورهای دینی که در این کتاب (شایست نه شایست) آمده و نیز در سایر نوشته های

دینی زرتشتی، درایان جوشی یعنی خوردن بدون دعا و نیایش های دینی مربوط پیش

از آغاز آن.

واژه درا: اصلاً به معنی سخن گفتن اهریمنی است (برای واژه های اهریمنی

نک: پورداود، یسناج ۱ ص ۲۳۳) ک ۹/۴ . ک ۵/۱-۲-۳-۴-۵-۷.

ولند و ص ۱
ولند و ص ۲
grāgtar: گران تر، سخت تر، ولند و
(نک: همین واژه) . ک ۲۵/۱۰

ولند و ص ۳
drāyīd: درایید. وراجی کرد، گفت (یکی از واژه های اهریمنی است) .
برای این واژه نک: Benveniste, BSL, L11, 1956. p.49
و: M. Schwartz, JRAS, 1966. p. 119. ک ۸/۱-۲-۳-۴.

ولند و ص ۴
dard: درد، ناراحتی.
فانر: drd (Mir.Man.II, 51) پاتر: drd (Mir.Man.III, 53)
پا dard: (مینو خرد) . ک ۱۷/۱۰ . ک ۲۳/۱۵

ولند و ص ۵
gardan: گردن.
ستا از: -gairi (AiWb. 513) . فانر: grdn (Mir.Man. I, 36)
ک ۲۳/۲ . ک ۵/۴ . ک ۱۵/۱۰ . ک ۴/۱۱

ولند و ص ۶
gardan band: گردن بند (آلت زینتی) . ک ۴/۳

ولند و ص ۷
garzišn: گرزش، کفاره، اعتراف به گناه، توبه. ک ۲/۸
ستا: -garəz: گله، شکایت، هندی کهن: garhate (AiWb. 516)
ک ۲/۸

ولند و ص ۸
garzag: گرز، موش "به فتح اول بروزن هرزه، نوعی از مار است و بعضی
گویند ماری باشد سر بزرگ و پر خط و خال و زهر او زیاده از مارهای دیگر است و هیچ
تریاقی بر زهر او مقاومت نکند و در بعضی از ولایات دارالمرز موش را گرز می گویند.
..... "برهان. ک ۳۴-۳۳/۲

ولری garzēd: اعتراف کند (نک: ولری ۱۳۵) . (ک ۲/۱۳)

ولری garzidan: اعتراف کردن، توبه کردن. (نک. واژه بالا) . (ک ۲۹/۱۳)

ولری ē sad, 100: یکصد.

ستا: sata- ← satā- (Jackson 106) . (ک ۵۱/۱۳) . (ک ۶/۱۶)

ولری ē sad ud panjāh, 150: یکصد و پنجاه. (ک ۱۱/۱۲) ۵

ولری ē sad ud panjāh, 150: یکصد و پنجاه. (ک ۴/۱۰)

ولری ē sad hazār, 100,000: یکصد هزار.

(ک ۶/۱۶)

ولری ē sad ud haštād, 180: یکصد و هشتاد. (ک ۲/۱۱)

۱۰

(ک ۵/۱۶)

ولری ē sad ud haštād, 180: یکصد و هشتاد. (ک ۲/۱)

ولری grih: گره، گره زدن. (ک ۱۱/۴)

ولری ؟ ظاهراً "شکل نادرست" است (نک. همین) (ک ۲۴/۱۰)

ولری dargāh: درگاه، جای در، در ورودی.

ستا: gātav-, gā av+ (AiWb. 766) dar ← dvar-, davar- . (ک ۱۵)

: gāh: جا، محل (AiWb. 517-19) . (ک ۴۵/۲)

ولری ē hazār, 1000: یکهزار.

ستا : hazagra- (Jackson. 106) ک ۶۵/۲ . ک ۳۱/۱۰-۳۳ .
ک ۶/۱۶ . ک ۲۰/۱۲

وله dah hazār, 10,000: ده هزار . ک ۶/۱۶ .

وله و سرب ē hazār ud šānzdah, 1016: یک هزار و شانزده .
ک ۵۰/۱۳ ۵

وله garm: گرم ، داغ .
ستا : garāma- (AiWb. 515) فاطر (Mir.Man.I, 35) grm^g
ک ۱۷/۱۳

وله grōv, grav: گرو، تعهد، تعهد دادن، قول دادن (به کردن گرفتن، به عهده گرفتن). از ستا : grīvā- (AiWb. 530) : گردن، گردنه، گریوه .
۱۰
سندی کهن : griva- پهلوی grīvāk : گریوه . سنج : grīv pān
گریبان، ارمنی : grapan (Arm. Gram 132) فاطر : gryw : خود ،
خویش : (Mir.Man.II, 49) پاطر : gryw (Mir.Man. III, 55)
ک ۸/۱۳

وله drōd: درود، سلام، نوشتار هزوارشی این واژه ۶ ۶
۱۵
ŠRM: (نک: همین) است . فاطر : drwd (Mir.Man.II, 51) پاطر : drwd
(Mir.Man. III, 54) ک ۱۵/۱۷

وله garōdmān: گرزمان، عرش، جایگاه روشنی، جای هورمزد خدای .
ستا : dāmāna-+ (AiWb. 512) ⁵gar garō. dāmāna-
۲۰
nmāna- : خانه (AiWb. 1090) فاطر : grsmn (Mir.Man. II, 49) پاطر : grdmⁿ
ک ۸/۱۳ . ک ۳/۱۱ . ک ۴/۶

𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮: garōd mānīgih: گرزمانی بودن، عرشی بودن. ک ۴/۶.

𐭥𐭮𐭥𐭮: druj, druz: دروج، دیو دروغ، دیو شارت، دیو ناپاکی، دیوماده.
ستا: -druj (AiWb. 781) ک ۲۹/۳. ک ۸/۹. ک ۷/۱۰. ک ۱۰/۱۳-
۱۳-۲۳. ک ۵/۱۹. ک ۱۱-۹/۲۰. ک ۲۸/۲۲. ماده دیو. ک ۱۸/۱۲.

𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮: druzān: دیوهای دروغ، ماده دیوها. ۵
ک ۴۶-۳۲/۱۳.

𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮: dranjēd: خواند، حفظ کند، تکرار (در خواندن دعا) کند.
نوشتار درست این واژه 𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮 است (با یک y) اما در بیشتر متون بازمانده
پهلوی با دو (y) نوشته شده چنانکه در پهلوی پسنا فرگرد ۱۹ و در همین کتاب (نک:
𐭥𐭮𐭥𐭮 و 𐭥𐭮𐭥𐭮). ک ۲۶/۱۰.

𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮: drōzan: دروغزن، دروغگو. از 𐭥𐭮𐭥𐭮: drōg: که هزوارشان
𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮 است (نک: همین واژه). ستا : draoγa-, draoga-
هندي گهن -: drōgha (AiWb. 768) پاتر: (Mir.Man. drwg: 54, III, 54)
(Mir.Man. II, 51) drwzn: ک ۱۸/۱۰.

𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮: drōzanih: دروغزنی، دروغگویی. ک ۱۴/۲۰. ۱۵

𐭥𐭮𐭥𐭮: drōn: (۱) درون، یک نوع نان مقدس است که از آرد گندم پخته می شود و
در روی آن ۹ خط برش ایجاد می شود و این ۹ نشانه برش که روی آن ایجاد می شود تمیز
دهنده آن با فرست است (چه فرست فاقد این ۹ خط برش می باشد).
ستا: -draonah (AiWb. 769) ک ۹-۸/۱۲. ک ۳-۲-۱/۱۴. ک ۲/۱۷.
۲۰ (۲) نیایش کوتاهی است که از نام نان درون گرفته شده و برای تقدیس آن نان، که
در آئین های دینی به کار می رود خوانده می شود، این دعا یا نیایش را پارسیان باج
می نامند. ک ۳۵-۳۲/۳. ک ۵/۵. ک ۲۰/۸. ک ۱۱/۹. ک ۳۵-۳۴/۱۰. ک ۱۲/۱۲.

۱. ک ۰۶/۱۶. ک ۰۴/۱۷.

درون سه گانه [یا برسم هفت تاک] *drōn-i sigānag*: چیز است که امروز موبدان پارسی آن را خوب پنج تای می نامند. در این مراسم، شنومن سه بار خوانده می شود. در صورتیکه در سایر مراسم درون ها و باج ها، خشومن یا شنومن فقط دوبار خوانده می شود. ک ۰۱/۱۲.

۵

درنگ، طمانینه (در خواندن ادعیه و کتابهای مقدس). *drang*:

ستا: *drang-* (772) *AiWb.* و نیز نک. *R.C. Zaehner, BSOS*. IX, 1938 pp. 319 and 584. ک ۰۲۴/۱۲.

درود، سلام (نک: *drōd*: ک ۰۲۲/۲۲).

۱۰. *gilēn*: گلین، گلی (صفت نسبی است از: *gil*: گل). ک ۰۳۹/۲.

۱۱. *grīvag*: گریوه، گردنه [کوه]. نک: ک ۰۱۹/۱۳.

۱۲. *driyōšān*: (گوتوال: *driguš*) درویشان، فقیران.

ستا: *drigu-* (777) *AiWb.* ۴ : *daryōš* (مینوی خرد).

ک ۰۴/۱۱.

۱۵. *druvand*: دروند، کافر، ملحد، مرتد.

ستا: *drvant-* (783) *AiWb.* فاتی *drwnd* (51) *Mir.Man.*

ک ۰۱۴/۸. ک ۰۱۵/۱۰-۳۰. ک ۰۲۰/۶-۷-۱۴.

۱۶. *druvandān*: دروندان، کافران. ک ۰۱۷/۱۵.

۱۷. *druvandih*: دروندی، ارتداد، کفر. ک ۰۱۷/۲۰.

𐭥𐭭𐭮 هز : نوشتار درست آن 𐭥𐭭𐭮 : GML^۳ است: uštur: شتر، اشتر.
ستا: uštra- هندی کهن: (AiWb. 421) ustra- ک ۰۹۹/۲ ک ۰۱/۴.

𐭥𐭭𐭮𐭥𐭭𐭮 uštur pašm: پشم شتر. ک ۰۹۹/۲ ک ۰۱/۴.

𐭥𐭭𐭮 zamān: زمان.

۵ فاطر: zm^۳n (Mir.Man.II, 514) پاطر: jm^۳n (Mir.Man. III, 56.) پهلوی گتیه/ی: zm^۳n. ک ۰۴۲/۲-۰۴۴-۰۵۶-۰۵۷-۰۶۲-۰۶۳.
ک ۰۰۸/۳-۰۱۵/۹-۰۱۲-۰۲۰-۰۲۱-۰۲۳-۰۲۵.

𐭥𐭭𐭮𐭥𐭭𐭮 zamānīg: در زمان، فوراً." ک ۰۴۳/۲.

𐭥𐭭𐭮𐭥𐭭𐭮 zamistān: زمستان.

۱۰ ستا: zyam, zima, zim (Kotwal. 186) فاطر: dmyst^۳n (Mir.Man. I. 37.) ک ۰۱۰/۱۵.

𐭥𐭭𐭮𐭥𐭭𐭮 yMRRWN: gōv: گو، بگو. (بن مضارع، مصدر آن 𐭥𐭭𐭮𐭥𐭭𐭮 :
guftan: گفتن، نوشتار غیر هزوارشی آن 𐭥𐭭𐭮𐭥𐭭𐭮 است. نک:
همین واژه.) ک ۰۳۰/۱۵ ک ۰۲/۱۸.

𐭥𐭭𐭮𐭥𐭭𐭮𐭥𐭭𐭮 gövēm:....., m: گویم. ک ۰۱/۱۱ ک ۰۴/۱۵.

𐭥𐭭𐭮𐭥𐭭𐭮𐭥𐭭𐭮 gövišn:....., šñ: (اسم مصدر). گوش، گفتن، حرف زدن.
نوشتار غیر هزوارشی آن 𐭥𐭭𐭮𐭥𐭭𐭮 (نک: همین) است.
ک ۰۲۲-۰۱۸/۱۲ ک ۰۵/۱۰ ک ۰۳۵-۰۹-۰۷/۳.

𐭥𐭭𐭮𐭥𐭭𐭮𐭥𐭭𐭮 gövēd:....., yt: گوید، خواند.

۲۰ ک ۰۱۲/۲ ک ۰۳۵-۰۲۴-۰۲۳/۳ ک ۰۱۴/۴ و ۰۲۷ بار دیگر.

۴۷۷۷ : هن: nd:: qōvēnd: گویند. ک ۱۳/۹۰

کتابخانه ملی : هز : mīrišn: yMyTWN, šn: میرش، مردن (اسم مصدر) است
از کتابخانه ملی . ۲۳/۲۰

هز: mīrēd: yMyTWN, yt: میرد، میرد.
 ۱۲/۲۵-۱۴-۱۶-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۷-۳۱-۴۵-۴۷-۵۰-۶۲-
 ۱۰۱-۱۰۷-۱۱۱. ۱/۶. ۷/۹. ۳۱/۱۰. ۲۰/۱۲. ۱۷/۱۵. ۱۷/۱۷.
 ۲-۶-۱۳-۱۴.

زمین، zamīg: ۵۵۰
 فاطر: zmyg (Mir.Man.II, 54) فاطر: zmyg
 (Mir.Man. III, 65) پ: zamī (مینوی خرد). ک ۱۶/۱۹-۳۶-۳۷-۶۲. ک ۱۰/
 ۲۶. ک ۱۲/۱۹-۲۱-۲۲-۲۳. ک ۱۷/۱۴.

*

دخت، دختر. duxt: ۲۵۴
 ستا: dugdar-, dugdar- (Mül. dwxt: فاطر (AiWb.748)
 II, 91, خواهری: dugd ختنی: dūtar آسی: diğd
 , dugd (درباره زبان آسی) ۲۱/۱۰۵ ک ۱۴/۱۲ ۱۵

۲۵ dvāzdah: دوازده.
 ستا: dvādaśa: (Jackson. 106) ک ۱۶/۶.
 گهر: gōhr: (۱) گوهر. سنگ قیمتی و گرانها، جواهر (جمع و معرب آن است)
 فاطر: gwahr: (Mir. Man. II, 49). برای این واژه نک: vhabhar,
 Phl. y. Vr. Gl., p. 197. ک ۱۱۵/۲-۱۱۶-۱۱۷.
 (۲) نژاد، تبار، اصل. ک ۱۷-۲/۲۰.

گواره: gavārag: "گواره به فتح اول بروزن شراره، مخفف گهواره است".

برهان. ک ۱۵/۱۰.

𐭪𐭫𐭮𐭭𐭮𐭭𐭮𐭭: gōharīdan: جامه دگر کردن. "گوهریدن، یعنی چیزی را به چیزی
عوض و بدل کردن" برهان، عوض کردن لباس.
𐭪𐭫𐭮𐭭𐭮𐭭𐭮𐭭: gōhrīg: عوض، آمده است. پ: gōharī :
(مینوی خرد، واژه نامه ص ۱۴۸). ک ۶/۳.

۵

𐭪𐭫𐭮𐭭𐭮𐭭𐭮𐭭: dōān: دوان، دوتا.

وامد 𐭪𐭫𐭮𐭭𐭮𐭭𐭮𐭭 har dōān tan: هردوتن. ک ۶۹/۲.

𐭪𐭫𐭮𐭭𐭮𐭭𐭮𐭭: Dvān[u]ls: دوانوس، نام حاکمی ستمگر که بنا به گفته نویسنده "شایست
نه شایست" حاکم ۳۳ شهر بوده است. (نک: Kotwāl. ŠnŠ. p. 136
ک ۲۹/۱۲.

۱۰

𐭪𐭫𐭮𐭭𐭮𐭭𐭮𐭭: duvāsrūjīd: دواسروجید [نسک]، نسک پانزدهم یا کتاب
پانزدهم اوستای کهن بوده است، دردینکرت از آن با نام: dūbāsrūgd یا
dūbāsrūd یاد می شود، ولی در وجرکرددینی به نام: dwasuzd و
نیز در روایات از آن با: dwāsrūd, dwāsrūngad, dwāsrūgad:
نام برده می شود که بر طبق نوشته های کتابهای یاد شده نسک هیجدهم اوستا بوده است.
برای آگاهی بیشتر نک: Hauge. Essays pp. 132-133.
ک ۱۳/۱۰.

۱۵

𐭪𐭫𐭮𐭭𐭮𐭭𐭮𐭭: dvārišnih: دوارشی. نک: 𐭪𐭫𐭮𐭭𐭮𐭭𐭮𐭭
ک ۱۲-۹-۸/۴.

𐭪𐭫𐭮𐭭𐭮𐭭𐭮𐭭: dvārēd: دوارد، هجوم برد، واژه ای اهریمنی است. ک ۳۲/۱۰.

۲۰

𐭪𐭫𐭮𐭭𐭮𐭭𐭮𐭭: dvārist: هجوم برد، حمله برد. ک ۱/۱۸.

گوش، گفتن، حرف زدن. gōvišn: ۴۲۳

این واژه به شکل هزوارشی ۱۳۵۱۱۳۵ (نک: همین واژه) نیز آمده است.

ک ۰۸/۸ . ک ۰۷/۱۰-۲۴-۲۵-۳۵ . ک ۰۲۱/۱۲ . ک ۰۴/۱۳ . ک ۰۱۹/۱-۳-۵

گوش ها، گفته ها. gōvišnān: ۴۲۳۳

راست گویی. gōvišnīh: ۴۲۳۳۳۳ ۵ rāst gōvišnīh:

ک ۰۲۲/۱۲ . راست گویی

دُمب، دنبه، دُمب، دُم. du[m]bag: ۴۲۴

ستا: -duma (AiWb. 749). ک ۰۴/۱۱

دُل، دِلو (ظرفی که با آن از چاه آب کشند، ظرف آب). dōl: ۴۲۵

دِلو، سِرِیانی: daulā (در دیگر دستنویسهای پهلوی ۴۲۵ بدون ر) . ۱۰

تاوادی: duwar: ظرف آب، خوانده نک: n3. p. 77. Tavadia ŠnŠ.

ک ۰۱۲/۳

آتشدان (تاوادی). وِیروفسور وست : gōbarak از: diwarak? ۴۲۶

gāw+bar ? (نک: SBE. V. p. 282) در متن باید چیزی باشد که

معنی آتشدان یا جای آتش را بدهد، شاید بتوان آن را "کواره [یا گواره] = ظرف ۱۵

سفالین" چنانکه در جهانگیری آمده خواند و معنی آتشدان از آن اراده کرد.

ک ۰۲۷/۳

دُمبِزه. این واژه را کوتوال : du[m]bīzag ۴۲۷ ؟ dubēzag:

خوانده به معنی دُمبلیچه یا دُم کوچک داخل دنبه گوسفند قربانی، دُمچه: dumče

ک ۰۴/۱۱ (Kotwal. ŠnŠ. p. 139. n.334) ۲۰

*

گُفت: guft: ۴۲۸

- ک ۱/۱. ک ۶۲-۳۹-۱۱-۶/۲ و ۴۴-۳۹-۱۱-۶/۲ دیگر.
 گفته شد. guft had: 𐭪𐭫𐭮𐭥 𐭪𐭫𐭮𐭥
 ک ۱۱۹-۱۱۵-۸۹-۸۸-۸۷-۸۶-۶۴-۵۷-۵۶/۲
 گفته باشد. guft bavēd: 𐭪𐭫𐭮𐭥 𐭪𐭫𐭮𐭥
 گفته است، گفته شده است. guft ēstēd: 𐭪𐭫𐭮𐭥 𐭪𐭫𐭮𐭥
 ک ۱/۱. ک ۱۱۶/۲. ک ۳/۹. ک ۱۰/۸-۱۹-۲۹-۳۲. ک ۲۷/۱۳. ک ۶/۱۶. ک ۱/۱۸. ک ۱/۲۰.
 گفته است، گفته. guft-ē: 𐭪𐭫𐭮𐭥 𐭪𐭫𐭮𐭥. ک ۱۰۷-۷۴-۳۹/۲. ک ۱۳/۳. ک ۶/۵. ک ۴/۶. ک ۱۷/۱۳/۸.
۱۰. گفتر. guftār: 𐭪𐭫𐭮𐭥 𐭪𐭫𐭮𐭥
 راست گفتر، راست گوی. rāst guftār: 𐭪𐭫𐭮𐭥 𐭪𐭫𐭮𐭥. ک ۲۳/۱۲.
- دوپیکر. dōpaykar: 𐭪𐭫𐭮𐭥 𐭪𐭫𐭮𐭥
 "دو پیکر برج جوزا است و نشانه نجومی آن از جمله دوازده برج فلکی و خانه عطارد"
 برهان. فاطر: dwphykr (Mir.Man. I, 37). ک ۲/۲۱.
۱۵. گفتن. guftan: 𐭪𐭫𐭮𐭥 𐭪𐭫𐭮𐭥
 ک ۹-۸/۳. ک ۷-۵-۲/۵. ک ۳۲-۶/۱۰. ک ۲۹/۱۳. ک ۲/۱۹.
 *
- جدا، سوا. نوشتار دیگر این واژه است. ستا از: vīta- نک:
 وندیداد ۱۱۰۹.
 فاطر: jwd: پاطر: gwd (Mir.Man. III, 64). ک ۴/۱۳.
۲۰. جوید، جویده. jūd: 𐭪𐭫𐭮𐭥 𐭪𐭫𐭮𐭥
 جویده است. jūd ēstēd: 𐭪𐭫𐭮𐭥 𐭪𐭫𐭮𐭥. ک ۱۰۶/۲.
 خورده است. ک ۱۰۶/۲.
- دوغداو، دوغدو، نام مادر زرتشت پیامبر است. (متن: ۳۹۳۴)
 Duγdāv: 𐭪𐭫𐭮𐭥 𐭪𐭫𐭮𐭥

که درست نیست) . ستا : -vā. duḡdō. هندى كهن : dughdā-
(*AiWb.* 748) ک ۱۱/۱۲ .

۱۱۳۴ jūdan: جودن، جویدن، خوردن . ک ۲۵/۱۰ .

*

۸۱' ۹۴ gōz: گوز، گردو . ک ۱۲۰/۲-۱۲۱ .

۲' ۹۴ ganj: گنج .

۵

فطر: gnz (*Mir.Man.* II, 49) ک ۴/۸ .

۳' ۹۴ duz: دز، دزد . ک ۲۲/۱۵ .

ستا : -?-(y) duž-dā هندى كهن -dúdhā-, durdhī (*AiWb.* 757)
ک ۲۲/۱۵ .

۱۰ ۳۹۴ duzd: دزد (نک . واژه بالا) . ک ۳/۱۰ .

۳۹۴ duzdih: دزدی .

۳۹۴ و ۱۱۳۴ duzdih kardan: دزدی کردن . ک ۳/۱۰ .

۱۹۴ dužvār: دشوار، سخت .

ستا : -duž-āθra فن: دشوار (*AiWb.* 756) ک ۲۹/۱۰ .

۱۵ ۹۴ و ۳۹۴ (۳) duzd: دزد (نک: ۹۴ و ۳۹۴) ک ۲۶/۱۵ .

۳۹۴ و ۱۱۳۴ duzīdag: دزدیده، سرقت شده (نک: ۹۴ (۳)) ک ۱۲/۱۵ .

۳۹۴ و ۱۱۳۴ و ۱۹۴ duzīdag ud appurdag: دزدیده و به یغما

رفته . ک ۱۲/۱۵ .

۹۴۴۴ : ganjenag: گنجینه، انبار (نک: ۳۴۳) . ۴۵/۲ک.

۳۳۴۴ : duzdīd: دزدید، به سرقت برد (نک: ۳۴۴) .

۳۳۴۴ : be duzdīd: بدزدید، به سرقت برد . ۴/۱۸ک.

*

۴۴۴۴ : gōspand: گوسپند، گوسفند .

۵ : ست : GNPE. 210) gaospenta- (۲/۵۸-۷۳-۱۰۹-۲۹/۳ک .

۱۰/۸-۹-۱۸ . ۴/۱۱ک . ۲۹/۱۲ک . ۲۱-۱۴/۱۳ک . ۵/۱۵-۹-۱۱-۲۴ک

۵/۱۷ک . ۱۱/۱۹ک

۴۴۴۴ : gōspandān: گوسپندان . ۱۸-۸/۱۰ک

۴۴۴۴ : gōspand sardagān: از نوع گوسفندان ،

۱۰ : از جنس گوسفندان . ۱۰۹/۲ک

۴۴۴۴ : gōspand ī hudāg: گوسفند مفید .

۱۱-۹/۱۵ک . ۴۴۴۴ : gōspand ī gōšn: گوسفند نر .

۱۱/۱۹ک

۳۴۴۴ : dōst: دوست، یار . این واژه ترجمه پهلوی واژه

۱۵ : اوستایی : urvaθa- است (AiWb. 1537) فاطر : dwst: (Mir.

Man. II, 50) : dost (مینوی خرد) ک ۶/۲۰-۷

۴۴۴۴ : jūyēd: جوده (نک: ۳۴۳ : jud: جوید) . ۱۰۵/۲ک

۴۴۴۴ : dusrav: بد نام، بی آبرو .

۲۰ : ستار : -sravah. dēuš. (AiWb. 741) پ: dusrūb: (مینوی خرد)

۳۶/۱۰ک

۴۴۴۴ : stadan: yNSBWN, tñ: ستن، گرفتن، پس گرفتن .

۴۹-۸۶/۲ک

stad:....., t: ستد، گرفت. ک ۴۳/۲.

stānēnd:....., nd: ستانند، گیرند، پس بگیرند.

ک ۱۰/۱۰ ک ۱۰/۲۰

stānišn: yNSBWN, šn: ستانیدن، گرفتن. ک ۲۴/۲.

ک ۱۰/۱۰ ک ۱۴/۱۷

۵

stānēh: yNSBWN, yh: (جای پست)

آمده است). ک ۱۱/۲. ک ۳۳/۱۰.

*

gōš: (gōšurvan) ایزد "گئوش اوروا" که "گوش" هم خوانده می شود.

Gdūš urvā- : ستا "به معنی "روان گاو"، نام ایزد نگهبان چهار-

پایان مفید است. (نک. یشت ها ج ۱ ص ۳۱۷، استادپورد/اود). و نیز نام روز چهاردهم

از هر ماه و ایزد مربوط به این روز است که : drvāspā نیز نامیده می شود.

(فرهنگ پهلوی، فره وشی). ک ۲/۲۳.

dōš: (۲) دوش، دیشب، شب پیش.

daošastara-, daošātara- : ستا : daošastara- هندی کهن: (AiwB.dosā-)

(. 672. ک ۷۲/۲).

۱۵

-duš: (۳) بد، زشت، سخت. (معمولا" در ترکیب با واژه های دیگر است. نک:

واژه های زیر). ستا، فب -: duš-, -duž sa : dus: بد.

ک ۱۳/۹ ک ۲۳/۱۵

duš āgāh: دش آگاه. تفسیر این واژه در پهلوی vattar:

dānišn یعنی کسیکه به کارهای اهریمنی و بد آگاه است (نک: Phl. Y.

۲۰

32, 4. و به طور کلی به معنی نادان است. (نک: پاره و دود)

ک ۷-۶/۲۰

𐭥𐭥𐭥𐭥 dušax^v: دوزخ، جهنم، زندگی بد (نک: 𐭥𐭥𐭥 و 𐭥𐭥𐭥) فاطر:
 (Mir.Man. II, 50) dšwšx: ک ۲/۶-۰ ک ۸/۵-۷-۱۳ ک ۴/۱۲-۴

۰۲۸ ک ۱۹/۱۳-۰۸/۱۷

𐭥𐭥𐭥𐭥 duš x^vārīh: دشواری، دشواری، ناراحتی، سختی (نک:
 𐭥𐭥𐭥 و 𐭥𐭥𐭥𐭥) پاتر: (Mir.Man. III, 54) dyjw^r: ۵

۰۲۳/۱۵ ک ۱۳/۹

𐭥𐭥𐭥𐭥 gōšurvan: گوشورون. ایزد نگهبان چهارپایان و نام روز چهاردهم

هرماه (نک: 𐭥𐭥𐭥) ک ۱۴/۲۲

𐭥𐭥𐭥𐭥 gōšurvan amahraspand: گوشورون امشاسپند،

۱۰

ایزد گوشورون. ک ۱۴/۲۲

𐭥𐭥𐭥 gōšt: گوشت، نوشتار هزوارشی آن (نک: 𐭥𐭥𐭥) (نک: همین) است.

۰۴۸-۳/۲ ک

𐭥𐭥𐭥 Gušasp: گشسب، نام یکی از پیشوایان بزرگ مذهبی زرتشتی، که درست

آن باید: gušn-asp (یعنی دارنده اسب نر) باشد. ک ۳/۱

۱۵

𐭥𐭥𐭥 dušman: دشمن، بد اندیش.

نک: 𐭥𐭥𐭥 + man ستا: manah- اندیشه، منش، فکر از: ✓ man:

اندیشیدن. کلا، "ستا: dušmanah- sa: durmanas (AiWb. 753)

فاطر: dwšmyn (Mir.Man. II, 50) پاتر: dwšmyn (Mir.Man. III, 54.)

۰۷-۶/۲۰ ک ۷/۱۳-۰۷-۶/۲۰

𐭥𐭥𐭥 duš mēnišn: دش منش، بد اندیشه، بد منش (نک: واژه بالا).

۲۰

۰۱۴/۸ ک

گوشواره: gōšvār: ګوشواره.

ستا: gaošāvara-: ګاوشا-vara-: ګاوشا+*ā- (AiWb. 486). ۴/۳ک.

گشن، نر، مذکر. (بیشتر برای چهارپایان به کار می‌رود).
ستا: varšñī- هندی کهن: -ursnāy (AiWb. 1381) ۱۱۰/۲ک.
۷/۱۷ک. ۱۱/۱۹ک.

گشنی، نری، مردی. (نک. واژه بالا). ۷/۱۷ک.

پاک، طاهر، و در اصطلاح مذهب زرتشتی منظور اجرای
مراسم دینی است که ریمنی و ناپاکی را از شخص ناپاک می‌زداید (مراسم برش‌نوم) که
هم از نظر جسمی و هم از نظر روانی شخص را تطهیر می‌کند.
ستا: yaoždāθra- (AiWb. 1235).
پاکیزه: yōždahhrān: ۲۲/۱۲ک.

پاک کننده، تطهیر دهنده و در اینجا منظور موبدی
است که به طرز اجرای آئین برش‌نوم آگاهی دارد. ۲۵-۲۳/۱۲ک.

پاکیزه سازی، طهارت دهنده. ۱۵
۲۴-۲۳/۱۲ک.

پاکی، طهارت. ۱۷/۱۲ک.

دوشند (شیر دوشند): dōšēnd:
هندی کهن از: -dōh, dōgdhi (GNPE. 129) بن ماضی آن: dōxt:
دوشیده است. ۱۶/۱۵ک. ۲۰

۴ دودره: gugāhīh: گواهی.

هندی کهن: vi+ ✓kāc (GNPE.210) فاطر: gwg²yy (Man. Stud. 63) پاتر: wyg²h (Mir.Man. III, 63) پ: guvāh (مینوی خرد). زبور پهلوی: gwk²dyhy (PS. 372) ک ۲/۱۳.

۵ نوسلم: gugārd: گوارد، هضم کرد. ک ۱۱۱/۲.
۲ نوسلم: gugārd ēstēd: هضم کرده است. ک ۱۱۱/۲.

۱۳۹۲ gugān? مفصل، به تفصیل؟ جداگانه، جزء به جزء؟ (نک. H.W. Bailey, BSOS, VII, 1935. ک ۱/۱۱).

۲ فلام: gōgird / gōgard: گوگرد، این واژه به نظر تاوادیاشکوک آمده
۱۰ و حدس زده شاید منظور کوکرن: gōkaran باشد لکن وست و داور آنرا گوگرد دانستفاند و ظاهراً "صحیح هم همین است." (نک. Tavadia. ŠnŠ. p.133.n.4) ک ۱۶/۱۰.

۱۳۹۲ Dugdāv: دغدا، نام مادر زرتشت پیامبر است.
ستا: duxō.vā (AiWb. 748) ک ۴/۱۰.

*

۱۵ dōl: دول، دلو، برج دلو "... که برج یازدهم باشد از دوازده بروج فلکی".
برهان. ک ۲/۲۱.

۲ دُر: dūr: دور.

ستا: dūra- [هندی کهن. : dūrāt - dūrē- (AiWb. 750) فاطر: dwr (Mir.Man. II, 50) ک ۸۶/۲، ۶/۱۷، ۲۰/۲-۴-۵، ۱۷/۲۲.

۲۰ jōrdāg: دانه، غله.

از واژه اوستایی: yava- (نک: Henning BSOS. IX, 90) پاتر.

(مینوی خرد) zōrdāe : 𐭥𐭥𐭥𐭥 (Henning, List, 90) yw³rd³w:

ک ۱۲۳-۱۲۲-۱۱۹-۳۴/۲ ک ۹/۱۹ (سه بار).

𐭥𐭥𐭥𐭥 𐭥𐭥𐭥𐭥 jōrdāg kištan: غله کاشتن. ک ۹/۱۹.

𐭥𐭥𐭥𐭥 jōrdāg: غله، دانه (نوشتار دیگری است از واژه بالا) ک ۳۴/۲. ک ۱۳/

۱۹ ک ۱۰/۱۵

۵

𐭥𐭥𐭥𐭥 gurdag: گرده، قلو (کلیه حیوان).

از ستا: -vərəṭka- هندی کهن: -vrkkāu- (AiWb. 1420) ک ۴/۱۱.

𐭥𐭥𐭥𐭥 gursnag: گرسنه، نوشتار دیگر آن در بهلوی 𐭥𐭥𐭥𐭥 gursag: است.

𐭥𐭥𐭥𐭥 dōlmānag? پوستی، چرمی؟ "دولمیان. کیسه و خریطه‌ای که از پوست

و امثال آن دوزند" برهان.

این واژه را توادیا با تردید : garmānak خوانده و در زیر نویس مربوط گفته

شاید منظور : dūrmānak باشد و شاید : garmsūt به معنی جامه سیلک و

ابریشمی یا کتان؟ (نک: ŠnŠ. Tavadia. p.87) ک ۶/۴.

𐭥𐭥𐭥𐭥 druvāsp: درواسپ، ایزد حامی جانوران.

ستا : -drvāspā- از -drva + aspā (AiWb. 783) ک ۴/۱۱.

𐭥𐭥𐭥𐭥 rōz: yWM روز.

ستا : -raočah- (AiWb. 1490) فب : -raucah- 𐭥𐭥𐭥𐭥 rōcas-

(Kent. 205.) فاطر : rwž, rwc (Mir.Man. II, 67)

𐭥𐭥𐭥𐭥 rwž, rwc (Mir.Man. III, 61) ک ۱۴/۳-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸ ک ۲۰

ک ۶/۷ (دوبار). ک ۸-۱/۹. ک ۱۳/۱۰-۱۶-۱۷-۲۸-۳۱. ک ۱۲/۱۲-۲۰. ک

۹/۱۵. ک ۳/۱۷-۵ (دوبار)-۶. ک ۱/۲۰. ک ۵/۲۱-۶-۸. ک ۲۱/۲۲-۳۱.

۶-۱۳۳۳ rōz šabān: روز شبان، شبانه روز. ک ۱۸/۳. ک ۱/۹.

۶-۱۳۳۳ rōz-ē: روزی، یک روز. ک ۱۳/۱۰.

۶-۱۳۳۳ gumārēnd: گمارند، بگمارند (از بن مضارع) gumār ماضی آن
gumāšt / ایرانی کهن باید باشد. *vi+√mar و sa-√smar: vi-

(GNPE. 208). ک ۱۸/۱۰. ک ۱۴/۱۲.

۵

۶-۱۳۳۳ gumān: گمان، شک، تردید.

ست باید: *vimananh- باشد. ک ۱۳/۱۲.

۶-۱۳۳۳ gumānīg: گمانی، در گمان بودن، مشکوک بودن. ک ۲۴/۳.

۶-۱۳۳۳ gumbad: گنبد. ک ۴۶/۲.

۶-۱۱۱۱ jumbēnēnd: جنبانند، تکان دهند. ک ۶۵/۲.

۱۰

۶-۱۳۳۳ jumbēnēd: جنباند، حرکت دهد. ک ۶۳/۲-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹.

۶-۱۳۳۳ jumbēnēd hē: جنبانیده است. ک ۷۰-۷۱-۹۰. ک ۱۲/۱۰.

جنبانیده است. ک ۷۰/۲.

۶-۱۳۳۳ ēn: ZNH: این.

۱۵ فاتر: yn (Mir. Man. II, 63) iñ: پ (مینو خرد). ک ۱/۱-۴.

ک ۲/۲-۲۸ و ۱۱۸ بار دیگر.

۶-۱۳۳۳ ēn hēnd: اینجا هستند. از این

قرارند. ک ۱/۱۱. ۶-۱۳۳۳ ēn-iz: این نیز. ک ۱۵-۱۲-۱۰-۳۲.

ک ۱۵-۲۳-۳۰. ک ۱/۱۷-۸-۱۱-۱۳. ک ۲/۲۰-۳-۴-۶-۸-۱۰-۱۱-۱۲-۱۴.

۲۰

۱۸-۱۶-۱۵

gumēz : گومیز (بن ماضی است مضارع آن: gumēz : gumēxt : آمیخت، مخلوط شد. است = آمیز). ست : vi+ /miks : sa vi+ /myas : (Pahl.Y. ۵vi) فاتر : gwmyxt - , gwmyz (Glos. p. 203) (Verbum. 178, 14, 15 و Mir.Man. II, 49). ک ۷۳/۲. gumēxt ēstēd : آمیخته است. ک ۷۳/۲. ۵

gōmēz : گومیز (gō + mēz) ادرار گاو و منظور ادرار تقدیس شده گاو که برای تطهیر در مراسم مذهبی بکار می رود، می باشد. ست : gaomaēza- (از gao : گاو + maēz : مادی کهن : meha- (AiWb. 483.) ک ۶۷/۲-۹۸-۹۲-۱۰۴-۱۱۲-۱۱۳. ک ۲۱-۲۲-۲۵. ک ۲۹/۱۰. ک ۲۷-۲۴/۱۲. ک ۵/۲۰. ۱۰. gōmēz āb : گومیز آب، نیرنگ مخصوص است که در مراسم برش نوم و سایر آیین های طهارت بکار برده میشود. ک ۶۷/۲. ک ۲۲-۱۳/۳. ک ۱۰/۳۹. ک ۵/۲۰.

gumēzag : گومیخته، آمیخته (نک: گومیز) . ک ۷/۶.

gumēzag dād : ناپاک آفریده، کسیکه آفرینش آن آمیختگی دارد. ک ۷/۶. ۱۵

gumēzišnīh : آمیزش یافتگی، اختلاط. hamgumēzišnīh : همبستری کردن، هم خوابگی کردن. ک ۱۹/۱۰.

*

gōn : گون، رنگ. ۱۴ ۲۰

gaona- : افغانی : una (AiWb. 483) ک ۱۹/۳.

gan(n) āg mēnōg : گناک مینو، روح پلید، اهریمن. این واژه ۱۴ ۱۵

ترجمه واژه/وستانی: - agramainyu است. برای آگاهی درباره این واژه و معانی و ریشه‌هایی که برای آن پیشنهاد شده نک: دین ایرانی برپایه متن‌های کهن یونانی از بنونیست، ترجمه بهمن سرگاراتی، چاپ دانشگاه تبریز ص ۷۲.
ک ۲۳/۸۰ . ۷/۱۲ . ک ۲۴/۱۳ - ۲۸ - ۳۶.

۵ گویزار: gövizār: گزارش، توضیح، روشنگری.
پازند: gaovazār (نک: ŠGV. VIII, 28, MX. XII.16).
پروفسور هنینگ حدس می‌زند که این واژه باید همان gwz²r مانوی باشد.
(نک: ŠnŠ. Kotwal. p. 148 . ۶/۱۲)

۱۰ درست: drust: درست، کامل.
ظائر: dryst (Mir.Man. II, 51) پاتن: drwst (Mir.Man. III, 54).
durust/durēst (مینوی خرد) ک ۲/۴.

۱۲ درستی: drustih: سلامتی (نک: واژه بالا). مقدمه س ۲.

۱۳ گون: gōnag: گونه، گون. (نک: ۱۲). ک ۲/۲۱.

۱۴ گند، خایه، بیضه: gund:
۱۵ (برای این واژه نک: West. SBE. V. p. 336, n. 10). ک ۴/۱۱.

۱۵ گنگ، لال: gung:
س. از: guñjāti, √guñj (GNPE. 209). ک ۷/۵ . ک ۱/۶.

۲۰ دندان پریش، خلال دندان، مسواک: dandān friš:
ک ۲۰/۱۰ . دندان پریش پست: dandān friš pōst:
پوست خلال دندان. ک ۱۰/۱۰.

•

فهرست واژگان فارسی کتاب

آب	۱۲/۸-۲۵۱/۸	آتش بهرام	۲۷/۶
آباد	۱۲/۱۹	آتش وازيشت	۲۷/۸
آبادتر	۱۳/۶	آتش هرمزد	۲۷/۲
آبادانی	۱۲/۲۲	آثرون	۳۲/۱۳-۱۵
آباده	۱۳/۹	آخيزند	۲۲۰/۱۰
آبادهيري	۱۳/۷	آذر	۲۷/۱۹
آبان	۱۴/۱۴-۱۹	آذرپادزرتشتان	۲۸/۹
آب ايستاده	۲۵۱/۲۳	آذرپادمارسپندان	۲۸/۴
آب چاه	۲۵۱/۱۸-۱۹	آذرفرنيغ	۲۸/۱۵
آبسن (آبستن)	۲۴/۲	آذرفرنيغ نرسه	۲۸/۱۱
آبستن	۲۰/۶-۲۴/۷	آذرهرمزد	۲۸/۲
آبستنی	۲۰/۹	آرايد	۴۰/۱
آبگينه	۲۰/۱۱	آرد	۴۱/۲۰-۲۱۰/۱
آب و گوميز	۲۵۱/۱۶	آرزو	۴۲/۱۲
آب وه	۲۵۱/۲۰	آرواره	۸۹/۶
آتش	۲۶/۱۶	آز	۲۹/۳
آتشان	۲۶/۲۲	آسان	۳۰/۶

آسان تر	۳۰/۹	آوردن	۳۰۵/۷
آسانی	۳۰/۸	آورش (آوردن)	۳۰۵/۱۷
آسمان	۳۳/۱۴-۱۶	آورم	۳۰۵/۱۰
آسین خرد	۳۴/۱۴	آورند	۳۰۵/۱۴
آشکارگ	۳۶/۳	آهن	۷/۱۳-۳۴/۱۶
آفرین	۲۳/۸-۲۴/۱۷	آهنجشن	۷/۲
آفرین تر	۲۳/۱۵	آهنجیدن	۶۴/۱۰
آفرین کنید	۲۳/۱۲	آهن دل	۷/۱۶-۳۴/۲۰
آگاه	۳۸/۵	آهن گداخته	۳۴/۲۱
آگاه تر	۳۸/۱۰	آهنین	۳۵/۲
آگاهی	۳۸/۱۲	آهو (عیب)	۵۶/۹
آگریفت	۸۸/۱۶	آیاد	۲۹۶/۱۲
آگوست	۳۹/۹	آید	۲۹۶/۱۹
آمار	۴۸/۵	آیفت	۸۴/۱
آمد	۲۹۶/۱۴	آیند	۲۹۶/۱۸
آمدند	۲۹۶/۱۶		
آمرزش	۵۲/۱۶		
آمرزش خواهند	۱۱۱/۱۶	ابر	۱۱/۷
آموختن	۵۲/۴	ابرآمون	۱۱/۱۰
آموختاری	۵۲/۲	ابریشم	۲۳/۳-۵
آموزد	۵۲/۱۰	ابریشمین	۲۳/۴
آمون	۶/۷	ایرگ (نام خاص)	۲۲/۱۸
آن	۵۵/۱-۱۷۰/۱	اناوخشیا	۲۷/۱۲
	-۱۶۳/۱۱	اختر	۲/۲۱
آنگون	۸۲/۹	ارتشتار	۴۱/۱۴
آوراد	۳۰۵/۱۶	ارتشتاران	۴۱/۱۸
آوَرَد	۳۰۵/۲	ارد	۴۱/۱
آوَرْدُ	۳۰۵/۱۱	اردا	۴۱/۶

۳۵/۱۲	اشتاد	۴۱/۹	اردافروهر
۳۵/۱۷	اشتر (تازیانه)	۴۵/۱۷	اردوش
۳۲۵/۱	اشتر	۴۶/۵	اردویسور
۳۲۵/۳	اشتر پشم	۶۳/۲	اردیبهشت
۶۷/۱۳	اشتود	۴۲/۱	ارز/ارج
۶۷/۱۰	اشتودگاه	۲۷۷/۱۸	ارز (ارزش)
۳۶/۱۲	اشکم	۴۲/۸	ارزانیان
۳۶/۱۰	اشکوب	۴۲/۴	ارزمند/ارجمند
۳۶/۱۷	اشم	۴۲/۶	ارزمندی/ارجمندی
۶۸/۱۵	اشمارش	۴۲/۱۹	ارزور
۶۸	اشمردن	۴۳/۲	ارشونگ
۳۶/۱۸-۳۷/۲	اشم و هو	۴۳/۶	ارشونگ هژیر
۳۷/۱۳	اشنود/شنود	۴۴/۱۳	ارمشت
۳۷/۱۵	اشنودن	۱۲/۱-۲۴۷/۱۶	از
۲۷۶/۱۴	اشنوش (شنوایی)	۲۱/۱	ازش
۶۲/۸	افتد	۱۸/۱۳	اژدها
۲۶/۱	افدم	۱۹۱/۲۱	اسپ
۲۱/۲۱	افروختن	۱۹۲/۳	اسپ کارزاری
۲۲/۶	افروزش	۳۱/۹	است (استخوان)
۲۲/۹	افروزند	۶۶/۹	استاد
۱۷/۱۰	افزار	۱۹/۲۳	استام
۱۸/۱	افزاید	۳۱/۱۰	استوان
۱۷/۱۳	افزایش	۳۱/۱۴	استوان بودن
۱۷/۱۵	افزودن	۳۱/۱۶	استوانی
۱۷/۱۹	افزون	۳۰/۲۰	استومند
۱۸/۱۹	افسان	۳۱/۳	استه/هسته
۱۹/۲	افسایند	۶۶/۱۲	اسوفرید
۲۰/۳	افسرد	۳۷/۵	اشاوهیشت
		۴۸/۱۱	

۱۵/۱۷	اندر باید	۲۲۸/۱۳	افگند
۸۰/۱۹	اندرز	۲۲۸/۶	افگندن
۸۱/۲	اندرز گفتن	۲۲۸/۱۱	افگنند
۱۸۸/۱۵	اندر زمان	۲۱۸/۱۷	اکنون
۸۱/۳	اندروا	۲۶/۸	اگر
۸۱/۹-۱۱	اندرون	۲۶/۱۲	اگرش
۸۰/۹	اندک	۵۲/۲۰	امرداد
۸۱/۱۴	اندودن	۶۱/۸	امرود
۸۱/۱۷	اندوزی	۲۳۵/۱۹	امروز
۸۰/۱۱	انفران	۵۱/۳-۵	امشاسپند
۸۰/۱۴	انفران انوشه	۵۱/۸	امشاسپندان
۷۹/۱۸	انگشت	۴۸/۱۴	امهرسپند
۸۲/۱	انگشت	۴۸/۲۱	امهرسپندان
۷۹/۲۰	انگشت افسرده	۷۴/۱۷	امید
۷۵/۱۶	انوشه	۵۹/۳	انار
۶۰/۱	انیران	۶۰/۱۷	انبار
۶۵/۸	اوزرین گاه	۶۱/۱	انبان
۱۶۳/۱۵	اوژدن	۶۳/۱۴	انجمن
۱۶۴/۱	اوژند	۷۶/۲۱-۷۷/۱	اند
۱۶۴/۴	اوژندند	۷۷/۷	انداخت
۱۹/۱۸	اوستا	۷۷/۱۲	انداز
۱۹/۲۲	اوستا زند	۷۷/۱۵	اندازه
۲۰/۱۶	اوش (اورا)	۷۷/۱۶	اندام
۲۵۰/۲	اوشمارند	۵۹/۱۰	
۷۴/۱۳	اومند/مند	۷۸/۳	اندچند
۲۸۱/۵	اوی	۸۰/۱۶	اندر
۷۶/۸	اوی ریشت	۱۸۸/۵	
۹۴/۵		۶۲/۱۲	اندرافتد

۱۲/۱۳	باختر	۴/۳	اهرای
۲۵۹/۱۲	باد	۴/۱۸	اهرمن
۲۵۹/۱۸	باد اردای	۴/۹	اهرموگ
۲۵۹/۱۹	بادرنگ	۴/۱۳	اهرموگی
۱۱۶/۱۶	بادروز	۵/۲	اهرو
۹۸/۲	بار	۴/۲۱	اهروان
۲۶۱/۱۳	باران	۵/۱۲	اهروتر
۲۶۱/۱۸	بارد	۵/۱۶	اهروداد
۲۲۳/۲۰	باز	۵/۱۴	اهروی
۹۷/۶	بازا/بازای	۷/۱۸	اهور/اهونور
۲۲۰/۱۱	بازآخیزند	۸/۶	اهونودگاه
۹/۸	بازآخیزنند	۹/۱۰	اهیاس
۲۹۶/۲۱	بازآید	۹/۱۵	ای (یعنی)
۳۱۸/۸	بازایستند	۸۶/۹	ایچ/هیچ
۳۳/۱۰	بازیندد	۸۷/۸	ایدون
۳۰۶/۱۹	بازدارم	۲۹۴/۲۲	ایزد
۲۳۳/۱۵	بازریزد	۳۱۷/۹	ایستاد
۲۲۴/۱	باز شدن	۳۱۷/۱۲	ایستاده (ساکن)
۲۲۳/۲۳	بازکن	۳۱۸/۱	ایستد
۵۷/۲۰	بازنهد	۳۱۷/۱۴	ایستند
۹۶/۱۳	بازو	۳۰/۴	ایشان
۳۰۳/۱۷	باشند	۳۳۷/۱۴	این
۳۰۳/۲۰	باشی	۹۰/۲۰	ایوارگاه
۹۸/۸	بالا	۹۰/۱۵	ایواز
۹۸/۱۰	بالش	۶۵/۵	اوزرین
۹۸/۱۳	بالین		
۹۸/۱۶	بالینگاه		
۹۸/۲۸	بام	۲۳۰/۱	با

۱۸۵/۱۴	برد	۹۹/۱	بامداد
۱۰۸/۱۳	بردار	۹۹/۳	بامی
۲۷۹/۱۴	بردگی	۹۹/۵	بامی‌تر
۱۰۸/۱۶	بردن	۹۹/۱۵	بان/بام
۱۸۵/۱۸		۲۶۳/۱۲	بانگ
۱۰۸/۷	برز	۲۵۸/۲۱	باوری
۲۳۴/۵	برسد	۲۵۹/۴	باوریکان
۱۰۳/۱	برسم	۱۵/۱۰	باید
۱۰۳/۷	برسمدان	۱۵/۲۳	باید دادن
۱۰۳/۱۱	برسم هفت تای	۱۹/۲۱	باید شدن
۱۰۸/۲۰	برش	۱۵/۲۴	باید کردن
۱۲۴/۱۰		۱۵/۲۶	بایست
۱۰۳/۱۶	برشته	۲۷۰/۵	بچه
۱۰۳/۲۲	برشوم	۹۷/۱۰-۱۱	بُخت
۲۸۱/۱۲	برگ	۱۰۵/۲۳	بُخت
۲۳۸/۱	برماده شدن	۹۶/۵	بختاری
۲۲/۲	برنا	۹۷/۱۴	بخت آفرید
۲۴/۱۳-۱۴-۱۵		۱۰۶/۵	بختن
۲۲/۵	برنایان	۹۷/۱۹	بخشش
۱۸۶/۴	بُرد	۲۶۸/۱۳	بدتر
۵۷/۲۱	برنهد	۲۶۸/۱۶	بدتران
۱۰۲/۲۱	برومند	۲۶۸/۴	بدست (وجب)
۱۰۲/۲۲	برومندتر	۲۱/۱۱	بر (حرف اضافه)
۱۷۳/۱۴	بروند	۱۰۱/۲۱	
۲۸۰/۶	بره	۲۵۳/۲۰	
۱۲۴/۷	برید	۱۰۱/۱۹	بر (میوه)
۱۰۵/۷	بریدن	۵۲/۱۴	برآموزد / بیاموزد
۱۲۴/۱۲		۱۰۲/۹	براد/برادر

۱۱۱/۱	بو (عطر)	۱۲۴/۹	بریده است
۳۰۳/۱۵	بواد	۱۰۷/۱۱	بز
۱۰۶/۱۰	بوب	۱۰۷/۱۴	بزپشم
۳۰۳/۲۲	بود/باشد	۲۲۵/۲	بزرگ
۱۰۶/۱۶-۳۰۳/۸	بود	۲۷۰/۶	
۱۰۷/۸-۳۰۳/۵	بودن	۲۲۵/۵	بزرگان
۳۰۴/۱	بودن، شدن	۲۱۰/۱۲	بس
۱۰۶/۲۰	بودند	۱۹/۱۳	بسپارد
۱۰۸/۵	بوشاسب	۱۹/۱۴	بسپارند
۱۰۹/۸	بوم	۱۹/۹	بسپردن
۳۰۳/۱۸	بوند	۱۰۰/۱۳	بست
۱۱۰/۱۱	بوندک	۲۷۳/۲۴	بستر
۱۱۰/۱۶	بوندکی	۱۰۰/۲۰	بسته
	بوی (یکی از مینوهای تن)	۲۷۴/۴	بسدین
۱۱۱/۶		۱۰۱/۱۲	بغ
۱۱۱/۱۷	به (میوه)	۱۰۱/۶	بغان
۱۰۵/۱۰	به	۱۰۱/۱۶	بغ بخت
۱۹۸/۱۲	به (خوب)	۹۹/۱۸	بغ یسن
۲۸۵/۲۳		۱۰۴/۱۰	بلند
۲۸۵/۲۳		۱۰۹/۴	
۲۵۷/۷	بهار	۱۰۹/۶	بلندتر
۱۹۸/۱۷	بهان	۱۰۴/۱۶	بلندگر
۲۵۸/۱	بهانه	۱۰۹/۲۰	بن
۱۹۸/۱۹	بهتر	۱۱۰/۱۸	بند
۲۸۶/۷	به دانشان	۳۳/۶	بندد
۲۸۶/۸	بهدین	۳۲/۲۰	بندش
۲۸۶/۹	بهدینان	۳۳/۳	بندند
۲۸۶/۱۰	بهدینی	۱۱۰/۷	بن کرده

۳۲/۵	بیند	۹۶/۹	بهر
۲۹۱/۱۶		۲۵۷/۱۰	بهرام
۳۲/۱	بینم	۲۶۰/۲۱	بهشت
		۲۶۱/۸	بهشت بامی
		۲۵۷/۱۵	بهمان
۲۳۴/۲۰	پا	۲۶۳/۱	بهمن
۱۱۸/۱۰-۱۳	پا/پای	۲۶۳/۵	بهمن مرغ
۱۱۶/۱۲	پادافراه	۱۹۸/۲۰	بهی
۱۱۵/۱۷	پادشاه	۲۴/۱۸	بی (حرف نفی)
۱۱۵/۲۰	پادشاهی	۲۳/۱۸	بی آب
۱۳/۱۱	پادیاب	۱۵/۱۵	بیاید
۱۱۶/۴		۲۵/۲	بی بیم
۱۱۶/۱۰	پادیاب دان	۲۹۵/۵	بی داد
۱۱۷/۱۶	پاره	۲۵/۱۷	بیراهه
۱۱۷/۱۷	پاره (لقمه)	۱۱۲/۱۳	بیرون
۱۳۷/۱	پازون	۲۲۱/۵	بیست (۲۰)
۱۱۷/۱	پاسان	۲۸۷/۸	بیستم
۱۲۴/۳	پاسخ	۲۲۱/۱۱	بیست و پنج (۲۵)
۱۱۷/۶	پاک	۲۲۱/۱۰	بیست و دو (۲۲)
۳۱۸/۱۳		۲۸۷/۱۰	بیش
۱۱۷/۱۰	پاکان	۲۸۷/۱۸	بیشه
۱۱۷/۱۲	پاکتر	۶۲/۱۱	بیفتد
۱۱۷/۱۴	پاکی	۲۰/۱۲	بی گمان
۳۱۸/۱۸		۱۱۲/۱۶	بیم
۱۱۸/۲	پانزده	۱۱۲/۲۰	بیم-مند
۳۰۴/۱۴		۲۵/۱۸	بی موزه
۱۱۸/۴	پانزده ساله	۲۹۱/۱	بینا
۱۷۴/۱۰		۲۹۱/۱۲	بینش

۱۳۴/۱	پروند (کستی)	۲۶۸/۲۱	پایاد
۱۳۹/۱۹	پری	۲۶۹/۲	پایش (پادن)
۱۳۵/۱۵	پریان	۲۳۵/۴	پای مزشنی
۱۲۳/۳	پزد	۱۱۸/۱۶-۱۸	پایه
۱۲۲/۱۵	پذیره	۱۱۹/۱	
۳/۱۱-۲۰	پس	۱۱۹/۵	پایه ها
۱۰۹/۱۱	پس/پسر	۱۱۹/۱۰	پتیاره
۱۳۸/۱۵		۱۲۲/۴	پتیت
۱۰۹/۱۵	پسران	۱۲۲/۱۱	پتیت پذیر
۱۳۸/۱۹	پسری (فرزندی)	۱۳۷/۴	پخته
۱۲۵/۴	پسین	۱۱/۱۲	پد (پدر)
۱۳۹/۵	پشت	۱۱/۱۶	
۱۲۳/۹	پشم	۱۲۳/۵	پدام
۱۲۳/۱۳	پشمین	۲۴۴/۲۱	پذیرش
۱۲۳/۱۵	پشنجش	۲۴۴/۷	پذیرفتن
۱۲۳/۱۷	پشنگه	۱۳۹/۱۲	پُر
۱۴۳/۲۳	پشوتن	۱۲۵/۱۳	پُر
۱۲۳/۲۰	پشیمانی	۱۲۵/۱۹	پراهوم
۱۳۷/۶	پل/بهر	۱۳۴/۱۵	پردازد
۱۲۹/۲۱	پلکان	۱۳۴/۶	پردازند
۱۳۶/۲	پنبه گین	۱۲۸/۴	پرستش
۱۰/۱۱	پنج	۱۲۸/۹	پرستو
۷۳/۱۶		۱۴۱/۱۵	پریش
۱۳۷/۱۶		۱۴۱/۱۰	پرسید
۱۸۲/۹ (۵۳)	پنجاه و سه	۱۴۱/۱۴	پرسیدار
۱۳۸/۴	پنجم	۱۳۴/۸	پرنیان
۱۳۷/۲۱	پنجه	۱۳۱/۱۸	پروانه (راهنما)
پنجهزار و پانصد و شصت و هفت ۱۰/۱۶		۱۳۳/۱۹	پرورند

۱۴۳/۲	پیش و پس	۱۴۱/۲۰	پنیر
۱۴۳/۴	پیشه	۱۳۷/۱۳	پوده
۱۲۰/۱۶-۱۲۱/۲	پیمان/پیمانه	۱۳۸/۲۰	پوست
۱۲۱/۴	پیموخت	۱۳۹/۳	پوستین
۱۲۱/۹	پیموزن	۱۳۹/۱۶	پولادین
۱۲۱/۱۴	پیوست	۱۴۰/۱	پوریوتکش
۱۲۲/۱	پیوست	۱۴۰/۷	پوریوتکشان
۱۲۱/۱۷	پیوند	۱۴۰/۱۰	پوریوتکشی
۱۲۱/۱۹	پیوندان	۱۰۷/۱۸	پوزش
		۱۳۸/۱	پوزه
		۱۱۴/۱۵	پهریز/پرهیز
۱۴۶/۲۰	تای/تا	۱۱۵/۱۲	پهریزند
۲۸۵/۱۴		۱۱۴/۳	پهلو
۱۴۵/۸	تابان	۱۱۴/۷	پهلوم
۱۴۶/۱۰	تاریک	۱۱۵/۱۴	پهنا
۱۴۶/۱۴	تاریکی	۱۱۷/۱۹	
۱۴۵/۳	تازانه/تازیانه	۱۴۲/۲	پیچید
۲۸۵/۱۹	تاش(تاورا)	۱۴۳/۶	پیخک
۱۴۶/۵	تاشش(تراشیدن)	۱۴۳/۱۸	پیخک شناس
۱۴۶/۸	تاک(شاخه)	۱۴۲/۵	پیدا
۲۸۵/۲۱	تامان(تامارا)	۱۴۴/۷	پیروز
۱۴۵/۷	تاوان	۱۴۴/۱۱	پیروزگر
۱۴۶/۱۵	تاورت	۱۴۲/۱۶	پیش
۱۴۶/۱۸	تاورت هات	۲۳۲/۱۵	
۱۴۷/۱۳	تباه	۲۳۲/۲۲	پیشتر
۱۵۳/۱۷	تپش	۳۰۷/۵	پیش دارد، پیشکش
۱۴۵/۱۲	تخت		کند
۱۵۰/۷	تخشا	۱۴۲/۲۱	پیش رسد

۱۴۷/۱	تهی	۱۵۰/۹	تخشاطر
۱۵۱/۳-۱۰		۱۵۰/۱۰	تخشامرد
۱۵۳/۸		۱۵۰/۱۱	تخشد
۱۵۱/۹	تهیگی	۱۵۰/۱۳	تخشیدن
۱۵۴/۱۱	تیر	۱۵۰/۱۸	تخم
۱۵۳/۱۵	تیز	۱۵۱/۱	تخمه
۱۵۳/۱۶	تیزتر	۱۴۷/۱۷	تده
۱۵۴/۲	تیشتر	۱۴۸/۹	تر
۱۵۳/۹	تیغ	۱۴۸/۱۱	ترازو (برج میزان)
۱۵۳/۱۴	تیغ تیز	۱۴۸/۱۸	ترسا
		۱۴۹/۳	ترمنشی
		۱۴۸/۴	تسوم (چهارم)
۲۹۶/۹	جادوان	۱۵۲/۱۲	تن
۳۰۱/۶	جام	۱۴۹/۱۸	تناپوهر/تافور
۳۰۰/۱۳	جاماسب	۱۵۳/۲	تندرستی
۳۰۱/۳	جامه	۱۲۵/۸	تن پسین
۳۵/۹-۳۰۱/۱۳	جان	۱۵۲/۲۰	
۸۳/۱۸		۱۵۲/۱۷	تن تخم
۳۰۴/۸	جاودان	۱۵۲/۱۹	تن مردمان
۳۲۹/۱۷-۳۴۰/۵	جد/جدا	۱۵۳/۱	تنها
۳۴۰/۱۴	جدا	۱۵۲/۱۸	تن مسای
۳۴۰/۱۲	جدا جدا	۱۵۲/۷	تو/توک (لالایه)
۲۸۵/۹-	جد دیو داد	۲۲۷/۱۴	تو
۳۴۱/۳-۱۳		۱۵۱/۱۱	توان (قدرت)
۳۴۰/۱۶	جداکردن	۱۵۲/۱	توانگر
۳۱۴/۱	جست	۱۵۲/۲	توانگری
۳۱۷/۶	جگر	۲۴۴/۱۱	توبه پذیر
۳۴۷/۱۱	جنباند	۱۵۲/۴	توزش

۱۵۹/۱۳	چربی	۳۳۷/۱۰	جنبانند
۹۳/۱۱	چشم	۳۳۰/۳	جودن/جویدن
۱۵۸/۶		۳۴۱/۱۵	جوش
۱۵۸/۱۰	چشمه	۳۲۹/۲۰	جوید
۱۵۸/۱۳	چکر	۳۳۱/۱۷	جویده/جوده
۱۵۹/۱۷	چمبر	۱۸۸/۲۳	جیو
۱۶۱/۱۷	چون		
۲۴۶/۱۹	چه		
۴۰/۵	چهار	۱۵۶/۹	چابک تر
۸۴/۱۰		۱۵۷/۸	چار/چاره
۱۵۵/۱۱	چهار	۱۵۷/۱۴	چارو (ساروج)
۱۵۵/۱۳	چهارپایان	۱۵۷/۱۱	چاره
۳۰۴/۱۲	چهارده	۱۵۷/۱۳	چاره کردن
۱۵۶/۴	چهاردهم	۱۵۶/۱۷	چاشت (سحرگاه)
۱۵۶/۱	چهارم	۱۵۶/۱۹	چاشت (آموخت)
۱۶۰/۱۳	چهر	۱۵۶/۱۳-۱۷	چاشته (آموخته)
۱۶۰/۱۷	چهراب	۱۵۷/۱	
۱۷۲/۱	چهل (۴۰)	۱۵۷/۴	چاشنی
۱۷۵/۲	چهل و یک (۴۱)	۱۵۷/۶	چاشنی کردن
۱۶۱/۲	چیتر داد	۱۵۹/۱۹	چامش
۱۵۷/۱۷	چیز	۱۵۵/۴	چاه
۲۵۰/۷		۱۵۶/۸	چاه آب
۱۵۸/۳	چیزان/چیزها	۱۵۶/۷	چاهی
۱۶۱/۱۱	چیم	۱۵۹/۱۴	چرا
۱۶۱/۱۴	چینش	۱۵۹/۳	چرب
۱۹۴/۲	چینی	۱۵۹/۶	چرب تر
		۱۵۹/۹	چرب روده
		۱۵۹/۱۱	چربش

۵۹/۲۱	خوان (سفره)		
۳۰۸/۱۷	خواند	۲۱/۱۶	خاک
۲۱۴/۲۰	خوانند	۹/۱۲	خاپه
۷/۱۰	خانه	۶۲/۲۱	خدای
۸/۱۱	خانی	۷۶/۱۲	خرداد
۸/۱۶	خانی روشن	۴۰/۱۶	خرد
۵۸/۶	خواهش	۴۰/۲۲	خرد گوهر
۵۸/۹	خواهش خواستن	۶۹/۱۸-۲۰	خرده
۱۱۱/۱۴	خواهند	۴۰/۹	خرفستر
۶۱/۱۷	خوب	۴۰/۱۳	خرفستران
۶۲/۱	خوبتر	۴۴/۱۶	
۶۲/۳	خوبی	۴۵/۲۱	خرگوش
۱۰۶/۱۲	خود	۱۵۳/۶	خرما
۷۸/۸	خودوده	۴۴/۱۸	خروس
۶۹/۷-۱۱	خور	۴۴/۱۰	خسبد
۲۷۵/۱۲	خوردن	۴۴/۵	خسبند
۷۵/۱۳	خورسندی	۶۶/۱۸	خسروی
۷۰/۸	خورش	۳۶/۱	خشت
۲۷۶/۱		۶۸/۲	خشک
۷۰/۱۶	خورشید	۸۷/۱۳	خشم
۷۱/۶	خورشیدنگرش	۲۱/۱۰	خفگی
۷۱/۳	خورشیدبشت	۲۱/۸	خفه
۶۹/۱۶	خورگ (اخگر)	۷۳/۶	خمب
۱۰۱/۲	خوش	۴۴/۴	خوابند
۱۰۱/۴	خوشر	۵۹/۵	خوار (آسانی)
۶۷/۲۱	خوشه	۶۶/۴	خواست
۲۹/۱۱	خوک	۱۱۱/۸	خواستن
۷۹/۹	خویش	۵۸/۳	خواسته.

۳۰۶/۲۱-۲۲	داری	۲۶۷/۴	خویش
۲۹۸/۱۷	داشت	۷۹/۱۶	خویش تر
۲۹۸/۲۳	داشتارتر	۲۶۷/۱۳	خویشتن
۲۹۹/۱	داشتن	۷۹/۲۲	خویشکار
۳۰۰/۶	دام	۸۰/۲	خویشکاری
۳۰۱/۱۰	دام داد نسک	۲۶۷/۱۲	خویشی
۳۰۱/۱۷	دان	۸۹/۹	خیم
۳۰۱/۱۹	دانا		
۳۰۱/۲۲	داناتر		
۳۰۱/۲۲	دانایان	۲۹۵/۲	داد (قانون)
۷۸/۲۲	داند	۲۹۴/۳	داد
۷۹/۴	دانست	۲۹۵/۶	
۷۸/۱۵	دانستن	۲۹۵/۱۳	دادار
۷۹/۶	دانستند	۲۹۵/۱۶	دادارهرمزد
۳۰۲/۵	دانش	۱۸۹/۶	دادستان
۲۳۶/۳	دانگ	۲۹۵/۱۸	
۲۴۳/۱۵		۲۹۵/۲۰	دادستان اوهندی
۲۵۱/۲		۲۹۳/۱۵	دادن
۷۸/۱۹	دانم	۲۹۶/۲	دادور
۳۰۲/۹	دانه	۲۹۶/۷	دادوران
۷۸/۲۱	دانی	۲۹۶/۸	دادورتر
۳۰۶/۱	دایه	۲۹۶/۵	دادور دروغزن
۳۰۸/۲۱	دبیر	۲۹۹/۱۴	دار (درخت)
۳۰۹/۱۹	دتوش	۳۰۷/۱	داراد، بدارد
۱۰۷/۴	دخت/دختر	۳۰۷/۲	دارد
۳۲۶/۱۲	دخت (دوشید)	۳۰۶/۱۰	دارش (داشتن)
۳۱۰/۱۳	ددیگر	۳۰۶/۱۸	دارم
۱۰۰/۲-۹	در	۳۰۷/۷	دارند (نگاهدارند)

۳۴۱/۱۹	درهم / درم	۳۱۹/۹-۱۱-۱۳	درازا
۳۳۰/۷-۱۰-۱۵	دزد	۳۱۹/۱۶	درایان جوشی
۳۳۰/۱۱	دزدی	۳۲۰/۴	دراپید
۳۳۰/۱۲	دزدی کردن	۳۱۸/۲۱	درخت
۳۳۱/۲	دزدید	۳۲۰/۷	درد
۳۳۰/۱۶	دزدیده	۱۰۰/۸	در دوزخ
۱۸۷/۱۱	دست	۳۲۵/۸	در زمان
۱۸۷/۱۶	دست شبی	۳۳۹/۹	درست
۱۸۷/۱۸	دست شستن	۳۳۹/۱۲	درستی
۱۸۷/۱۹	دست شوی	۱۰۰/۶	در شاهگاه
۳۱۴/۵	دستور	۱۰۰/۷	در شهر
۳۱۴/۸	دستوران	۳۲۱/۱۴	درگاه
۳۱۴/۱۰	دستوری	۱۸۵/۹-۳۲۴/۶	درنگ
۳۳۲/۱۹	دش آگاه	۱۸۵/۱۱	درنگ زمان
۳۳۳/۴	دشخواری	۳۳۶/۱۵	در واسپ
۳۱۵/۱۰	دشت	۳۲۳/۲	دروج
۳۱۶/۳	دشتان	۳۲۳/۵	دروجان
۳۱۶/۹	دشتانستان	۲۰۳/۸-۳۲۲/۱۵	درود
۳۳۳/۱۵	دشمن	-۳۲۴/۱۹	
۳۳۳/۲۰	دش منش	۲۲۰/۳	دروغ
۳۳۰/۱۳	دشوار	۳۲۳/۱۱	دروغزن
۳۳۵/۱۳	دغداو	۳۲۳/۱۵	دروغزنی
۲۲۵/۶	دل	۳۲۳/۱۶	درون
۳۲۸/۷	دمبه	۳۲۴/۱۵	دروند
۳۲۸/۱۸	دمبزه	۳۲۴/۱۸	دروندان
۲۱۲/۶	دندان	۳۲۴/۱۹	دروندی
۳۳۹/۱۸-	دندان پریش	۳۲۴/۲	درون سه گانه
۳۴۰/۱-۳		۳۲۴/۱۲	درویشان

۲۴۲/۱۶	دهبدان	۱۴۹/۱۳-۳۰۷/۹	دو
۳۰۶/۹		۳۲۷/۲۰	د وارد
۲۹۴/۱۰	دهد	۳۲۷/۲۱	دوارست
۲۹۴/۱۵-۲۹۹/۵	دهش	۳۲۷/۱۸	دوارشی
-۳۰۵/۲۰		۲۹۲/۷-۳۲۶/۱۶	دوازده
	دهش ها (آفریده ها)	۳۲۷/۱۱	دواسروجید نسک
۳۰۵/۲۱		۳۲۷/۸	دوانوس
۲۹۹/۷	دهش مند	۳۰۷/۱۳	دوبهر
۲۹۳/۲	دهلیز	۳۲۹/۱۲	دوپیکر
۲۹۴/۹	دهم	۳۰۷/۱۷	دوتو
۲۹۳/۳	دهمان آفرین	۳۳۵/۱۷	دور
۳۲۲/۳	ده هزار	۳۳۳/۱	دوزخ
۱۹۳/۴	دی	۳۳۱/۱۴	دوست
۳۱۳/۹	دیها	۳۳۲/۱۳	دوش (دیشب)
۱۹۳/۹	دی به مهر	۳۳۴/۱۸	دوشند
۳۱/۱۸	دید	۳۲۹/۲۲	دوغداو
۱۷۷/۱۰		۳۳۵/۱۵-۳۲۸/۹	دول/دلو
۱۹۳/۱۲	دی دادارهرمزد	۳۰۷/۲۰	دوهزار
۱۸۱/۱	دیدن	۴۲/۱۵	دویست
۱۸۲/۱۳	دیر		دویست و هفتادوهشت
۱۸۳/۱۳	دیرزمان	۴۲/۱۷	
۱۸۳/۱۵	دیرزیواد	۲۴۲/۱۰	ده/دیه
۱۸۳/۱۷	دیرزیوشی	۲۹۲/۴	ده (۱۰)
۱۸۸/۱۷	دین (کیش)	۲۹۳/۲۰	ده (بده)
۱۹۲/۱۸		۲۹۳/۲۱	دهاد-
	دین (نام روز ۲۴هرماه)	۱۴۰/۱۲	دهان
۱۸۸/۲۰		۲۴۲/۱۴	دهبد
۱۸۹/۲۳	دین آگاه	۳۰۶/۴	

۲۲۵/۱۶	رپتوین	۱۹۳/۷	دین اهرموگی
۲۲۶/۶	رتوشائیتی	۱۰۸/۱۴	دین بردار
۲۲۶/۲	رد	۱۹۰/۷	
۲۲۶/۴۰	ردان	۱۹۰/۹	دین بنده
۲۲۶/۵	ردی	۱۹۳/۱۱	دین ردان
۲۲۶/۱۲	رزمیان	۱۹۰/۵	دینوران
۳۰۰/۱۵	رس	۱۹۳/۱۴	دینی
	رستگان (رسته‌ها ، طبقات)	۱۹۶/۱-۲۰۵/۵	دیو
۲۲۶/۱۷		۱۹۰/۲	دیوار
۲۳۴/۳	رسد	۱۹۶/۵	دیوان
۳۰۰/۱۹		۱۹۶/۷	دیو یزکی
۲۲۷/۳	رسن		
۳۰۰/۱۸	رسند		
۳۰۰/۱۷	رسیدن	۲۲۴/۱۱	را
۲۲۷/۵	رشن	۲۲۱/۱۳	راد
۲۲۷/۱۰	رشن اشتاد	۲۲۲/۲	رادتر
۲۲۵/۱۲	رفتار	۲۲۲/۳	رادی
۲۲۸/۴	رمه	۲۲۲/۴	راز
۲۲۸/۱۶	روا	۲۲۲/۱۲	راست
۲۲۸/۱۹	روا تر	۲۲۲/۱۸	راست تر
۲۲۹/۱	روان (روح)	۳۲۹/۱۱	راست گفتار
۲۲۹/۶	روانی	۲۲۲/۱۶	راست گوشنی
۲۲۹/۹	روباه	۳۲۸/۵	راست گویی
۱۷۳/۱۶	رود	۲۲۲/۱۹	راستی
	رود (روده، تراشیده)	۲۲۳/۷	رام ایزد
۲۲۹/۱۷		۲۲۳/۱۴	رامش
۲۲۹/۱۲	رود (رودخانه)	۲۲۴/۵	ران
۲۳۰/۸-۳۳۶/۱۷	روز	۲۲۲/۹	راه

روز شبان	۲۳۰/۱۱	زام ایزد	۱۶۶/۱۷
روزگار	۲۳۰/۱۳	زاید	۱۶۵/۶
روستا	۲۳۰/۱۶	زایش	۱۶۵/۱
روشن (نام خاص)	۲۳۱/۷	زایند	۱۶۵/۵
روشن	۲۳۱/۱۰	زائید	۱۶۴/۱۹
	۲۲۹/۷	زبان	۶۵/۹
روشنی	۲۳۱/۱۳	زبر	۱۶/۴
روشنی آتش	۲۳۱/۱۵	زد	۲۴۱/۷
روغن	۲۳۹/۱	زداری	۱۶۳/۴
رون (سو، جانب)	۲۳۲/۷	زر	۱۶۲/۱۱
روند	۱۷۳/۱۲-۲۲۵/۱۹	زرتشت	۱۶۵/۱۰
روی (چهره)	۲۳۲/۹	زرتشتان	۱۶۵/۷
ریچال	۲۳۳/۵	زمان	۱۶۶/۱۰
ریختن	۲۳۳/۱		۲۹۰/۱۷-۳۲۵/۴
ریدک (کودک، غلام)	۲۳۳/۱۹	زمانی	۱۶۶/۱۴
ریزد	۲۳۳/۱۴	زمستان	۳۲۵/۹
ریزش	۲۳۳/۱۲	زمی/زمین	۱۶۷/۱-۳۲۶/۸
ریزند	۲۳۳/۱۶	زن	۱۶۷/۱۰
ریش (جراحت)	۲۳۴/۱۲		۲۸۸/۴
ریشگی	۲۳۴/۱۶	زن آبستن	۲۸۸/۱۳
ریشه	۲۳۴/۱۸	زن خواستن	۱۱۱/۱۲
ریمن	۲۳۵/۱۰		۲۸۸/۱۱
ریمنی	۲۳۵/۱۳	زن دستان	۲۸۸/۱۶
		زن زاده (زائو)	۲۸۸/۱۵
		زنان	۲۸۸/۱۹
زادن	۱۶۴/۱۴	زند	۲۴۱/۱۰
زادند	۱۶۴/۲۰	زند (تفسیر)	۱۶۹/۸
زاده	۱۶۳/۲	زند (قبیله)	۱۶۹/۱۰
	۱۶۶/۱۷		

۱۷۴/۱۳	ساریگر	۱۶۹/۱۲	زندبد
۱۷۳/۲۱	سازم	۱۷۱/۳	زندگی
۱۷۴/۱	ساستار	۱۷۱/۲	زنده
۲۰۲/۱۴	سال	۱۶۹/۱۵	زندیک (زندیق)
۱۷۴/۶	ساله	۱۶۹/۱	زنش (زدن)
۱۷۴/۲۰	سایه	۱۶۷/۲۴	زنی (همسری)
۱۷۵/۳	سپاس	۲۸۸/۲۰	زنی
۱۷۶/۳	سپرز	۱۶۸/۱۳	زوت
۱۷۵/۱۵	سپریم / اسپرغم	۱۶۷/۱۵	زور
۱۷۵/۱۷	سپنا	۱۶۹/۴	زور (نیرو)
۱۷۵/۱۷	سپنا مینو	۱۶۹/۷	زورمندتر
۱۷۶/۷	سپند	۱۵۵/۸	زه (نم ، تراوش)
۱۷۶/۱۶	سپندارمد	۱۶۹/۱۸	زه (تراوش)
۱۸۱/۲۱		۱۷۰/۶	زیان
۱۷۶/۹	سپندمد	۲۵/۹	زیر
۱۷۶/۱۴	سپندمدگاه	۱۷۰/۱۱	زین افزار
۱۷۵/۲۱	سپوزد	۱۷۰/۱۷	زیواد
۱۷۶/۱۹	سپهر	۱۷۱/۴	زیونده
۱۷۷/۱	سپیتمان	۱۶۸/۲	ژرف
۳۳۲/۲-۶	ستانند	۱۶۸/۶	ژرف روستا
۳۳۲/۴	ستانیدن	۱۶۸/۹	ژرفرا (ژرفا)
۱۷۸/۶	ستایاد	۱۶۸/۱۰	ژوژه (جوجه تیغی)
۱۷۸/۱۲	ستایش		
۱۷۷/۱۷	ستائیدار		
۱۷۸/۱۴	ستبرق	۱۷۲/۸	ساخت
۳۳۲/۱	ستد	۱۷۲/۱۱	ساخته
۳۳۱/۲۲	ستدن	۱۷۳/۱۰	
۱۷۸/۱	ستم	۱۷۴/۴	سار

۱۸۴/۱۹	سرودن	۱۸۰/۵	ستوتگر
۱۸۴/۸	سروش	۱۷۹/۲۰	ستوت یسن
۱۸۴/۱۵	سروش اهره	۱۸۰/۱۷	ستور (چهارپا)
۱۸۴/۲۱-۱۸۵/۴	سروش چرنام	۱۸۰/۲۰	ستور (قیم)
۱۸۶/۲۰	سریط (اترط)	۱۷۸/۱۷	ستیر/استیر
۱۸۲/۱	سزد (سپری شود)	۱۸۱/۱۹	
۱۹۱/۱۸	سست	۱۷۳/۶	سخت
۱۹۱/۲۰	سست تر	۱۷۳/۸	سخت تر
۱۹۲/۵	سش (شش، ریه)	۱۸۰/۱۰	سدوش
۱۹۰/۱۲	سفت (دوش، کتف)	۱۸۱/۴	سدویس
۱۸۲/۶	سکاتوم	۱۸۱/۱۵	سدیگر
۲۱۲/۱۸	سگ	۲۳۰/۱۸	سر
۲۱۲/۲۱-۲۱۳/۵	سگ دید	۱۸۲/۱۰	سر (اول)
۲۱۳/۱۲	سگ نمودن	۲۳۱/۳	سراسر
۱۹۳/۱۵	سنگ	۱۸۳/۲	سرایش
۳۱۳/۱۴		۲۳۰/۲۱	سربرند
۱۸۹/۹	سنه (نفرین)	۲۳۰/۲۰	سربریدن
۱۹۰/۱۶	سود	۱۸۳/۷	سربین
۱۹۱/۵	سودگی	۱۸۴/۶	
۱۹۱/۷	سودن	۱۹۳/۱۸	سرداران
۱۹۰/۱۹	سوده	۱۸۳/۱۲	سردگان
۱۹۲/۱۵	سوراخ	۱۸۳/۹	سرده
۱۹۱/۱۴	سوزد	۱۸۳/۱۹	سرشک
۱۹۲/۷-۱۳	سوشیانس	۱۸۷/۳	سرگون (سرگین)
۱۰/۳	سه (۳)	۱۸۴/۱	سرما
۱۴۸/۱۳		۱۸۴/۵	سرمای سخت
۱۷۲/۴		۱۸۵/۱۲	سرو (شاخ)
۱۰/۹	سه گانه	۱۸۴/۱۷	سرود

۲۳۵/۶	شب	۱۷۲/۵	سه گانه
۱۹۷/۱۷	شبان (شبها)	۱۷۴/۱۷	سهمگین
۱۲۵/۱۸-۲۰۳/۱۳	شب پره (خفاش)	۱۰/۸	سه یک
	شبه/شوه (نوعی سنگ)	۱۰/۱۰	سه یکی
۱۹۷/۲۰		۲۲۷/۲۰	سی (۳۰)
۱۹۸/۶	شبى	۲۲۸/۳	سی ام
۱۹۸/۱	شب یار	۱۷۲/۶	سیاه
۲۷۱/۱۴	شدن	۳۱۳/۱۸	سیب
۲۰۰/۱۹	شرم	۳۱۴/۱۸	سیج
۲۰۰/۲۱	شرمگاه	۳۱۴/۲۱	سیری
۴۳/۲۰	شست	۳۰۴/۱۰	سیزده
۲۰۲/۱۷		۲۲۸/۲	سی سه (۲۳)
۴۳/۱۰-۱۸	شستن	۸۸/۲۰	سیصد
۲۰۳/۱		۱۵۴/۱۳	
۱۰/۱۷	شش (۶)	۳۴/۸	سیم (نقره)
۱۹۹/۲		۲۲۸/۱	سی و سه (۲۳)
۱۰/۲۳	شش پاو دو بهر		
۳۱۳/۵	شصت (۶۰)		
۳۱۳/۸	شصت و شش	۱۹۶/۹	شادروان
۱۴۷/۴-۹	شکست	۱۹۶/۱۱	شادی
۲۰۰/۶		۲۰۰/۱۵	شاگرد
۱۴۷/۷	شکند	۱۹۶/۱۵	شام
۲۰۰/۱۱	شگفت	۳۰۴/۱۷	شانزده
۲۰۲/۳	شناس	۱۹۵/۱۵	شاهگاه
۲۰۳/۱۴	شنوشه/شنوسه	۱۹۶/۱۹	شاید
۲۰۳/۱۵	شنومن	۱۹۷/۲	شاید کردن
۲۰۳/۲۰	شوند	۱۹۷/۷	شایست
۲۰۴/۳	شنوی	۱۹۷/۱۲	شب

۱۲۷/۱۶	فرجامی	۲۷۱/۲۱	شود
۱۲۸/۲	فرجفت	۲۰۴/۷	شوی
۱۲۷/۲	فرخ	۲۰۴/۶	شوی (شوهر)
۱۲۷/۹	فردا	۴۳/۱۲-۲۰۴/۱۸	شوید
۱۲۷/۱۱	فردم	۴۳/۱۴	شویش
۱۴۲/۱-۱۳۸/۶	فرزند	۲۰۴/۹	شویش (شستن)
۱۳۸/۱۰	فرزند چکر	۴۳/۱۶-۴۵/۱۳	شویند
۱۳۸/۱۳	فرزند زایی	-۲۰۴/۱۹	
۱۰۹/۱۷	فرزندى	۱۹۹/۱۰	شهر
۱۲۸/۱۲	فرسست	۱۹۹/۱۵	شهرستان
۱۲۹/۱	فرسنگ	۱۹۹/۵-۱۹	شهریور
۱۳۵/۱۸	فرگرد	۲۰۶/۵	شیر (برج اسد)
۱۳۰/۳	فرمان	۲۰۶/۷	شیر (نوشیدنی)
۱۳۰/۱۴	فرمان (دستور، امر)	۲۰۶/۱۰	شیرین
۱۳۰/۱۷	فرمانبردار	۲۰۵/۱	شیوا
۱۳۰/۱۸	فرمانبرداری		
۱۳۱/۲	فرمایش		
۱۳۰/۱۹	فرماید	۱۲۶/۱۸	فرارون
۱۳۱/۱	فرمایند	۱۲۶/۲۰	فرارون کنش
۱۳۱/۴	فرمود	۱۲۶/۲۱	فرارون منش
۱۳۱/۶	فرمودن	۱۲۶/۲۳	فرارونی
۱۳۱/۱۴	فرنامش	۱۳۶/۴	فراز
۱۳۱/۲۰	فرنمغ	۱۳۶/۱۳	فرازبرد
۱۳۲/۱۷	فروبرد	۱۳۶/۱۴	فرازبردن
۴۴/۸	فروخسبند	۱۳۶/۲۲	فراز شود
۱۳۲/۸	فروود	۱۳۶/۲۱	فراز کند
۱۳۲/۱۵	فرو کشیدن	۱۳۶/۱۶	فراز گفت
۱۳۳/۲	فرورانه	۱۲۶/۱۰	فراگام

۲۴۹/۱۳	کت (که ترا)	۱۳۳/۸-۱۴۱/۱۶	فروردیگان
۲۱۱/۱	کدام	۱۳۳/۱۴	فروردین
۲۱۲/۱۶	کر (ناشنوا)	۱۳۱/۸	فروهر
۲۱۴/۶	کرچنگ (خرچنگ)	۱۸۷/۲۱	فره
۲۱۷/۴-۲۶۵/۲۳	کرد	۱۸۸/۴	فره گر
۲۱۷/۱۶	کردن	۱۸۸/۳	فره روی
۲۱۷/۲	کرده (بخش، فصل)	۱۸۸/۲	فره شهر
۲۱۷۱-۲۱۳/۲۲	کرده	۱۲۶/۱	فرهنگ
۲۱۶/۱۷	کرفگی	۱۲۹/۹	فریادار
۲۱۶/۱۱	کرفه	۱۳۵/۶	فریدون
۸۱/۱۹	کرفه اندوزی		
۲۱۴/۸	کرک		
۲۱۴/۹	کوکس	۲۰۸/۱۳	کار
۲۱۱/۱۳	کز/کژ	۲۰۹/۸	کارد
۳۱۲/۱۹	کژدم	۲۰۹/۱۱	کاردپولادین
۲۹/۱۷	کس (کسی)	۱۶۶/۸	کارند
۳۰/۱	کسان	۲۰۹/۱۴	کارزار
۲۱۷/۱۹	کست	۲۰۹/۱۷	کارزاری
۲۱۸/۱	کستی	۲۰۸/۹	کاسکینه
۲۴۹/۱۵	کش (که اورا)	۲۰۸/۶	کافند/کاوند
۲۱۸/۵	کشت	۲۰۹/۱۸	کام
۲۷۷/۱۴	کشت	۲۱۰/۵-۳۱۱/۶	کامد
۲۱۸/۹	کشتار	۳۱۰/۲۱	کامم (خواهم)
۲۷۷/۱۷	کشتن	۲۱۰/۸	کامیست (میل کرد)
۲۲۰/۶	کشتن	۱۴۷/۱۲	کاه
۲۱۸/۴	کشد	۲۰۸/۱	کاهد
۲۱۱/۱۸	کشتی	۲۰۸/۵	کاهش
۲۱۲/۱	کشیدن	۲۱۰/۱۵	کپی

۳۰۲/۲۰	گان	۲۱۸/۱۳	کلاهچه
۲۱۰/۹	گانه	۲۱۵/۱۰-۲۲۰/۸	کم
۲۹۷/۴	گاه (زمان)	۲۱۶/۵	کنار
۲۹۷/۶	گاه (جا)	۲۲/۱۱	کند
۲۹۷/۱۰	گاه (سرود)	۲۶۶/۱۲	کند
۲۹۷/۱۹	گاهان	۲۱۹/۱	کنش
۲۹۷/۲۱	گاهان بن	۲۶۶/۷	
۲۹۸/۱۱	گاهانی	۲۶۶/۵	کنم
۲۹۸/۱	گاهنبار	۲۲/۱۴	کنند
۳۱۰/۱۸	گج	۲۱۹/۱۴	کنند
۳۱۱/۲۳	گج کرده	۲۱۹/۱۰-۲۶۶/۱۷	کنید
۳۱۲/۶	گچین	۸۷/۱۷	کو/که
۲۶۷/۲۰	گداخته	۲۱۶/۱۸	کودک
۳۱۸/۱۹	گر	۲۱۸/۱۰	کور
۳۱۹/۲	گران	۲۱۸/۲۱	کون
۳۱۹/۱۴	گران تر	۲۱۹/۱۲	کون مرز
۲۸۳/۳	گران گناهر	۲۱۶/۸	کوه
۳۱۹/۱۵	گرانی	۲۴۹/۳	که
۲۸۰/۱	گرداند	۲۱۱/۱۵	که (کوچک)
۲۸۰/۲	گردانیدن	۲۱۱/۱۷	کهان
۲۷۹/۲۰	گردد	۲۰۹/۷	کهربا
۲۷۹/۱۷	گردش	۲۱۹/۱۷	کهست
۳۲۰/۱۰	گردن	۲۱۹/۱۵	کی آذربوزید
۳۲۰/۱۳	گردن بند	۲۱۹/۱۹	کیان
۳۳۶/۶	گرده	۲۲۰/۱	کیان فره
۳۲۰/۱۴	گرزش		
۳۲۲/۱۸	گرزمان		
۳۲۳/۱	گرزمانی بودن	۳۰۰/۹	گام

۳۳۷/۶	کمان	۳۲۰/۱۷	گرزه
۳۳۷/۸	کمانی	۳۳۶/۸	گرسته
۲۸۲/۱۳	کناه	۲۶۵/۷	گرفت
۲۸۳/۶	گناهکار	۲۶۵/۱	گرفتن
۲۸۳/۸	گناهکاران	۳۲۲/۶	گرم
۲۸۳/۱۰	گناهکاری	۳۲۲/۹	گرو
۲۸۲/۱۸	گناه گزاردن	۳۲۱/۱۲	گره
۳۳۷/۹	گنبد	۳۲۴/۱۱	گریوه
۳۳۰/۵	گنج	۲۶۹/۱۱	گزارد
۳۳۱/۱	گنجینه	۲۶۹/۱۷	گزاردن
۳۳۹/۱۵	گند (خایه)	۲۶۹/۱۸	گزارش
۳۴۱/۱۶	گندگی	۳۱۱/۸	گزش
۳۳۹/۱۶	گنگ	۲۷۰/۱۶	گزیدار
۳۲۵/۱۲	گو	۲۷۲/۱۷	گزینش
۳۳۵/۵	گوارد	۲۷۵/۳	کشادگی
۳۳۵/۱	گواهی	۲۷۴/۱۹	کشاده دوازشی
۳۳۰/۴	گوز (گردو)	۲۷۵/۵	کشت
۳۳۱/۴	گوسپند	۲۷۵/۸	کشتاسپ
۳۳۱/۸	گوسپندان	۲۷۶/۳	کشتن
۳۳۱/۱۱	گوسپند مفید	۳۳۳/۱۳	کشسب
۳۳۱/۱۲	گوسپند نر	۳۳۴/۴	کشن
۳۳۲/۸	گوش	۳۳۴/۷	کشنی
۱۰۰/۲۱-۳۳۳/۱۱	گوشت	۳۲۸/۲۱	گفت
۳۳۴/۱	گوشوار	۳۲۹/۱۰	گفتار
۳۰۴/۴	گوشو دا	۳۲۹/۱۵	گفتن
۳۳۳/۷	گوشورون	۹/۲۰	گفته
۳۳۳/۹	گوشورون امشاسپند	۳۲۴/۱۰	کلین
۳۳۵/۹	گوگرد	۳۳۷/۳	کمارند

۲۳۷/۱۹	ماده	۳۴۲/۵	گوگوشب
۲۷۸/۲		۳۳۸/۱۴	گومیخته/آمیخته
۲۳۸/۳	ماده‌ور	۳۳۸/۶	گومیز
۲۳۹/۴	مار	۳۳۸/۱۱	گومیزآب
۲۴۰/۸	مارسپند	۳۳۸/۲۰	گون
۲۳۹/۱۳	مارپگ	۳۳۸/۲۲	گناک مینو
۲۳۸/۸	مازن	۳۳۹/۱۳	گونه
۲۳۸/۹	مازنان دیوان	۳۲۶/۱۸	گوهر
۲۳۹/۱۱	مالش	۳۲۵/۱۹	گوید
۲۳۹/۲۰	مان (خانه)	۳۲۵/۱۶-۳۲۸/۱	گویش
۲۴۰/۴	مانبد	۳۲۸/۴	گویش‌ها
۲۴۰/۱۱	مانشر	۳۲۵/۱۵	گویم
۲۴۰/۱۳	مانشر پرسیدار	۳۲۶/۱	گویند
۲۱۱/۷	ماند	۳۲۶/۲۲	گهواره
۲۴۰/۱۵	مانسرپند	۱۷۷/۱۴	گیتی
۱۱۳/۱-۲۳۶/۵	ماه	۱۸۱/۱۳	
۲۴۰/۱۷	ماهرسپند	۱۷۹/۷	گیتی خرید
۲۳۷/۱۳	ماهی (برج‌حوت)	۱۷۹/۱۸-۱۸۰/۸	گیتوخرید/گیتی خرید
۲۳۶/۱۰	ماه یشت	۱۷۹/۱۸	گیتو فرید
۲۵۳/۱	مدیو ماه	۱۸۲/۱۶	گیراد
۲۴۴/۲۳	مر	۲۶۵/۵	گرد
۳۰۸/۲	مرد	۱۷۲/۱۲	گیهان
۳۰۸/۱۲	مردان		
۳۰۸/۹	مرداهرو		
۲۴۵/۲	مردبود	۲۳۲/۳	ما
۳۰۸/۱۱	مرد دروند	۴۷/۵	ماد/مادر
۶۸/۱۹-۲۴۵/۴	مردم	۵۳/۱۱-۲۳۸/۶	مادر
۶۹/۳-۲۴۵/۷	مردمان	۵۳/۱۵-۲۳۸/۷	مادران

۲۴۴/۳	مهان	۲۴۸/۱۱	مرده
۲۴۴/۶	مهتر	۲۴۵/۱۰	مرزد
۲۴۲/۱۸	مهر	۴۴۸/۲۰-۲۴۹/۱	مرغ
۲۴۲/۲۳	مهر (نام روز)	۲۴۶/۱-۸	مرگ ارزان
۲۴۳/۹	مهران دروج	۲۴۶/۶	مرگ ارزنان
۲۴۱/۱۵	مهست	۲۴۶/۱۱	مرگ ارزان گناه
۲۳/۱	مهمان	۲۴۶/۱۳	مرگ ارزانی
۲۳۷/۵	مهمان تر	۲۴۶/۱۵	مرگی
۲۳۹/۱۴	مهمانی	۲۴۵/۱۵	مروارید
۲۹/۱۴	می (شراب)	۲۴۱/۱۷	مزدیست
۲۳۷/۷-۲۵۲/۱۳	میان	۲۴۱/۲۰	مزدیستان
۲۳۷/۱۲	میانه	۲۵۳/۶	مزه
۳۲۶/۴	میرد	۲۴۳/۴	مسای
۳۲۶/۲	میرش	۲۴۳/۱۸	مغز
۲۳۸/۱۳-۲۵۱/۲۴	میزد	۲۳۸/۱۶	مگس
-۲۵۳/۱۰		۱۲۵/۱۶-۲۳۸/۱۹	مگس پر
۲۵۵/۱	مینو	۲۲۱/۱	من
۲۵۵/۹	مینوگان	۲۵۴/۱۷	منش
۲۵۵/۷	مینوی آب	۲۴۸/۲	منگ
۲۵۴/۱۴	میوه	۲۴۰/۲۰	منوچهر
۲۵۲/۱۷	میهن	۲۴۸/۴	مور
۲۵۲/۲۰	میهن هرمزد	۲۴۸/۹	مورآشیانه
		۲۴۸/۱۰	مورچه
		۲۴۸/۱۸	مورستان
۵۸/۱۱	ناتسانی	۲۴۷/۲۴	موزه
۵۸/۱۳	ناتگاهی	۲۴۹/۲۲-۲۴	موی
۲۵۸/۳	ناخن	۲۵۰/۲۳	موئین
۲۵۹/۶	نازکی	۲۴۳/۲۱	مه

۲۵۸/۱۳	ناف/نافه	۳۱۰/۱۱	نشیند
۲۰۱/۱۸	نام	۲۷۸/۵	نگرش (توجه)
۲۶۲/۲	نامگانی	۲۸۲/۲	نم/نمب
۲۲۳/۱۱	نان	۲۸۱/۲۰	نمایش
۲۵۷/۱۸	ناوتاک	۲۸۲/۱	نمایند
۲۵۸/۱۶	ناور	۲۸۲/۵	نمد
۳۴۱/۱۰	ناهمدادستان	۲۸۲/۷	نمک
۱۵/۱۹	نبايد	۲۸۲/۸	نمود
۳۲/۲	نبینم	۲۸۲/۱۱	نمودن
۲۵۹/۸	نخجیر	۲۸۴/۳	نو
۲۶۲/۱۶	نخست	۳۳/۱۱-۱۸۲/۴	نود
۳۱/۲۱	ندید	۳۱۵/۹-	
۱۶۴/۱۰	نر	۳۰۴/۱۹	نوزده
۲۳۴/۴	نرسد	۲۶۶/۲۱	نوشت
۲۸۳/۱۴	نرسه برزمهر	۲۸۴/۶	نوناور
۲۹۰/۴	نریوسنگ	۱۶۴/۸	نویسم
۲۷۱/۱۱	نزار	۲۲۱/۷	نه (حرف نفی)
۲۷۲/۸	نزد	۱۱/۲-۱۴۸/۱	نه (۹)
۲۷۲/۱۳	نزدیک	۲۵۶/۱۰	نهایتوم
۲۷۲/۲۰	نسا (مرده، لاشه)	۵۷/۵	نهاد
۲۷۴/۱۵	نسروشت	۵۷/۳	نهادن
۲۷۴/۱۲	نسک	۲۵۶/۴	نهاده
۲۸۶/۱۳	نسک داد	۲۷۷/۷	نهان
۲۸۷/۱۶	نشان	۵۷/۱۵	نهد
۱۹۷/۵	نشاید	۲۶۲/۱۰	نهیفت
۱۹۷/۸	نشایست	۲۶۲/۱۵	نهیفته
۲۷۶/۴-۳۱۰/۴	نشست	۲۸۶/۳	نهیفتد
۴۳/۱۷	نشوبند	۲۶۲/۱۹	نهم

۲۶۳/۱۹	وای ایزد	۵۷/۲۲	نه‌ند
۲۶۳/۲۳	وای وه	۱۱/۵	نه‌زار و نه‌صد و نود و نه
۲۷۰/۱۹	وچدست	۲۵۶/۱۵-۲۵۷/۶	نیاز
۲۷۱/۵	وچر	۲۵۸/۶	نیایش
۲۲۵/۱۰-۲۷۸/۱۵	ور (برده)	۲۹۰/۲	نیرنگ
۲۷۸/۱۸	ور/بر (سینه)	۲۸۹/۲۲	نیرو
۲۷۸/۲۰	ور (آزمایش)	۲۸۶/۱۲	نیزه
۲۸۰/۵	ورجاوند	۲۳۲/۱۲	نیست
۲۸۰/۳	ورز	۱۹۱/۵	نیک
۲۸۰/۱۱	ورزید	۲۹۱/۱۱	نیکی
۲۸۰/۱۳	ورس (مو)	۲۹۰/۷	نیم
۲۷۸/۲۲	ورگرم	۲۹۰/۱۰	نیم پا
۲۷۲/۶	وزغ	۲۹۰/۱۴	نیمروز
۲۷۶/۱۶	وشی	۲۹۰/۱۲	نیمسب
۲۸۵/۵-۸	وندیداد	۲۹۰/۱۳	نیم
۲۸۴/۱۰	ونند	۲۹۱/۱۷	نیو دل تر
۲۶۲/۵	وهوخستر	۲۹۱/۱۰	نیوشند
۲۶۲/۸	وهوخسترگاه	۲۹۱/۱۴	نیوشیدار
۲۶۳/۹	وهونزگ	۲۹۱/۱۵	نیوشیدارتر
۲۶۴/۱۱	وهیشتاوایش گاه	۲۹۱/۹	نیوشیدن
۲۸۵/۱۳	ویدودات		
۲۸۸/۲۱	ویر		
۲۸۹/۱۳	ویراست	۲۵۶/۱	و
۲۸۹/۱۸	ویراستن	۲۵۸/۸	واج
۲۸۹/۵	ویراسته	۲۶۰/۱	وازیشت
۲۸۹/۲۰	ویرایند	۲۵۸/۱۲	واژه
۲۸۶/۱۵	ویس	۲۶۰/۷	واستریوش
۲۷۳/۱۶	ویسپد	۱۴/۸	وام

۱۹۷/۹	هفت	۲۸۶/۱۸	ویسبدان
۳۱۵/۸	هفتاد و سه	۲۸۷/۱	ویسپرد
۱۶/۱۱	هفت امشاسپند	۲۸۶/۱	ویش/بیش
۱۶/۱۳	هفت کشور	۲۵/۴	ویژه
۱۷/۳	هفتورنگ	۲۵/۷	ویژه داد
۳۹/۵	هگرز (هرگز)		
۲۰۵/۱۶	هل (یگذار)		
۲۰۵/۲۰	هلد	۲/۵	هات
۲۰۶/۱	هلشن (گذاردن)	۲/۱۳	هادخت
۲۰۵/۲۲	هلند	۲/۱۹	هادختی
۴۶/۱۴-۴۷/۱	هم	۵/۲۰	هام/هم
۴۷/۱۸	همادین	۶/۱۲	هامین
۴۷/۹	هماگ/همه	۷/۷	هاویش
۷۲/۲۱	همانا	۷/۹	هاویشان
۴۹/۱	هماوندی	۷/۲۱	هاوند
۵۰/۱	همپرسگی	۸/۴	هاوندی
۵۰/۱۷	همچون	۲۱۵/۱۸	هر
۵۳/۷	همداستان	۲۱۶/۱	هردو
۵۱/۲۲	همریت	۲۱۶/۲	هرروز
۵۰/۲۰	همزوری	۵۹/۱۴	هرمزد
۵۳/۱۶	همستاری	۵۹/۱۷	هرمزدخدای
۵۱/۱۳	همکرزگی	۵۹/۱۹	هرمزد داد
۵۱/۱۱	همکرزه	۶۴/۱-۲۰	هژیر
۹۰/۶	هموین	۸۶/۱۴	هست، هت
۴۷/۷-۴۹/۷	همی	۸۴/۱۶-۱۵۲/۹	هشت (۸)
۴۹/۱۳	همیافزاید	۲۰۵/۱۸	هشت
۵۴/۱	همیشه	۲۰۵/۸	هشتن
۵۳/۲۰	همبستان	۱۶/۷-۸۴/۱۴	هفت

۲۹۵/۱۰	یات	۴۹/۱۴	همی کا هد
۸۵/۴	یار	۵۴/۳	همی مال
۸۵/۹	یارمندی	۵۴/۹	همی مالان
۸۵/۱۱	یاری	۷۶/۲	هنر
۳۰۸/۱۶	یازده	۷۷/۱۹	هنگام
۲۹۴/۲۰	یازدهم	۷۸/۲	هنگامی
۲۹۹/۹	یاکند/یاقوت	۵۶/۲۲	هوخت
۳۰۳/۲	یان	۷۶/۵	هورشت
۳۰۹/۱۴	یثا	۷۱/۱۵	هورشیدر
۳۰۹/۵	یثا اهو ویریو	۷۱/۸	هوشیدر ماه
۳۱۲/۱۶	یزد	۶۵/۱۸	هوسپارم
۲۹۳/۹-۲۹۵/۲۲	یزدان	۶۶/۲۱	هوش
۲۹۳/۱۳	یزدان یاری	۶۷/۲	هوشبام
۳۱۱/۱۱-۳۱۲/۱۰	یزش	۷۲/۹	هوم
۳۱۱/۱۵	یزش اردافرورد	۷۲/۱۶	هوماست
۳۱۱/۱۸	یزش سروش	۷۳/۳	همای
۳۱۱/۱۴	یزش کردن	۷۵/۳	هوم ایزد
۳۱۱/۲۰	یزش یزدان	۷۴/۲۴	هوم درون
۳۱۲/۲-۱۲	یزم	۷۳/۹	هومت
۳۱۲/۱۴	یزند	۷۵/۲	هومنش
۳۱۵/۳	یسن	۸۴/۷	هیخر
۳۱۲/۸-۳۱۵/۱۲	یشت	۸۸/۵	هیرید
۳۱۶/۱	یشتاران	۸۸/۹	هیربدان
۳۱۶/۱۳	یشت جامه	۸۸/۱۰	هیربذاد
۳۱۵/۱۷	یشت که	۸۸/۱۴	هیربدستان
۳۱۶/۱۵	یشتن		
۳۱۵/۲۱	یشت ناور		
۹۱/۱۸-۳۱۷/۲	یک	۹۱/۴	یا/ایا

۹۲/۱-۹۳/۲۵	یک بار
۳۲۱/۳	یکصد
۳۲۱/۵-۶	یکصد و پنجاه
۳۲۱/۹-۱	یکصد و هشتاد
۳۲۱/۷	یکصد هزار
۳۲۱/۱۷	یکهزار
۳۲۲/۴	یکهزار و شانزده

çōčati 191/16

çíras- 231/4

çúndhati 203/2

S

sakthi- 2/11

satá- 321/4

saptá 16/8-84/15

san-46/5

sandháy 59/11-77/17

sam 6/3

sama 47/10

sarva- 45/3

ṣaṣti 313/6

sāti. 2/6

sástár- 174/2

somá- 72/14

śíraz- 182/11

suktá- 57/1

śrupti 190/14

sumatá- 73/10

sūkara- 29/12

sūnára- 76/3

śúska- 68/3

stáumi 178/8

stōtas- 229/13

stf̥bhih 179/2

spás 175/4

smṛtáh-, smáрати- 68/12

svatah 106/13

svar- 69/7

svádati 111/10

svánati-svan- 66/6

H

hánti 169/2

hásta- 187/12

hotrá 168/20

híraya- 162/12

huva- 79/11

hr̥d 225/7

mātsya- 237/14
 mādhyā- 252/15
 mānas- 254/18
 mārka- 246/16
 mās 113/2
 mēhati 253/4
 mitra- 242/18
 mithus- 237/2
 miyedha- 238/15-253/11
 mriyātē 248/13

Y

yajatā- 294/23
 yajñā- 315/4
 yākr̥t 317/7
 yātāv- 296/10
 yāsati, yāsyati(?) 314/2

R

rathēsthā- 41/16
 rathyā- 222/10
 rām- 223/16
 ráhas- 222/5
 rešat-, rešāyati- 234/14
 rōcas- 330/9-336/18
 róha- 232/10
 rinākti 233/2
 rudh- 224/8

ṛta- 4/5
 ṛtāv- 226/3

V

vartatē 275/5
 vasar- 257/8
 vājra- 225/3-270/7
 vāta- 259/13
 vār- 261/14
 vālśa- 280/14
 vāsyas- 198/13
 vāhiṣṭha- 260/3-261/1
 vitirati 268/10
 vinākti, -vivēkti 272/18
 vināṇa- 282/13
 vindāti 36/8
 visati 221/6
 visā- 287/10
 viśpātay- 273/18
 vītastay- 268/5
 víś- 286/16
 víśva- 273/13
 vrkkáu- 336/7
 vrksā- 287/19

Ç

çaktā- 173/7
 çāmyā 34/10

pratidhāna- 123/7
 pratimāna 120/17
 prāyah 126/7
 prstāy 139/7
 plāvayati 131/17

B

bandh- 110/19
 bandha, badhāti 100/15
 barhīs 98/11
 bāhāv 96/14
 bōdha- 111/2
 bōdhay- 61/11
 budhnā 110/1
 bhar 108/17
 bhāga- 101/9
 bhāma- 67/4-98/19
 bhāyate 112/17
 bhārti, bhāratī 185/19
 bhūmis, bhūmī 109/9
 bhūray 110/12
 bhrājate 102/18
 bhrātār- 102/10
 bhrīnānti 105/8-109/1
 bhrj̥jāti 103/17

F

fravatā- 132/9

N

nakhā- 258/4
 nambh-nabh- 282/3
 navati-33/11-182/5
 navamā- 262/20
 nāman- 201/19
 nāva 11/3-284/4
 nābh- 258/14
 nāvā 148/2
 nār 164/11
 nārī- 264/20
 nēdīyah- 272/9
 néma- 290/8
 ni sādāti- 276/5
 nū, nū 218/18

M

maṣṣān- 243/18
 madā 29/14
 manā 221/2
 maya- 237/17
 marga- 245/21
 marta- 308/3
 martiya-mārta- 68/20
 mah 243/22
 mā 39/17
 māksikā- 238/17
 mātar 53/12

tamisra- 146/11
 tápati 153/20
 tápti 145/9
 táruna- 149/8
 tókman- 150/19
 tistráh/tráyah- 10/5
 tuáksas- 150/14
 tučča- 151/6
 tucchyá- 151/4
 tubh, tuph 147/14
 túrya- 156/2
 tvám 227/15
 traitāná- 135/9
 trisát- 227/21
 triśatá 88/21
 tṛṭiya- 148/15

D

daitika, dātā- 212/8
 dadvāh 193/5
 dadhāti 293/17
 dātar 295/14
 dātrā- 298/13
 dārav-, drav- 299/15
 dáśa- 292/4
 dāsyu- 242/12
 dosā- 332/14
 dōgdhi 334/19

dištay- 313/13
 dīpyatē, 313/10
 dīrgha- 182/14
 duḡhdā- 330/1
 dūrāt-durē- 335/18
 durmanas 333/17
 dus 332/17
 dúdhā- 330/8
 dúrah-/dvārau 100/3
 dvā- 149/14-307/10
 dvādaśa- 292/7-326/17
 dvā sahasratamā- 307/21
 drōgha- 220/4-323/13
 dhar-, dhārāyati(?)
p 298/19
 pakśman- 123/10
 patiś 142/16
 parná- 125/14
 paçčāt, paçčā 125/6
 pātay 137/14
 pāda- 118/11-235/1
 pānca 137/17
 pāncadaśa 118/3
 pāvaka- 117/8
 pitār 11/17
 pilār 11/13
 putrá- 109/12-138/16
 purú- 139/14

U

upara-kṣāuma-
upāri 253/21
urvārā 72/2
ursnāy- 334/5
ustra- 325/2

K

katarā- 210/18
karnā- 212/17
karṣati-/karṣāyati 212/3
kahrkāśa- 214/10
kāra- 209/15
kāś 29/18
kumbhā 73/7
kuṣṇāti 218/6
krātav- 40/17
kr̥ṣṭāy 220/7
kṣatra- 199/11
kṣayati 196/20
kṣīrā- 206/8
kṣudrā- 203/6
khan 8/12
khara- 46/1

G

garhate 320/15
gātu- 189/16

gāthā- 297/14
gāv- 100/22
girāy- 318/20
guṇjāti- 339/17
gurav- 319/3
griva- 322/11
ghóssti 46/2

Č

čaturdasī 156/5
čatvār- 84/12
čatvārah 40/6
čatvāriśāt 172/2
čáksus- 158/7
čit 246/20
čhāyā 174/21

J

jantāv- 169/11
jāta 167/12
jāti- 164/16
jihvā- 65/11
jñā- 202/4

T

takṣ 146/6
tanóti, tan 147/19
tanū 152/13

فهرست واژه‌های سنسکریت

A

aghá 38/2	ākāśya-kāśate- 38/6- 58/14
ayriyá- 37/19	āgemat 243/3
abhi-čāna 18/22	āpas/apás 12/9-10
ábhūvan, ábhūt 106/17	āpah/apā 251/10
abhrá 11/8	āṅgārā 79/19
apara- 15/2	āviškāra* 36/3
aṅgústha- 82/2	ārya- 60/2
antár 80/17-188/7	āsura- 59/15
ayam- 235/18	ásva- 192/1
aryamán 89/4	ētāvant- 87/9
açman 33/18	
aṣṭá- 84/18-152/11	
asthi, asthan 31/4	
asmāka- 232/4	

Ā

ákar 265/24

I

imá- 235/17
istakā 36/1

*

M

mātar 53/12

manā 221/2

martiya- 69/1-308/3

māršti 245/11

miθra- 242/18

y

yāna- 303/3

R

raucah- 230/9-336/18

rauta- 229/13

V

vaināhiy 291/2

vazraka- 225/3-270/7

viyatarayāma 268/9

H

hauma- 72/14

hauv- 281/5

hakaramčiy 39/6

hačā 12/3

hangama 77/20

ham 6/3-46/15

hama 47/10

haruva- 45/3

huva- 79/11

xšap 197/13

xšnā- 202/4

G

gāθu- 189/16

Č

čaθ 155/5

čāpu-ka(?) 156/10

čaṣṣ 148/5

čiça 160/14

čiš-čiy 250/8

T

taumā- 150/19

tigra 153/11

θ

θakata 173/19

D

dāta-, adād- 295/3

dāraya, dārayāmiy- 298/19

dasta- 187/12

dahyu 242/11

duvar 100/3

duvitiyam karam 310/14

duš-, duž- 332/17

dušiyāra- 302/17

N

naiba- 291/6

naiy 221/8

nāf- 258/14

nidāna-(?) 277/8

ni-pišta 267/1

P

patiyaxšayaiy 115/19

patiš 142/17-232/20

patyāka- 142/6

paru 139/14

pasā, pasāva 125/5

pitar- 11/8

puça- 109/12

F

framāna 130/15

fravat- 132/9

B

baga- 101/9

band 110/19

bardhanya- 98/14

būmī- 109/9

brātā 102/10

فهرست واژه های فارسی باستان

Ā

aiva- 90/12
aĵanam 163/5
āĵamiyā 243/3
ātar/āθr 27/18
adadā- 293/16
aniya- 94/1
antar 188/7
a[n]tar- 80/17
antarvāyu 81/4
apaiy 24/19
apara- 15/2
āp/āpi 12/9-251/9
amāxam- 232/4
amariyatā 248/12
ariya- 60/3
arta- 4/5
artāvan 5/5

asa- 192/1
ahura-mazdāh

I

ima- 235/17

U

uta 256/2
upariy 253/21
uvaipasiva- 267/6
uška 68/3

K

kan 8/13

X

xšaipa- 205/2

hvarð- 69/7

hvarðšta-/hvaršta- 76/6

hv-āpah 61/18

sraošāvarəza 185/7
sraošō-čaranā- 185/3
sraska- 183/20
srva-/srū 183/8-185/8

Š

šāiti- 196/12
šāma- 196/16

H

haēθahya- 187/9
haēm-, haya 89/10
haēz- xaēzeñuha- 9/6
haoday- 61/11
haoma- 72/14
haoya-/hāvōya- 76/20
haosravah 66/19
haurva- 45/3-215/19
haurvatāti 76/14
ha-γdanhəm- 315/1
haxt- 2/11
hača- 12/3-247/17
hađaoxta- 2/17
hapta- 16/8-84/15
haptō-iringa- 17/6
hafta būmi 16/14
ha-nuharəna 89/7
hantāčay- 77/8

handāma- 59/11
handāman- 77/17
han-draxt 88/2
ham- 6/3-46/15
hama 47/10
hamaēstār 53/18
hama-gaona- 54/16
ham-ərəθa- 54/4
hamō-gaona 54/16-90/7
hami/hamina- 6/13
ham-raēθwa- 51/18
havišta- 7/8
hazapra- 322/1
hāu- 281/5
hāt. 2/6
hāθra- 3/6
hixra- 84/8
hizū- 65/10
huxta- 57/1
hu-čigra- 64/2
hudāñh-, hudāñh 77/11
hunara- 76/3
hu-mata- 73/10
humatanəm 73/15
humāyā- 73/5
huška- 65/15-68/3
hū 29/12
hvañta- 8/1

vəṛəθrayna- 257/12	sata- 321/4
vəṛəḍka- 336/7	satavaēsa- 181/12
vohu. mana- 263/2	sadayanha- 75/13
vičiča- 310/19	sava- 190/17
vi-čira- 64/15	sarah- 182/11-231/4
vita- 340/6	sarəta- 20/4-184/4
vi taxti- 267/21	sarəḍa- 174/8-183/11
vitārəṭtō- 268/9	sārō.dāra- 193/19
vi-daēvō-dāta- 285/13	sāstār- 174/2
viṇḍenti 36/7	simā-/simōiθrā- 34/9
vimanañh-(?) 337/7	supti- 190/14
vis- 286/16	suwrā 192/16
viš.haurva- 287/14	suš- 192/6
vī.tastay- 268/5	skapta- 200/12
vīra- 288/21	staora- 180/18
vīsaiti 221/6	staxma- 178/3
vīsastəma- 287/9	star- 179/2
vīspa- 273/13	stəmba- 177/19
vīspe.ratavō- 287/6	spaka- 212/18
vīs.paiti- 273/17-286/19	spənta- 175/18
vīša- 287/10	spənta. armaiti- 176/11
vuhuman 263/1	spənta. mainyō 176/17
	spərəzan- 176/5
S	spitāma- 177/3
saočayānti 191/15	snaθa- 189/14
saōšyant- 192/12	syāva- 172/7
sairi-gaona- 187/4	sraota- 184/20
sak- 173/20	sraošā- 184/13

yasna- 315/4
 yazata- 294/23
 yazata maθra. spənta-
 240/16

yāta- 295/11
 yātū- 296/10
 yāna- 303/3
 yāma- 301/7
 yesi. yaθāiš 313/2
 yākar- 317/ 7

R

raəčayat- 233/2
 raēša- 234/13
 raoyna- 239/3
 raoxšna- 231/12
 raodya- 230/17
 raočah- 230/9-336/18
 raoda- 232/10
 raopiš (?) 229/10
 ratu- 226/3
 raθaē- štar- 41/15
 raθaē- štā- 41/15
 rapiθwina- 225/18
 rasman- 226/13
 rašnu- 227/8
 razah- 222/5
 rādaiti 40/2

rāiti- 222/1
 rāman- 223/16
 rāsta- 222/13

V

vaēnāmi 291/2
 vaēsaēpan- 45/4
 yačastašti 270/19-297/16
 vaṇhār- 257/8
 vayu- 263/22
 varəka- 281/13
 varəcahvant 280/6
 varəta- 279/15
 varəsa- 280/14
 varəša- 287/19
 varšni- 334/5
 vazaya- 272/7
 vazra- 255/3-270/7
 vahišta- 261/1
 vahištōišti 261/10
 vahu. xšaθrā- 262/7
 vahyah- 198/13
 vāta- 259/13
 vār-/vāra- 98/3-261/14
 vārəngan 279/11
²vāstra- 260/6
 vāstryōfšuya- 260/10
 vāzišta- 260/3

barəšnūm- 104/5
 bāma- 67/4
 bāma-, bāmya- 98/19
 bāzū/bāzav 96/14
 bāzu.jata- 97/8
 bāzuš. aojah 97/3
 bərazant- 104/11
 būna- 110/1
 būmī- 109/9
 būray- 110/12
 buza- 107/12
 brātar- 102/10
 brāz- 102/18
 brīnenti, 109/1

M

maēθana- 252/18
 maēθman- 237/2
 maēzant- 253/4
 maidyāna- 237/10-252/14
 mainyav- 255/2
 mainyuš 241/1
 mairya- 239/6
 maoiri- 248/5
 maxši- 238/17
 mada-mađa 29/14
 manah-254/18
 manā- 221/2

maraka-/mahrka- 246/16
 marəza- 245/11
 maretan-, marəta- 308/3
 marezaiti- 239/12
 maz-, mas- masan-masah
 243/22
 mazga- 243/18
 mazdayasna- 241/18
 mašya-/marəta- 68/20
 mā 39/16
 mātar 53/12
 māra- 239/5
 māsyā- 237/14
 māzainya- 238/11
 māh- 113/2
 mərəja- 245/20
 maθra- 240/12
 miθra- 242/19
 miθrō-drug 243/12
 mɣ 254/12
 myazda- 238/15-253/1

Y

yaoždāθra- 334/11
 yaθā ahū vairyō 309/6
 yaθāiš 309/17
 yava- 335/21
 yavaētāt 304/9

paitiš 142/16
 paitiš-xVar 119/20
 pairi.aojastara- 144/8
 pairikā 135/16
 paθana- 115/15
 panča- 10/14-73/18-137/17
 pañcadasa 118/3
 parahaoma- 125/23
 parəna 125/14
 pasa-/pasava- 3/13
 pasuš.haurva- 124/19
 paskāt, pasča 125/5
 pašti- 139/7
 pašman- 123/10
 pād- 118/11-235/1
 pāθra- 118/6
 pərəna- 139/13
 pərəsu- 114/4
 pəšav/pərətu 137/7
 pāitišmuxta- 247/25
 pašta 139/1
 pixa- 143/16
 pitar- 11/13-17
 piəwā 123/19
 pištra- 41/22-143/5
 puθra- 109/12-138/16
 pūtay- 137/14
 pratuāka-pratyāñč- 142/6

F

fraēšta 127/8
 frakarəti- 135/19
 fratəma 127/12
 fra-mairyeite 248/13
 fravarānē 133/7
 fravahr/fravaši 131/10
 frastūyē 132/22
 fraspərəya- 177/7
 frazainti- 138/7
 frāyah- 126/7
 fšarəma- 200/20

B

baēšaza- 112/5
 baoxtar- 96/7
 baod/baoda 111/2
 бага- 101/9
 bayō.baxta 101/12
 baxədra- 96/10
 baxta- 97/12
 baxš- 98/1
 band 100/19
 bay-112/17
 barəsmān- 103/5
 barəz- 98/9
 barəziš 98/11
 barəšnū-barəšnav- 98/14

duž-dā(y)-? 330/8	nasu- 272/21
dva- 307/10	nazdyō 272/8
dva- 149/14	nāirī- 264/20
dvadasa- 292/7-326/17	nāfah- 258/14
dvar- 100/3	nāna- 224/6
dva-hazanrōtəma- 307/21	nāna.āyairyat(?) 262/3
drauga-/draoya- 220/4- 323/12	nāman- 201/19
draonah- 323/19	nāvaya- 257/20
draxta-(?) 318/20	nəmata- 282/6
drang- 324/7	nōit 221/8
drav-, dārav- 299/15	nōit.asti 232/13
drājah- 319/10	nishidaiti- 276/6
driyu- 324/13	nižbərəti- 104/9
druj- 323/3	nū 218/18
druvāspā- 336/16	nmāna- 239/21
drvant- 324/16	nmāno.paiti 24/5
dhānā- 302/12	

N

naēma- 290/8	paēman- 141/21-144/15
napta- 282/3	paoiryō-tkaēša- 140/3
nava- 11/3-148/2-284/4	paikāra- 120/7
navaiti- 33/11-182/5	paity-āpəm 116/6
nava-xšapara- 284/1	paity-āra- 119/11
nava-pixa- 143/16	pati.dāna- 123/7
navama- 262/20	paititi 122/5
nar 164/11	paitifrasa- 116/13
	paiti.raēθwa 142/15
	paitisahva- 124/4

P

- tarš-matay 149/5
 taša- 146/6
 tāpayciti 145/9
 tā.wə.urvāta 146/15
 taθra- 146/11
 tiγrā 153/11
 tišarō sata 154/14
 tištrya- 154/8
 tuiŕya- 156/2
 tūm/tvəm 227/15
- Θ**
- θwaxša- 150/14
 θraētaona- 135/9
 θrāyō- 183/2
 θri 10/5
 θritya- 148/15-181/16
 θrisat- 227/21
 θrī-sata- 88/21
 θrišva- 187/2-307/19
- D**
- daēnā- 188/18
 daēva- 196/2
 daošastara-, daošātara- 332/14
 daiḡhu-paiti- 306/5
 daxšta- 299/4-316/4
- dadāiti- 293/16
 dađuah- 193/5
 dantan- 212/8
 darəja-/darga- 182/14-135/10
 dasa- 292/4
 dašina 316/18
 dahyu-daiḡhu- 242/11
 dāta- 295/3
 dātar- 295/14
 dātō.bara- 296/3
 dāθra- 298/13
 dānō[karša-] 302/12
 dāman- 300/7
 dāšta- 298/17
 dēuš.sravah 331/19
 dąstvam 314/6
 dišti- 313/13
 dūra- 335/18
 duγdar-, dugədar- 107/5-326/13
 duγdō-vā- 330/1
 duma- 328/8
 du ye saite- 42/16
 duš- 332/17
 dušmanah- 333/17
 dužaka 68/12
 duž-āθra- 336/14

gātu- 297/7
 gāθā- 297/14
 gāθw-/gātav 189/16
 gāman- 300/10
 gānā- 288/5
 gāuš. urvā- 332/9
 grivā- 322/10

Č

čat 161/9
 čaθwar- 40/6-84/12
 čaθwarəsat 172/2
 čaθrəma 148/5
 čaθrudasa- 156/5
 čaθrušutak 158/1
 čapra-ṇhak- 159/15
 čarāiti 159/1
 čašan- 156/15
 čašman- 93/15-158/7
 čāt- 155/5
 čārā- 157/9
 čit/čiš 246/20
 čiθa 152/5
 čiθra- 160/14
 čvant 160/2

J

ĵainti 163/5

ĵafra- 168/4

Z

zaēna 170/13
 zaoθra- 168/20
 zafar-zafan- 140/13
 zantu- 169/11
 zantu-patay 169/13
 zayata 164/15
 zaraθuštra- 165/14
 zaraθuštrōtəma- 165/20
 zaranya- 162/12
 zasta- 187/12
 zāvar- 169/5
 zərəd- 225/7
 zəm, zam 167/2
 zim, zima-, zyam 325/10
 zufaīy 168/1
 zyānay- 170/8

T

taoxman- 150/19
 taoš- 151/4
 tauruna- 149/8
 taxma- 154/18
 tanū- 152/13
 tanu. parəθa- 150/1
 tara- 226/11

kušaiti 218/6

khan- 7/11

X

xanya- 8/12

xara- 46/1

xumba- 73/7

xraosya- 44/21

xratu- 40/17

xrafstra- 40/10

xšaθra- 199/11

xšaθra. vairya- 199/7

xšapan-/xšapar 197/13

xšīra-? 206/8

xšudra- 203/6

xšnāvayeiti 202/7

xšnāsa-, xšnā 202/4

xšnūmaine- 203/18

xšmaiby 37/4

xšvaēwa- 205/2

xšvaš- 10/21

xšvašti- 313/6

xšvaš. māhya- 37/9

X^v

x^va-/hva-hava- 79/10

x^vaepaiθya- 267/5

x^vaētumant- 78/7

x^vaētvadaθa 78/12

x^vaini 59/22

x^vato 106/13

x^va-dāta- 62/22

x^vafta-x^vafsta 62/15

x^varaiti 70/9

x^varənah- 127/3-187/22

x^var-xšaēta- 70/19

x^vaštānām 175/7

x^vāθra- 59/6

x^vāpara- 56/12

G

gaēθanām 173/1

gaēθā- 177/15

gaona- 338/21

gaomaēza- 338/8

gaospeñta- 331/5

gaoš- 46/2

gaōšāvara- 334/2

gaiti- 318/20

gairi- 320/11

gaya- 301/14

garab- 319/3

garəma- 322/7

garəz- 320/15

garō. dāmāna- 322/19

gāuš hudā-

ātar/ātarš 26/19

ātar/āθr 27/19

āttāwaxšyā 27/12

āθravan 32/16

āp- 12/9

ā-pāta- 12/20

āyapta- 84/2

ā-sna 34/13

ā-haṇc 7/3

I

iθyajah-, iθyejah 314/19

irixta- 227/1

irista- 226/16

ištya- 36/1

U

uxšyat-ərəta- 71/18

uxšyat-namah 71/14

utá 256/2

upairi 253/21

uruθwasča 36/14

urvaθa- 331/15

urvan-229/2

urvarā- 72/2

urvāsman- 71/20

usθ-fritay 66/14

uzayeirina- 65/6

uš- 66/22

ušah- 67/3

uštavaitī 67/12

uštā ahmāi 67/16

uštra 325/2

Ō

ōjyānay- 170/8

K

katāra- 210/18

katəma- 211/2

kat. mōi. urvā 211/9-10

kaufa-/kaofa- 216/9

[ka]-mərəda- 231/7

kamna 215/11

karana- 216/6

karəta- 209/9

karəna- 212/17

karšta- 220/7

karšyən 212/2

kasav- 211/16

kas[čit] 29/17

kahrkāsa- 214/10

kāma- 311/2

kāma- 209/19

kāraya- 166/9

kutaka- 216/19

- anaōšaṇh 75/18
 an-ayra- 80/13
 aniya- 94/1
 an-usávant- 191/4
 angušta- 82/2
 aṇtara- 80/17
 antarə 188/7
 aṇtarevayu 81/4
 amāka- 232/4
 amávant-/āmavant 49/2
 amərətátát-, amərətāt-
 53/3
 aməša-spənta- 48/15
 ayaoxšusta-, yaxšusta-
 93/6
 ayaṇh- 7/14
 ayaṇha- 34/18
 ayaṇhaēna- 35/3
 avaoirišta- 76/11
 avastāta- 66/10
 aviškāra- 36/3
 arəjah- 42/2
 arəta-ərəta- 41/5
 arəta frawarta- 41/12
 arətay-ašay 41/7
 arəduš 45/19
 arədvī sūra- 46/9
 arəzūra- 42/20
 armaē-štā- 44/14
 arštāt 35/15
 asan- 193/16-313/15
 a-saya- 174/21
 ast- 31/4
 astvat-/astvant 31/1
 aspa- 192/1
 a-spərənah- 66/2
 aspərənā- 342/2
 asman 33/16
 aša-/arəta- 4/5
 aša-maōya 4/11
 aša.vahišta- 37/7-63/9
 ašāvan- 5/5
 ašəmvoḥu 36/19
 aši vaṇuhī 43/5
 ašta- 84/18-152/11
 aštrā- 35/18
 ažišdahākō 18/14
 ah 73/20
 ahunavaitī-gāəa 8/10
 ahura- 59/15
 ahū-/aṇhu- 56/9
 ahyā-yāsā 9/11

Ā
 ā-gərəfta- 88/18
 āxš 3/9

فهرست واژه‌های اوستایی

A

aētavant 87/9	adairi-25/9
aēθrapaiti 88/8	awra/avra 11/8
aēm-235/17	apa+id 24/19
aēva- 82/17-90/12	apaiy-vi-manah- 20/13
aēsma- 35/4	apatōma, apōma 26/2
aēšma- 87/14	apara- 15/2
aipi savayat- 17/16	apāxōdra- 12/14
aiwi. gama- 77/20	apāxtara- 12/14
aiwizāvāyeiti 17/16	a-pərənāyu 22/3
aiwyāhana- 85/18-86/5	api-čāra-/api-zāvar
airya- 60/2	17/11
airyaman- 89/2-4	apī/āp 251/9
aojah- 63/20	apuθra 20/7
aḡā- 38/2	apuθra. tanu- 24/4
ayrya- 37/18	afri-vana- 23/9
apramainyu- 339/1	aprō-mainyava- 4/19
adā 94/17	aḡhu-ahu- 6/17

xrd 40/19
xw³br 56/12
xw³r 59/6
xw³stg 58/4
xw³stn 111/10
xwb 61/18
xwd 106/13
xwd³y 62/22
xwr 69/8
xwrđn 275/13
xwyš/xwybš 79/13-267/6
xyr 157/18
xyšm 87/14
xyz 9/9

Y

yzd³n 294/24

Z

z³yšn 164/16
zm³n 166/11-290/18-325/5
zmyg 167/2-326/9
zn 167/12-288/5
zwr 169/5
zy³n 170/9
zyw 170/19

swd 190/17
swst 191/19

Š

š'dyh 196/12
šb 197/14
šgr 206/6
šhr 199/11
škmb 36/14
šw, šwdan 204/1
šwst 43/21
šyryn 206/10

T

t'ryg 146/12
tr 226/11
tswm 148/6
tw 227/15
twhm 150/20
twhyg 151/7
twxšyst, twxš 150/15
tylyst, tyryst 154/14
tys 250/8

W

w'd 259/13
w'hm'n 257/16
w'n 263/17

w'ng 263/13
w'r 261/15
w'wrydn 259/2
wcydn, wcyd 64/16
wdyr 268/10
wh'ng 258/2
wh'r 257/9
why 198/14
whyšt 261/2
wndyh 36/9
wrdg 279/15
wrđyšn 279/18
wrg 280/17
wrwyšn 90/3
wrz, wrč 280/8
wtr 268/14
wyc'ryšn 269/20
wyn 291/2
wyn'h 282/14
wyr'sy-/wyr'st 289/14
wysbyd 273/18-286/16
wysp 273/14
wyš 287/11
wyš-wyš'y 288/2
wyšwb/wšwb 277/2
wzrg 270/8

X

pdyr[yftn] 122/17

phlwm 114/9

phryz 115/1

phyk[»]r 120/8

pnz 10/14-73/18-137/17

pr 125/14

prm[»]n 130/15prm[»]y 130/20prm[»]yšn 131/3prng[»]n 134/9

prtwm 127/12

prw[»]ng 131/19

prwd 132/10

prwxyh 127/3

pry[»]d 129/12

pryg 135/16

prz[»]ft 128/2

przynd 138/7

pswx 124/4

pwrsydn 141/11

pws/pwsr 138/16

pwst 139/1

pyd[»]g 142/7

pydr 11/18

pymwxt 121/4

pyrwz 144/9

pyš 142/17-232/20

pywn 121/18

pywst 121/15

Qq[»]m 209/19qw[»]f 216/9**R**r[»]dyy 222/1r[»]st 222/13r[»]z 222/5

rm 228/5

rs 300/16

rw[»]n 229/2

rwšn 231/12

rwy 232/10

rwz/rwc 220/10-336/19

rwzg 230/15

Ss[»]r 174/8s[»]r[»]r 193/19s[»]yg 174/21

sh 10/6-148/15-250/6

shmyn 174/19

spyr 176/20

sr 231/5

sryn 163/1

st[»]rg 179/2

kmb 215/11

kn³rgwmnd 216/7

kwr 218/11

kwš/kwšt 218/7-277/15

kyrd 265/25

Mm³ 39/17m³d 53/12m³h 113/2m³hyg 237/15m³n 239/21-252/18m³nbyd 240/5m³yg 237/20-278/3

md, mdn

mhystg 241/16

mnyšn 254/19

mrdwhm 69/1-308/4

mrg 246/17

mrzyšn 245/13

my 29/15

my³n 237/10-252/16

myh 243/23

myhr 242/19

mynwg 255/2

myw 254/15

mwrđg 248/14

mwrw 245/20

mzn 238/11

Nn³f 258/15n³m 201/19n³zwg 259/6nb³st 200/2

nbys, nbyšt 267/2

nhwpt 262/12

nmwdn 281/21

nr 164/12

ns³h 272/21

nšt 276/6

nwg 284/4

nwwm 262/21

nxwst, nxwstyn 262/17

ny³bg 257/4ny³z 257

nyk, nyw 291/6

nyrwg 289/23

nyst 232/13

Pp³dypr³h 116/13p³dyxš³yy 115/21p³k 117/8-318/14p³sb³n 117/2p³y 269/1

F

fr^ʔy 126/8
 frh 187/22
 frystr 40/10

G

g^ʔh 297/7
 g^ʔm 300/10
 ghwd/ghwdg 277/5
 gngyy 341/17
 gr^ʔn 319/3
 gr^ʔsm^ʔn 322/20
 grd 279/21
 grdn 320/11
 grm^ʔg 322/7
 gryft 265/3
 gryw 322/12
 gryw bwrzyst 104/17
 gwg^ʔyy 335/2
 gwhr 326/19
 gwmyxt 338/3
 gy^ʔg 189/17
 gy^ʔn 301/14
 gyrzng 214/7
 gytyg 177/15
 gyy^ʔn 35/10

*

H

h^ʔmyn 6/13
 hm 46/16
 hm^ʔg 47/10
 hmb^ʔr 60/19
 hmgwng 54/16
 hmwc 52/11
 hmwxtn 52/5
 hmyw 49/8
 hn^ʔm 59/11
 hnzm̄n
 hpt 16/8
 hrwysp 45/5
 hwmbwy 61/15
 hwnsnd 75/14
 hwsrwg 66/19
 hwsty^ʔg^ʔn 66/16
 hwšg 67/21
 hy^ʔr 85/6

J

J^ʔmg 301/4
 J^ʔyd^ʔn 304/9
 Jwd 329/19-340/7
 Jwdr, Jwtr 340/21

K

k^ʔm, k^ʔmyst 311/2

br ^z g 102/19	dbyr 309/2
bwdn 106/18-107/9	dh 292/5
bwn 110/2	dhybyd 304/5
bwrđn 108/17-185/20	dmyst ⁿ 325/10
bwrz 104/14	dr 100/4
bwxt ^r 96/7	drđ 320/8
bwxtn 106/6	drhm 342/3
bwy 111/3	drwd 203/9-322/16
bwyšn 107/20	drwnd 324/16
by 101/9	drwzn 323/14
	dryst 339/10
	dst 187/13
	dšn 316/18
	dw 307/10
	dwdyg 310/14
	dwphykr 329/14
	dwr 335/19
	dwst 331/15
	dwšmyn 333/18
	dwšwx 333/2
	dwxt 326/13
	dydn 31/18
	dyl 225/7
	dyn 188/18
	dynwr 190/6
	dyw 196/2
	dyw ^r 190/3
Č	
č ^{wn} 161/19	
čšmg 158/11	
čyhr 160/15	
D	
d ^z 284/15	
d ^{dn} 293/17	
d ^{dy} st ⁿ 295/19	
d ^m 300/7	
d ⁿ g 301/20	
d ⁿ yst 79/5	
d ⁿ ystn 78/16	
d ^r wg 299/16	
d st n 298/20	
d ^y wr 296/3	

ʾndrwn 81/11.	ʾwzdn 163/16
ʾndrxt 88/2	ʾwzn/ʾwzdn 18/9
ʾndrz 81/1	ʾyʾb 91/5
ʾngwšydg 82/5	ʾyʾd 85/2
ʾnwh 149/16	ʾyd 55/11
ʾny 94/1	ʾyd rʾy 59/1
ʾpr 14/3	ʾyg 94/16
ʾpwrđ 24/10	ʾywyng 94/11
ʾpyr 25/12	ʾz 247/17
ʾrdʾy 41/7	
ʾrzʾn 42/9	C
ʾst 31/5	ʿsprhmyn 175/16
ʾsym 34/10	ʿspwr 30/17-66/2
ʾškn- 200/8	ʿstʾy 178/9
ʾšmʾr-ʿšmyr 250/3	ʿstmbg 177/19
ʾšnw 37/14-204/4	ʿstw 179/15
ʾw 281/15	ʿyg/ʿy 292/2
ʾwmnd 74/14	ʿyn 337/15
ʾwrwʾhmyy 71/20	ʿyw 96/3-12
ʾwrwr 72/3	ʿywyz 90/16
ʾwrzwg 42/12	ʿzwʾn 65/11
ʾwš 20/17	
ʾwšybʾm 67/4	B
ʾwy 82/18	bʾ 105/12
ʾwystʾd 66/10	bhr 96/10
ʾwyš 61/6	bnd 110/20
ʾwyšʾn/ʾwy 281/5	bnyšn 32/21
ʾwyštʾb	brʾd 102/11

واژه‌های فارسی میانه ترکانسی

۳۳

»dwr 27/20	»brwc 22/1
»gwst 39/11	»brwxt 22/1
»stw'n 31/11	»by'wš 66/22
»wn 82/11	»bycg 25/5
»y 296/13	»bysp'r 19/15
»z 29/4	»bystnyy 20/10-24/8
۳	»bz'y 18/2
»b 12/10-251/10	»bzwn 17/20
»b'c 223/21	»fryn 23/10
»b'g 13/19-230/2	»g' 38/7
»b'myh 14/9	»gr 26/8
»b'n 14/16	»m'h 232/5
»b'ryg 15/3	»mhr'spnd 48/20
»b'yd 15/11	»mwrz 52/18
»bdwm 26/3	»n 46/12
»bgn 228/7	»n'gyh 58/17
»br 21/13-254/1	»ndr 80/18

zēnafzār 170/11

zīndagīh 171/3

zīvād 170/17

zīvandaq 171/2-4

zīvēh 171/1

zīvišnīh 170/21

ziyān 170/7

ziyānag 170/10

zōhr 167/15

zōr 169/4

zōrmandtar 169/7

zōt 168/13

zōtīh 168/22

zūzag 168/10

zufr 168/2

zufrāy 168/9

- yazēd 312/16
 yazēm 312/2-12
 yazēnd 312/14
 yazišn 311/11-312/10
 yazišn ī ardāy fravard
 311/15
 yazišn ī srōš 311/17
 yaziš ī yazdān 311/20
 yazišn kardan 311/14
 yōždahr 334/8
 yōždahrān 334/12
 yōždahrgar 212/14-334/13
 yōždahrgarīh 334/15
 yōždahrīh 334/17
Z
 zād 164/19
 zādag 163/2
 zādan 164/14
 zād hēnd 164/20
 zām-yazad 166/17
 zāyēd 165/6
 zāyēnd 165/5
 zāyišn 165/1
 zāyišnīh 165/3
 zad 241/7-9
 zadārīh 163/4
 zahāg 162/1-4-10
 zamān 166/10-290/17-325/4
 zamānīg 166/14-325/8
 zamīg 167/1-326/8
 zamīgēn 167/8
 zamistān 325/9
 zan 167/10-288/4
 zanān 167/14-288/18
 zand 169/8-10
 zandbad 169/12
 zandbadān 169/14
 zandīg 169/15
 zanēd 241/6-10
 zan ī āpustan 288/13
 zan ī daštān 288/16
 zanīh 167/24-288/20
 zan ī zādag 288/15
 zanišn 169/1
 zan X^vāstan 111/12-288/11
 zar[r] 162/11
 zartušt 165/10
 zartuštān 165/17
 zartuštōgtum 166/6
 zartuštrōtum 165/19
 zartuštrōtumān 166/2
 zartuštrōtumīh 166/4
 zaspān 163/7
 zēfān(?) 163/8
 zēh 155/8-169/18

- x^vard 275/18
 x^vardag 69/18-20
 x^vard bavēd 275/19
 x^vardan 275/12
 x^vardīg 70/1
 x^vardīg kardag 70/3
 x^varē 275/16
 x^varēd 275/21
 x^varg 69/16
 x^varišn 70/8-214/18-276/1
 x^varišn andāzag 70/12
 x^varišnīg 70/14
 x^varšēd 70/16
 x^varšēdar 71/15
 x^varšēdar mäh 71/8
 x^varšēd nigīršn 71/6-278/9
 x^varšēd yašt 71/3
 x^varšēd yaštan 71/4
 x^vast 66/4-308/17
 x^vaš 101/2
 x^vaštar 101/4
 x^vēdōgdah 78/8
 x^vēdōgdat 78/14
 x^vēš 79/9-267/4
 x^vēših 267/12
 x^vēškār 79/22
 x^vēškārīh 80/2-6
 x^vēškārīhā 80/4
 x^vēs šāhgāh 79/15
 x^vēštan 267/13
 x^vēštar 79/16
 x^vet[ul]man 78/5
- Y**
- yākand 299/9
 yān 303/2
 yānān 302/2
 yār/jār 302/16
 yāt 295/10
 yāzdah 308/16
 yāzdahum 294/20
 yak/ēvak 91/18-317/2
 yasn 315/3
 yašt 312/8-315/12
 yaštārān 316/1
 yaštan 316/15
 yašt ī kēh 315/17
 yašt ī nāvar 315/21
 yašt ī vīrāstag 289/6
 yašt jāmag 316/13
 yatā 309/14
 yatāhū vairyōg 309/5
 yatāiš 309/16
 yazad 293/9-294/22
 yazdān 293/9-295/22
 yazdān ayyārīh 293/13

X

xāk 21/16
 xānag 7/10
 xānīg 8/11
 xānīgān 8/15
 xānīg ī rōšn 8/16
 xāyag 9/12
 xafag/xapag 21/8
 xapagīh 21/10
 xargōš 45/22
 xašm 87/15
 xēm 89/9
 xēšm/ēšm 87/13
 xīr/hēr 157/17
 xišt 36/1
 xōrdād/xurdad 76/12
 xōšag 67/21
 xrad 40/16
 xradgōhr 40/22
 xrafstar 40/9
 xrafstarān 40/13-44/16
 xrafstar ī ābīg 40/14
 xrōs 44/18
 xšvašmāngug 37/8-10
 xūb/x^vab 61/17
 xūbīh 62/3
 xūbīhā 62/6
 xūbīh hištan 62/4

xūb kardan 61/21

xūbtar 62/1

xūk 29/11

xūmb 73/6

xušk 68/2

xuškar 68/6

X^v

x^vābar/x^vāpar 56/11

x^vābar. ōhrmazd 56/15

x^vābēnd 44/4

x^vāh 58/6

x^vāhēnd 111/14

x^vāhišn 58/6

x^vāhiš x^vāstan 58/9

x^vān 59/21

x^vānēnd 214/20

x^vār 59/5

x^vārtar 59/8

x^vāstag 58/3

x^vāstan 111/8

x^vad 106/12

x^vadāy 62/21

x^vafsēd 44/10

x^vafsēnd 44/5

x^vaftišn 62/13

x^var 69/7

x^varād 275/17

vināh 282/13	višāyēd 201/10
vināhīdan 283/12	višēd 288/1
vināh kār 283/6	višhvar 287/13
vināh kārān 283/8	viškar 276/10
vināh kārīh 283/10	višōbēd 277/1
vinah kārtar 283/9	visōbēnd 280/5
vinahtar 283/3	Vištāsp 275/9
vināhtārīh 283/1	višūdagān 277/4
vināhtan 283/5	vizārd 129/14-269/11
vināh vizārdan 282/19	vizārdan 129/19-269/17
vināh vizārišn 282/20	vizārd bavēd 269/15
vindād 284/16	vizārd ēstēd 129/15
vindād kāmāg 284/17	vizārē(h) 270/1
vindēh 36/6	vizārēd 270/3
Vind Ōhrmazd 284/18	vizārišn 269/18
virravēd 89/21	vizīdār 270/16
vis 286/15	vizīdārtar 270/17
visbad 273/16	vizīnēnd 271/10
visbedān 286/18	vizīnišnīh 271/8
visp 273/12	vrāy 279/11
vispān 273/15	vrāy ī siyāh 279/13
visprad 287/1	vuhuman murvag 263/5
vissadēn 274/4	vuhunzag 263/9
vistard 273/20	vuhuxšatr 262/5
vistard ēstēd 273/23	vuhuxšatr-gāh 262/8
vistarg 273/24	vuzurg 225/2-270/6
višādagīh 275/3	vuzurgān 225/5
višād dvārišnīh 274/19	vuzurg vizīnišnīh 270/11

varōmand 279/6	vēnāg 291/1
varōmandīh 279/10	vēnēd 32/5-291/16
varōmand kardan 279/8	vēnēm 32/1
varm 280/18	vēnīhēd 32/3
varm kardan 281/2	vēnišn 291/12
vars 280/13	vēš 286/1-287/10
var ud gōmēz 278/17	vēšag 287/18
varz 209/2-280/3	vēšist 287/21
varzāvandtar 28/5	vēzišn 272/17
varzēd 280/12	vīdadafš 16/16
varzīd 280/11	vīr 288/21
varzišnīh 280/10	vīrāst 289/13
vas 210/12	vīrāstag 289/5
vašnēn 276/16	vīrāstan 289/10-18
vašt 275/5	vīrāst ēstēd 289/16
vaštan 276/3	vīrāyēnd 289/20
vaxš[ēd] 260/18	vīst 221/5
vazaγ 272/6	vīst ud dō 221/10
vēh 198/12-285/23	vīst ud panj 221/11
vēhān 198/17	vīstum 287/8
vēhdahišnān 286/7	vičēr 271/5
vēh dēn 286/8	vidardag 268/17
vēh dēnān 286/9	vidardagān 268/19
vēhdēnīh 286/10	vidast 268/4
vēhīg 199/1	vidaštan 268/8
vēhīh 198/20	vidāxtag 267/20
vēhtar 198/19	vidīrān 269/7
vēn 290/16	vīdīrēd 269/9

uzvān/huzvān 65/9

V

vād 259/12

vād ī ardāy 259/18

vādrang 259/19

vāj/vāz 258/8

vāk 261/11

vānīdār 263/16

vāng 263/12

vāng kardan 263/14

vārān 261/13

vārēd 261/18

vāsag 260/11

vāstr 260/5

vāstravaxšān 260/7

vāstryōš 260/9

vāvarīg 258/21

vāvarīgān 259/4

vāy 263/19

vāy ī vēh 263/23

vāy yazad 264/6

vāžag 258/12

vāzišt 260/1

va[d]tar dād 268/20

vahīg 264/15

viṣrāt(?) 289/1

vačadast 270/19

vačadast drahñay 271/3

vačag/vaččag 270/5

vad 186/15

vadtar 186/16-268/13

vadtarān 186/17-268/16

vadtarīh 186/19

vadtum 268/1

vahān 258/1

vahār 257/7

vahišt 260/21

vahišt ī bāmīg 261/6

vahištōišt 261/8-264/11

vahištōištī- 264/14

vahmān 257/15

vahrām 257/10

vanand 284/10

vanand star 284/15

vandīdād 285/8

var 225/10-278/15-17-18-
20

var[r]ag 280/16

vardagīh 279/14

vardēd 279/20

vardēnēd 280/1

vardēnīdan 280/2

vardišn 279/17

varg 281/12

var ī garm 278/21

tasum 148/4

tavān 151/11

tavānqarīh 152/2

tavāngartar 152/1

taxt 145/12

tēḡ 153/9

tēz 153/15

tēztar 153/16

tīr 154/11

tis/čiš 250/7

tištar 154/2

tō 227/14

tōb 152/3

tōg 152/7

tōxm 150/18

tōxmag 151/1

tōzišn 152/4-150/5

trāzūg 148/11

trīsat 154/13

tuhīg 147/1-151/3-10-153/8

tuhīgīh 151/9

tuxšāg 150/7

tuxšāg mard 150/10

tuxšāg tar 150/9

tuxšēd 150/11

tuxšīdan 150/13

tuxt 150/4

U

ud 256/1

ul 222/20

ul gōvišn 223/5

ul kašīdan 212/4-222/22

ul mad 223/3

ul šavēd 223/2

u-m 23/16

u-mān 23/17

urvāhm 71/19

urvar 72/1

urvarān 72/6

u-š 20/16-195/3

u-šān 20/19

ušmār 68/11

ušmurēnd 68/14-250/2

ušmurišnīh 68/15

uštavad gāh 67/10-19

uštavat 67/13

uštur 325/1

uštur pašm 325/3

ustād 66/9

usōfrīd/ustōfrīd 66/12-68/16

uzdēhīgīh 64/5

uzēnag 64/21

uzērin 65/5

uzērin gāh 65/8

šnōšag ārayēd 40/4
 šnūman 203/15
 šōy 204/6-7
 šōyēd 204/18
 šōyēm 204/19
 šōyēd 43/12
 šōyēnd 43/16-45/13
 šōyišn 43/14-204/9
 šōzag 202/13
 šud 271/16
 šudan 271/14
 šud be nihādag 57/26
 šud hēnd 271/17
 šusr 203/5
 šust 43/20-202/17
 šustan 43/9-18-203/1

T

t 145/1
 tā 285/14
 tābišnīg 145/8
 tābišnīgtar 145/11
 tāg 146/8
 tā mān 285/21
 tārik 146/10
 tārikīh 146/14
 tā-š 195/13-285/19
 tā-šān 285/20

tāšišn 146/5
 tāštīg 146/1
 tā-tān 284/18
 tāvān 145/7
 tāvart 146/15
 tāvart hāt 146/18
 tāy 146/20
 tāzānag 145/3
 tabāh 147/13
 tadag 147/17
 tagīg 154/17
 tagīgtar 154/20
 tan 152/12
 tanāpuhr 149/18
 tandrustīh 153/2
 tanīhā 153/1
 tan masāy 152/18
 tan pasēn 125/8
 tan tōxm 152/17
 tapišn 153/17
 -tar 148/9-226/9
 taranag 149/6
 tarmēnišnīh 149/3
 tarsāg 148/18
 tarsāgāh 149/1
 tarsāgāhīhā 148/20
 tarsgāy 149/1
 tarun 149/10

sūlāk/sūrāk 192/15
 suft 190/12
 suš 192/5
 sust 191/18
 susttar 191/20

Š

š 195/1
 šādarvān 196/9
 šādīh 196/11
 šāgird 200/15
 šāh gāh 195/15
 šām 196/15
 -šān 196/17
 šānzdah 304/17
 šāyast 197/7
 šāyēd 196/19
 šāyēd kardan 197/2
 šab 197/12-235/6
 šabag 197/18-20
 šabāgpar 203/13
 šabān 197/17
 šabyār 198/1
 sabīg 198/6
 šabīgīh 198/10
 šahr 199/10
 šahrēvar 199/5
 šahristān 199/15

šarm 200/19
 šarmgāh? 200/21
 šast 313/5
 šast ud šaš 313/8
 šaš 10/18-199/2
 šavād 272/2
 šavēd 271/21
 šavēm 271/19
 šavēnd 203/20-272/3
 šavišn 272/4
 šēbāg 205/1
 šēr/šagr 206/5
 šērēn 201/12
 šīr 206/7
 šīrēn 206/10
 šīrēnīh 206/11
 škaf 200/11
 škaf ttum 200/15
 škanēd 147/7
 škast 147/4-9-200/6
 -šn 201/22-303/11
 šnās 202/3
 šnavē 204/3
 šnāyēnēd 202/8
 šnāyēnēnd 202/12
 šnāyēnīdan 202/10
 šnāyēnišn 202/6
 šnōšag 203/14

snēh 189/9	srūdan 184/19
sōšyans 192/7-13	srūv 185/12
sōzēd 191/15	-stān 178/4
srišūdag 307/18-187/1	stānēnd 332/2
spand 176/7	stāyād 178/6
spandarmad 176/16-181/21	stāyīdār 177/17
spandmad 176/9	stāyišn 178/12
spandmad gāh 176/14	stabray/stavrak 178/14
span[n]āg 175/17	stad 332/1
spannāg mēnōg 175/19	stadan 331/22
sparm 175/15	stahmag 178/2
spās 175/3	stahmb 178/1
spēg 177/6	stambag 177/18
spīhr 176/19	stambag ān 177/21
spitāmān 177/1	stanēh 332/6
spitāmān zartušt	stanišn 332/4
177/4	star 179/1
spōzēd 175/21	stav/stōv 179/12
spurz 176/3	stēr 178/17-181/19
srašg 183/19	stōtān yasn 179/20
srāyišn 183/2	stōtgar 180/5
srīt 186/20	stōr 180/17
srōš 184/8	stōr ī gōšn 180/19
srōš ahrav 184/15	stūr 180/20
srōščarnām 184/21	sūd 190/16
srōšōčarnām 185/4	sūdag 190/19
srubēn 183/7-184/6	sūdagīh 191/15
srūd 184/17	sūdan 191/7

rūd ēstēd 229/20

S

sāl 202/14

sālag 174/6-202/16

sāligān 174/11

sār 174/4

sārīgar 174/13

sāstār 174/1

Sāxt 172/8

sāxtag 172/11-173/10

sāxt ēstēd 172/10

sāyag 174/20

sāzišnīg 173/18

sāzum 173/21

sadvēs 181/4

sag 212/18

sag dīd 212/21-213/5

sag nimāyišn 213/10

sag nimūdan 213/12

sahēh 250/4

sahmgēn/sahmgōn 174/17

sakātūm 182/6

samād 187/7

sang 193/15-313/14

sar 182/10-230/18

sar ā sar 231/3

sar brīdan 230/20

sar burrēnd 230/21

sardag 183/9

sardagān 183/12

sardārān 193/18

sargōn 187/3

sarqōn ādūristar 187/5

sarīh? 30/11

sarmāg 184/1

savah 16/15

saxt 173/6

saxttar 173/9

sazēd 182/1

sēb 313/18

sēj 314/18

sēnīg 194/2

sēnīzag(?) 274/13

sērīh 314/21

sēzad 88/20

sīh 227/20

sīzdah 304/11

sē 10/3-148/13-172/4

sēdīgar 181/15

sēdōš 180/10

sēdōš rōzagīhā 18/12

sē ēvak 10/8

sēgānag 10/9-172/5

siyā(h) 172/6

sē yak-ē 10/10

rad 226/2	rēmanīh 235/13
radān 226/4	rēš 234/12
radīh 226/5	rēšag 234/18
raftār 225/12	rēštagīh 234/16
ramag 228/4	rēxtan 233/1
rapitvin 225/16	rēzēd 233/14
ras 300/15	rēzēnd 233/16
rasad 300/19	rēzihēd 233/10
rasan 227/3	rēzišn 233/12
rasēd 234/3	riftag(?) 226/19
rasēnd 300/18	rist 226/15-234/2
rasīdan 234/8-300/17	rōbāh 229/9
rasišnīh 234/9	rōd 229/12
rašn 227/5	rōkunīg/rōknīg(?) 231/19
rašn-aštād 227/10	rō n 239/1
rastagān 226/17	rōnǝ 232/7
ravāg 228/16	rōšan/rōšn 231/8
ravāg kunēh 228/18	rōšn/rōšan 231/11
ravāgtar 228/19	rōšnīg 231/18
ravān 229/1	rōšnīh 231/14
ravānīg 229/6	rōstāg 230/16
ravēd 173/16	rōy 62/18-232/9
ravēnd 173/12-225/19	rōz 230/8-336/17
ravišn 229/7	rōzag 230/12
razmīgān 226/12	rōzagīhā 230/14
rēcār 233/5	rōz šabān 230/11-337/1
rēdag 233/19	rōzgār 230/13
rēman 235/10	rūd/rūt 229/17

pēštar 232/22
 pēš ud pas 143/2
 pētrēt 142/14
 pēxak 143/6
 pēxak šnās 143/18
 pid 11/12
 pidar 11/16
 pihan/pihn 123/18
 pōlāpdēn 139/16
 pōryōtkēš 140/1
 pōryōtkēšān 140/7
 pōryōtkēših 140/10
 pōst 138/20
 pōstēn 139/3
 pōzag 138/1
 prastišn 128/4
 prastūg 128/9
 pūdāg 137/13
 puhl 137/6
 puhl i ravān 137/10
 pur 139/12
 purgyāndādihā 139/20
 purih 139/19
 pursid 141/10
 pursidār 141/14
 pursišn 141/15
 pus 109/11-138/15
 pusarān 109/15

pusarīh 109/17

pusih 138/19

pušt 139/5-10

puxtag 137/4

R

rād 221/12

rādih 222/3

rādtar 222/2

rāh 222/9

rām 223/7

rāmišn 223/14

rāmišnigtar 223/19

rām xVābar xVadāy 223/9

rān 224/5

rānēnēnd 224/7

rāst 222/12

rāst gōvišnih 222/16-

328/5

rāst grav 222/17

rāst guftār 329/11

rāstih 222/19

rāsttar 222/18

rātuštāitih 226/6

rāy 224/11

rāyēnēd 224/23

rāyēnīdan 225/1

rāz 222/4

par[r] 125/13	paykōft/pahikōft 120/12
par[r]akān/pal[l]akān 129/21	paymān 120/16-121/2
parvānag 131/18	paymōxt 121/4
parvand 134/2	paymōxt ēstēd 121/7
parvarēnd 133/19	paymōzan 121/9
pas 3/11-20	payvand 121/17
pasax ^v 124/3	payvandān 121/19
pasēn 125/4	payvandīd 122/1
pas-iz 3/18-4/1	payvandīd ēstēd 122/2
pasuš-hvar 124/18	payvast 121/14
pašanjišn 123/15	payvast ēstēd 121/16
pašēmānīh 123/20	pazāmišn 123/1
pašm 123/9	pazāvišn 122/18
pašmēn 123/13	pazēd 123/3
pašm ī ēvkardag 123/12	pēcīd 142/2
patēt 122/4	pēcīd ēstēd 142/3
patētīgīh 122/9	pēm 144/14
patētīgīh padīr 244/11	pēm ī gāw 144/16
patētīgīh padīr 122/11	pērōz 144/7
patētīh 122/7	pērōzgar 144/11-212/12
patiyārag 120/2	pērōzgartar 144/12
patūgīh 16/22	pērōzgartum 144/13
patyārag 119/10	pēš 142/16-232/15
paydāg/pēdāg 142/5	pēšag 143/4
paydāgēnīd 142/11	pēš dāred 307/5
paydāgihēd 142/10	pēšēnkār 143/21
paykōfēd/pahikōfēd 120/14	pēšōtan 143/23
	pēšrasēd 142/21

pārag 117/16-17	pahikārēd 120/9
pāsbān 117/1	pahikārišn 120/6
pāsbāntar 117/4	pahlūg 114/3
pāy 118/10-13-234/20	pahlum ax ^v 114/11
pāyād 268/21	pahlum čiš 114/14
pāyag 118/16-8-119/1	pahnāy 115/14-117/19
pāyagīhā 119/5	pahrēz 114/15
pāyēm 269/5	pahrēzēnd 115/12
pāyēnd 269/6	pahrēzihā 115/10
pāyišn 269/2	pahrēzišn 115/8
pāy mēzišnih 235/4	pahrēz kunēd 115/4
pāzūn 137/1	pahrēz ōmand 115/6
pa → pad 114/1	palum 114/7
pad 119/7-140/17	pambagēn 136/2
padām 123/5	panīr 141/20
padīr 244/10	panj 10/11-73/16-137/16
padīrag 122/15	panjag 137/21
padīrēd 244/17	panj ēvak 137/20
padīrēh 244/19	panjum 138/4
padīrēnd 244/14	panzūdag 138/2
padīrift 244/12	parāhōm 125/19
padīriftan 244/7	parand 134/1
padīrišn 244/21	pardāzād 134/11
pad-iš 119/16-195/16	pardāzēd 134/15-21
padišxvar 119/18	pardāzēnd 135/4
padix ^v ih 120/4	parēnag 135/20
pad/payvāšag 121/12	parīgān 135/15
padsār 119/13	parnīgān 134/8

nizēd(?) 270/13
 nōg 284/3
 nōgnāvar 284/6
 nuh 11/2
 nuhum 262/10
 nūn 218/17
 nūzdah 304/19
 nivīt-zādīh 284/21

ō

ō 56/4-75/7-207/1-281/14

ō abāyēd 15/16
 ōbastan 267/14
 ōbastan 267/18
 ō bavēd 281/18
 ōbaxt 60/11
 ōbun 207/5-281/17
 ōftēd 62/8
 ōgōn/āngōn 82/9
 ōhrmazd 59/14
 ōhrmazd dād 59/19
 ōhrmazd x^vadāy 59/17
 -ōmand 74/13
 ōmēd 74/17
 ō nihišn 57/13
 ōrōn 72/7
 ōspūrig 66/1
 ōstīgānihā 66/15

ōy 281/5
 ōy-iz 207/8
 ōyrišt/ōvrišt 76/8
 ōz 63/19
 ōzadan 163/15
 ōzan 164/3
 ōzanēd 164/1
 ōzanēnd 164/4
 ōzanīhēd 18/6

P

pādafrāh 116/12
 pādixšā 115/17-116/1-
 201/6
 pādixšāyīh 115/20
 pādrōz 116/16
 pādyāb 116/4
 pādyāb dān 116/10
 pādyābīh 116/8
 pāk 117/6-318/13
 pākān 117/10
 pākīh 117/14-318/18
 pāktar 117/12
 pānag 118/5
 pānagīh 117/8
 pānzdah 118/2-304/14
 pānzdah sālag 118/4
 pānzdahum 304/16

nēm 290/7	nihādan 57/3
nēmāg 290/13	nihād ēstēd 57/6
nēmasp 290/12	nihātum 256/10
nēm pāy 290/10	nihēd 57/15
nē nihišn 57/10	nihēnd 57/22
nērōg 289/22	nihišn 57/8
Nēryōsang 290/5	nihufēnd 286/3
Nēryōšang 290/4	nihuft 262/10
nēst 232/12	nihuftag 262/15
nēvak 291/5	nimāyišn 281/20-282/1
nēvakīh 291/11	nimūd 282/8
nēvdiltar 291/17	nimūdan 282/11
nēzag 286/12	nimūd ēstēd 282/9
nīrang 290/2	nišān 287/16
nibayēd 199/21	nišast 276/4-310/4
nibēsēm 164/8	nišast ēstēd 310/7
nibēsum 164/5	nišīnān 310/1
nibišt 266/21	nišīnēd 310/11
nigān 277/7	nišīnišn 310/9
nigānīh 277/11	nivēdenišn(?) 285/5
nigān kirbag 277/10	niyābag 257/3
nigīrišn 278/5	niyāyišn 258/6
nigīrišn mānāg 278/7	niyāz 256/15-257/6
nigīrišntar 278/10	niyōgšēnd 291/10
nigīrišnīg 278/12	niyōgšīšn 291/9
nigīrišnīgtar 278/14	niyōšīdār 291/14
nihād 57/5	niyōšīdārtar 291/15
nihādag 57/24-256/4	nizār 271/11

- miyānag 237/12
 mizag 253/6
 mōg 248/1
 mōr 248/4
 mōr āšyānag 248/8
 mōrčag 248/10
 mōristān 248/18
 mōy 249/22-24
 mōyēn 250/22
 mōyīh 250/21
 mōzag 247/24
 murdag 248/11
 murdagān 248/15
 murdag pus 248/16
 murv 248/20
 murvag 245/19-249/1
 murvag-iz 249/2
 murvārīt 245/15
 myazd 238/13-251/24-253/10
 n
 nām 201/18
 nāmčišt 261/19
 nāmčištīg 261/24
 nāmḡānīh 262/2
 nān 223/11
 nāvar 258/16
 nāvtāg 257/18
 nāxun 258/3
 nāyrīg 264/19
 nāyrīg zan 264/24
 nāzūkīh 259/6
 namad 282/5
 namak 282/7
 namb 282/2
 nar 164/10
 Narsēh Burzmihr 283/14
 nasāy/nasā 272/20
 nasāy nigānīh 273/5-
 277/12
 nasāy x^vardān 273/7
 nask 274/8
 naskdād 286/13
 nasrōšt 244/15
 nasuš 274/16
 navad 33/11-182/4-315/9
 nawšābar(?) 283/17
 naxčīr 259/8
 naxčīrīh 259/11
 naxēzīg 264/7
 nax^vist 262/16
 nazd 272/8
 nazdīk 272/13
 nazdīk šud 272/15
 nazdīktar 272/14
 nē 221/7

mahmānīh 239/14	mazdist 241/17
Mahraspand/Māraspand	mazdistān 241/20
240/8	mazg 243/18
maṣōg 254/11	Mēdōgmāh 253/1
man 221/1	mēhan 252/17
mang 248/2	mēnišn 254/17
man-iz 233/4	mēnišnīg 254/24
manūyščih 240/20	mēnišnīhā 254/22
ma ōzan 39/21	mēnōg 255/1
mar 244/23	mēnōgān 255/9
mard 308/2	mēnōg ī āb 255/7
mardān 308/12	mēnōgīhā 255/10
mard bālāy 308/6	mēš 253/14
Mard būd 245/2	mēs mēš(?) 253/13
mard ī ahrav 308/9	mēvag 254/14
mard ī druvand 308/11	mēxag(?) 252/2
mardōm 68/19-245/4	mēzēd 253/7
mardōmān 69/3-245/7	mēzēnd 257/9
margarzān 246/1-8	mēzišnīh 253/3
margarzānān 246/6	mīrēd 326/4
margarzānīg 246/13	mīrišn 326/2
margarzān vināh 246/11	mih 243/21
margīh 246/15	mihān 244/3
marzēd 245/10	mihr 242/18-23
masāy/masāg 244/4	mihrāndrōz 243/9
maxš 238/16	mihrāndrōzīh 243/10
maxš par 125/18-238/19	mihtar 244/6
may 29/14	miyān 237/7-252/13

kunēm 266/5
 kunēnd 219/14-266/9
 kunīhēd 266/6
 kunišn 219/1-266/7
 kunišnān 219/7
 /kunišnīh 219/9
 kust 217/19
 kustag 217/22
 kustīg 218/1
 ku-š 87/17-195/6
 kušād 218/4
 ku-šān 87/18
 kušt 218/5-277/14
 kuštār 218/9
 kuštan 277/17

M

-m 236/1
 mād 47/5
 mādag 278/2-237/19
 mādagvar 238/3
 mādar 53/11-238/6
 mādarān 53/15-238/7
 mādiyānag 237/16
 mā ē nihēnd 57/23
 mäh 113/1-236/5
 māhgān 236/11
 māhīg 237/14

māhmān 237/1
 māhmāntar 237/5
 māhraspand 240/17
 mäh yašt 236/10
 mālišn 239/11
 -mān 230/16-20
 mānād 211/4
 mānbad 240/4
 mānbadān 240/7
 māndag 241/3
 māndag garzīdan 241/4
 mānēd 211/7
 mānēnd 211/6
 mān ī ātašān 240/2
 mānsr 240/11
 mānsraspand 240/15
 mānsr pursīdār 240/13
 mār 239/4
 mārīg 239/13
 mār ī šēbāg 239/9
 māzan 238/8
 māzanān dēvān 238/9
 ma 39/16
 mad 242/1-296/14
 madan 241/2
 mad ēstēd 242/3
 mad hēnd 296/16
 mahist 241/15

kanēd 22/11-14-16	kē-šān 249/18
kanēnd 22/11-14	kē-t 249/13
kapīg 210/15	kih 211/15
karčang 214/6	kihān 211/17
kard 217/4-265/23	kihist 219/17
kardārtar 213/18	kim 220/8
kardag 213/19-22-217/1-2	kimist 220/9
kardag kardag 213/24	kirfag 216/11
kardan 217/16	kirfag handōzih 81/19-216/14
kard bavēd 266/2	kirfagih 216/17
kard ēstēd 266/3	kirfag kardan 216/16
kark 214/8	kirfag kunišnih 216/15
karkis/karkas 214/9	kištan 220/6
kas 29/17	kōdak 216/18
kasān 30/1	kōf 216/8
kas-iz 30/3	kōr 218/10
ka-š 50/8-195/5	kōxšišn 216/3
ka-šān 50/10	kr[r] 212/16
kašīdan 212/1	kūn 218/21
kaštīg 211/18	kūn marz 219/12
katmōrvak 211/9	ku 87/16
Kay Ādūr Bōzēd 219/15	kulāfag 218/13
kayān 219/19	kulčag 214/2
kayān x ^v arrah 220/1	ku-m 87/20-236/2
kay/kaǰ 211/13	ku-mān 87/21
kē 249/3	kunēd 266/12
kē-rāy 249/20	kunēh 219/10-266/17
kē-š 195/12-249/15	

jāvēdān 304/8	kāhēd 208/1
jagar 317/6	kāhišn 208/5
jahūd/yahūd 302/4	kām 209/18
jast 314/1	kāmād 209/21
javišn 341/15	kāmag 210/3
jiv 188/23	kām akāmāy 39/1
jōrdāg 335/20-336/4	kāmēd 210/5 311/6
jōrdāg kištan 336/3	kāmēm 310/20
jūd 329/20	kāmēm kardan 311/4
jūdan 330/3	kāmist 210/8
jūyēd 331/17	kāmistan 311/1
jud 329/17-340/5	kār 208/13
judāg 340/14	kārd 209/8
judāg kardan 340/16	kārēnd 166/8
jud dādistan 341/10	kārīh 209/13
jud dādistanīh 341/12	kārzār 209/14
jud dēv dād 285/9-341/3	kārzārīg 209/17
jud dēp dād 341/13	kāskēnag 208/9
jud jud 340/12	ka/kad 50/3
jud kardag 340/18	kadām 211/1
jud rastagān 341/1	kadār 210/17
judtar 340/20	kahrubāy 209/7
jumbēnēd 337/11	ka-iz 50/12
jumbēnēnd 337/10	ka-iz-iš 50/15
	kalēndēnd(?) 215/3
K	kam 215/10
kāfēnd 208/6	kamist 215/15
kāh 147/12	kanār 216/5

hilišn 206/1
 hišt 205/18
 hištan 205/8
 hištan abāyēd 205/14
 hixr 84/7
 hōm 72/9
 hōmāst 72/16
 hōm-drōn 74/24
 hōš 66/21
 hōy 76/19
 hu-55/5
 hu-āfrīn-tar 56/17
 hu-bōy 61/10
 hu-bōyišn 61/14
 hu-bōytar 61/13
 hu-čihhr 64/1-20
 hu-čihrtar 64/4
 hu-dāg 77/10
 hu-dānāgān 80/7
 hu-kunišn 69/5
 humānāg 72/21
 hu-mat 73/9
 hu-matanām 73/12
 humāy 73/3
 hu-mēnišn 75/2
 hunar 76/2
 hunsandīh 75/12
 hu-rastagihātar 70/6

husānēd 65/14
 huspāram 65/18
 husravīh 66/18
 huš/uš-bām 67/2
 hu-xēmē 60/6-89/12
 hūxt 56/22
 hu-zahāg 65/1
 hu-zahāgtar 65/3-162/9
 hvaršt 76/5

I

i 170/1
 -ih 292/9
 -ihā 292/12
 im 170/4
 im dēn 170/6
 iš 170/2
 im-235/16
 imrōz 235/19
 -ist 313/19

J

jādūgān 296/9
 Jāmāsp 300/13
 jāmag⁽¹⁾ 301/3
 jāmag⁽²⁾ 301/6
 jān/gyān 35/10-83/18- 301/13
 jahišn 299/8

hamēšag 54/1	har bār 98/6
ham-giyāg 54/20	har ēvak 92/2
ham-gōnag 54/15	harvēn 45/15
ham-gumēzišnīh 54/13	harvisp 45/2
ham-kār 51/10	harvisp āgāh 45/7
ham-karzag 51/11	harvist 45/10
ham-karzagīh 51/13	hast 74/3
hammis 210/11	hašt 84/17-152/9
hamōgēn/hamōyēn 90/6	havāsēnd 60/16
ham-pursagīh 50/1	havāsīdag 60/15
ham-rēt 51/17	havāsišn 60/14
ham-zamān 54/11	haxt 2/10
ham-zōrīh 50/20	haxt i dašn 2/12
ham-zōrīhā 51/1	hayyār/hayār 85/4
handām 77/16	hayyārīh 85/11
handarg guftan 81/2	hayyārōmandīh 85/9
handarz/handarg 80/19	hē 74/2-83/10
handāxt 77/7	hēc/ēč 86/9
handāz 77/12	hēc kē 86/13
handāzag 77/15	hēd 74/6
handāzišn 77/13	hēm 73/21-74/4
handōzih 81/17	hēnd 74/8-76/21
hangām 77/19	hēt 86/14
hangām-ē 78/2	hēxt 64/11
hanjaman 63/14	hil 205/16
hanjēd 64/10	hilēd 205/20
han(n)ām 59/10	hilēnd 205/22
har 215/18	hilīd 205/21

gugān 335/7	hāt 2/5
gugārd 335/5	hāvandīh 8/4
gugārd ēstēd 335/6	hāvand/hāvind 7/21
gumān 337/6	hāvišt 7/7
gumānīg 337/8	hāvištān 7/9
gumārēnd 337/3	haft 16/7-84/14-197/9
gumāšt 337/4	haftād ud sē(h) 315/8
gumbad 337/9	haft amšāspand 16/11
gumēxt 338/1	haft kišvar 16/13
gumēzag dād 338/15	haftōyrang 17/3
gumēzišnīh 338/18	hagirz 39/5
gund 339/15	ham/hām 5/20
gung 339/16	ham 46/14
gurdag 336/6	hamāg 47/9
gursag 336/8	hamāg dēn 47/18
gursnag 336/8	hamāg hannām 47/16
Gušasp 333/13	hamāvandīh/amā..... 49/1
gušn 334/4	hambudīgān 49/16
gušnīh 334/7	hām-bun-iz 6/4-49/22
gyāg 189/15	ham-čōn 50/17
H	hamdādistān 53/7
h 73/20	hamē 47/4-49/7-10
hād 74/9	hamē kāhēd 49/14
hāduxt 2/13	hemē afzāyēd 49/13
hāduxtīg 2/19	hamēmāl 54/3
hāmīn 6/12	hamēmālān 54/9
hāsar/hāsr 3/3	hamēstagān 53/20
	hamēstārīh 53/16

- gētī[g] 177/14
 gētōfrīd 179/18
 gētōg xrīd 180/8
 gētō xrīd 179/7
 gīrād 182/16-265/5
 gīrānd 182/20
 gīrēd 265/17
 gīrēm 265/13
 gīrišn 265/15
 gilēn 324/10
 gögird sūdan 191/8-335/9
 Gōgušasp 342/5
 gōharīdan 327/2
 gōhr 326/18
 gōhrīg 327/4
 gōmēz 338/6
 gōmēz āb 338/11
 gōmēzag 338/14
 gōn 338/20
 gōnag 339/13
 gōspand 331/4
 gōspandān 331/8
 gōspand ī gōšn 331/12
 gōspand ī hudāg 331/11
 gōspand sardagān 331/9
 gōš 332/8
 gōšōdāg 304/4
 gōšt 100/21-333/11
 gōšt ī brištag 103/20
 gōšsurvan 333/7
 gōšsurvan amahraspand 333/9
 gōšvār 334/1
 gōv 325/12
 gōvēd 325/19
 gōvēm 325/15
 gōvēnd 326/1
 gōvišn 325/16-328/1
 gōvišnān 328/4
 gōvišnīh 328/5
 gōvizār 339/5
 gōz 330/4
 grāgtar 320/2
 grān 319/2
 grānīh 319/15
 grāntar 319/14
 grān vināhtar 319/7
 grīvag 324/11
 grift 265/7
 griftan 265/1
 grih 321/12
 grōdmān 322/18
 grōv, grav 322/9
 guft 328/21
 guftār 329/10
 guftan 329/15
 gugāhīh 335/1

fravahr 131/8	gāhānīg 298/11
fravarānē 133/2	gām 300/9
fravardīgān 133/8-141/16	gān 302/20
fravardīn 133/14	gānag 210/9
fravastag 132/20	gāušdā 302/8
fravaš 133/1	gač 310/18
frayādār 129/9	gačēn 312/6
frazand 138/6-142/1	gač kard 311/23
frazand ī cīkar 138/10	gandagīh 341/16
frazandīh 109/17	ganj 330/5
frazand zāyišnīh 138/13	ganjēnag 331/1
Frēdōn 135/6	gan[n]āg mēnōg 338/22
frēg 135/11	gar 318/19
frēh/frāy 129/5	-gar/kar 212/10
frēzvānīg 134/13	gardan 320/10
frōd 132/8	gardan band 320/13
frōd barēd 132/17	garm 322/6
frōd kasīdan 132/15	garōdmānīgīh 323/1
frōd vardēd 132/19	garzag 320/17
frōd x ^v afsēnd 44/8	garzēd 321/1
G	garzīdan 321/2
gāh ⁽¹⁾ 297/4	garzišn 320/14
gāh ⁽²⁾ 297/6	gašnag-zīvišnīh 316/20
gāh ⁽³⁾ 297/10	gavārag 326/22
gāhān 297/19	gazdum 312/19
gāhānbār 298/1	gazišn 311/8
gāhān bun 297/21	gēhān 172/12
	gētē 181/13

ēvar 93/10	frāz barišn 136/14
ēvbār 91/2	frāz burd 136/13
ēvēnag 94/7-10	frāz guft 136/16
ēvgad/ēbgad 85/22	frāz rasišnīh 136/18
ēvirišt 94/5	frāz ravēd 136/11
ēvkardag 92/14	frāz šavēd 136/22
ēvkardagīh 92/22	frāz vaxšēd 136/20
ēvkardagīhā 93/1	fradāg 127/9
ēvkardagtar 92/21	fradadafš 16/16
ēvtōg 91/8	fradum 127/11
ēvtum 91/10	fragard 135/18
ēy/ē 9/15	frahang 126/1
ēzm/esm 33/13-35/4	frazaft 128/2
ēzmdān 34/2	frajāmēnīd 127/19
	frajāmēnīd hēm 127/20
F	frajāmīg 127/16
farnbaḡ/farnbay 131/20	frajāmīgtar 127/17
farrah/x ^v arrah 187/21	frajāmišn 127/14
farrōx/farrax ^v 127/2	framān 130/3-14
frāgām 126/10	framān burdārīh 130/18
frārōn 126/18	framāyēd 130/19
frārōnīh 126/23	framāyēnd 131/1
frārōn kunišnān 126/20	framāyišn 131/2
frārōn mēnišn 126/21	framūd 131/4
frāy 126/6	framūdan 131/6
frāyist 127/7	franāmišn 131/14
frāz 136/4-8	frasang 129/1
frāz bandīšn 33/2	frasast 128/12

dvārēd 307/15-327/20	ē rāy 224/20
dvārist 308/13-327/21	ērbad 88/5
dvārišnih 327/18	ērbadān 88/9
dvāzdah 292/7-326/16	ērbadistān 88/14
Ē	ērbad-zād 88/10
ē 55/17-82/16-83/1-96/1	ērmān 89/1
ē → hē 9/19	ērmānih 89/3
ēd 9/17-55/9-56/1-83/6	ērvārag 89/6
ēd-iz 55/13	ē sad 321/3
ēdōn 87/8	ē sad hazār 321/7
ēdōn čēgōn 87/11	ē sad ud haštād 321/9-11
ēdōn ku 87/22	ē sad ud panjāh 321/5-6
ēd rāy 55/16-58/20	ēstādag 317/12
ēg 94/15	ēstēd 317/9-318/1
ēg-im 95/3	ēstēh 317/19
ēg-iš 94/23-195/7	ēstēnd 317/14
ēg-išān 95/2	ē-šān/avēšān 30/4
ēg-iz 94/20	ē-tāy 82/20
ē hazār 321/17	ēv 90/11
ē hazār ud šānzdah 322/4	ēvārag-gāh 90/20
ēmar 89/13	ēvāz 90/15
ēmēd 74/22	ēvak 93/18
ē-mōg 89/15	ēvak bār 92/1-93/20
ē-mōg dvārišnih 89/16	ēvak bar 92/7
ēn 337/14	ēvak barān 92/12
ēn-iz 337/18	ēvāk ēvak 91/20
ēraxt 87/23	ēvak-iz 93/3
	ēvak radag 92/18

dil 225/6	drust 339/9
dišt 313/11	drustīh 339/12
dō 149/13-307/9	druvāsp 336/15
dōān 327/6	druvand 324/15
dō hazār 307/20	druvandān 324/18
dōl 328/9-335/15	druvandīh 324/19
dōlmānag(?) 336/10	druj/druz 323/2
dōpaykar 329/12	druzān 323/5
dōsad 42/15	dūr 335/17
dōst 331/14	dubēzag 328/18
sōš 332/13	Duḡdāv 329/22-335/13
dōšēnd 334/18	du[m]bag 328/7
dōxt 334/19	dusrav 331/18
drāyān javišnīh 319/16	-duš 332/16
drāyīd 320/4	duš āgah 332/19
drahm 341/19	dušax ^v 331/1
drahnāg 319/11-12	dušman 333/15
drahnā(y) 319/9	duš x ^v ārīh 333/4
drang 324/6	duvāsrūjīd 327/11
dranjēd 323/7	duxt 107/4
draxt 318/21	duz 330/7
driyōšān 324/12	duzd 330/10-15
drōd 203/8-322/15	duzdīd 331/2
drōg/drōḡ 220/3	duzdīdag 330/16
drōn 323/16	duzdīh 330/11
drōn ī sigānag 324/2	duzdīh kardan 330/12
drōzan 323/11	dužvār 330/13
drōzanīh 323/15	dvān[u]s 327/8

dandān frišn 340/1-3	dēbāg 313/9
dandān friš pōst 339/19	dēh/dih 242/10
dar 100/2-9	dēn 192/18
dard 320/7	dēn 188/17
dar ī dušax ^v 100/8	dēnāgāh 189/23
dargāh 321/14	dēn ahramōgih 193/7
dar ī šāhgāh 100/6	dēn bandag 190/9
dar ī šahr 100/7	dēnbarān 190/5
dast 187/11	dēn burdār 108/14-190/7
dastōr 314/5	dēnih 193/14
dastōrān 314/8	dēn radān 193/11
dastōrih 314/10	dēr 182/13
dastōrihā 314/14	dērang 185/9
dast šōy 187/19	dēr-zamān 183/13
dast šabīg 187/16	dēr zivād 183/15
dast šustan 187/18	dēr zivišnīh 183/17
dašn 316/17	dēv 196/1-205/5
dašt 315/10	dēvān 196/5
daštān 316/3	dēvār 190/2
daštānistān 316/9	dēvār(?) 233/17
datuš 309/19	dēv yazagih 196/7
daxmag 29/8	dīd 31/18-177/10
daxšag 299/3	dīdan 181/1
day 193/4	dibīr 308/21
day-ba-mihr 193/9	did 153/4
day dādār ōhrmazd 193/12	didīgar 310/13
dazēd 312/3	dihbad 242/14
dazišn 311/22	dihbadān 242/16

dādistān 189/6-295/18	dārišnīh 299/20
dādistān ōmandīh 295/20	dāsr/dāsar 298/12
dādvar 296/2	dāsrān 298/16
dādvarān 296/7	dāšt 298/17
dādvar ī drōzan 296/5	dāštan 299/1
dādvartar 296/8	dāštārtar 298/23
dām 300/6	dāšt ēstēd 298/22
dām dād 301/10	dāyag 306/1
-dān 301/17	dah 292/4
dānāg 301/19-302/9	dah 293/20
dānāgān 301/21	dahād 293/21
dānāgtar 301/22	dahān 140/12
dānē 78/21	dahēd 294/10
dānēd 78/22	dahēm 294/9
dānēm 78/19	dahēnd 294/13
dānist 79/4	dah hazār 322/3
dānistan 78/15	dahīhist 294/19
dānist hēnd 79/6	dahišn 294/15-299/5-
dānišn 302/5	305/20
dānišnīgīhā 302/14	dahišnān 305/21
dāng 236/3-243/15-251/2	dahišnīh 305/25
dār 299/14	dahišn ōmand 299/7
dārād 307/1	dahlēz 293/2
dārē 306/21-22	dahmān afrīn 293/3
dārēd 307/2	dahyubad 306/4
dārēm 306/18	dahyubadān 306/8
dārēnd 307/7	dandān 212/6
dārišn 299/18-306/10	dandān friš 339/18

- čašnīg 157/4
 čašnīg kardan 157/6
 čašt 156/19
 čaštag 156/13-157/1
 čahār 40/5-48/10-155/11
 cahārdah 304/12
 čahārdahum 156/4
 čahār pāyān 155/13
 čahārum 156/1
 čagar [zan] 158/13
 čambar 159/17
 čamišn 159/19
 čand 160/1
 čandēnēd 160/12
 čand-iš 195/11
 caraitīg 158/22
 čarag 159/14
 čarb 159/3
 čarbih 159/13
 čarbišn 159/11
 čarbrūdīg 159/9
 čarbtar 159/6
 čašm 93/11-158/6
 čašmag 158/10
 čašm ī dašn 93/17
 čašm ī hōy 93/16
 čatrušūtak 158/1
 čē 246/19
 čēgōn/čiyōn 161/12
 čē gōvēd 247/15
 čē-hād 247/9
 čē-hēt 87/1
 čē-mān 247/13
 čē-mān handāxt 247/13
 čē-š 247/10
 cihr 62/19-160/13
 čihrāb 160/17
 čihrag(?) 160/20
 čikām-čē 161/8
 čim 161/11
 čimīgtar 161/13
 cīnišn 161/14
 čišān 158/3
 čiš-iz 250/13-19
 čitr-dād 161/2

D
 dād 294/3-295/0-6
 dād 295/2
 dādār 295/13
 dādārtar 295/17
 dādār ōhrmazd 295/16
 dādan 293/15
 dād ēstēd 294/4-7
 dādīh 297/2
 dādīhā 297/3

bōxtan 106/5
 bōxtēd 106/8
 bōxtišn 106/2
 bōy 111/1-6
 bōy ī pāk 111/5
 bōzēh 107/13
 bōzišn 107/18
 bōzišnīgtar 108/2
 brād 102/9
 brašnūm 103/22
 brāzyāg 102/13
 brāzyāgtar 102/20
 brēh/brāh 102/3
 brēhēnēh 105/1
 brēhēnīd 105/3
 brēhēnīdan 104/19
 brēhēnīd ēstēd 105/5
 brīdan 105/7
 brištag 103/16
 būd 106/16-303/8
 būdan 107/8-303/4
 būd bavēd 303/13
 būd hēnd 106/20-303/11
 būdīh 303/25
 būm 109/8
 būšāsp 108/5
 buland 104/10-109/4
 buland gar 104/16

bulandtar 109/6
 bun 109/20
 bun-iš 110/9-195/9
 bun kardag 110/7
 burd 185/14
 burdan 108/16
 burdār 108/13
 burīd 124/7
 burīdan 124/12
 burīd ēstēd 124/9
 burrēd 124/16
 burrēnd 124/15
 burrišn 108/20-124/10
 burz 108/7
 burzēd 108/11
 buz 107/11
 buz-pašm 107/14

Č

čābuktar 156/9
 čāh 155/4
 čāhīg 156/7
 čār 157/8
 čārag 157/11
 čārag kardan 157/13
 čārūg 157/14
 čāšīdag 157/3
 čāšišnīh 157/7

bāzāy 97/4	bavandagīh 110/16
bahr 96/9	bavandagtar 110/14
baḡ/bag/bay 101/7	bavēd 303/22
baḡān 101/6	bavēh 303/20
baḡ baxt 101/16	bavēnd 303/18
baḡ yasn 99/18	bavišn 304/1
band 110/18	baxšišn 97/19
bandēd 33/6	baxt 97/10-11
bandēnd 33/4	Baxt Afrīd 97/14
bandišn 32/20	baxtārīh 96/5
bar 101/19-20	bē/be 105/10
barēd 186/6-10	bēd 111/19
barēnd 186/4	bēh 111/17
barišn 186/1	bē ka 105/18
barišnīh 104/6	bē kē 105/22
barōmand 102/21	bē mān 105/21
barōmandtar 102/22	bērōn 112/13
barsam/barsum 103/1	bē-š 105/20-195/8
barsum dān 103/7	bēšāz 112/4
barsum ī apādyāb 103/9	bēšāzīh 112/7
barsum ī 7 tāg 103/11	bēšāzišn 112/9
bast 100/8	bēšāzišnīh 112/11
bastag 100/20	bētōm 112/1
bastan 100/14	bīm 112/16
bast ēstēd 100/17	bīm ōmand 112/20
bavād 303/15	bōb 106/10
bavānd 303/17	bōtzētīh 107/1
bavandag 110/11	bōxt 105/23

- āstar 35/17
 āstar burdan 35/19
 a-tarsāgāh 27/14
 a-tavānīg 27/17
 avām 14/8
 avāmihā 14/12
 a-vēnāg 81/13
 a-vēnēd 82/14
 a-vēnišn 82/7
 avēzag dād 25/7
 a-vināh 75/8
 a-vināhīh 75/11
 avistāg/abistāg 19/18
 avistāg zand 19/22
 aviš 61/3
 avištāb 67/7
 a-vizīdār 64/13
 a-vizīdār dahišn 305/23
 a-vizīdār dahišnān 64/18
 axš 93/13
 axtar 2/21
 axtarīg 3/1
 ax^v 6/15
 ax^vān 6/22
 a-x^vēškārīh 8/19
 a-x^vēškārīh 9/1
 a-x^vēškārīhā 9/3
 ax^v ī astōmand 6/19
 ayāb/ayā 91/4
 ayādēnišn 84/20
 a-yōšdāhr/a-yōždāhr 91/14
 a-yōšdāhrīh 91/17
 ayōxsust 93/5
 az 12/1-247/16
 azān 29/6
 azabar 16/4
 a-zarmān 21/19
 azēr 25/9
 az-iš 21/1
 ažidahāg 18/13
B
 b 96/1
 bālāy 98/8
 bālēn 98/13
 bālengāh 98/16
 bālišn 98/10
 bām 98/18
 bāmdād 99/1
 bāmīg 99/3
 bāmīgtar 99/5
 bān 99/15
 bār 98/2
 bāzā 97/6
 bāzāg 96/13
 bāzāgōztar 97/1

anōh/anōd 149/15	aršišvang 43/2
anōšag 75/16	aršišvang ī hucihr 43/6
a-pādixšā 13/2	artēštār 41/14
a-pādixšā-tar 13/4	artēštārān 41/18
a-pādyāb 13/11	arz 277/18
apār/appār 14/2	arz 42/1
a-patētīh 17/8	arzānīgān 42/8
a-patūg 16/20	arzōmandīh 42/6
appar bavēd 14/7	arzōmandtar 42/4
appurd 24/9	arzūr 42/19
appurdag 24/12	asēm 34/8
appurdan 191/11	a-sēj 314/20-34/5
appurd ēstēd 24/11	asp 191/21
appurēd 191/10	aspur 30/16
aprēšam 23/3	asrōšdār 32/10
aprēšamēn 23/4	asrōšt 32/10
aprēšum 23/5	ast 30/20-31/3-9
ard 41/1	astag 31/3
ardavahišt 63/2	ast-ōmand 30/20
ardavahišt ī hučihr 63/11aš/axš 3/7	ašavahišt 37/5
ardāy 41/6	ašem 36/17
ardāy fravard 41/9	ašemvohūg 36/18-37/2
arduš 45/17	aškōb 36/10
ardvisūr 46/5	aškumb 36/12
arm 44/1	ašnavēd 37/13
armāv/xarmā[v] 153/6	ašnavišn 276/14
arm ī dašn 44/2	aštād 35/12
armišt 44/13	

ahravtar/ahlavtar 5/12	an-āhōg 56/8
ahriman/ahrman 4/17	anār 59/3
ahrmōg 4/9	an-āsānīh 58/11
ahunvad/ahuvēd gāh 8/6	an-afsūdag 56/20
ahuvar/ahunavar 7/18	anayrān 80/11
ahyās 9/10	anbān 61/1
aivyāhanīh 85/14	anbār 60/17
aivyāng 86/5	anbrōd/t 61/8
akāmāy 38/18	and 77/1
akāmagīhā 39/3	and...čand 77/3-78/3
akār 38/14	andak 80/9
akārēnīdan 38/16	andar 188/5
aṣryāk 37/17	andar abāyēd 15/17
am 46/10	andarg 80/16
amāh/amāg 232/3	andar kār ēstēd 318/9
amāh hēm 74/5	andar ōftēd 62/12
amahraspand 48/14	andarōn 81/9-12
amahraspandān 48/21	andarvāy 81/3
a-mān 48/11	andar zamān 188/15
a-marg 51/15	andbālāy 77/6
amāvand x ^v āstan 49/5	andūdan 81/14
amihraspand 51/6	anē/ēnyā 93/21
amihraspandān 51/8	an-ēmēd 60/9
amšāspand 51/3	an-ērān 60/1
amurdād 52/20	angišt 79/18
an-āgāhīh 58/13	angiš ī afsard 79/20
anāgīh 58/16	angōšīdag 82/4
anāgīh dēnīh 58/19	angust 82/1

abē-bīm 25/2	afganēd 228/13
abē-dād 18/16-20/12	afganēnd 228/11
abē-gumān 20/12	afganišn 228/15
abē-mōzag 25/18	afrōxtan 21/21
abēr 25/12	afrōzēnd 22/9
abē-rāhīh 25/17	afrōzišn 22/6
abērtar 25/15	afsān 18/19
abē-vināh 26/5	afsāyēnd 19/2
abē-vināhīh 26/7	afsard 20/3
abēzag/avēzag 25/4	afsihēnīdārtar 19/5
abgandan/afgandan 228/6	afšēd/apšēd 21/5
abispārd 19/13	afšēd ēstēd 21/7
abispārdan 19/9	afzār/abzār 17/10
abispārēnd 19/14	afzāyēd 18/1
abistān/avistān 19/23	afzāyišn 17/13
abr/avr 11/7	afzōnīgīhā 18/4
abrāmōn 11/10	afzūn 17/19
abāb 23/18	agar 26/8
aburnāy 24/13	agar-š 26/12
aburnāyag 22/2	agar-šān 26/14
aburnāyagān 22/5	a-griftār 88/11
aburnāyīg 24/14-16	ahrāyīh/ahlāyīh 4/3
abzūdan/afzūdan 17/15	ahramōgīh 4/13
a-dād 84/3	ahrav/ahlav 5/2
a-dādīhā 84/5	ahravān 4/21
afarg/aparg 22/18	ahravdād/ahlavdād 5/16
afdum/abdum 26/1	ahravēn/ahlavēn 5/9
afgand ēstēd 228/10	ahravīh/ahlavīh 5/14

- ātaš ī vahrām 27/6
 ātaxš/ātaš 26/16
 āvarād 305/16
 āvardan 305/7
 āvarēd 225/13-305/2-13
 āvarēm 305/10
 āvarēnd 305/14
 āvarišn 305/17
 āxēzēnd 220/10
 āxēzēnēnd 9/5
 āyād 296/12
 āyaft 84/1
 āyēnd 296/19
 āyišn 297/1
 āz 29/3
 āzarak 23/1
- A**
- abāg 230/1
 abāgīh 13/18
 abārīg 15/1
 abāxtar 12/13
 abāxtar rōn 232/8
 abāyēd 15/10
 abāyēd dādan 15/23
 abāyēd kardan 15/24
 abāyēd šudan 15/21
 abāyist 15/26
- abāyišnīg 16/2
 abāz 223/20
 abāz āxēzēnd 220/11
 abāz āxēzēnēnd 9/8
 abāz āyēnd 296/21
 abāz bandēd 33/10
 abāz dārēm 306/19
 abāz dārišnīh 224/2-299/21
 abāz ēstēd 318/7
 abāz kāhēd 208/4
 abāz kun 223/23
 abāz nihēd 57/20
 abāz rēzēd 233/15
 abāz šudan 224/1
 abar 21/11-253/20
 abar āmōzēd 52/14
 abar barēd 186/14
 abar burd 185/16
 abar dārišnīh 300/1
 abar kašīdan 212/5
 abar mādag šudan 238/1
 abar mad 242/8
 abar nē yazišn 21/14
 abar nihēd 57/21
 abar ravēnd 226/1
 a-baxšīh 13/14
 abē- 24/19

āgāhīh 38/13	āpus 24/2
āgāh-tar 38/10	āpus bavēd 24/5
āgrift 88/16	āpustan 24/7
āgust 39/9	ān-iz 63/22
āgust ēstēd 39/14	ārāyēd 40/1
āhan/āhēn 7/13-34/17	ārd 210/1
āhandil 7/16	ārdag 41/20
āhanjīdan 64/10	ārzōg 42/12
āhanjišn 7/2	ārzōg ōmand tar 42/14
āhēnēn 35/2	āsān 30/6
āhēn ī dil 34/20	āsānīh 30/7-58/12
āhēn ī vidāxtag 34/21	āsāntar 30/9
āhēxt 64/11	āstarēd/āstarbrēd(?) 87/2
āhōg 56/9	āsarvan/āsrōn 32/15-18
ā-iz 12/6	āsarvaxšān(?) 260/14
āk/āy 38/1	āsmān 33/14-16
āk-dēn 38/3	āsnīt 34/12
āmār 48/5	āsnīt xrad 34/14
āmārēnēd 48/10	āsrōg 32/13
āmōn 6/7	āstvān 31/10
āmōxtārīh 52/2	āstvān būdan 31/14
āmōxtan 52/4	āstvānīh 31/16
āmōxtēd 52/8	ā-š 195/4
āmōzēd 52/10	āškārag 36/3
āmurzišn 52/16	āškāragīhā 36/5
āmurzišn x ^v āhēnd 111/16	ātašān 26/22
ān 55/1-163/11	ātaš ī ōhrmazd 27/2
-ān 75/4	ātaš ī vāzišt 27/8



فهرست واژه‌های فارسی میانه (پهلوی)
کتابخانه ملی و اسناد ایران

Ā

- | | |
|---------------------------|--------------------------|
| ā 83/8 | ābustanih 20/9 |
| āb 12/9-251/8-252/22 | āb zēh 155/9 |
| ābād 12/19 | āb zōhr 251/21 |
| ābādānih 12/22 | ādur/ātur 27/19 |
| ābādag 13/9 | ādurbād ī mārispand 28/7 |
| ābād-tar 13/6 | ādurbād ī mārispandān |
| ābād-xīrīh/hērīh 13/7 | 28/4 |
| ābān ⁽¹⁾ 14/14 | ādurbād ī zarduštān 28/9 |
| ābān ⁽²⁾ 14/19 | ādur farnbay 28/15 |
| ābgēnag 20/11 | ādur farnbay narsē 28/11 |
| āb ī čāh 251/18-19 | ādur ī burz 108/9 |
| āb ī ēstādag 251/23 | āduristar 28/13 |
| āb ī vēh 251/20 | ādur ōhrmazd 28/2 |
| ābistan 20/6 | āfrīn 23/8-24/17 |
| āb ud gōmēz 251/16 | āfrīn kunēh 23/12 |
| ābus/āpus 24/2 | āfrīn-tar 23/15 |
| ābustan 24/7 | āgāh 38/5-14 |

;

"فهرست واژه‌های کتاب"

سپاسگزاری

اکنون که چاپ دوم کتاب به پایان رسیده است لازم می دانم که از رئیس محترم سازمان انتشارات دانشگاه شیراز که چاپ این کتاب را در مجموعه انتشارات دانشگاه تصویب نموده اند. و نیز از آقایان محمود جعفری دهقی و مسعود طوفان که طرح حروفچینی و صفحه بندی چاپ اول کتاب را دادند. و نیز از آقای حسین نیکویی و محمود قنبرزاده و همکاران عزیزشان در چاپخانه دانشگاه شیراز که با محبت و لطف و گشاده رویی و دقت تمام چاپ این کتاب را به پایان رسانیدند، با تمام وجود سپاسگزاری نمایم

محمود طاووسی

استاد دانشگاه شیراز



کتابخانه ملی ایران

آثار دیگر مؤلف این کتاب

۱۳۴۲ (نایاب)	دیوان ادیب طوسی ناشر ابن سینا تبریز
۱۳۵۴	مجموعه مقالات ماهیار نوابی موسسه آسیایی (ج ۱)
۱۳۶۱ (نایاب)	مشوی خضر و موسی اثر وقار شیرازی فروزنگه شیراز
۱۳۶۲ (نایاب)	عشره کامله اثر وقار شیرازی فروزنگه شیراز
۱۳۶۳	فرمان علی (ع) به مالک اشتر اثر وقار شیرازی انتشارات نوید شیراز
۱۳۶۵ (نایاب)	واژه نامه شایست نشایست دانشگاه شیراز
۱۳۶۶	انجمن دانش اثر وقار شیرازی انتشارات نوید شیراز
۱۳۶۶	گنجینه هنر و خط و تذهیب انتشارات نوید شیراز
۱۳۷۰	یکصد غزل و یک ساقینامه از خواجو انتشارات نوید شیراز
۱۳۷۱	نامگانی استاد علی سامی ج ۱ (مجموعه مقالات) انتشارات نوید شیراز
۱۳۷۱	تذکره مرآت الفصاحه اثر شیخ مفید داور انتشارات نوید شیراز
۱۳۷۲	نامگانی استاد علی سامی ج ۲ (مجموعه مقالات) انتشارات نوید شیراز

ب: زیر چاپ دارد

- ۱- دیوان وصال شیرازی ۲ مجلد
- ۲- زندگی و آثار آقا فتحعلی حجاب شیرازی ، خوشنویس معروف
- ۳- مجموعه مقالات دکتر ماهیار نوابی جلد ۲
- ۴- سنگ نوشته های هخامنشیان ، متن اصلی ، آوانویسی لاتین - ترجمه فارسی و انگلیسی
- ۵- گنجینه هنر جلد دوم
- ۶- شایست نشایست ، متن اصلی ، آوانویسی لاتین ، ترجمه فارسی و توضیحات
- ۷- تذکره شعاعیه اثر محمدحسین شعاع الملک شیرازی ، تصحیح و تکمیل و

Shiraz University Publication

A GLOSSARY OF
ŠĀYIST NĒ ŠĀYIST

A pahlavi - persian Glossary
and Six indexes

By

Mahmood Tavoossi

Second Edition

Nov. 1993

SHIRAZ, IRAN